



ماهنامه اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی جمهوری اسلامی ایران
سال هشتاد و هشتم - شماره ۱۲۱ (دوره جدید)
اسفند ماه ۱۳۹۷ - ۱۵۰ صفحه - ۱۵۵۰۰ تومان

روزهای ایران روشنی‌ها و ناروشتنی‌ها



اخلاق در محاق

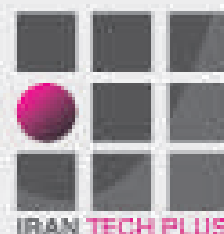
انتخابات نهم و اتاق آینده

آنچه بودجه ندارد شفافیت است

در مدار مدارا و طرح برخی نکات

جابه جایی جمعیت و آرامش و تهدید

IRAN +TECH+ 2019



Commercialization of Advanced Technologies Event of Iran

Venue: Iran Chamber of Commerce, Industry, Mines and Agriculture

24 Feb. 2019 | 14:00 - 20:00



رویداد تجاری سازی فناوری های پیشرفته ایران

• محیط زیست • صنایع غذایی • انرژی • حمل و نقل • شهر هوشمند • بهداشت و سلامت

محل: اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران | تاریخ: ۵ اسفندماه ۱۳۹۷ | زمان: ۱۴ الی ۲۰

تفوییم رویداد

- آغاز ثبت نام و ارسال طرح های تجاری: سه شنبه ۲۷ آذر ۱۳۹۷
- پایان مهلت ثبت نام و ارسال طرح های تجاری: شنبه ۶ بهمن ۱۳۹۷
- اعلام نتیجه ارزیابی طرح های تجاری: هفته آخر بهمن ماه
- رویداد ارائه تجاری: یکشنبه ۵ اسفند ۱۳۹۷

 www.irantechplus.com

 +۹۸ ۲۱ ۸۵۷۷۲۶۲۸

 info@irantechplus.com

 +۹۸ ۲۱ ۸۸۸۲۵۱۱۱



ویراستار: فاطمه ابراهیمیان
حروفچین: حمیدرضا خدابخش
ویرایش عکس: عرفان اسلامی

نشانی: تهران، خیابان طالقانی،
نیش خیابان شهید موسوی
(فرست)، پلاک ۱۷۵
کد پستی: ۱۵۸۳۶۴۸۴۹۹
تلفن: ۰۰۰ ۸۵۷۳ (۰۲۱)
فاکس: ۸۵۷۳۳۳۳۳ (۰۲۱)

چاپ: امکان ۸۸۹۳۲۷۹۳
خیابان دماوند، خیابان ناصری، پلاک ۳

جانشین مدیر مسئول: محمدرضا عرب
سر دبیر: محمدصادق جنان صفت

معاون سر دبیر:
محمدعلی توحید

تحریریه:
محمدرضا ستاری، منصوره نصرتی کردکندی
حمید باقریان، مونا مشهدی رجبی
حسن صادقی

با تشکر از: حجت سپهوند
مدیر هنری: علی صائمی



صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع
معادن و کشاورزی ایران
زیر نظر شورای سیاستگذاری
مدیر مسئول: علیرضا اشرف

در این شماره می‌خوانید:

نکوداشت



۵

انتخابات نهم



۹

سال نو مبارک



روزهای ایران



۱۳

اخلاق



۲۵

بودجه ۹۸



۲۵

شرح صدر



۴۹

چالش جمعیت



۵۷

هوش مصنوعی



۶۵

بازارها



۷۷

انقلاب چهارم



۸۵

ناروشنی‌های ناراحت‌کننده ۱۳۹۸



محمدصادق جنان‌صفت
سردبیر

یک ناروشنی و ابهام بزرگ است که ایرانیان با خود به سال آینده می‌برند.

♦ عادت به رشد منفی

رشد تولید ناخالص داخلی با وجود همه شلاق‌هایی که بر تن آن خورده و می‌خورد هنوز معتبرترین متغیر برای ارزیابی کامیابی یا ناکامی اقتصاد کشورها به حساب می‌آید. آمار و ارقام ارایه شده از سوی بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول و نیز مرکز پژوهش‌های جهانی نشان می‌دهد رشد اقتصادی ایران برای دومین دوره دو ساله (پس از ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲) با رشد منفی مواجه خواهد شد. این یک علامت پرسش است آیا می‌خواهیم تهدیدست شدن شهروندان را برایشان یک عادت کنیم و با چشم‌های باز به سمت فقیرتر شدن ایران و شهروندان آن گام برداریم؟ در این صورت چه امیدی باید در دل و ذهن جوانان باشد؟ ناروشنی که رشد منفی اقتصاد ایجاد می‌کند بدترین میراثی است که از سال ۱۳۹۷ برای سال بعد می‌بریم.

زمین و زمان هرگز از هیچ انسانی با هر میزان قدرت و شوکت فرمان‌نبرده و نخواهند برد و می‌چرخند و جلو می‌روند. این روزها، ایرانیان با همه دلخوری‌ها، اندوه و حسرت از روزگار ناخوش کسب و کار در سطح کلان، بنگاه و خانوار باز هم چشم به راه برپایی جشن نوروز هستند. با نو شدن روز و روزگار و طبیعت، ایرانیان چند روزی را در کنار هم سپری کرده و امیدهای تازه‌ای را جستجو می‌کنند و می‌خواهند از نو شدن طبیعت جان تازه‌ای بگیرند. ایرانیان در سال ۱۳۹۷ روزهای ناخوش و غم‌انگیزی را تجربه کرده و شهروندان به ویژه مزد و حقوق‌بگیران در دو نوبت بهار و زمستان با حیرت و حسرت شاهد پرش بلند قیمت کالاها در محل‌های عرضه بودند. ایرانیان یک بار در بهار امسال به چشم دیدند که نرخ هر دلار آمریکا به ریال رشدی شتابان را تجربه کرد و به طور میانگین تا ۲/۵ برابر قیمت زمستان سال ۱۳۹۶ به بالا پرتاب شد. این اتفاق که افتاد همه عرضه‌کنندگان کالا در هر وضعی که بودند نرخ تازه‌ای برای کالاهای خود لحاظ کرده و با توجه به تثبیت مزد و حقوق کارگران و کارمندان، قدرت خرید شهروندان از دست رفت. برخی باور دارند در سال ۱۳۹۷ قدرت خرید شهروندان دست کم ۵۰ درصد کاهش داشته و این اتفاق یعنی تهدیدست‌تر شدن بدنه جامعه ایرانی. ایرانیان اما در زمستان امسال نیز به چشم دیدند که میانگین نرخ هر دلار آمریکا رشدی قابل‌اعتنا اما کم‌سرعت‌تر از بهار داشته و هنوز در نوسان است اما باز هم قیمت کالاها و خدمات افزایش یافت. اکنون در آستانه رسیدن بهار ۱۳۹۸ و نو شدن طبیعت ایرانیان در حوزه کلان اقتصاد و سیاست با چند ناروشنی به استقبال بهار می‌روند که برخی از این ناروشنی‌ها را معرفی می‌کنیم.

♦ تکلیف ایران با تحریم

این یک واقعیت است که غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا به رغم همه تکه تکه شدن‌های دو سال اخیر اما هنوز ماهیت خود را حفظ کرده و رهبری آمریکا را قبول دارد. تکلیف ایران در سال ۱۳۹۷ با این قطب نیرومند جهان تعیین نشد و به نظر می‌رسد در سال ۱۳۹۸ نیز چنین خواهد شد. ناروشنی در سیاست خارجی نسبت به غرب به ویژه آمریکا برای کلیت جامعه ایرانی پیامدهایی دارد که بخشی از آن بدتر شدن کسب و کارهاست. این واقعیت را باید قبول کرد. آیا ایران قرار است در سال ۱۳۹۸ زندگی در تحریم را ادامه دهد یا راهی برای عبور از آن در ذهن و فکر مدیران ارشد اداره‌کننده جامعه وجود دارد. این

نشده است در لبه پرتگاه سقوط قرار دارد. در سال ۱۳۹۷ به رغم اعلام نیاز دولت به عضویت ایران در پارلمو به مثابه ماندن در زمین بازی پولی دنیا اما لایحه‌های تهیه شده از سوی دولت در یک نهاد بالادستی گیر کرده و یک ناروشنی برای سال ۱۳۹۸ خواهد بود.

♦ سیاست ارزی

واقعیت این است که اقتصاد دولت، بنگاه‌ها و خانواده‌ها به سیاست ارزی و در قلب آن سیاست معطوف به رفتار نرخ دلار در بازار ارز گره خورده است. در سال ۱۳۹۷ دولت نتوانست یا نخواست سیاست ارزی روشن، ثابت و با نوسان کم و کارآمد اتخاذ کند. پیامد سیاست ارزی عجیب دولت و بانک مرکزی در سال ۱۳۹۷ به هدر دادن میلیاردها دلار کمپاب در یک سردرگمی عجیب‌تر شد و هیچ اثر ملموس و مشخص بر جای نگذاشت. آیا در سال ۱۳۹۸ این نقص بزرگ برطرف می‌شود؟ ناروشنی در این باره کسب و کار و زندگی ایرانیان را به باتلاق می‌برد.

♦ مبارزه با فساد

در سال ۱۳۹۷ شاهد بودیم که فساد سیستماتیک در حوزه پولی، ارزی، تجاری چگونه به افزایش شکاف طبقاتی در ایران منجر شد. دیدیم که دستیابی یک گروه کوچک به ثروت‌های بادآورده که از سیاست‌های اقتصادی دولت سرچشمه می‌گرفتند راه را برای کار شرافتمندانه تنگ کرده و بذر فساد و تباهی در جامعه پراکنده شد. آیا در سال ۱۳۹۸ شاهد کاهش گستردگی و زرفای فساد با اتخاذ سیاست‌های روشن اقتصادی خواهیم بود؟ مبارزه با فساد باید نظاممند باشد و به ریشه‌های فساد بپوش ببرد نه اینکه به شاخ و برگ‌ها حمله کند و اتفاقاً زمینه رشد ریشه‌دارتر بسترهای فساد شود. این یک ناروشنی بسیار بزرگ و یک دام پهن شده برای فعالان اقتصادی در سال ۱۳۹۸ خواهد بود.

♦ تجارت آزاد یا در بند

تجربه جهان معاصر نشان می‌دهد تجارت آزاد یک یاری‌دهنده بزرگ برای صلح جهانی، رشد و توسعه اقتصادهای ملی و بهره‌مند شدن فقیران جهان از برکت‌های این مقوله بوده است. تجارت آزاد می‌تواند نویدبخش باشد و انحصارهای داخلی در سمت تقاضا و در سمت عرضه را با چالش جدی مواجه کرده و سود شهروندان را افزایش دهد. اما تجارت آزاد در ایران در شرایط تحریم اقتصادی با ناآزادی و ناروشنی مواجه شده و روزه‌های نفس کشیدن آن باریک‌تر شده است. آیا در سال ۱۳۹۸ شاهد آزادی تجارت خارجی خواهیم بود یا اینکه مقوله واردات و مقوله صادرات با تحدید و تهدید مواجه خواهند شد؟ این یک مسیر را نشان می‌دهد که روشنی یا ناروشنی آن برای سال ۱۳۹۸ تعیین‌کننده است.

♦ تکلیف بخش خصوصی

فعالان بخش خصوصی ایران در سال ۱۳۹۷ یکی از بدترین سال‌ها را در دهه‌های اخیر سپری کرده و میراث بدی با خود برای سال بعد می‌برند. در سال ۱۳۹۷ بوروکرات‌های دولتی و مدیران بانفوذ بنگاه‌های غول‌پیکر به همراه طرفداران برخی از کسانی که با اقتصاد آزاد دشمن هستند روزگار فعالان خصوصی را سیاه کردند. آنها توپ پرش شدید نرخ دلار و تبعیت بازار کالا از نرخ تبدیل دلار به ریال را کار بخش خصوصی معرفی کرده و پروژه ناکارآمد کردن اقتصاد از سوی خصوصی‌ها را کلید زدند. آیا قرار است سال ۱۳۹۸ این پروژه تکمیل شود؟

♦ بی‌دولتی

کاهش سهم و نقش قدرت نهاد دولت نسبت به سایر نهادها در هر حوزه‌ای در سال ۱۳۹۷ یک رخداد قابل‌اعتنا و محسوس بود. به نظر می‌رسد یکی از ناروشنی‌های سال ۱۳۹۸ این است که آیا باقی‌مانده قدرت دولت در سیاستگذاری‌های کلان اقتصادی و به ویژه دیپلماسی نیز زایل خواهد شد. این یک ناروشنی با پیامدهای تاریک دارد که باید آن را همین امروز دید و آنالیز کرد. در صورتی که بی‌دولتی ادامه داشته باشد سنگ روی سنگ بند نخواهد شد و شهروندان نمی‌توانند به هیچ‌آدرسی در هیچ حوزه‌ای اعتماد کنند.

♦ FATF

ایران باید بتواند از نهادهای بین‌المللی پولی برای چرخاندن اقتصاد خود استفاده کند. در حال حاضر به دلیل اینکه ایران عضو FATF (مقررات مبارزه با پولشویی در مسیر مبارزه با سازمان‌های تروریستی)

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



نکوداشت مرد اخلاق و کار و تعادل

خارج از قدرت محبوبیت دارد و اسحاق جهانگیری معاون اول رییس جمهور تا برخی از روحانیون بلندپایه سیاسی از جناح‌های گوناگون راه را برای شاید شکستن قطب بندی‌های سفت و سخت در نکوداشت‌های احتمالی دیگر هموار کند. برآیند صحبت‌های مطرح شده از سوی شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی این بود که حاج آقا علاء در دوران فعالیت خود فردی اثرگذار در صنعت و تولید کشور بوده، کسی که در کنار فعالیت‌های اقتصادی‌اش همواره مسوولیت‌های اجتماعی را انجام داده و به اصول اخلاقی کسب‌وکار پایبند بوده است.

از جناح‌ها برسر اصول خود کار را به جایی رسانده است که برخی اوقات درباره اینکه باید نکوداشت‌های ملی داشت نیز به تفاهم نمی‌رسند. اما در روز ۲۹ بهمن این عادت در حال سفت شدن شکست و در نکوداشت علاء میرمحمد صادقی یکی از قدیمی‌ترین بازرگان - صنعتگر ایرانی از هردو جناح سیاسی کشور آمدند و از این فعال خصوصی ۸۷ ساله تمجید کردند. حضور فردی مثل رحیم صفوی فرمانده سابق سپاه پاسداران و مشاور ارشد نظامی مقام رهبری در حال حاضر تا محمد دعایی روحانی که نزد طیف‌های گوناگون سیاسی و به ویژه نزد سیاسیون

سیاست در ایران به مثابه بالاترین و موثرترین کنش افراد و احزاب و گروه‌ها راهی را برای جامعه ساخته و آن را به جایی رسانده است که دوقطبی سفت و سختی در میان کنشگران سیاسی پدیدار کرده است. خوب یا بد، این وضعیت دوقطبی موجب شده است هر کدام از جناح‌های سیاسی با شماری از طیف‌های درون خود در مسائل مهم جامعه مثل سیاست خارجی و تعامل با نهادهای جهانی و همچنین مسائل مهم اقتصادی مثل اینکه راهبرد و اندیشه اقتصادی چه باشد به تفاهم نمی‌رسند. این دوقطبی شدن کنش سیاسی و ایستادگی هر کدام



اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری، حدادعادل از چهره‌های سرشناس اصولگرا، محمد عطریانفر از فعالان اصلاح طلب، علی مطهری نماینده مجلس که بیشتر با دغدغه‌های خاص فرهنگی و سیاسی‌اش شناخته می‌شود، محمد نهاوندیان معاون اقتصادی رئیس جمهوری و از تکنوکرات‌های دولتی، سیدیحیی رحیم‌صفوی، دستیار و مشاور عالی فرماندهی کل قوا در امور مرتبط با نیروهای مسلح، مهدی کرباسیان رئیس سابق ایمیدرو، محمد شریعتمداری و محمدرضا نعمت‌زاده وزرای سابق و اسبق صنعت، معدن و تجارت، محموددعایی، نماینده ولی فقیه در موسسه اطلاعات و مدیرمسئول این روزنامه، محسن قرائتی از روحانیون سرشناس و همچنین جمع زیادی از چهره‌ها و فعالان پیشکسوت اقتصادی در این مراسم نکوداشت حضور پیدا کردند. همچنین در بخشی هم پیام علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی، در تمجید از میرمحمد صادقی به صورت ویدئویی پخش شد. در این مراسم شخصیت میرمحمد صادقی و وجوه اجتماعی، سیاسی و اقتصادی‌اش که در یک مسیر مداوم بر مدار اصول و اخلاق کسب و کار شکل گرفته، مورد توجه واقع شد؛ خصیصه‌هایی که باعث شده شخصیت او مورد توجه اندیشه‌های مختلف قرار گیرد. حاج آقا علاء به عنوان فردی معرفی شد که در کنار ایجاد ارزش افزوده و خلق ثروت، همواره در حوزه عمومی به عنوان فردی خیر فعال بوده و مسوولیت‌های اجتماعی را فراموش نکرده، این ویژگی بارز او باعث شده است که حتی کسانی که به لحاظ فکری یا روشی با حاج آقا میرمحمد صادقی مخالف هستند به واسطه فضیلت فردی او، برایش احترام قائل شوند و از او در جایگاه فردی نام ببرند که همیشه برای مخالفان خود احترام قائل بوده و صحبت‌های آنها را شنیده است. در کنار توجه به مسوولیت اجتماعی، یکی دیگر از ویژگی‌های این چهره پیشکسوت از نگاه ناظران، توجه ویژه او به حمایت از اقتصاد رقابتی و بخش خصوصی بوده است. به اعتقاد بسیاری سبک کاری حاج آقا علاء با بسیاری از هم‌نسلان خود و

نسل‌های بعد از خود متفاوت بوده است. فعالیت او تنها در بخش توزیع محدود نمانده؛ بلکه در بخش تولید بسیار فعال و اثرگذار بوده است. تحلیلگران در این باره معتقدند مدل کاری میرمحمد صادقی با سبک سنتی بنکداران متفاوت بوده است. در واقع او مانند بنکدارانی نبوده که لزوماً از کارخانه‌ها یا واردکنندگان اجناس مورد نیازش را تهیه کند، از این زاویه می‌توان گفت او کارآفرین‌تر از سایر بنکداران است. یکی از نقاط عطف دوران کاری میرمحمد صادقی حضور و فعالیتش در دو نهاد «سازمان اقتصاد اسلامی ایران» و «اتاق بازرگانی ایران» بوده است. او به واسطه حضورش در سازمان اقتصاد اسلامی باعث ایجاد مسیری غیرمتعارف و متفاوت در بازار پول شد. ساختار این سازمان به گونه‌ای طراحی شد که به سایر صندوق‌های قرض الحسنه وام بدهد. به اعتقاد بسیاری این الگوی جدید در بازار پول باعث شد که به خیلی از نیازمندان به شکل قاعده‌مند کمک شود.

♦ پررنگ و کمرنگ

علامیر محمد صادقی حالا ۸۷ سال دارد و نزدیک به ۶۰ سال کسب و کار اقتصادی و مراودات سیاسی و رفتار نیکوکارانه و کمک به نهادهای کارفرمایی و حمایت از بنگاه داران را در کارنامه‌اش می‌توان دید که هر کدام از این مقوله‌ها در کانون توجه سخنرانان نشست نکوداشت او قرار گرفت. فرصت سخن گفتن برای کسانی که شور و شوق داشتند تا درباره یکی از بخش‌های کارنامه میرمحمد صادقی سخن بگویند چندان نبود که درباره نقش بی‌بدیل او و گروهی از صنعتگران مقاوم درباره مصادره کارخانه‌ها و ملی کردن بنگاه‌ها در ماه‌های بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی به تفصیل چیزی گفته شود. این رخداد بزرگی بود که در اوایل دهه ۱۳۶۰ و در اوج انقلابی‌گری گروهی از مدیران جامعه رخ اتفاق افتاد. از سوی دیگر درباره ایجاد بانک خصوصی که میرمحمد صادقی از پیشگامان آن بود و سرانجام در اواخر دهه ۱۳۷۰ بستر آن فراهم شد نیز در نکوداشت این بازرگان -صنعتگر کمتر گفته شد و نقش و نگار کمرنگی داشت. نیکوکاری ارادی و غیردستوری

که ادب و آداب ویژه دارد و از رفتارهای مدرن به حساب می‌آید اما از خصلت‌های همیشگی و قدیمی میرمحمد صادقی بوده و هست. شماری از سخنرانان در این باره به تفصیل نکات و خاطره‌هایی را یادآوری کردند. امیر محمد صادقی اما در همه این عده‌ها سپری شده از عمر کاری خود اقدام‌های گوناگونی برای انباشت سرمایه صنعتی و تجاری برداشته است که در این باره نیز کمتر گفته شد.

♦ نمونه قابل دفاع و تعمیم

در همه دهه‌های تاریخ معاصر از تاسیس دولت مدرن در دهه ۱۳۰۰ تا امروز نوعی تابوی دفاع از بازرگانان و تاجران و بانکداران و کارخانه داران در میان نخبگان ایرانی دیده می‌شود. بوروکراتها و دیوان سالاران و سیاستمداران ایرانی به هر دلیل هرگز در روی صحنه و در حضور جمع حاضر نشده‌اند از این قشر حمایت کرده و بهانه آورده‌اند که این قشر ناسالمی دارد و رانت خواران در میان آنها رخنه می‌کنند و...

در ابتدای این مراسم اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به جایگاه بخش خصوصی و برشمرن ویژگی‌های ممتاز علامیر محمدصادقی در کسب و کار، به این پرسش پاسخ داد که چه کسانی بخش خصوصی را بدنام می‌کنند؟ او تصریح کرد که باید میدان فعالیت به بخش خصوصی داده شود و در مورد افرادی سخن گفت که بخش خصوصی را بدنام کرده‌اند. جهانگیری گفت که باید حمایت‌ها شامل بخش خصوصی سالم و قانون‌مند شود و نه افرادی که به دنبال رانت هستند. به نظر می‌رسد میرمحمد صادقی نمونه قابل دفاع و قابل تعمیم برای معاون اول بود که با قاطعتی کمیاب از بخش خصوصی دفاع کرد. معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر اینکه بخش خصوصی واقعی باید به اخلاق حرفه‌ای و مسوولیت اجتماعی خود توجه داشته باشد، گفت: بخش خصوصی ایران از توانمندی علمی و فکری بسیار خوبی برخوردار است و باید برای توسعه ایران در صحنه حاضر شود. اسحاق جهانگیری با بیان اینکه شرایط اقتصاد کشور شرایطی ویژه است، اظهار کرد: اقتصاد ایران از بیماری‌های مزمنی رنج می‌برد و با چالش‌های بزرگی در حوزه سیاسی،



یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



و تعظیم به این واژه بزرگ ارزش خود را دارد. رییس اتاق بازرگانی ایران افزود: ارزش گذاری و احترام به اخلاق و مسوولیت اجتماعی فعالان اقتصادی در اتاق پایه گذاری شد و انتها ندارد؛ به خصوص اینکه آنچه حجم و کمال عمر انسان را می سازد، جایی است که انسان به سمت کارهای خداگرایانه رفت، طول عمر ما، سن و سال ما و عرض عمر، قیل و قال ما است. بلکه ارتفاع عمر ما پر و بال ما است و بنابراین هیچ انسانی در طول تاریخ به دلیلی غیر از کرامت و شخصیت، همواره زنده نمانده است. شافعی گفت: مدیران ماندگار افرادی هستند که تعادل بین احساس و منطق، معیشت و فضیلت به نفع انسان ها را برقرار سازند. مدیرانی مثل میرمحمدصادقی باور دارند که هر انسانی می تواند یک پتانسیل در جامعه باشد. ایشان یک مدیر عاشق و عاقل و واقف به مسوولیت اجتماعی خود است. وی اظهار کرد: در شرایطی که در آن قرار داریم، اوضاع اقتصادی آنقدر خطر بزرگی نیست، موضوعی که کمتر به آن توجه می شود، سقوط اخلاقی در جامعه است. همچنین مسعود خوانساری، رییس اتاق بازرگانی تهران در این مراسم با اشاره به شکل گیری مجلس وکلای تجار گفت: کوتاهی ما این بود که سابقه کهن بخش خصوصی را که در بازسازی و آوردن صنعت و تجارت نقش داشته اند، اعلام نکردیم و البته ارایه نشان امین الضرب به فعالان اقتصادی از جمله اقدامات برای بزرگداشت کارآفرینان بوده است. رییس اتاق بازرگانی تهران با اشاره به ویژگی های میرمحمدصادقی افزود: طی چهار سال اخیر، در هیچ یک از جلسات هیات رییسه غیبت نداشت و با اشرافی که ۴۰ سال در اتاق ایران و تهران داشته اند، همه مصوبات را با حضور ذهن و حافظه قوی مورد بحث قرار می داد. خوانساری گفت: فردی عصبانیت میرمحمدصادقی را ندیده است و مهم ترین ویژگی وی آن است که اگر چه از صفر شروع کرده ولی هیچگاه زندگی قبل خود را فراموش نکرده و این الگو و اسوه ای برای افرادی است که در صنعت و تجارت کار می کنند. وی افزود: میرمحمدصادقی امروز می تواند الگوی جوانان باشد؛ یعنی او ثروت آفرید و سالم زندگی کرد.



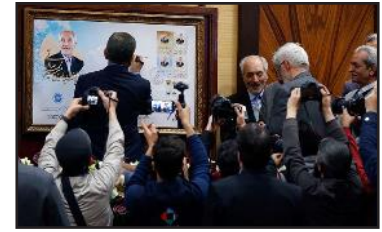
بگیرد. بخش خصوصی که آلوده و رانت خوار نیست. آنهایی که بخش خصوصی نیستند، می آیند و بخش خصوصی را بدنام می کنند. معاون اول رییس جمهور با ذکر خاطره ای از میزان دریافت تسهیلات اقتصادی توسط یک فعال اقتصادی که سه نسل از خانواده آنها فعالیت اقتصادی دارند، گفت: متأسفانه به دلیل وجود برخی خلأها شاهد بودیم کسانی که مدت کوتاهی به نام بخش خصوصی وارد اقتصاد کشور شدند، توانستند چند هزار میلیارد تومان وام بگیرند. باید با تدوین سازوکارهای لازم مانع به وجود آمدن چنین شرایطی شد.

◆ حسادت و اخلاق

یکی از نکات قابل اعتنایی که معاون اول رییس جمهور و از تکنوکراتهای باسابقه جمهوری اسلامی در این نکوداشت طرح کرد مقوله حسادت نزد کسانی بود و هست که توانایی دیدن ثروتمندان حتی کسانی که از راهقانون و با رعایت اخلاق حرفه ای و از مسیر سالم ثروت به دست آورده اند را ندارند. این یک مقوله بسیار جذاب است که باید با طرح مباحث در میان جمع های اینچنینی به مرکز بحث تبدیل شود و درباره آن کالبد شکافی شود. طرح بحث اخلاقی در جمع هایی که نیروهای سیاسی و اقتصادی حاضرند می تواند مفید باشد.

◆ الگوی کار و اخلاق

غلامحسین شافعی رییس اتاق بازرگانی دپروز در مراسم نکوداشت یک بازرگان و صنعتگر نامدار ایرانی نکات قابل اعتنایی را مطرح کرد. او بطور مشخص درباره دو مقوله بسیار با اهمیت اخلاق و الگو صحبت کرد. او خطاب به اسحاق جهانگیری تاکید کرد سقوط اخلاقی در کشور دهشتناک تر از سقوط اقتصادی رخ داده است و گفت باید در این باره بیندیشیم و ریشه یابی کنیم. شافعی تصریح کرد اگر اخلاق نابود شود رشد و توسعه اقتصادی نیز به کار نمی آید. این عبارات شافعی با تشویق شدید حاضران در نشست نکوداشت علاء الدین میر محمد صادقی مواجه شدوی ادامه داد: وزن جلسه نشانگر آن است که هنوز کرامت میان مردم جایگاه خاص خود را دارد



اجتماعی و اقتصادی روبرو هستیم. وی با اشاره به رشد اقتصادی، رشد سرمایه گذاری و شاخص های اصلی اقتصاد کشور در چند دهه گفت: این آمارها حاوی این پیام است که اقتصاد ایران نیازمند اقدامات اساسی تر، هم در بخش ساختاری و هم در بخش عملکردی است. جهانگیری با بیان اینکه بخش خصوصی ایران از توانمندی فکری بسیار خوبی برخوردار است، تصریح کرد: بخش خصوصی ایران سابقه فعالیت طولانی دارد و ذیل آن نهادهای مدنی باسابقه شکل گرفته که می تواند با تکیه بر توانمندی ها، برای برون رفت از وضعیت فعلی کشور راه حل ارایه دهد. معاون اول رییس جمهور ضرورت توجه بخش خصوصی و فعالان اقتصادی به مسوولیت اجتماعی را مورد تاکید قرار داد و افزود: قوام و دوام جامعه به پیوندهای اجتماعی است و توجه بخش خصوصی به مسوولیت اجتماعی باعث می شود که مردم در سخت ترین شرایط احساس تنهایی نکنند. اگر بتوانیم در جامعه به خوبی به مسوولیت اجتماعی خود عمل کنیم، نتیجه آن ارتقای سرمایه اجتماعی است. وی ادامه داد: آقای میرمحمد صادقی نمونه بخش خصوصی سالم و خدمتگزار است که به مسوولیت اجتماعی و اخلاق حرفه ای به خوبی عمل کرده و سال ها در کشور کارآفرینی و خلق ثروت کرده است. ایشان در کنار کار اقتصادی، به مسوولیت اجتماعی خود نیز به خوبی عمل کرده و در بیشتر فعالیت های اجتماعی نظیر مدرسه سازی، ساخت بیمارستان، کمک به افراد بی بضاعت و پرداخت دیه حضور داشته است. جهانگیری با تاکید بر اینکه خلق ثروت نه تنها کار بدی نیست، بلکه کاری پسندیده است، افزود: مقام معظم رهبری نیز در بیانیه گام دوم انقلاب این موضوع را به صراحت اعلام کردند که نه تنها با تولید ثروت مخالف نیستند، بلکه مشوق این موضوع هستند و ابلاغ سیاست های اصل ۴۴ نیز به این معنا بود که بخش خصوصی سقفی برای رشد ندارد.

معاون اول رییس جمهور از اینکه عده ای در کشور با حسادت و به دور از آینده نگری در پی راهکاری برای زمین زدن افراد موفق هستند، ابراز تأسف کرد و گفت: باید بخش خصوصی میدان را به دست





این اتفاق نیفتد. ما ICC را تاسیس کردیم که اگر آن اتفاق تعطیل شد، یک اتاق دیگر داشته باشیم. ما توانستیم جلوی رفتار تند و ناپسند را بگیریم و از تعطیلی ممانعت کنیم. در آن زمان با بخش خصوصی رفتار مناسبی نمی شد و فعالان اقتصادی با چشم گریان به اتاق بازرگانی می آمدند. به آنها وطن فروش و زالوصفت می گفتند. در همان دوره قانون حفاظت که در حال اجرا شدن بود، با پیگیری های مستمر حاج آقا میرمحمد صادقی و البته دستور مقام معظم رهبری لغو شد. اگر این تلاش نبود، مایی نبودیم که نبودیم. او افزود: حاج آقا همیشه در جمع در نهایت صمیمیت و مهربانی، انسانیت را اشاعه می دادند. با کمک ایشان توانستیم اتاق ایران و کانادا را هم تاسیس کنیم. بسیاری از تشکلهای دیگر نیز حاصل کار ایشان در بخش خصوصی است. اصغر جمعیای نیز به نمایندگی از تشکلهای اتاق ایران، خاطراتی را از تلاش حاج آقا میرمحمدصادقی در تشکلهای و تاسیس چندین تشکل تخصصی بیان کرد. همچنین صمد حسن زاده به نمایندگی از اتاق های سراسر کشور متنی در نکوداشت ایشان قرائت کرد. در انتهای این مراسم حاج علاءالدین میرمحمدصادقی پشت تربیون قرار گرفت و ضمن تشکر از برگزار کنندگان این مراسم، گفت: به خداوند پناه می برم که اجازه ندهد گفته های دیگران را به خود بگیرم و تکبر در من رسوخ کند. من بنده کوچک خدا هستم. او افزود: وقتی به گذشته خود نگاه می کنم می بینم می توانستم کارهای زیادی انجام دهم، اما ممکن است کوتاهی هم کرده باشم. من بنده ضعیف و کوچک خدا هستم و خود را بدهکار می دانم. من خود را نزدیک به مرگ می دانم و امیدوارم با کارنامه خوب به دنیای بعد بروم. ضمن اینکه ابتدا مخالف برگزاری این مراسم بودم و برگزاری آن را ضروری نمی دانستم. البته دلیل برگزاری این مراسم بزرگداشت نیکوکاری بود و همین امر منجر به موافقتم با برگزاری آن شد. البته امیدوارم این کار که شروع شده، ادامه یابد. او عنوان کرد: کار خیر در قدیم بیشتر بود با اینکه وضعیت مالی ضعیف تر از حال حاضر بود. حیف است بخش خصوصی فقط به دنبال تجارت باشد؛ بلکه باید کارهای خیر را نیز توسعه دهند.



◆ دنیای جدید و مطهری
علی مطهری، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی نیز به ویژگی های علاءمیرمحمد صادقی اشاره کرد و گفت: میرمحمد صادقی فعال اقتصادی و کارآفرین و از دهه ۳۰ با شهید مطهری در ارتباط بود. وی افزود: اینکه میرمحمد صادقی در دهه ۳۰ به سراغ شهید مطهری رفته و از طریق ایشان به شهید بهشتی رسیدند و سپس به مولفه اسلامی رسیدند، نقطه ارزشمندی است. نایب رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: علاءالدین میر محمد صادقی در خاطره های نوشته است که دیدار با شهید بهشتی مرا وارد دنیای جدیدی کرد.

◆ حفظ بنیه اقتصادی کشور
عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام هم در این مراسم گفت: در شرایطی که دشمنان در جنگ اقتصادی ما را هدف گرفته اند، بخش خصوصی باید همه توان خود را برای حفظ بنیه اقتصادی کشور قرار دهد و دولت باید موانع را از سر راه بخش خصوصی بردارد. غلامعلی حداد عادل افزود: بیش از ۴۰ سال است ایشان را می شناسم و از هنر ایشان در مدرسه سازی اطلاع دارم. مرحوم پدرم می گفت ما بازرگان و تاجر درست هم داریم که نمونه اش میرمحمد صادقی است. وی اظهار کرد: نمی خواهم عصمت برای حاج علاءالدین میرمحمدصادقی قائل شوم، اما او یک الگو برای همه فعالان اقتصادی نظام است. میرمحمد صادقی نشان داد می توان سالم و انقلابی بود و فعالیت اقتصادی کرد.

◆ خلیلی و تشکلهای
محسن خلیلی عراقی، رئیس هیات مدیره انجمن مدیران صنایع نیز در این نکوداشت عنوان کرد: اوایل انقلاب که انجمن مدیران صنایع را راه اندازی کردیم، به اتاق بازرگانی وارد شدیم و با ماموریت شورای انقلاب برای اتاق، روبرو شدیم که حاج آقا میرمحمدصادقی هم جزو آنها بود. ما همکاری صمیمانه ای را با آنها شروع کردیم. در اوایل انقلاب، عده ای می خواستند اتاق را تعطیل کنند اما هیات رییسه وقت تمام تلاش خود را به کار بست تا



◆ ایمان و اخلاق
علی لاریجانی یکی از مدیران با سابقه نظام جمهوری اسلامی ایران است که در قوه مجریه و در قوه مقننه فعالیت کرده و از نزدیک با مدیران پرشماری آشنا است. لاریجانی که در این مراسم نمی توانست حاضر باشد با ارسال پیام ادر نکوداشت میرمحمد صادقی حاضر شد. علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی با ارسال پیامی به این مراسم با برشمردن صفات اخلاقی و اقتصادی علاءمیرمحمدصادقی گفت: مشی ایشان در حوزه مسائل کارآفرینی همراه با تعهد انقلابی و اخلاق بوده است. لاریجانی با اشاره به ویژگی های فردی و اخلاقی وی در حوزه کسب و کار گفت: آنچه ویژگی آقای میرمحمدصادقی را ممتاز می کند آن است که وی فردی کارآفرین بوده که در حوزه فعالیت های اقتصادی صاحب سبک است و کارهایی انجام داده که به توسعه کشور کمک می کند. به این معنا که منجر به ایجاد توان اقتصادی از سوی بخش کارآفرینی کشور می شود. رئیس مجلس شورای اسلامی، علاءالدین میرمحمدصادقی را فردی مومن و با ایمان معرفی کرد و افزود: اینکه مسائل اقتصادی با اخلاق و ایمان آمیخته می شود، بسیار جذاب است؛ اگر یک فرد با ایمان هر دو وجه اقتصادی و دینی را با هم همراه کند مورد توجه قرار می گیرد؛ زیرا مراعات مسائل دینی را در اقتصاد داشته و بر نحوه کسب درآمد و چگونگی مصرف آن حساس شده است. وی ادامه داد: میرمحمدصادقی فردی خلیق است که عصبانی نمی شود؛ چراکه برخی افرادی که دیندار هستند ممکن است عصبانی هم بشوند، اما در اتاق بازرگانی نیز نوع گفت و گوی ایشان همواره همراه با متانت اسلامی بوده است. به گفته لاریجانی، استقامت از جمله خصوصیات بارز میرمحمدصادقی بوده و پیروی ایشان از مشی مرجعیت از گذشته به چشم می خورد. رئیس مجلس شورای اسلامی اظهار کرد: مشی ایشان در حوزه مسائل کارآفرینی همواره با تعهد انقلابی و اخلاق همراه بوده است که باید در حوزه کارآفرینی مورد توجه قرار گیرد. بنابراین خوب است که رفتار و سلوک وی در مسائل اقتصادی تبیین شود.



یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



انتخابات نهم و اتاق آینده

عهده‌دار بوده، در این دوره نیز در اتاق مشهد بیشترین رای را کسب کرده است. او توانسته ۵۹۵ رای را به خود اختصاص دهد. کیوان کاشفی که در دوره گذشته عضو هیات‌رئیس‌ه اتاق ایران بود هم در این دوره در اتاق بازرگانی کرمانشاه با ۴۴۲ رای، بیشترین رای را به خود اختصاص داده است. حسین پیرمؤمن یکی دیگر از اعضای هیات‌رئیس‌ه اتاق ایران است که در این دوره نیز با ۱۶۲ رای، سرلیست هیات نمایندگان اتاق اردبیل است. حسین سلاح‌ورزی، نایب‌رئیس اتاق ایران نیز در حوزه انتخابی خود با ۱۰۶ رای، نفر اول انتخابات اتاق خرم‌آباد است.

می‌خواستند ۴۰ نفر از هم‌تایان خود را به کرسی هیات نمایندگی اتاق پایتخت برسانند و رقابت‌های گروهی در آن از نکات جذاب مبارزه ۱۱ اسفند بود. رای آوردن همه ۴۰ نفری که ائتلاف برای فردا معرفی کرده بود یک اتفاق نادر و البته تکرار انتخابات قبلی با طعم شبه‌حزبی بیشتر بود. این گام اول برای شروع کار دوره نهم اتاق است و یک بخش هیجان‌انگیز و مهم آن در بهار یا اوایل تابستان امسال است که در آن هیات ریسه اتاق ایران با رای مستقیم هیات نمایندگان منتخب برگزار می‌شود. غلامحسین شافعی که در دو دوره حدوداً دو ساله، ریاست اتاق بازرگانی ایران را

۱۵۴۷ فعال بخش خصوصی از میان ده‌ها هزار کارخانه‌دار، بازرگان، معدن‌دار، باغدار و کشاورزان بزرگ در زمستان ۱۳۹۷ خود را مهیای به دست آوردن یکی از ۵۳۵ کرسی هیات نمایندگان می‌کردند. یک محاسبه کوچک نشان می‌دهد تقریباً از هر ۳ کاندیدا در اتاق‌های سراسر کشور یک نفر می‌توانست این لباس را پوشیده و در یکشنبه پایان هر ماه در یکی از صندلی‌های قرمز طبقه ۱۰ اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران بنشینند و حرف‌هایی بشنود و حرف‌هایی به نمایندگی از همکاران خود بزند. انتخابات اتاق تهران با حضور ۳۳۴۸ فعال بخش خصوصی که

تاریخ‌های مهم انتخابات اتاق‌های سراسر کشور در اسفندماه ۱۳۹۷

انتخابات نهمین دوره هیات‌های نمایندگان اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سراسر کشور، از ساعت ۸ الی ۱۸ روز شنبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۹۷ در محل اتاق‌های شهرستان برگزار می‌شود. فهرست نهایی داوطلبان نهمین دوره انتخابات اتاق‌های سراسر کشور منتشر شد.

۱ اسفند ۱۳۹۷

عضویت ۱۸ ماهه؛ شرط رای‌دهی در انتخابات دوره نهم اتاق‌های سراسر کشور

۲۹ بهمن ۱۳۹۷

انتخابات نهمین دوره هیات‌های نمایندگان اتاق‌های بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی سراسر کشور، از ساعت ۸ الی ۱۸ روز شنبه ۱۱ اسفندماه ۱۳۹۷ در محل اتاق‌های شهرستان برگزار می‌شود.

طبق اعلام انجمن نظارت بر انتخابات، مدت زمان رای‌گیری تا ۳ ساعت قابل تمدید است و شمارش آرا بلافاصله پس از پایان رای‌گیری انجام می‌شود. همچنین نتایج انتخابات روز دوشنبه ۱۲ اسفندماه اعلام می‌شود. تاریخ‌های مهم فرآیند برگزاری انتخابات به شرح زیر اعلام شده است:

۲

اعلام لیست نهایی

داوطلبان تایید صلاحیت شده چهارشنبه ۱/۱۲/۹۷

۲

شروع تبلیغات

۸ روز قبل از اخذ رأی
جمعه ۸ صبح ۳/۱۲/۹۷

۳

پایان تبلیغات

۲۴ ساعت قبل از روز رای‌گیری
جمعه ۸ صبح ۱۰/۱۲/۹۷

۴

روز انتخابات

۹۷/۱۲/۱۱ اسفندماه
شنبه ۸ صبح الی ۱۸
برای ۳ ساعت قابل تمدید است

۵

شمارش آرا

بلافاصله پس از اتمام مهلت اخذ رأی

۶

اعلام نتایج انتخابات

پس از اخذ صورتجلسه و تایید انجمن

۷

مهلت اعتراض به آرا در هیات نظارت
ظرف ۲ روز از تاریخ اعلام نتایج
آغاز مهلت: دوشنبه ۱۳/۱۲/۹۷
پایان مهلت: سه شنبه ۱۴/۱۲/۹۷

۸

رسیدگی به اعتراض توسط هیات

حداکثر ظرف ۲ روز
آغاز رسیدگی: چهارشنبه ۱۵/۱۲/۹۷
پایان رسیدگی: پنج شنبه ۱۶/۱۲/۹۷

۹

مهلت اعتراض به نظر هیات

در انجمن

ظرف ۲ روز
آغاز مهلت: جمعه ۱۷/۱۲/۹۷
پایان مهلت: شنبه ۱۸/۱۲/۹۷

۱۰

رسیدگی به اعتراض

توسط انجمن

ظرف ۳ روز
آغاز رسیدگی: یکشنبه ۱۹/۱۲/۹۷
پایان رسیدگی: سه شنبه ۲۱/۱۲/۹۷

۱۱

مهلت اعتراض به نظر انجمن

در شورای عالی نظارت

ظرف ۲ روز
آغاز مهلت: چهارشنبه ۲۲/۱۲/۹۷
پایان مهلت: پنجشنبه ۲۳/۱۲/۹۷

۱۲

اعلام نظر شورای عالی نظارت

به اعتراضات به نظر انجمن

حداکثر ظرف ۳ روز از زمان وصول اعتراض
آغاز رسیدگی: جمعه ۲۴/۱۲/۹۷
پایان رسیدگی: یکشنبه ۲۶/۱۲/۹۷

۱۳

صدور اعتبارنامه

و اعلام نتیجه قطعی

اعلام نتیجه قطعی یک هفته پس از
پایان مهلت اعتراض و پس از تشخیص
صحت انتخابات توسط انجمن

نتایج انتخابات اتاق‌های بازرگانی صنایع، معادن و کشاورزی سراسر کشور

گروه معدن

محمد خاکی

حسین سلاح‌ورزی

گروه کشاورزی

احسان دارائی

مسعود کیل‌آبادی

احسان ناصر

رشت

گروه بازرگانی

علیرضا صنعت‌کار

هادی داداش‌زاده

مهران فکری

طاهر زمردنبیا

غلامحسین نوروزنژاد

گروه صنعت

حجت نقاش‌زادگان رشتی

امیر پورنصیر

سامان نظری معافی

ایرج محبوبی

عبداللهی جرک

گروه معدن

هادی تیزهوش تابان

محمدعلی شجاع‌پور

گروه کشاورزی

قاسم رضائیان

علیرضا آقا‌زاده

بهمن لطیفی

زنجان

گروه بازرگانی

غلامحسین جمیلی

علی یگانه‌فرد

سید علیرضا حجاریان

محسن حمیدی

محسن عطائیان

گروه صنعت

علی باقرزاده خرسندی

غلامحسن حسن‌نژاد

محمود ضرابی

داود سقایی

صمد یوسفی اصل

گروه معدن

سهند علی فلاحی

ولی‌الله منصوری

گروه کشاورزی

ابراهیم جمیلی

هاشم حاج‌علی‌اکبری

مهدی رنگ‌رونا

کرمانشاه

گروه بازرگانی

رضا سلیم ساسانی

نلسون حضرتی

جمشید رستمی

غلامرضا امیری

امیر صفیاری

بوشهر

گروه بازرگانی

خورشید گزدرازی

علی‌اکبر شریف‌پور بوشهری

عبدالرسول ابراهیمی

حسین باباخانی

سیدحسین معروف

گروه صنعت

امیر شهراری

سیدجبار موسوی

تدیر پورجم

سیدمحمدحسین عظیمی

مجتبی امید

گروه معدن

عباس موحدر

احمد مرادی

گروه کشاورزی

مختار قاسمی

حیدر رئیسی

حمزه بویرائی

اردبیل

گروه بازرگانی

عبدالرضا بیگانه

بهروز پورسلیمان

حمید شمع‌یار

حسن عرشی

حسین وثوقی ایرانی

مهدی وقار

گروه صنعت

حسین (بهنام) پیرموند

سیدناصر رئیس

حسن زرین‌قبا

علی عبداللہیان باروق

کمال فتحی بی‌طرف

گروه معدن

محمدرضا حریری اردبیلی

لطیف محسنی جبین

گروه کشاورزی

عیسی شاهی زارع

عباد قضائی نیار

فرهاد صفری

خرم‌آباد

گروه بازرگانی

سپهدار کوشکی

ولی‌اله غلامی

محسن غیاثوند

سام محمدی

کاظم مرادی‌فرد

گروه صنعت

ابراهیم اسفندیاری

اشرف‌السادات امیرموسوی

زهرآ طهماسبی‌چگنی

بیجن نجاریه

گروه صنعت

کیوان کاشفی
عبدالله سخن سنج
ابوالحسن خلیلی
ابراهیم امیدی
بابک ترابی

گروه معدن

محمدعارف ابراهیمی
ابراهیم خمیسی
گروه کشاورزی
حیدر کدیور
ناصر مرادی
شهریار باوندپور چله

بجنورد

گروه بازرگانی

محمد صمدی
سعید پورآبادی
نور مراد یزدانی
حسنعلی مرادیان
رحمان بردی افروز
گروه صنعت
علی محمد جاجرمی
حیدر حیدریان
علی شریعت
بیگر پرهامی
زهرامعینی

گروه معدن

علی اصغر علی آبادی
عباس کاظمی

گروه کشاورزی

اشکان کاویانی
علی محمد ژاله مایون
امین یزدانی

زاهدان

گروه بازرگانی

محمدشریف رخشانی اصل
علی ریگی میرجاوه
امان اله شهنوازی
علی عظیم زاده
امان اله کهزاهی

گروه صنعت

لعل محمد بلوچ زهی
محمود تهی دست
محمد خدابخشی گنگان
عبدالحکیم ریگی میرجاوه
محمدعلی نشاطی

گروه معدن

عبدالرحمن ریگی
غلام سرور نوتی زهی
گروه کشاورزی
سمت اله ریگی
عبدالغفور ریگی میرجاوه
محمد شهنوازی

شیراز

گروه بازرگانی

صلاح الدین ایزدفر
سید کاظم خاکره

یلدا راهدار

غلامحسین شعرا
امین ماهرانی

گروه صنعت

عباس ابوقداره
جمال رازقی جهرمی
سهراب شرقی
نادر طبیبی
سپهلامجبی

گروه معدن

محمدصادق حمیدیان جهرمی
ابراهیم غلامزاده

گروه کشاورزی

هادی حنایی جهرمی
خسرو فرغان گران سایه
علیرضا قدرتی

آبادان

گروه بازرگانی

محمدصادق جوهری
حسن افخمی
محسن براتی
سید حمیدرضا کاشی
سید ابراهیم یعقوب پور

گروه صنعت

مسعود خیاط زاده
غلامرضا اکبری زاده
محید پورکاند
ایمان غلامحسین زاده
ایمان دوست

گروه معدن

اسدالله کردزنگنه
فرشید قربانی

گروه کشاورزی

احمد زارعی
رضا زیتون نژاد
احمد زارعی

تهران

گروه بازرگانی

سیده فاطمه مقیمی
ناصر ریاحی
محمد رضا انصاری
عباس آرگون
محمد لاهوتی

سید رضی میری
افشین کلاهی
محمد امیرزاده
شهاب جوانمردی
مجید صدری

محمد رضا طلایی
مجید حسینی نژاد
مهدی شریفی نیک نفس
مهرداد عباد
محمد مهدی فنایی

گروه صنعت

هاله حامدی فرد
حسن احمدیان
سیدمحمد اتابک
محمد رضا زهرموندی

رضا پدیدار

علی نقیب

محمود نجفی عرب

حمیدرضا صالحی

محمد رضا نجفی منش

عباس علی قصاصی

علیرضا کلاهی صمدی

هرویک یاری جانیان

فرزین فردیس

محمدحسن دیده‌ور

گروه معدن

علاء میرمحمدصادقی

فریال مستوفی

محمد رضا بهرامن

سجاد غرقی

گروه کشاورزی

احمد رضا فرشچیان

کاوه زرگران

احمد صادقیان

حسن فروزان فرد

مهدی معصومی

علی تقوی فر

کاشان

گروه بازرگانی

محمد تولایی

مسعود ابریشمی

مصطفی اصفهانیان

خلیل الله افشاری

سیدرضا لاجوردی

گروه صنعت

سیدعلی دیانت

احمد فرهی

مرتضی محبوبی

عبدالرحیم مفیدی

سیدجواد سجادی

گروه معدن

رضا فرزانه

محمد اسماعیل مرندی

گروه کشاورزی

نرگس رحیم زاده

سیدتقی حجازی

مهدی کارگر نژاد

سمنان

گروه بازرگانی

بهروز احمدی

مهدی جعفری

علی اصغر نمکی

کوروش وفا

امیرحسین شقاقی خوش خلق

گروه صنعت

سعید ترکمان دهنوی

شهرام پرویز

محمد نجفی سهی

عبدالله اکبری راد

فرج الله معماري

گروه معدن

علی اصغر جمعه‌ای

حمید علوی

گروه کشاورزی

مهدی حداد

عبدالحسین دریانیان

مسعود اعوانی

ارومیه

گروه بازرگانی

ابراهیم حق گوئی

احمد دلیری

نجات سنگی

امیرمسعود فاتحی

فریدون حمتهی

گروه صنعت

حسن انتظار

علی اولاد یلمقانیان

محمد رضا رستمی

مهدی زنجانی میان‌دوب

کاظم مرتاض

گروه معدن

محمدحسن قیسی

قاسم کریمی

گروه کشاورزی

صمدپور سلطانی

بهنام تاج‌الدینی

رضا سواری

بیرجند

گروه بازرگانی

غلامحسین راستگونیان

خالد اکبری زاد

عیرضا خامه زر

علی اکبر فرامرزی

محمدحسن موهیتی زهان

گروه صنعت

عبدالکریم امین زاده

احمدعلی هامونی

سیدعلی خیریه

بهرام ساتلیخ محمدی

نرگس خاتمی

گروه معدن

حمیدرضا امینی

علیرضا باقری

گروه کشاورزی

محسن احتشام

عبدالغنی نهتانی

سیدحسین خیریه

ساری

گروه بازرگانی

امیدحاجیان برنجستانکی

رضا رستمی

سید محمد جعفری

سید اسماعیل یزدان پناه

علی تقی پور

گروه صنعت

عبداله مهاجر دارابی

غلام عسکر بهزاد

سید مجید لطیفی

فریدین غلامپور

سهراب پورمداح

گروه معدن

ایوب فلاح‌نژاد

محمد اوایی بیشه

گروه کشاورزی

امیرمیران آملی

محمد چلنگری جویباری

موسی آقائی

قم

گروه بازرگانی

رضا محمدبیگی

ابوالفضل رجبان

احمد محمدی کاشانی

علیرضا آرجمی

محمد آقاجانی

گروه صنعت

غلامحسین الهیاری

حسن آقاجانی

ابوالفضل خاکی

مصطفی کرمانی

سیدمحمد رضا بکائی

گروه معدن

علی خاکی

محمد حیدری

گروه کشاورزی

علیرضا راد

احمد زاهدی موحد

محمد رضا صدیق پور

یاسوج

گروه بازرگانی

مجتبی اندرزیان

منوچهر یاری

عبدالحسین تقویان

فرشید عزیزی

فتاح جاودانه

گروه صنعت

سید شمس الله هاشمی

چنگیز هاشمی

عبدالله قبادی

عزیز الله رحیمی

وحید گرجی

گروه معدن

جبار کیانی پور

فرامرز خوبیانی

گروه کشاورزی

لشگر آذرپیوند

امیر حسینی

عزیز الله فتحي

تبریز

گروه بازرگانی

مسعود بنابیان

رضا کامی

ناصر امجدی

قاسم قوبدل

سونیا اندیش

گروه صنعت

یونس ژائله

عباس کمالی

رسول بیوک
پرویز بیوک
علی سالک نجات
گروه معدن
مد حسن زاده
جمشید برزگر
گروه کشاورزی
محمود ابراهیمی
ابوالفتح ابراهیمی
سید یوسف حسینی

اصفهان

گروه بازرگانی

مسعود گلشیرازی
اکبر لباف
احمد پزنده
رضا برادران
مجتبی کاروان

گروه صنعت

فرشته امینی
بهرام سبحانی
محمدرضا رجائی
سید رسول رنجبران
اصغر اخوان مقدم

گروه معدن

سید عبدالوهاب سهل آبادی
احمد خورش

گروه کشاورزی

حمیدرضا قلمکاری
غلامرضا اخوان فرید
محمد صادقی

کرج

گروه بازرگانی

رحیم بنامولایی
پرهام رضایی
مصطفی هاشمی
امیر فرشچی
شادی حاضری

گروه صنعت

فریبرز بینش پور
یداله مال میر
مجین غیاثی
محسن امینی
فاقی زرافشان

گروه معدن

جعفر سلیمانی
شاهین ظهوری

گروه کشاورزی

حسن خانی
احمد میرجلیلی
نبی الله نوری نسب

کرمان

گروه بازرگانی

محمدحسین اکبری
فخری اله توکلی
سیدمحمد ابراهیم علوی
سید آرش علوی
حمید عزت آبادی پور

گروه صنعت

محمدعلی محمدمیرزائیان
سیدمهدی طبیب زاده
علی نقوی
علی عباسلو
عباس جبالبارزی سربیزن

گروه معدن

بابک اسمعیلی احمدآبادی
محسن ضرابی
گروه کشاورزی
حسن نجف آبادی پور
جلیل کاریخش راوری
سید محمدرضا ترابی

ایلام

گروه بازرگانی

سعد حسینی
محمدملکی
موسط فاطمی راد
نصرتاله لارتنی
ادریس بابایی

گروه صنعت

عدنان کرمی نصب
منصور رنجبری
سیدمحمد موسوی نسب
سجاد شیرخانی
اکبر ابراهیم نژاد

گروه معدن

شعبان فروتن
محسن چمن آرا

گروه کشاورزی

فرح امیدوی
مجتبی غیابی
فرزاد فیض اللهی

کرمان

گروه بازرگانی

امیر عابدی
حلیم آل جلیل
علی صفرنچاد
عبدالصمد آخوندنژاد
عبدالحلیم ماهری

گروه صنعت

فرخ قبادی
علی محمد چوپانی
رضا مبصری
محمدعلی افشانی
حاج محمد زاودی

گروه معدن

رحمان قره باش
روح الله شاهینی

گروه کشاورزی

امیر یوسفی
ارزجان شمالی
هوشنگ آخوندی

مشهد

گروه بازرگانی

ممدحسین روشنگر
محمود سیادت
احمد زمانیان یزدی

محمود امتی

مجید محمدنژاد

گروه صنعت

غلامحسین شافعی
رضا حمیدی ازغدی
حسین محمودی خراسانی
محمدعلی چمنیان
غلامعلی رخصت

گروه معدن

محمدرضا توکلی زاده
حسین احمدی

گروه کشاورزی

علی شریعتی مقدم
مریم سراج احمدی
علی اکبر علیزاده قناد

همدان

گروه بازرگانی

علی اصغر زیردست
محمد بشیری جلال
ناصر قنبر گنبدی
ابراهیم علی پناهی
عبدالحمید ایزدی

گروه صنعت

حسن بهرامی
سید مجید مختار موسوی
علی اکبر فلاح
علیرضا زارعی
مسعود تونوچیان

گروه معدن

رحیم مرتضایی
محمدجواد سفیه آنی
گروه کشاورزی
خسرو طالبی رحیق
علی محمودی
امیر اسلامیه همدانی

سندج

گروه بازرگانی

محمد هلاکو
مصطفی فتحی
محمد دلسوز اخگر
امید حور بیجانی
قادر کریمی

گروه صنعت

سید کمال الدین حسینی
فاروق کیخسروی
اقبال صادقی
فرهاد سعیدی
عطاءالله جویا

گروه معدن

شودب جباری
علی اکبر عبدالملکی
گروه کشاورزی
بختیار صالحی
خالد فرجیان
ستار کشاورز

قزوین

گروه بازرگانی

مهدی بخشنده
سید علی حسینی

حسین ساروخانی
مصطفی عادلای فر
محمد رضا فاروقی

گروه صنعت

مجید آهنگریان
منوچهر آزادمنش
مهدی عبدیان
نیما بصیری
محمدرضا ماشاءاللهی

گروه معدن

اصغر آهنی ها
امیر عادل طاهرخانی

گروه کشاورزی

علیرضا کشاورز قاسمی
مهدی جباری
سعید حلاج یوسفزادگان

یزد

گروه بازرگانی

فتاح جاودانه
منوچهر یاری نلزالی
عبدالحسین تقویان
فرشید عزیزی طاس احمدی
مجتبی اندرزبان

گروه صنعت

عزیزالله رحیمی
عبدالله قبادی
چنگیزه لثمی
وحید گرجی
سید شمس الله هاشمی

گروه معدن

جبار کیانی پور
فرامرز خوبانی
گروه کشاورزی
لشکر آذرپیوند
عزیزالله فتحی
امیر حسینی

اراک

بازرگانی

عماد مردانی
حیدر پیمان فر
منوچهر توسطی
محمدرضا محمدی
بهرنگ عقیلی نسب

گروه صنعت

علیرضا بشارت
حمیدرضا مهدی نیا
علیرضا خلیلی
ابوالفضل بابایی
سیدسعید رضوانی

گروه معدن

محمدحسین حیدری
بهنام نیکفر
کشاورزی
حامد امینی مصلح آبادی
ناصر بیگی
مجتبی جلالوندی

خرمشر

بازرگانی

هانی فیصلی

کاظم بهران احمدی
محمدجواد مومن
فضل شنپور

عبدالرضا مریخ زاده رابع

صنعت

مرتضی جزایری اصل
امین فرطوسی

عبود طبیبی

امیر خلفی

عبدالمنعم کعبی نژاد

گروه معدن

سید مصطفی موسوی

سعید حمدوی

کشاورزی

طاهر سبحانی

احمد سرفات

محمد عسکری صابر

شهرکرد

بازرگانی

بهنام علیخانی
شهریار حیدری پور
فرج الله نجفی سرپیری
حبیب الله اله بخشی
هفشجلی

سید کورش هاشمی گل
سفیدی

صنعت

آیت الله احمدی

بهرام اله بخشی هفشجانی

حسین ایزدی بروجنی

فرهاد اخوان بروجنی

یوسف ابوطالبیان سورشجانی

گروه معدن

شهرام زارع فارسانی

عبدالکریم کریمی فیل آبادی

کشاورزی

مسعود ناصری بروجنی

دبیر رضایی سورشجانی

اردوان طهماسبی گندمکاری

اهواز

بازرگانی

شهلا عموری

علی حمولی طرقی

سیروس عبیای

محمد عبیای

عبدالله شماخته

صنعت

محمدجواد امانی

سید هیبت الله اصولی

صادق سواعدی

نعمت الله نوری گلنگشی

مهدی رحیمی

گروه معدن

شاهرخ شیشه گر

خیریه نیسی

کشاورزی

همایون کوت زاده

سید سلطان حسینی امین

نادر بهشتی نسب

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



لایه‌های پید و پنهان روزهای ایران

دوازدهم افرادی آمده و رفته‌اند که هر کدام نماینده یک جریان فکری یا گروه اقتصادی بوده و اکنون نیستند. رخدادهایی در دل بانک مرکزی، سازمان برنامه و بودجه، نهاد ریاست جمهوری، وزارت خارجه به صورت پید و پنهان بوده و هستند که هر کدام بر سرنوشت ایران و ایرانیان موثر بوده‌اند. روزهایی در ایران وجود داشته‌اند که آثار و پیامدهای آن تا سال‌ها ادامه دارد. پرونده پیش رو برخی از روزها را بازتاب داده است.

واگرایی‌ها و هدف‌های پید و پنهانی در میان فعالان اقتصادی، قشر نیرومند و موثر بوروکرات، تکنوکرات‌هایی که حالا برخی از آنها ۴۰ سال سابقه فعالیت دارند وجود دارد که باید با دقت کالبدشکافی شود تا خط‌ها و ربط‌ها پدیدار شود. در ایران روزهایی وجود دارد که کسی از آنها اطلاع پیدا نمی‌کند اما سرنوشت‌سازند و جریان درست می‌کنند و روزهایی نیز هستند که ظاهر و باطن آنها متفاوت است. در میان مردان اثرگذار دولت

ایران سرزمین بزرگ و شگفت‌انگیزی است و تحلیل آنچه در بطن و متن سیاست، اقتصاد، فرهنگ و امور اجتماعی آن در جریان است کاری پیچیده و سخت است.

در دوران سیاسی این سرزمین قدیمی جریان‌ها، طیف‌ها و گروه‌هایی وجود دارند که می‌تواندن در یک لحظه از تاریخ بیایند، کاری کنند و موثر واقع شوند و غیب شوند. در بطن و لایه‌های پنهان کسب و کار در ایران، منافع، تعارض‌ها، همسویی‌ها،

آن روز مرموز و گم شده



آزاد عرضه کردند. رییس بانک مرکزی که جانشین سیف شده بود نیز همین را بارها تکرار کرده است و نمی‌خواهد قبول کند که سیاست ارزی نامساعد و ناکارآمد است که تقاضا را دامن می‌زند.

مردان دولت دوازدهم که حالا در نیمه دوم سال عباس آخوندی و مسعود نیلی که هواداران شفافیت و توزیع دلار به قیمت واقعی بودند را کنار زده بودند هنوز باور دارند که سیاست ارزی درستی را ادامه می‌دهند. در حالی که پیامدهای هدر دادن دست کم ۱۴ میلیارد دلار ۴۲۰۰ تومانی یا بخشی از آن گریبان اقتصاد و جامعه ایرانی را ره نمی‌کند. رییس سازمان برنامه و بودجه در اسفندماه تاکید کرد اگر واردکنندگان قول دهند که دلار ۴۲۰۰ تومانی را گرفته و با آن کالا وارد کرده و با همان نرخ و کمی سود در بازار عرضه کنند می‌توانند تقاضا کنند و دولت نیز مابه‌التفاوت قیمت دلار ۴۲۰۰ تومانی تا نیما را از آنها نمی‌گیرد. این رفتار و این نگاه رییس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بدون تردید ریشه در این دارد که نرخ تورم با دلار بیش از ۴۲۰۰ تومانی برای کالاهای اساسی مهارناپذیر خواهد بود.

فعالان اقتصادی و کارشناسان و اقتصاددانان امیدوارند روزی پرونده این روز گم شده باز و معلوم شود که چه کسانی روز توسعه فساد را با نیت خیر خواهانه در ایران دامن زدند. به نظر می‌رسد پیامدهای بدیمن تخصیص دلار ارزان به بازار که یکی هم رشد شکاف درآمدی و رشد رانت‌خواری بوده و هست سال‌های سال در جامعه خود را نشان دهد. چیزی که آزاردهنده است و تردیدافکنی‌ها درباره روز تاریخی گم شده و مرموز در کوتاهمدت و احتمالاً بلندمدت است.

اصرارهای وی در آن روز ناپیدای گم تا امروز راه را برای تصمیم به تخصیص دلار ۴۲۰۰ تومانی باز کرد آشکار بود. در حالی که نرخ هر دلار آمریکا در بازار ارز هر روز به سمت بالا می‌رفت و با حیرت و تعجب همگانی حتی تا مرز هر دلار ۱۹ هزار تومان نیز پیش رفت اما دولت دوازدهم هنوز اصرار داشت و هنوز در اسفندماه ۱۳۹۷ و با وجود اینکه پیامدهای فسادآلود و رانت‌خیز آن آشکار شده است که این کار باید انجام شود.

استدلال دولت این بود که اگر نرخ دلار برای واردات کالاهای اساسی از ۴۲۰۰ تومان فراتر برود نرخ تورم به صورت تصاعدی افزایش یافته و شهروندان با تهدید مواجه می‌شوند. دولت در واقع با توزیع دلار با قیمت ۳۰ درصد قیمت بازار ارز می‌خواست نرخ کالاهای اساسی را مهار کند اما گزارش ارایه شده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس و همچنین مشاهدات روزمره شهروندان و بانک مرکزی نشان داد و می‌دهد که این تخصیص هرگز به هدف مهار تورم کالاهای اساسی منجر نشده است و اتفاقاً برخی از کالاهایی که واردات آنها با دلار ۴۲۰۰ تومانی بود با شتاب بیشتری به بالا رفتند. حالا و پس از آنکه گزارش‌ها به دولت رسید که دلارهای کمیاب خود را به سودایی باطل به حراج گذاشته است نوبت روشن کردن توپخانه علیه واردات از طرف دولت، رییس بانک مرکزی و سایر مقام‌های ارشد دولت بود. حسن روحانی رییس‌جمهور ایران چندین بار و به مناسبت‌های گوناگون تیغ انتقادهای تند را کشید و به واردکنندگان حتی عنوان خیانتکار را هبه کرد و تصریح کرد دلارهای ارزان را گرفتند و کالا وارد نکردند یا اگر هم کالا وارد کردند به قیمت دلار بازار

هنوز جشن نوروز ادامه داشت که بازار ارز در هفته دوم فروردین ۱۳۹۷ سرکش و عاصی شد و نرخ ارزهای معتبر به ویژه نرخ تبدیل دلار به ریال سودای رسیدن به ابرهای دور دست آسمان را در دستور کار قرار داد. در یک چشم برهم زدن نرخ تبدیل هر دلار آمریکا به سرعت به ۶۰ هزار ریال رسیده بود که آن روز نامدار ناپیدای مرموز در دولت دوازدهم از راه رسید. روزی که مسعود نیلی اقتصاددان ایرانی را ناگزیر کرد به رییس خود انتقاد کند و از او بخواهد متن صحبت‌های آن روز بد را برای شهروندان منتشر کند. در آن روز که باید بین ۱۵ تا ۲۰ فروردین ۱۳۹۷ باشد تصمیم این شد که دولت با حراج دلارهای ذخیره شده خود در بانک مرکزی به قیمت هر دلار ۴۲۰۰ تومان فراخوان عمومی به همه ایرانیان قدرت‌نمایی کرده و به بازار ارز اخطار کند که باید نرخ‌ها را پایین بکشد.

به این ترتیب بود که اسحاق جهانگیری معاون اول رییس‌جمهور به عنوان مرد قدرتمند اقتصادی - سیاسی دولت یازدهم لباس پیشگام در اعلام نتایج تصمیم روز تا باید به یادماندنی دولت را بر عهده گرفت و خود را در آتش دلار سوزاند. او اعلام کرد دولت و بانک مرکزی آنقدر ارز دارند که هر فردی هر میزان دلار به قیمت ۴۲۰۰ تومانی برای واردات بخواهد در اختیارش می‌گذارند. آیا این سیاستمدار کرمانی که پله‌های ترقی تا رسیدن به مرد دوم قوه مجریه را در یک دوره کوتاه سپری کرده بود نمی‌دانست نام و آوازه خود را در آتش دلار می‌سوزاند؟ آیا مسعود نیلی دستیار ویژه رییس‌جمهور در اقتصاد و یار قدیمی جهانگیری به او توضیح نداده بود این کار و این پیشگامی خودزنی به حساب می‌آید و او نمی‌تواند بازار مهار گسیخته دلار را با این حرف‌ها رام کند؟ هر چه بود جهانگیری در این آتش سوخت و البته تنها نبود. پس از او محمدباقر نوبخت رییس سازمان برنامه و بودجه که باید کار تدبیر اقتصاد و اندیشه اقتصادی را به برنامه تبدیل کند نیز به میدان آمد و همان حرف‌های جهانگیری را تکرار کرد که البته در محاق ماند و دلار ۴۲۰۰ تومانی به نام جهانگیری در تاریخ ثبت شد.

تنها یک ماه زمان کافی بود که معلوم شود سیل درخواست و تقاضا برای دریافت دلار ۴۲۰۰ تومانی با هدف توجیهی واردات سرتاسر میهن را درنور دیده و در شهرهای کوچک و مراکز استان‌ها یک صف طولانی برای ثبت سفارش تشکیل شده است. محمد شریعتمداری وزیر صنعت، معدن و تجارت وقت در همان روزها اعلام کرد میزان ثبت سفارش در یک دوره ۳ ماهه نخست ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه ۲ برابر و به ۲۰ میلیارد دلار رسیده است. این استقبال از دلار ۴۲۰۰ تومانی جز برای دولت و به ویژه رییس آن که می‌گویند

روزهای سلطان کشی

در دنیای امروز شمار اندکی از کشورها هستند که اقتصاد آزاد را هنوز در راهبردهای خود برای توسعه کشور قبول نکرده‌اند. برخی از این کشورها که شمار آنها اندک است بازمانده‌های دوران جنگ سردند که به اردوگاه سوسیالیسم پیوسته و با وجود سپری شدن چند دهه از پایان جنگ هنوز دولت و حزب حاکم همه نیروی مادی و فکری اقتصاد را در چنگ دارد. کشورهایی مثل کوبا و کره شمالی و تا اندازه‌ای سوریه و سودان در خاورمیانه از این دست کشورها به حساب می‌آیند. در خاورمیانه و نیز در برخی از کشورهای جهان مثل ونزوئلا که درآمد حاصل از صادرات نفت یک درآمد فوق‌العاده و در اختیار دولت است نیز فعالیت‌های اقتصادی تحت امر دولت اما با کمی تفاوت قرار دارد. در میان کشورهای جهان می‌توان با جرات گفت اقتصاد ایران یک استثناست. اقتصاد ایران دست کم ۶ دهه است در چنگ و اختیار نهاد دولت از یک طرف و نهادهایی بالاتر از دولت از سوی دیگر قرار دارد. در ایران، به دلیل فقدان احزاب حامی بورژوازی و به دلیل توده‌ای بودن عنصر سیاست، قدرت مستقر در دولت، مجلس و قوه قضاییه هرگز حاضر نمی‌شوند شهروندان را رها کرده و از صاحبان سرمایه حمایت کنند. به این ترتیب است که بورژوازی ایران برای فعالیت خود باید ناچار ساز خود را با ساز دولت کوک کند و تا اندازه زیادی از سیاست‌های دولت تبعیت کند و البته در این میان بکوشد راه‌هایی برای توسعه خود بردارد.

بسیار دیده و شنیده‌ایم که مردانی در ایران پیدا می‌شوند که به یک گروه از دولت نزدیک شده و با آنها سازگار می‌شوند و ضمن اینکه کسب خود را دنبال می‌کنند به دولت نیز کمک می‌کنند. این افراد اما در مقاطعی از زمان و به ویژه در روزهایی که مجادله سیاستمداران جناح‌های گوناگون به اوج می‌رسد یا روزهایی که اقتصاد کلان با بحران مواجه می‌شود به وسط رینگ آورده و آنها وادار می‌شوند که اندوخته‌های خود را که بر اساس رانت و فساد به دست آورده‌اند رو کرده و در اختیار قرار دهند. امیر خسرو یکی از این سلطان‌ها بود که چند سال پیش اعدام شد و سلطان بابک زنجانی که سلطان نفت نامیده می‌شود الان چند سالی است زندان است و گفته می‌شود اگر پول‌هایی که در اختیارش قرار دارد را پس بدهد ممکن است در حکم او تخفیف صورت گیرد. شهرام جزایری از این دست افراد که البته در اندازه‌های کوچک در معرض رانت و فساد بود. حمیدرضا باقری درمونی که در زمان انقلاب اسلامی فقط

۹ سال داشت و در ۱۹ دی ماه امسال به دار مجازات آویخته شد یکی از این سلطان‌ها بود که وصل به بانک‌ها بوده و نزدیک به ۲ هزار میلیارد تومان بدهی بانکی داشته است. سلطان سکه به نام وحید مظلومین نیز در سال ۱۳۹۷ بساطش برچیده و اعدام شد. در اسفندماه امسال حسین هدایتی مشهور به عابربانک در حال محاکمه است و کسان دیگری در صف قرار دارند که به اتهام فساد اقتصادی محاکمه شوند.

روند فزاینده کشف سلطان و سلطان کشی در سال ۱۳۹۷ به دلیل تشدید تحریم‌ها و عدم تعادل در بازارهای ایران است و از آنجایی که به شهروندان فشار وارد می‌شود باید با اعدام این افراد راه را برای ثروت‌اندوزی بست. این سلطان کشی و این مفسد کشی در حوزه اقتصاد البته مسبوق به یک دیدگاه سیاسی است که بر اساس آن باید هر چند گاه چند مفسد اقتصادی را زد تا درس عبرت برای دیگران شده و آنها از مسیر نادرست برگردند. آیا روند سلطان کشی در پاییز و زمستان ۱۳۹۷ روزهای خاصی برای ایران رقم زدند و همین جا متوقف می‌شود. برخی دیدگاه‌های بدبین تر می‌گویند این روند می‌تواند به یک جریان عمومی تبدیل شده و شاید روزی سراغ بیشتر کسانی که در دهه‌های اخیر ثروتمند شده و یا از وضعیت اقتصادی استفاده کرده و با رانت‌خواری صاحب هزاران میلیارد تومان سرمایه شده‌اند بروند و به این ترتیب شاید هزاران میلیارد تومان از اموال این افراد در این روزهای سخت به کار دولت بیاید. فرض کنید بر اساس پژوهش و تحقیق معلوم شود که هزار ثروتمند ایرانی وجود دارند که از

راه رانت‌خواری و فساد ثروت جمع کرده‌اند و این احتمال وجود داشت که بتوان به طور میانگین از هر کدام ۱۰ میلیارد تومان پول به نفع کشور گرفت که معادل ۱۰ هزار میلیارد تومان خواهد شد که رقم اندکی نیست.

فعالان اقتصادی می‌گویند روند سلطان کشی باید از جایی متوقف و به جای اینکه مدام سلطان تولید و اعدام شود بهتر است به سراغ قانون‌ها و سیاست‌های اقتصادی رفت. آن طور که دولت ادعا دارد در سال ۱۳۹۷ میلیارد‌ها دلار ارز به قیمت ترجیحی به کسانی داده شده است تا کالا وارد کنند و در بازار بفروشند اما آنها از این کار اجتناب کرده و ارز را در بازار آزاد فروخته و یا کالا وارد کرده به دلار آزاد فروخته‌اند... این گونه است که سلطان متولد می‌شود و سلطان‌ها دستگیر می‌شوند. وقتی که نرخ بهره بانکی در ایران بسیار کمتر از نرخ تورم است و دریافت اعتبارات از بانک‌ها یک امتیاز است و وقتی گفته می‌شود صدها نفر دانه‌درشت داریم که مطالبات آنها به سمت سوخت شدن پیش می‌رود و وقتی معلوم می‌شود کسانی بوده‌اند که می‌دانسته‌اند نرخ تعرفه واردات کدام کالا ممکن است افزایش یابد و آن کالا را وارد کرده‌اند می‌توان حدس زد که ثروت یادآورده‌ای فراهم خواهد شد. کسی یا گروهی منکر این نیست که رانت‌خوار و فاسد اقتصادی شناسایی و دستگیر و اعدام شود اما نخبان می‌گویند این روش مبارزه می‌تواند ترس در دل کارخانه‌داران ریشه‌دار و اصیل ایران بیندازد و کار را سخت کند. آیا روند سلطان کشی به یک جریان دایمی تبدیل خواهد شد؟ روزهای سلطان کشی آیا در راه است؟



روزهای

ایران ۹۷



ایران سرزمین پهناور با ۸۲ میلیون نفر جمعیت و یکی از قدرت‌های بزرگ در منطقه خاورمیانه و غرب آسیاست که تاریخ طولانی را پشت سر گذاشته و جغرافیای آن خاص و دارای عناصر پیچیده‌ای از سیاست در لایه‌های پیدا و پنهان است. این سرزمین و شهروندان آن به همراه حاکمیت دست کم ۴۰ سال است که در صدر اخبار سیاسی جهان قرار دارند و رفتارها و تصمیم‌هایی که در درون مرزهای ملی اتخاذ می‌شود سرچشمه دگرگونی در منطقه و در بخش قابل اعتنایی از جهان است. سرزمین ایران در جایی از جهان واقع شده است که از سال‌های پس از جنگ جهانی دوم محل اعتنای اردوگاه سوسیالیستی جهان و همزمان دنیای آزاد بوده است و هم‌اکنون نیز چین و روسیه به مثابه قدرت‌های شرق جهان و آمریکا و اتحادیه اروپا به مثابه نمایندگان غرب خواستار حمایت ایران هستند و علاقه دارند از قدرت و اعتبار این کشور در نبرد با دیگری استفاده کنند.

ایران دارای منابع غنی نفت و گاز است که با وجود همه فراز و فرودها هنوز از استراتژیک‌ترین کالاهای مورد نیاز جامعه جهانی و کالای اصلی تامین انرژی برای صنعت و کشاورزی و معدن و راه است. ایران به لحاظ جمعیت با همه کشورهای حاشیه خلیج فارس برابری می‌کند و از نظر کیفیت جمعیت نیز با همه کشورهای منطقه و حتی آسیا - به جز چند کشور - قابل مقایسه است سرزمین ایران با داشتن منطقه‌ای مثل بندر و منطقه چابهار یکی از راهبردی‌ترین مناطق را در اختیار دارد و همسایگی ایران با بیش از ۱۵ کشور جهان یک مزیت بالای دادوستد در سطح منطقه است. با این همه، اما شوربختانه ایران در موقعیت ممتازی در مقایسه با داشته‌هایش قرار ندارد و در وضعیتی به سر می‌برد که هرگز هیچ فرد و گروه منصف و منعطف و کارشناسی آن را بهترین موقعیت نمی‌داند. عناصر اصلی قوام‌دهنده هر جامعه مثل اقتصاد، سیاست، فرهنگ و امور اجتماعی در ایران وضعیتی نامساعد دارند و به همین دلیل است که نمی‌توان ادعا کرد ایران در بهترین روزهای خود قرار دارد. در حوزه سیاست داخلی ایران آنقدر تشست و پراکندگی و تضادهای آشتی‌ناپذیر وجود دارد که حتی در برابر سخت‌ترین مسایل گرفتارکننده هستی این مرز و بوم نیز اتفاق نظر وجود ندارد. در سیاست خارجی نیز دیدگاه‌های متضاد راه را برای هم‌وردجویی منطقی و مبتنی بر خرد جمعی ناهموار کرده است. در اقتصاد و کسب و کار شهروندان نیز در روزهای خوب قرار نداریم و برخی سیاست‌های اقتصادی که دولت اتخاذ کرده است تنفس شهروندان را به شماره انداخته است. رشد منفی اقتصادی بدترین رخدادی بود که می‌توانست گریبان ایران را بگیرد که گرفت و در سال ۱۳۹۷ برای ایران بلا درست کرد. سرمایه‌گذاری در ایران از نفس افتاده است و از سرمایه‌گذاران بزرگ و کوچک خارجی کسی به ایران نیامده و در داخل نیز شوقی برای بزرگ‌تر شدن بنگاه‌ها دیده نمی‌شود. در حوزه فرهنگ نیز شاهد گسست میان اراده سیاست‌ورزان و مدیران اصلی با بدنه جامعه به ویژه جوانان ایرانی هستیم. رشد روزافزون آسیب‌های اجتماعی مثل اعتیاد، خلاف‌های کوچک و بزرگ، ازدواج سفید، مهاجرت به خارج از کشور نیز از گرفتاری‌های ایران امروز است که در مسایل اجتماعی خود را نشان می‌دهد. ایران در روزهایی قرار دارد که به هر دلیل توانایی سازگاری با کشورهای حاشیه خلیج فارس را ندارد و علاوه بر این ناسازگاری، متأسفانه مناسبات به نقطه سرحدی نامناسبی رسیده است. ایران نمی‌تواند به هر دلیل از مزیت‌های خود مثل گردشگری به مثابه یک صنعت پول‌ساز استفاده کند. ایرانیان در حالی ناگزیر شده‌اند در صف‌های طولانی برای خرید گوشت قرمز وارداتی

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

بایستند که سال‌های طولانی است می‌خواهیم خوداتکا شویم. در حالی که هزاران هکتار اراضی زیر کشت در ایران با بهره‌وری ناکافی مورد استفاده قرار می‌گیرند ایران یکی از بزرگ‌ترین واردکننده‌های نهادهای دامی است. در حوزه حمل و نقل نیز شاهد تصادف‌های جاده‌ای هستیم و در حمل و نقل هوایی نیز به دلیل گرفتار شدن در تار و پود شبکه شرکت‌های بین‌المللی توانایی بازسازی ناوگان را از دست داده‌ایم. در حالی که ایران باید در مسیر رشد غیرتورمی قرار بگیرد تا فاصله‌اش با ترکیه، عربستان و امارات بیشتر نشود اما شاهد رکود تورمی برای بار دوم در کمتر از یک دهه هستیم. همه اینها را که کنار هم قرار می‌دهیم تصویری نه چندان روشن از امروز ایران در برابر دیدگانمان قرار می‌گیرد و این برای مردم ایران آزاردهنده است. در حالی که ایران می‌توانست از سال ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۶ بهترین بهره‌برداری را از پدیده‌ای مثل برجام داشته باشد اما شوربختانه این پدیده به بدترین شکل نه تنها موجب خیر و برکت نشد بلکه به یک پدیده آسیب‌رسان تبدیل شد که در دو سوی آن سرسخت‌ترین مخالفان و وفادارترین افراد صف کشیده و هر کدام ساز خود را کوک کردند.

این روزهای آسمان ایران ابری است و البته باران و برق ندارد و تنها آلودگی و سوز و سرمای استخوان‌ها را آزار می‌دهد. ایران می‌توانست از ورود بیش از ۲۰۰ گروه اقتصادی که می‌خواستند در این مرز و بوم سرمایه‌گذاری کنند برای اقتصاد تضعیف شده خود بهره‌برداری کند که نگردد. روزهای ایران آفتابی نیست و آسمان آن در شب ستاره‌باران نمی‌شود و باید از این حالت عبور کرد. ایران نمی‌تواند تا چند سال دیگر به همین اندازه‌های اقتصادی بسنده کند و اگر دیر بجنبند بی‌تردید ابهت سیاسی و نظامی خود را در برابر دیگران از دست می‌دهد. هر سرزمینی در غیاب اقتصاد رو به رشد و پرونق تنها چند سال می‌تواند تاب‌آور باشد و پس از آن در سرازیری قرار می‌گیرد و شهروندانی ناراحت و خشمگین ساکن آن خواهند بود که دنبال راه‌های فرار می‌گردند. روزهای ایران با پشتوانه میلیون‌ها جوان ترقی‌خواه که آرزوی زندگی مادی در سطح بالاتری دارند باید آفتابی شود و درخشندگی آن به چشم آید. نباید به امارات متحده عربی حسادت کرد که به سرعت تولید ملی خود را به اندازه ایران می‌رساند بلکه باید حسرت ایران را خورد که با رشدهای منفی اقتصادی در موقعیت دشواری قرار می‌گیرد.

این قابل قبول است که نظام سیاسی آمریکا به مثابه یک ابرقدرت با نظام سیاسی ایران ناسازگار شده و از هر راهی برای تضعیف ایران استفاده می‌کند و با تحریم‌های گسترده روزه‌های کسب و کار ایرانیان را می‌بندد اما در مقابل ایران نیز باید بتواند از امکانات بقیه جهان استفاده کند و باید برخی راه‌ها را برای دادوستد با اتحادیه اروپا، با ژاپن، با کانادا یا استرالیا یا کره جنوبی باز نگه دارد. نباید در سایه تحریم‌ها خوابید و مدام از اینکه آمریکا نتوانست صادرات ایران را صفر کند خرسند بود و از یاد برد که صادرات نفت نصف شده است. ۸۲ میلیون شهروند ایرانی را نمی‌توان با وعده‌های بلند و دورپروازانه راضی نگه داشت و باید به حال امروز آنها نیز رسیدگی شود. پرونده ایران در سال ۱۳۹۷ پر از رخداد‌های شگفت‌انگیز در حوزه اقتصاد کلان، اقتصاد خانوارها و بنگاه‌ها و در سیاست خارجی و در حوزه مسایل فرهنگی و اجتماعی بوده است که نوشتن در باره آنها ضرورت تمام‌عیار دارد، اما از حوصله این نشریه خارج است و باید در زمان خوبی به آن پرداخت. در صفحه‌های بعدی برخی از مهم‌ترین روزها و رخدادها را بررسی خواهیم کرد.



روحانی هم با اقتصاد لج بازی کرده

حسن روحانی چهارمین رئیس‌جمهور ایران پس از سال‌های جنگ به شمار می‌آید. او دومین دوره ریاست خود بر قوه مجریه و دولت را از تابستان ۱۳۹۶ شروع کرده و تا بهار ۱۴۰۰ در این منصب باقی خواهد ماند. حسن روحانی تا پیش از اینکه رئیس‌دولت در ایران شود یک دوره طولانی را در بالاترین نهادهای امنیتی سپری کرده بود اما در منصب ریاست جمهوری با واقعیت‌های بزرگی روبه‌رو شد که هرگز تصور نمی‌کرد. یکی از این واقعیت‌های سرسخت در موضوع اقتصاد بود و هست. برخلاف تصویری که سیاستمداران دارند، متغیرهای اقتصادی با همه نرم و سبک بودن اما هرگز تن به خواسته آنها نمی‌دهند. رفتار هزاران هزار بازیگر اقتصادی در سطوح گوناگون با امیال، اراده و آرزوها و خواست‌های خودشان سازگار می‌شود و کاری به این ندارند که رئیس‌جمهور چه می‌خواهد.

یک کارگر می‌خواهد با کمترین ساعت کاری بیشترین مزد را دریافت کند و در همین مسیر می‌اندیشد و عمل می‌کند، یک صاحب کارخانه نیز علاقه شدید دارد کمترین مزد را پرداخت کند و کالایش را با بیشترین قیمت در بازار بفروشد و کمترین مالیات را پرداخت کند. یک کشاورز می‌خواهد گندم یا چغندر یا عدس تولیدی خود را با بالاترین قیمت بفروشد و در مقابل کود، سم و بذر را با کمترین قیمت خریداری کند.

این داستان را می‌توان برای کارمندان عالی‌رتبه دولت و کارمندان و مدیران میانی صدها دستگاه دولتی نیز تکرار کرد که هر کدام علاقمندند بیشترین فایده را ببرند و کمترین زحمت را بکشند. رئیس‌دولت ایران شاید در ۶ سال تازه سپری کرده با هیچ کدام از کارگر، صاحب کارخانه، کشاورز یا مدیر برخورد رودررو نداشته است اما آثار و پیامدهای آن را در عمل و در رفتار متغیرهای اقتصادی دیده است.

روحانی در پیام نوروزی خود در سال ۱۳۹۷ روزهای آفتابی را برای اقتصاد و سیاست ایران ترسیم کرد و تاکید کرد که در سال ۱۳۹۷ - همانند سال ۱۳۹۶ - دو هدف کاهش نرخ بیکاری و کاهش نرخ فقر است. روحانی تصریح کرد می‌خواهیم در سال ۱۳۹۷ و تا پایان دولت دوازدهم مبارزه با فقر ادامه پیدا کند. اما این آرزوی روحانی شوربختانه هرگز عملی نشد و

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

به دلیل از دست رفتن قدرت خرید میلیون‌ها شهروند به دلیل رشد قیمت ارز و قیمت کالاها، فقر گسترده‌تر شد. البته درباره اینکه بیکاری کاهش یافته یا افزایش باید منتظر تولید آمارهای با دقت بالا بمانیم.

♦ دلار و سرگردانی رئیس

بدون تردید یکی از چالش‌های اصلی حسن روحانی به عنوان رئیس دولت در سال ۱۳۹۶ سیاست ارزی بود و این داستان تا آخر اسفند ادامه داشت. در حالی که در اعضای کابینه به ویژه آنهایی که رفتند با صراحت گفتند توزیع دلار ارزان در فضای داغ بازار آزاد دلار از اندیشه‌های شخص رئیس‌جمهور بود اما او در دی ماه ۱۳۹۷ در یک نشست اداری در استان گلستان تاکید کرد: «من به طور شخصی مخالف توزیع هر دلار به قیمت ۴۲۰۰ تومان بودم اما چون ۳۰ اقتصاددان روی آن اجماع داشتند آن را پذیرفتم. بعدها، مسعود نیلی دستیار ارشد اقتصادی رئیس‌جمهور و یکی از افرادی که در مظان اتهام دلارپاشی بود از رئیس‌جمهور خواست محتوای مذاکرات روزی که درباره دلار تصمیم گیری شد را به اطلاع افکار عمومی برساند که این کار انجام نشد.

♦ روحانی و واردکنندگان

حسن روحانی در شروع فعالیت تبلیغاتی خود در سال ۱۳۹۲ توانست محمد نهاوندیان رئیس وقت اتاق بازرگانی ایران را همراه خود کند و با استفاده از موقعیت و نفوذ کلام وی همراهی فعالان خصوصی را برای خود دست و پا کند. بر اساس رفتار و به ویژه گفتارهای روحانی وی یک دوره ماه عسل را به ویژه در حرف و نظر با بخش خصوصی داشت و این ماه عسل البته دوام زیادی نداشت و در سال ۱۳۹۷ به مجادله رسید. حسن روحانی رئیس دولت ایران به دلیل نوع نگاه خود یا به دلیل تاثیرپذیری از سیاست‌های همکارانش در نهادهای اصلی اقتصاد به ویژه در نیمه دوم سال ۱۳۹۷ یا به دلیل فشارهای سیاسی که از ناحیه رقبای او وارد شد سرانجام توپ رشد نرخ تورم را به زمین بازرگانان انداخت و گفت واردکنندگان از دولت و بانک مرکزی

دلار ۴۲۰۰ تومانی گرفتند اما با این ارزها کالا وارد نکردند یا وارد کردند و به قیمت‌های روز فروختند و این یک عامل اصلی گرانی است.

♦ روحانی و صادرکنندگان

رئیس‌جمهور ایران پس از آنکه بر توزیع دلار به قیمت ۴۲۰۰ تومان اصرار کرد و دید که نتایج خوبی نداشته است و قیمت کالاها همچنان روند فزاینده را تجربه می‌کنند تلاش کرد نرخ دلار را در بازار آزاد کاهش دهد. یکی از کارهایی که وی کرد و بر روی آن پافشاری می‌کند اجبار صادرکنندگان به فروش ارزهای حاصل از صادرات به قیمت دولت ساخته در شبکه‌های نیما و سما است. نیما و سما دو شبکه و دو نهاد تاسیس شده از سوی بانک مرکزی بوده و هستند که برای خریداری ارز صادرکنندگان تاسیس شدند. این نهادهای فنی - اطلاعاتی اما با اقبال صادرکنندگان حتی در سطح صادرکنندگان بزرگ پتروشیمی قرار نگرفت و آنها از این کار امتناع کردند. او تصریح کرد: «امروز در بازار ارز التهاب وجود دارد و بخشی از این التهاب به خاطر آمریکاست، اما من به عنوان رئیس دولت اعلام می‌کنم بخشی از التهابات بازار ارز از داخل است. صادرکننده چه دولتی یا خصوصی، ارزی را که باید در اختیار شبکه نیما قرار دهد بعدها ارایه می‌کند و این کار خیانت به کشور است. حدود ۴۰ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی داریم، ۶ ماه از سال گذشته است و باید ۲۰ میلیارد دلار به بانک مرکزی و در سامانه نیما می‌آید، چقدر آمده؟ بله آنها جنایتکارند و جنایت می‌کنند اما خودمان چه کرده‌ایم.» به این ترتیب حسن روحانی به عنوان رئیس‌جمهور صادرکنندگان را جنایتکار نامید که ارز خود را به شبکه نیما نمی‌فروشد و موجب می‌شوند که در درون دولت تغییرات صورت بگیرد.

♦ روحانی و قیمت‌ها

یکی از بزرگ‌ترین رخدادهای اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۷ در حوزه قیمت نسبی کالاها یا تحولات نرخ دلار بود. نرخ هر دلار آمریکا از نیمه دوم فروردین ماه در خط استارت افزایش قرار گرفت

و در یک دوره زمانی کوتاه هر دلار حتی به ۱۹ هزار تومان نیز رسید. نرخ ارز با آمدن همتی به بانک مرکزی تا اندازه‌ای آرام گرفت اما بار دیگر در بهمن ماه در مدارافزایش افتاد. در هر دو مقطع تابستان ۱۳۹۷ و زمستان ۱۳۹۷ تولید و عرضه کالا تحت فشار نرخ ارز در مسیر افزایشی قرار گرفت و شاهد جهش قیمت‌ها بودیم. حسن روحانی اما به جای اینکه این موضوع را به مثابه یک درد درمان‌ناشدنی از ضعف ریال به پول تلقی کند و راهی برای آرام کردن پرتاب دلار پیدا کند و به ویژه در مواجهه با شهروندان رعایت نراحتی آنها را کند در یک سخنرانی عمومی گفت قیمت کالاها در ایران در مقایسه با قیمت کالاها در کشورهای دیگر ارزان است و به همین دلیل قاچاق می‌شود اما این سخن رئیس دولت با انتقاد مواجه شد و شمار زیادی از کاربران شبکه‌های اجتماعی سخن وی را غیرکارشناسانه خواندند.

روحانی اما توجه نکرد که چگونه است گوشت مرغ و گوشت گوسفند و گوساله از برزیل و استرالیا با هواپیما به تهران می‌رسد و با قیمت پایین‌تر عرضه می‌شوند. رئیس‌جمهور حسن روحانی بدون توجه به مقایسه دقیق و کارشناسانه قیمت‌های نسبی تولید کالا در ایران و سایر کشورها نقد منتقدان را غیرکارشناسی تلقی کرد.

♦ ناشناسی اقتصاد

واقعیت این است که حسن روحانی همانند رئیس‌جمهور قبلی در شرایط دشوار که قرار گرفت به جای استمداد از اقتصاددانان به مسخره کردن آنها پرداخت و تصریح کرد آنچه در دنیای واقعی می‌گذرد با آنچه در ذهن اقتصاددانان وجود دارد تفاوت دارد و گفت تئوری‌های اقتصاد در شرایط ایران جواب نمی‌دهد. این داوری روحانی نشان داد که سیاستمداران با هر گرایش و با هر آینده‌نگری تاب‌آوری کمی در برابر رخدادهای اقتصادی که خارج از اراده آنها حرکت می‌کند نشان می‌دهند و در گفتار و رفتار واکنش‌هایی نشان می‌دهند که حاکی از ناشناس بودن تحولات در روندها و اندیشه‌های اقتصادی است.

نوبخت نمونه خطای راهبردی

سازمان برنامه و بودجه به مثابه یک نهاد فرادولتی در سال های پس از جنگ دوم جهانی در برخی از کشورها از جمله ایران با هدف پیگیری سیاست های اقتصادی بین سوسیالیسم و بازار تاسیس شد. هدف از تاسیس این نهادها کمک به توسعه و عمران کشورها از مسیر دادن کمک های اعتباری غرب به ویژه امریکا بود. امریکایی ها علاقمند بودند این سازمان بتواند جریان اقتصاد در ایران را گونه ای ساماندهی کند که در مسیر خود نوعی عمرن و آبادی از راه دولت را پیاده سازد. نخستین رییس این سازمان نیز که با اعتماد امریکایی ها شروع به کار کرد به لحاظ شخصی و باورهای اقتصادی واجد شرایط ایستادگی در برابر نهاد دولت و سازمان های آن را داشت و همین کار را انجام داد. ابتهاج در یک دوره نسبتاً بلندمدت توانست یک نهاد برنامه ریزی و یک نهاد مسوول تنظیم بودجه های سالانه منضبط را اداره کند. اقتدار وی و اشراف سازمان برنامه به فعالیت دستگاه ها و سازمان ها و بنگاه های دولتی به اندازه ای شد که بسیاری از مدیران با او و با فلسفه وجودی سازمان برنامه و بودجه مخالف شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی این سازمان فراز و فرودهای حیرت انگیزی داشت و حتی با انحلال مواجه شد. محمدباقر نوبخت، یکی از چهره های سیاسی پس از جنگ که سال هایی را در مجلس قانونگذاری سپری کرده بود در بهار ۱۳۹۳ از طرف رییس جمهور روحانی به ریاست سازمان برنامه و بودجه رسید. اندیشه، عقاید و رفتار و گفتار رییس سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۹۷ بر سیاستگذاری اقتصادی در ایران موثر بود و هست. بررسی کارنامه نوبخت نشان می دهد که سیاستگذاری اقتصادی در بالاترین سطح چگونه عقبگرد داشته یا به جلو رفته است. متأسفانه رفتار و تصمیم ها و گفتارهای ریاست سازمان برنامه و بودجه نشان می دهد سیاستگذاری در بالاترین سطح برنامه ریزی کشور هنوز مبتنی بر اندیشه های نوعی پوپولیسم و ساده انگاری است که به رانت خواری در جامعه دامن می زند. دو تصمیم و دو فراز از گفتارهای منجر به عمل ریاست سازمان برنامه و بودجه را می توان به مثابه نمونه های قابل سرائت در اینجا طرح کرد.

♦ توزیع بسته های صدقه ای

در روزهای داغ شهریورماه ۱۳۹۷ و در اوج ناراحتی شهروندان از مارپیچ تورم دلار و کالاها که کسب و کار ایرانیان را در غبارها گم کرده و شهروندان ایرانی خشمگین بودند محمدباقر نوبخت بسته های خوشبختی خود خبرساز شد. وی از اختصاص ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای اجرای برنامه ها و بسته های اقتصادی دولت خبر داده و گفته است: ۱۳ میلیارد دلار از این مبالغ برای ۲۵ قلم کالای اساسی، دارو و نهاده های کشاورزی اختصاص خواهد یافت که معادل ریالی آن ۱۷ هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان است که ۷۵۰۰ میلیارد تومان این مبلغ به ۵ قلم کالا اختصاص خواهد یافت. دولت در حدود ۲۹ تا ۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه برای اجرای برنامه ها و بسته های تهیه شده اختصاص داده است. وی البته جز این مورد یک فهرست از ۵ بسته را ارایه کرده است که شامل حمایت از تولید و حمایت از پیمانکاران و حمایت از گروه های کم درآمد است که جز همان بسته بالایی بقیه در دست اقدام است. نوبخت که حالا یکی از فرماندهان واقعی اقتصاد دولتی است هرگز نگفت منابع تامین این ارقام کجاست؟ آیا در بودجه ۱۳۹۷ این رقم دیده شده است یا ناگهان و براساس شرایط، سازمان برنامه و بودجه تصمیم گرفته است این رقم را برای بسته های حمایتی تامین کند؟ آیا قرار است منابع لازم از محل پس اندازهای شهروندان در بانک ها برداشته شود؟ آیا دولت درآمد تازه ای از محل فروش نفت

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

همتی و ادامه تصورات نادرست

مردان اهل سیاست و کسانی که قدرت را دوست دارند برایشان تفاوت نمی‌کند در کدام مقام و منصب باشند. آنها به نفس قدرت علاقه دارند و البته این دوست داشتن نباید نکوهش شود. به نظر می‌رسد عبدالنصر همتی رییس بانک مرکزی ایران از مرداد تا امروز نیز یکی از همان مردان است که روزی معاون رییس سازمان صدا و سیما بود و روزگاری رییس بیمه مرکزی و حالا رییس بانک مرکزی. سیاستمداران اما یک اشتباه راهبردی دارند و آن کم‌انگاری خرد و هوش شهروندان به ویژه در امور اقتصادی است. همتی نیز شوربختانه با همین تصور بود که در چند ماه از دوران ریاستش بر بانک مرکزی چند تصور نادرست خود را بر زبان آورد و تصمیم‌های اشتباه گرفت. با توجه به اینکه تصمیم و گفتار رییس بانک مرکزی بر سرنوشت کسب و کار ایرانیان موثر بوده و هست برخی از این نکات را یاد آور می‌شویم.

◆ نادیده انگاری خرد شهروندان

همتی به هر دلیل باور کرده بود سرمایه‌گذاری روی دلار برای شهروندان ایرانی سرمایه‌گذاری خوبی نیست زیرا دولت و بانک مرکزی برای بازار ارز برنامه دارند و نرخ تبدیل دلار به ریال را کاهش خواهند داد و حتی ممکن است آن را به زیر ۱۰ هزار تومان برسانند. وی به مردم پند پایشان را به بازار دلار نگذارند زیرا با زیان مواجه می‌شوند اما در روزهای پس از ۲۲ بهمن که نرخ تبدیل هر دلار آمریکا به نزدیکی ۱۴ هزار تومان رسید شهروندانی که دلار خریداری کرده بودند خرسند شدند و البته به دآوری همتی بیش از پیش بدبین شدند. ایرانیان تجربه همه ۱۳ سال اخیر از شروع کار دولت احمدی‌نژاد تا زمستان امسال را به چشم دیده‌اند و یادشان می‌آید چگونه و در اوج تاکیده‌های رییس‌جمهور پیشین و رییس کل بانک مرکزی وی چگونه نرخ هر دلار از ۱۰۰۰ تومان سال ۱۳۸۴ به حدود ۵ هزار تومان و در دولت دوازدهم چگونه از حدود ۴ هزار تومان به ۱۴ هزار تومان افزایش یافته است. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد نرخ سود سرمایه‌گذاری در دلار از ۱۳۸۴ تا امروز به‌طور متوسط نزدیک به ۱۰۰ درصد در سال بوده است و همین برای اینکه حرف همتی نادیده گرفته شود یا شهروندان برداشت همراه با برداشت بدبینانه به این اندرز داشته باشند کافی است. عقل معاش شهروندان را نباید برای بلندمدت کمانگاشت و تصور کرد شهروندان کم می‌دانند.

◆ تهدید صادرکنندگان

یکی از رفتارهای غیرقابل باور همتی در این ماه‌ها این بود که خواست صادرکنندگان را مقصر گرانی نرخ ارز نشان دهد. او با تهدید صادرکنندگان اشتباه بزرگی انجام داد. رییس کل بانک مرکزی روز گذشته با بیان اینکه صادرات ریالی یعنی خروج سرمایه، آن دسته از صادرکنندگانی را که ارز وارد کشور نمی‌کنند و در واقع در خروج سرمایه از کشور نقش دارند، تهدید به برخورد قضایی کرد. رییس کل بانک مرکزی با بیان اینکه صادرات ریالی یعنی خروج سرمایه، آن دسته از صادرکنندگانی را که ارز وارد کشور نمی‌کنند و در واقع در خروج سرمایه از کشور نقش دارند، تهدید به برخورد قضایی کرد. او پیش‌تر نیز در جلسه‌ای گفته بود میزان این صادرات به اصطلاح ریالی ۱۱ میلیارد دلار است که از کشور خارج می‌شود و دست بانک مرکزی

یا دلار گران به دست آورده است؟ در هر صورت باید محل تامین منابع به صورت شفاف توضیح داده شود تا عدم تعادل تازه پدیدار نشود. سازمان برنامه و بودجه توضیح نداد آیا این ۲۵ قلم کالا از محل تولید داخلی خریداری خواهد شد و متولی این خرید کدام نهاد، سازمان یا موسسه و شرکت دولتی است؟ فروشندگان چگونه انتخاب شدند؟ آیا با توجه به اعلام رقم دلاری، احتمال داشت این میزان کالا از محل واردات تامین شده باشد. در این صورت باز هم می‌توان پرسید سازمان متولی خرید این ۱۳ میلیارد دلار ادعایی کیست و قرار است این ۲۵ قلم کالا از مسیر کدام شبکه توزیع و چگونه به دست مردم برسد. رییس سازمان برنامه و بودجه گفت از ۱۲۵۰۰ میلیارد تومان باقی‌مانده برای حمایت از تولید، حمایت از پیمانکاران، حمایت از فقرا، سهم مثلاً بخش تولید چقدر است و سازوکار اختصاص هر رقم به این بخش و اولویت پرداخت چیست و آیا این محل باز کردن راه رانت تازه و تبعیض بین بنگاه‌های تولیدی نخواهد بود؟

◆ پول‌پاشی دلاری

داستانی که رییس سازمان برنامه‌ریزی و بودجه درباره دلار ادامه توزیع دلار ۴۲۰۰ تومانی در زمستان ۱۳۹۷ به آن اعتقاد داشت و آن را بازگو کرد این بود: «حدود ۱۴ میلیارد دلار ارز به کالاهای اساسی اختصاص یافته که مبلغ ریالی آن حدود ۶۰ هزار میلیارد تومان می‌شود و دولت حاضر شده این مابه‌التفاوت را از واردکنندگان و تولیدکنندگان دریافت نکند، به شرط اینکه قیمت کالاها نیز افزایش نیابد.» یک محاسبه ساده نشان می‌دهد این ۱۴ میلیارد دلار که قرار است با دلار ۴۲۰۰ تومانی میان تولیدکنندگان و واردکنندگان توزیع شود و نمایندگان مجلس نیز آن را برای سال ۱۳۹۸ در بودجه گذاشتند و با لحاظ کردن میانگین قیمت هر دلار در اندازه ۱۱۲۰۰ تومان برای کل سال ۱۳۹۸ هر تولیدکننده یا واردکننده‌ای که به دلار ۴۲۰۰ تومانی دسترسی داشته باشد بدون هیچ زحمتی ۷۰۰۰ تومان رانت به دست آورده است. اگر عدد ۱۴ میلیارد دلار را در ۷ هزار تومان ضرب کنیم به عدد شگفت‌انگیز ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رانت می‌رسیم که این رقم شگفت‌انگیز است. این ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رانت احتمالی به چه کسانی داده خواهد شد و آقای نوبخت و کارشناسان و مدیرانش با کدام ساز و کار می‌خواهند بفهمند کدام واردکننده چه کالایی آورده و به چه قیمت فروخته است و کجا فروخته است؟ آیا قرار است دستگاه شرف یابی به آنها سنجاق شود یا قرار است از آنها تست راستی‌آزمایی گرفته شود؟ تجربه همین چند ماه تازه سپری شده و اعتراض‌های چند باره رییس دولت که بارها بر زبان آورده است که دولت به برخی دلار ۴۲۰۰ تومانی داد اما آنها یا کالا نیاوردند یا کمتر از ارزی که گرفته بودند کالا آوردند یا کالا آوردند اما با قیمت بالاتر به بازار عرضه کردند را نشنیده‌ایم؟ آیا ریاست سازمان برنامه‌ریزی کشور این همه فریاد رییس‌جمهور را نشنیده است که به واردکنندگان انتقاد می‌کند دلار ۴۲۰۰ تومانی گرفتید ولی کالا وارد نکردید؟ چرا درس نمی‌گیریم و می‌خواهیم باز هم ارز کمیاب را به قیمت ارزان و کمتر از نصف قیمت ارز حتی نیمایی به شماری افراد بدهیم و سپس آنها را نکوهش کنیم. بعید است که آقای نوبخت پیامدهای دهشتناک مثل صف بستن برای بهره‌برداری از این ۱۰۰ هزار میلیارد تومان رانت از سوی آگاهان و خبرداران و گستره شدن فساد را نبیند مگر اینکه دلایل خاصی باشد که وی می‌داند و ما نمی‌دانیم و ایشان هم صلاح نمی‌بیند درباره آن دلایل خاص توضیح دهد.

اقتصادی نشان می‌دهد توانستیم بازار را متعادل کرده و عرضه و تقاضا در بازار پول را به نحوی رقم بزنیم که در ثبات نسبی به سر ببریم.» در فرهای روزی که همتی ادعا کرد دلار در مدت ریاست وی بر بانک مرکز تنها ۱۲ درصد رشد کرده است یک سایت تحلیلی نوشت: در روز ۸ اسفندماه قیمت هر دلا در بازار آزاد و بنابر روایت خبرگزاری تسنیم که نرخ دلار را تقریباً در کرانه پایین منتشر می‌کند - ۱۳۳۰۰ تومان است که نسبت به قیمت دلار در ششم مردادماه امسال افزایش قابل توجهی دارد. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد نرخ تبدیل هر دلار امریکا به ریال ایران از روزی که همتی ریاست بانک مرکزی را در اختیار گرفته است تا امروز ۸ اسفند حدود ۴۰ درصد افزایش را تجربه کرده است نه ۱۲ درصد مورد ادعای ریاست بانک مرکزی.

به شبکه نیما عرضه کنند. کاربرد دیگر این نرخ تازه، منصرف کردن متقاضیان ارز برای برخی فعالیت‌های کمتر مهم مثل مسافرت به خارج یا واردات کالاهای لوکس نیز هست.

♦ تغییر عدها

عبدالناصر همتی رییس بانک مرکزی ایران در دیدار با رییس جمهور در مجمع عمومی این بانک گفته است «در هفت ماهی که به بانک مرکزی آمده‌ام تحت شدیدترین تحریم‌ها به‌ویژه در مرداد و آبان ماه قرار گرفتیم که با تدابیر اتخاذشده نرخ ارز ظرف این هفت ماه در مجموع ۱۲ درصد افزایش داشته در حالی که رییس جمهور امریکا گفته بود که پول ملی ایران را نابود خواهد کرد. به‌جز جو روانی، هیچ‌چیز دیگری بر بازار ارز اثرگذار نیست و فاکتورهای

را نمی‌گیرد. وی ضمن تقدیر از تلاش فعالان اقتصادی و بازرگانی در توسعه صادرات کشور تأکید کرد که مصوبه سران قوا اختیارات لازم را به بانک مرکزی برای پیگیری قضایی اعمال این مصوبه، یعنی آوردن ارز صادرات غیرنفتی به چرخه اقتصاد داده است که البته امیدوارم بانک مرکزی به هیچ‌وجه مجبور به استفاده از این اختیار خود نباشد. ظاهراً عبدالناصر همتی اختیارات کافی را از سران سه قوه برای برخورد با صادرکنندگان ریالی و شرکت‌هایی که دلارهای صادراتی خود را به داخل یا برای واردات تخصیص نمی‌دهند، گرفته است. از همین رو وی از افزایش عرضه ارز برای تأمین واردات طی روزهای آینده خبر داد و اعلام کرد که از ابتدای امسال بیش از ۲۷ میلیارد دلار از طریق بانک مرکزی و سامانه نیما برای واردات تأمین شده است.

♦ آدرس اشتباه

در حالی که رییس بانک مرکزی ایران گفته بود نسبت به همتهای خود کمتر حرف خواهد زد اما او با فعال کردن صفحه اینستاگرامی به وعده‌اش وفا نکرد. همتی رییس بانک مرکزی ایران روز ۲۲ بهمن در راهپیمایی عرف شده جمهوری اسلامی ایران شرکت کرد و پس از آن در یک پیام در اینستاگرام از خرسندی شهروندان نسبت به فعالیت چندماهه خود نوشت و توضیح داد: «سوالی در ذهن برخی بود که درست است بانک مرکزی نمی‌خواهد قیمت دلار پایین بیاید؟ گفتیم نعوذ بالله! مگر ممکنه؟ برای بانک مرکزی در کنار تقویت ارزش پول ملی، ثبات در بازار و ممانعت از نوسان نیز مهم است، ولی این بدان مفهوم نیست که از کاهش نرخ ممانعت کرده یا در پی افزایش آن باشیم.» عبدالناصر همتی بایان اینکه باید راه چاره دیگری برای این موقعیت زمانی یافت، تأکید کرد: امروز ثبات بازار ارز برای کشور امری بسیار ضروری است. کارشناسان همان روز به این سخن همتی واکنش نشان داده و تأکید کردند این نوشته همتی یک آدرس به بازار ارز است که به دلیل افزایش تقاضای ارز برای واردات احتمال افزایش قیمت بازهم بیشتر از این وجود دارد. برخی کارشناسان باور تصریح کردند دولت از این افزایش نرخ دلار به ریال منتفع شده و دلارهای در اختیار خود را باقیمت بالاتر عرضه می‌کند و بخشی از نیاز خود به ریال را برطرف می‌کند. ثانیاً با این دامنه جدید نرخ تبدیل دلار به ریال می‌توان فتیله قیمتی نیما را تا اندازهای بالا کشید و صادرکنندگان را تشویق کرد حالا با نرخهای بالاتر دلار خود را

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

روزی برای خروج



دولت سازگار نشد و هر کس هر میزان توان داشت خرید کالا و خرید ارز را در دستور کار قرارداد. ایرانیانی که تجربه تلخ تحریم سال ۱۳۹۱ را هنوز در ذهن داشتند روزهای پس از ۱۸ اردیبهشت حتی با شتاب و اضطراب خرید انواع کالاها را در دستور کار قرار داده و نگرانی خود را به رخ مقامهای دولت می کشیدند. بدون چون و چرا باید بپذیریم روز ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ در تاریخ معاصر ایران یک روز تاریخی خواهد بود. در همین روز بود که ترامپ تهدید کرد در یک دوره ۱۲۰ روزه همه تحریمهای قبلی را سر جای خود برمی گرداند و در یک مهلت ۶۰ روزه از شرکتهای آمریکایی خواست از دادوستد با ایران امتناع کنند. این تهدیدهای آمریکایی پیامدهای خود را بر سیاست داخلی ایران، بر سیاست خارجی کشور، بر بازارها، بر رفتار و گفتار شهروندان و بر مناسبات میان نهادهای اداره کننده جامعه برجای گذاشت. برخی از سیاستمداران منتقد دولت پیش از خروج آمریکا از برجام تاکید داشتند که این رئیس جمهور بلوف می زند و قصد ترساندن ایران را دارد. اما برخلاف این تحلیل و برخلاف انتارات در میان احزاب و گروهها و مسئولان ایرانی در همان روز بود که وزارت خزانه داری آمریکا اعلام کرد امروز دونالد ترامپ تصمیم خود را برای خروج از برجام اعلام کرد و ما نیز دنبال این هستیم که شرایط بازگرداندن تحریمها را بررسی کنیم و جزئیات آن را آماده سازیم. هنوز ساعاتی برای اعلام خروج آمریکا از برجام مانده بود که نخست وزیر کانادا از ترامپ خواست از این کار اجتناب کند و اتحادیه اروپا تهدید کرد در برابر این خواست آمریکا می ایستد و روسیه و چین تصریح کردند خروج آمریکا از برجام شرایط را سخت می کند. وزیر خارجه ایران نیز ساعاتی قبل از اعلام خروج ترامپ به او هشدار داد که اشتباه نکند و پیمان منعقد میان ایران و ۵ کشور بزرگ عضو شورای امنیت را برهم نزند. روز بعد از روج ترامپ سیف وعده داد بازار ارز را در تعادل نگه می دارد. نوبت امیدواری اش را برای همراهی نکردن اروپا با ترامپ بیان کرد... اما شوریختانه، بازارهای کالا، بازار سرمایه، بازار ارز و سایر بازارها از آرزوهای مدیران ایرانی تبعیت نکردند و روز آغاز مارپیچ تورم - رکود کلید زده شد. آیا می شد کاری کرد که دونالد ترامپ خروج آمریکا از پیمان برجام را اجرایی نکند؟ برخی باور دارند که ترامپ از همان روزی که وارد مبارزه انتخاباتی شد و گفت پیمان برجام را پاره خواهد کرد تصمیم خود را گرفته بود و امکان برگشت وجود نداشت. برخی از تحلیلگران باور دارند اما می شد که با برخی تمهیدات و دیپلماسی منعطف تر کاری کرد که ۱۸ اردیبهشت ماه جور دیگری می شد.

آمریکا را خارج از عرف دیپلماتیک دانسته و هرگز حاضر نشدند گفت و گوی دوباره را بپذیرند. ترامپ روز ۱۸ اردیبهشت ماه ۱۳۹۷ در یک سخنرانی ۱۱ دقیقه ای و با لحنی تند اعلام کرد کشورش از امروز دیگر در پیمان برجام عضویت ندارد و خروج از برجام را اعلام می کنم. ترامپ در همان چند دقیقه اما تصریح کرد تحریمهایی که در چارچوب این توافق لغو شده بود را بار دیگر علیه ایران اجرایی خواهد کرد. حسن روحانی رئیس جمهور ایران اما در واکنش به تصمیم ترامپ گفت شاهد یک تجربه مهم بودیم و به همان نتیجه ای رسیدیم که در ۴۰ سال گذشته شاهد آن بودیم. این تجربه بار دیگر پیمان شکنی آمریکا و ایستادگی بر پیمان از سوی ایران را نشان داد. روحانی در همان سخنرانی خود اما پایه های یک دور جدید از گفت و گوها میان ایران با اتحادیه اروپا و ایران با چین و روسیه را پایه گذاری کرد و گفت من به وزارت خارجه دستور دادم در چند روز آینده با امضا کنندگان اروپایی و همچنین چین و روسیه وارد گفت و گو شود. اگر در این مدت کوتاه با این شرکا به برجام رسیدیم به اجرای آن ادامه می دهیم، در غیر این صورت تصمیم جدیدی خواهیم گرفت. مردم ایران نگران نباشند زیرا پیش از این پیش بینی کرده بودیم ترامپ به تعهدات خود پایبند نباشد و بر اساس آن تصمیم های لازم را اتخاذ کرده بودیم. تصمیم که در زمینه ارز گرفتیم در همین راستا بود. آرامش و ثبات بازار ادامه خواهد داشت و ارز مورد نیاز را به خوبی تامین خواهیم کرد. در کالاهای اساسی نیز هیچ نگرانی نباید وجود داشته باشد.

با این همه و با وجود دلگرمی که رئیس جمهور ایران روز بعد از خروج آمریکا از برجام داد اما شهروندان ایرانی با برگشت به همین حرفها در سالهای ۱۳۹۱ و ۱۳۹۳ که رئیس جمهور وقت به شکل دیگری آن را بیان می کرد نگران بودند. رفتار ایرانیان در مقابل خروج آمریکا از برجام با آرزوهای

دونالد ترامپ یک فعال اقتصادی مشهور در ایالات متحده آمریکا بود، اما آرزوهای بلند سیاسی نیز داشت. این تاجر آمریکایی با کمک دوستانش و استفاده از شبکه های اجتماعی گسترده و انتخاب شعارهای توده پسند توانست بر رقبای جمهورخواه خود غلبه کرده و خود را به صف اول مبارزه با دموکرات ها برساند. رقیب اصلی او از حزب دموکرات یک خانم نامدار در دنیای سیاست آمریکا بود: هیلاری کلینتون، وزیر خارجه دولت نخست اوباما و همسر رئیس جمهور اسبق این کشور. شهروندان آمریکایی ضرب و آهنگ شعارهای ترامپ را می پسندیدند و رای بیشتری در مجموعه آرای الکترال به او تعلق گرفت و رئیس جمهور شد. یکی از شعارهایی که دونالد ترامپ در طول مبارزه انتخاباتی تکرار می کرد و روی آن پای فشاری می کرد خارج کردن آمریکا از قرارداد مشهور به «برجام» بود. برجام نام مخفف برنامه جامع اقدام مشترک است که پس از یک مذاکرات مارا تان وار میان مقام های ایرانی و مقام های ۵ کشور آمریکا، روسیه، انگلستان، فرانسه، چین و آلمان امضا شده بود. بر پایه این قرارداد ایران متعهد شد برنامه تولید انرژی هسته ای خود را مطابق با خواست کشورهای یادشده گونهای تنظیم کند که آنها خیالشان آسوده باشد که به بمب اتم دست پیدا نمی کند. در مقابل آمریکان نیز تعهد داد رژیم گسترده تحریم های اقتصادی علیه ایران را متوقف و کاهش دهد. همچنین گروه کشورهای ۵+۱ متعهد شدند تحریم های وضع شده از طرف سازمان ملل متحد و تحریم های اروپایی را لغو کنند. دونالد ترامپ اما اعتقاد داشت و دارد که برجام یک قرارداد به سود ایران بوده است و این کشور از فرصت لغو تحریم ها استفاده کرده و با استفاده از فضای باز دادوستد تجاری و افزایش صادرات نفت و میزانی از منابع ارزی متوقف شده خود فعالیت های موشکی را توسعه داده و در مجادله های منطقه ای توسعه طلبی کند. ترامپ و حلقه یاران پیدا و پنهانش پس از آنکه توانستند قدرت را به دست گرفته و وارد کاخ سفید شوند موضوع خروج آمریکا از پیمان برجام را دوباره در دستور کار قرار دادند. مدیران سیاست خارجی و مدیران دولت در شورای امنیت آمریکا از هر فرصتی برای طرح خروج آمریکا از برجام را مطرح می کردند و البته خواسته هایی را نیز برای عبور از این شعار ارایه داده و روی آنها اصرار داشتند. دونالد ترامپ که تشنه کامیابی در سیاست خارجی و یک دستاورد بزرگ برای ذخیره کردن و استفاده از کارت طلایی برای انتخابات ۴ سال بعد بود به مقام های ایرانی توصیه می کرد گفت و گوهای دوجانبه و تازه ای با آمریکا داشته باشند. مقام های ایرانی اما این خواسته رئیس جمهور



فاصله ۱۲۰ روزه پر زحمت

و قیمت‌ها به سوی بالا خیز بردارند اما این گونه نشد. آمریکایی‌ها توانستند مقام‌های عربستان سعودی را ترغیب کنند که دست کم در حرف و در اخبار اعلام کنند حاضرند کمبود صادرات نفت ایران در بازار را جبران کنند و همین گونه نیز شد. مقام‌های عربستان در یک رفتار عجیب و در حالی که می‌دانستند با این کار و با این حرف‌ها ممکن است قیمت نفت در بازارها به پایین افتد اما اعلام کردند حاضرند ۲ برابر میزان نفت عرضه نشده ایران نفت به بازارهای جهانی عرضه کنند. مقام‌های روسیه نیز به عمد یا به سهو در این بازی نفتی به زیان خود و ایران عمل کرده و با عربستان سعودی سازگار شدند. وعده عرضه نفت بیشتر از طرف این دو کشور و همچنین ورود پنهان عراق به بازار نفت موجب شد قیمت‌ها در محدوده‌ای که ایران می‌خواست استقرار پیدا نکند و به پایین تر از قبل هم بیفتند. این نیرنگ اقتصادی آمریکا موجب شد درآمد حاصل از صادرات نفت ایران برخلاف تصور مقام‌های ارشد برنامه‌ریزی با تنگناهای تازه‌ای مواجه شود. از طرف دیگر در حد فاصل ۱۲۰ روزه که آمریکا تهدید کرده بود اقتصاد ایران را فلج می‌کند، انتقال ارزهای حاصل از صادرات نفت نیز با سختگیری تازه‌ای که از سوی همه بانک‌های اروپایی، چینی، اماراتی و ترکیه انجام شد دشوارتر شده است. ایرانی‌ها در این روزهای سخت همه نیروی فکری و مادی خود را برای ایجاد راه‌های فرار از تحریم به کار گرفتند اما در صحنه عمل آشکار چیزی دیده نشد. ایران در همه این دوران تلاش کرد با اروپا به تفاهم برسد و از امکانات این اتحادیه برای شکستن دیوار تحریم استفاده کند اما مقام‌های اروپایی نیز از ایران می‌خواستند برخی ملاحظات آنها را در عمل اجرا کند. به طور مثال رهبران اروپایی به مقام‌های ایرانی بارها یادآور شدند که باید از حجم آنچه دخالت ایران در خاور میانه می‌نامیدند کم کنند که با مخالفت ایران مواجه شد. مقام‌های اروپایی از ایران خواستند و می‌خواهد که دست کم مقررات مربوط به مبارزه با پولشویی یا همان FATF را قبول و اجرایی کنند، که آن هم از طرف ایران اجرا نشد. در فاصله ۱۲۰ روز از زمانی که ترامپ تهدید کرد ایران را در بدترین موقعیت تحریم قرار خواهد داد قیمت طلا و سکه، ارز و سایر کالاها در ایران با شتاب به سوی افزایش رفتند و بیم آن می‌رفت که ایران وارد یک دوران ابرتورمی شود که مقام‌های ایرانی این را قبول ندارند. در فاصله ۱۲۰ روز از ۱۸ اردیبهشت تا ۱۳ آبان قیمت تمام شده تولید صنعتی در ایران روندی فزاینده را تجربه کرد و به بالاترین اندازه رسید و همین مساله موجب شد که قیمت مصرف‌کننده کالاها نیز شتاب بگیرد. رهبران اقتصاد ایران در این ۱۲۰ روز تلاش کرده‌اند مانع از رشد شتابان تورم شده و با دادن وعده‌های ارزانی و توزیع کالا میان اقشار تهیدست مانع از عمل شدن بخش روانی تورم شوند. در فاصله ۱۲۰ روزه که آمریکا از برجام رفت و تهدید خود مبنی بر بازگشت تحریم‌ها را اجرایی کرد روزهای سختی بر ایرانیان گذشت.

رئیس‌جمهور سرسخت و انعطاف‌ناپذیر آمریکا در برابر ایران روز ۱۳ آبان ۱۳۹۷ به وعده ۱۸ اردیبهشت خود عمل کرد و رژیم تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را برگرداند. در فاصله ۱۲۰ روزه که ترامپ تهدید کرده بود در پایان آن همه تحریم‌ها را برمی‌گرداند و کاری می‌کند که صادرات نفت ایران به صفر برسد. مقام‌های دو کشور به شکل‌های گوناگون یکدیگر را متهم می‌کردند. مقام‌های ایرانی در همه این ۱۲۰ روزه که ترامپ گفته بود در پایان آن اجازه نمی‌دهد اقتصاد ایران روزنه‌ای برایش باز بماند تلاش می‌کردند با اروپایی‌ها به توافق برسند اما تا روزهای آخر اسفندماه آن چیزی که ایرانی‌ها می‌خواستند از سوی اروپایی‌ها اجرا نشد. در حالی که دولت آمریکا تصور می‌کرد و شاید تظاهر می‌کرد در حد فاصل اردیبهشت تا آبان ماه نرخ هر دلار آمریکا از مرزهای قابل تصور عبور و شاید حتی به ۲۰ هزار تومان برسد، اما بازار ارز به هر حال در رفت و برگشت‌هایش به دامنه‌ای که مورد انتظار بود نرسید. مقام‌های ایرانی در فاصله ۱۲۰ روز وعده و تهدید ترامپ راه‌های متفاوتی را برای ادامه صادرات نفت در بازار جستجو کردند و راه‌های عرضه نفت در بازارهای ناشناس را به مثابه یک راهبرد دنبال کردند. در فاصله ۱۲۰ روزه که ترامپ از برجام خارج شد تا ۱۳ آبان که دولت آمریکا به طور رسمی شرکت‌ها و کشورهای آنها را تهدید کرد اگر با شرکت‌های ایرانی دادوستد کنند با جریمه مواجه شده و بازار آمریکا را از دست می‌دهند. غول‌های اروپایی به مرور از ایران خارج شده بودند. شرکت‌های اروپایی، ژاپنی، کره‌ای و حتی چینی و روسی بین بازار کوچک و محدود ایران که تازه از سوی مقام‌های اقتصادی و سیاسی ایران هر روز در هر مقطع با محدودیت‌های تازه‌ای مواجه می‌شود و بازار بزرگ و کوه‌پیکر آمریکایی بازار آمریکا را انتخاب کردند. پژو فرانسه که در دوره قبلی تحریم‌ها نیز ایران را ترک کرده بود ولی فعالیت اندکی را باقی گذاشته بود به همراه برخی از شرکت‌های دیگر خودروساز ایران را در همین فاصله ترک کردند. شرکت بزرگ تولیدکننده هواپیما در جهان یعنی شرکت ایرباس فرانسه که به تازگی با ایران قرارداد بسته بود نیز اعلام کرد از بازار ایران می‌رود. شرکت خط و تحریم‌شکن توتال فرانسه نیز به رغم همه چانه‌زنی‌ها با مقام‌های موثر آمریکایی برای ماندن در ایران سرانجام سرمایه‌اش را به ایران نیاورد و رفت. از طرف دیگر و با وجود ایستادگی مقام‌های سیاسی اروپایی به ویژه وزیران خارجه فرانسه و آلمان اما شرکت‌های آلمانی نیز چند روز بعد از شرکت‌های فرانسوی با آکراه و اجبار اعلام کردند دیگر در ایران سرمایه‌گذاری نخواهند کرد و از بازار ایران رفتند. در این دوره ۱۲۰ روزه و با تمهیدات اندیشیده شده از سوی مدیران درگیر در داستان تحریم ایران بازار نفت نیز فضای عجیبی را سپری کرد. در حالی که انتظار این بود بازار نفت پس از کاهش صادرات حدود یک میلیون بشکه در روز ایران با کاهش عرضه مواجه شده

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



اخلاق در محاق

مراجعه و از او در این باره پرسش کنید پاسخ‌های نا امید کننده می‌دهند. مردم به دولت اعتماد ندارند، دولت به بازرگانان اعتماد ندارد، وارد کنندگان به تولید کنندگان تعارض دارند، مصرف کنندگان به تولید کنندگان بی اعتماد شده‌اند... همه این بی اعتمادی‌ها از بی اخلاقی و سست شدن اخلاق جامعه سر چشمه می‌گیرد. در پرونده پیش رو رابطه اخلاق با کسب و کار از سوی کارشناسان در کانون توجه قرار گرفته است.

بیشتر از سقوط اقتصادی جامعه را نگران می‌کند. اسحاق جهانگیری نیز در این روز درباره اخلاق و اینکه باید کسب و کارها با اخلاق سازگار باشد تاکید کرد. شمار دیگری از سخنرانان این همایش بر رعایت اخلاق در داد و ستد تاکید کردند. واقعیت این است که جامعه ایرانی در وضعیت نامساعدی قرار گرفته است و اخلاق جامعه به دلیل سیاست‌های اقتصادی ناکارآمد در ذیل اقتصاد حکومتی و اقتصاد دولتی به محاق رفته است. الان اگر به هر ایرانی

روزی که قرار بود از زحمت‌ها و سابقه و کارنامه علا محمد صادقی در اتاق قدردانی شود کسی کمتر باور می‌کرد غلامحسین شافعی رئیس اتاق ایران با آن صلابت بتواند درباره سقوط اخلاق جامعه هشدار دهد.

اما رئیس اتاق ایران ضمن همه بحث‌هایی که طرح کرد و از الگو بودن میر محمد صادقی یاد کرد خطاب به معاون اول رئیس جمهور گفت که ایرانیان نگران سقوط اقتصادی هستند اما سقوط اخلاقی

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

عباس آخوندی

موضوع اخلاق عمومی در پرتو اندیشه ایران شهری و مدرن

من ابتدا فرضیات اصلی را عرض می‌کنم و بعد وارد بحث می‌شوم یک فرض این است که رابطه وسیعی بین حقوق و اخلاق وجود دارد. مبنای حقوق اساسا اخلاق است. فرضیه دوم این است که حاکمیت قانون در ایران دچار شکست شده است. ما مکررا با شکست قانون در ایران روبرو هستیم و ایده عمومی این است که قانون در ایران دچار مشکلات بنیادین است. فرضیه سوم این است که قانون در ایران امکان مهار قدرت را ندارد. لذا هر کسی قدرت بیشتری دارد امکان فرار بیشتری از قانون دارد فرضیه چهارم این است که آنچه می‌تواند قدرت را به قانون پایبند و موظف به اجرای قانون کند وجود نهادهای مستقل از قدرت است. نهادهای اجتماعی که حیات آنها به قدرت وابسته نباشد. تا قدرت را به رعایت قانون موکلف کنند. ولی باز هم یک دوری ایجاد می‌شود. وجود این نهادهای مستقل از قدرت باز به این برمی‌گردد که باید یک وجدان عمومی و یک اخلاق عمومی در جامعه وجود داشته باشد که بتواند این نهادها را به وجود بیاورد به این ترتیب این چند فرضیه ما را به اهمیت اخلاق عمومی می‌رساند. زیرا بدون اخلاق عمومی قانون نداریم و نهاد مستقلی که بتواند قدرت را کنترل کند نیز نداریم. آیا نداشتن حاکمیت قانون بحثی امروزی است یا بحثی تاریخی؟ چرا که این بحث تاریخی بودن موضوع بحث مهمی است و بعد از این به آن می‌پردازیم. و چرا این بحث امروز و مهم است؟ آیا این بحث یک بحث ذهنی و نظری است یا کاملا به امروز ما برمی‌گردد؟ می‌دانیم که مدرنیته وقتی در قالب مشروطه وارد ایران شد در میانه راه مسیر منحرف شد و به ایجاد یک استبداد انجامید و در ادامه توسط انقلاب اسلامی متوقف شد. در حال حاضر وضع مبهمی داریم. به این معنی که بین مدرنیته غربی سرگردانیم و از طرفی بین ناسیونالیسم ایرانی و از طرفی بین امت اسلامی قرار گرفته‌ایم. یعنی یک مدرنیته‌ای شروع شد و آمد و تبدیل شد به استبداد و متوقف شد و ما امروز در وضعیتی که حد اعلای چند پارگی را در جامعه مشاهده می‌کنید قرار داریم. نکته بسیار مهم وجدان چند پاره ایرانی است که در میان این چند قطب سرگردان است و این فقط در حوزه نظر نیست. این باعث شده است تمام شئون اجتماعی تنزل پیدا کند می‌بینید که در جامعه مسایل مطرح می‌شوند ولی هیچ مسال‌های حل نمی‌شود. اگر به پیرامون خود نگاه کنید متوجه می‌شوید صدها مساله مطرح شده است و در حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و هر حوزه‌ای مساله مطرح می‌شود ولی قابلیت حل آن را نداریم. چون منظومه فکری مورد نیاز برای حل مساله بین چند قطب متحیر است. وقتی می‌گوییم اخلاق مساله امروز ما است دلیلش این است که اساسا در وضعیتی قرار گرفته‌ایم که امکان حل مساله نداریم و هر مسال‌های را با هر نظریه‌ای مطرح و حل کنیم، دو نظریه که با هم مخالف هستند. بنابر این مساله همچنان در جامعه به قوت خود باقی می‌ماند. اگر تمدن یک ملت نتواند مسال‌های را حل کند نشان دهنده این است که دچار چالش کارایی و ناکارآمدی است. بنابر این مسال‌های نیست که بتوان به راحتی از آن گذشت شاید بسیاری علاقمند باشند راهکاری سریع برای مسائل داشته باشند ولی تا این مساله حل و فصل نشود راهکارهای ارائه شده فقط می‌توانند مساله را تعمیق کند و هیچ نتیجه‌ای جز تعمیق گرفتاری و بیشتر کردن و پیچیده‌تر کردن گرفتاری به دست نمی‌آید. بنابر این در چنین فضایی، به فهم من مهم‌ترین و مبرم‌ترین وظیفه روشنفکری در ابتدا بازگشت انتقادی به خویش است. منظور من این نیست که هم‌رنگ فکری با جهان شویم، چون این هم‌رنگ شدن ما را به لبه‌ای از پرتگاه می‌برد و اصرار غیرانتقادی بر سنت ما را دچار جمود و توقف مطلق می‌کند. بنابر این چاره‌ای نداریم و باید در مورد نحوه بودنمان بیندیشیم و به شیوه بودنمان فکر کنیم. و خودمان نسبت خودمان را با عقل تعیین کنیم. باید بدانیم نسبت ما با عقل نقاد چیست و چه نسبتی با این مفهوم داریم. من دنبال پاسخ دادن به چنین پرسش‌های پیچیده‌ای نیستم. این نوع پاسخ دادن نشان از نشناختن پرسش است. یک پرسشگری درست. از پاسخ سطحی و فوری به مساله پیچیده بسیار بهتر است. از لفظ مدرن شروع می‌کنیم. مدرنیته چیست؟ مدرنیته یک آگاهی از خود است که من در حال حاضر اینجا ایستاده‌ام. ولی همین جمله کوتاه من کی هستم و این لحظه از زمان چه لحظه‌ای از تاریخ است و اینجا کجاست اهمیت دارد. سه سوال و سه مضمون بسیار پیچیده در آن وجود



دارد و می‌گویند با این تعریف مفهوم مدرنیته، شما بدانید که گذشته تمام شده و گذشته‌ای نیست و بازگشت به گذشته غیرممکن است. این مقوله دو دستور دارد، انقطاع از گذشته، و فکری یعنی اینکه گذشته تمام شده و در این لحظه تاریخی که در اینجا ایستاده‌ای این موقعیت هیچ ارتباطی با گذشته ندارد. یعنی حرف آنها متضمن یک انقطاع تاریخی است. نکته دوم این است که تلاش نکن در رویاها بمانی بلکه موقعیت خود را در زمان و مکان حاضر بیاب و ببین کجا ایستاده‌ای، بنابراین رهنمود آنها به ما رهنمودی انقطاعی است. از این حرف‌ها می‌توان فهمید مدرنیته به معنای آگاهی از شروع دورانی تازه است. بریده از گذشته متکی بر عقل و خرد ناب که حاکمیت فرد را بر جهان مفروض فرض می‌کند و فرد را سرور جهان می‌داند و هر پدیده اجتماعی دیگری را ناشی از فرد می‌داند. بنابراین پدیده‌های اجتماعی چیزی نیستند جز یک قرارداد اجتماعی و آنچه وجود دارد فرد است. با مفهوم کلی متفاوت است و جهانی دیگر است. می‌گوید اگر فرد محدودیتی را می‌پذیرد و قبول می‌کند تابع قانون باشد باید براساس یک قرارداد و مبادله چنین کاری را انجام دهد. می‌گوید من کاری را انجام می‌دهم و در برابر آن امنیت و رفاه به دست می‌آورم. بنابر این اگر فرد می‌پذیرد بخشی از آزادی خود را به دیگری واگذار کند در برابر یک قرارداد است پس آنچه اصالت دارد اصالت فرد و آزادی فرد است. نکته دیگری که در مفهوم مدرنیته مهم است این است که این مدرنیته توانسته است دو عقل را با هم ترکیب کند. عقل ابزاری و عقل خرد ناب انتقادی. با عقل ابزاری فن‌آوری و تکنولوژی را ایجاد کرده است و با عقل خرد ناب و با عقل ناب تمام نظم نوین جهانی را بنیانگذاری کرده است. می‌خواهم به بحث خودمسان برگردم و اینجا را به عنوان مقدمه عرض کردم تا بگویم ما چرا مجبوریم تا به این مسائل بپردازیم و نپرداختن به این مسائل ما را چگونه در عدم حل مساله گرفتار می‌کند.

تمام مدعی‌ها ما در این جلسه این است. وقتی این مفاهیم وارد ایران شده است یک سری پروژه‌های ناتمام را شروع کرده است. پروژه نیمه تمام آزادی پروژه نیمه تمام فردگرایی؛ فردگرایی مسئولانه‌ای که در نهاد مدرنیته غرب وجود دارد در ایران به فردگرایی لجام‌گسیخته بدون مسئولیت بدون تعهد نسبت به جامعه تبدیل شده است. هر کدام از این مسائل وارد ایران شده است به یک پروژه ناتمام تبدیل شده است. همه اینها را به صورت وارونه داریم ولی هیچ کدام از اینها را پایان کار نمی‌تواند مسائل‌های را حل کند. من از اینجا وارد بحث می‌شوم چرا اینطور است؟ از طرفی آيا ما می‌توانیم ارتباط خود با مدرنیته را قطع کنیم؟ شاید به شکلی ظاهری بگوییم بله ولی چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ هزینه فرصتی ایجاد می‌شود که این هزینه فرصت تاب و توان و مقاومت همه را از بین می‌برد. یک علت به وجود آمدن این وضعیت برمی‌گردد به اینکه ما نتوانسته‌ایم بین حوزه عمومی و خصوصی در ایران تفکیکی قائل شویم بین اخلاق عمومی و خصوصی تفکیکی قائل نشده‌ایم و

این ریشه بحث است. زیرا آنچه که موجب حاکمیت قانون و نهادهای مدنی می‌شود و می‌تواند نهاد مستقل از دولت را ایجاد کند اخلاق عمومی است اخلاق قراردادی است که جوامع غربی آن را خلق کرده‌اند و ما هنوز نتوانسته‌ایم در ایران بین حوزه عمومی و خصوصی و بین اخلاق عمومی و اخلاق خصوصی یک تفکیک قائل بشویم. مشکلی که وجود دارد این است که غربی‌ها وقتی این تفکیک را انجام دادند گفتند بخشی از آزادی خود را با قانون و با نظم‌های مختلف مبادله می‌کنیم، مشروط به اینکه در چهارچوب مبادله عمل کند و نه در خارج از مبادله و بر اساس قرارداد اجتماعی در حوزه قرارداد اجتماعی عمل کند. پیچیدگی بحث در این است وقتی مدرنیته وارد جهان سوم می‌شود در همه جا دچار گرفتاری است. به محض اینکه نهادهای اجتماعی بر اساس قرارداد متولد شدند فوراً نهاد مستقل می‌شوند. این نکته نیاز به تأمل دارد گفته می‌شود دولت ناشی از حاکمیت ملت است. افراد تصمیم می‌گیرند که دولت ایجاد کنند ولی به محض تشکیل دولت نهادهای مستقل ساخته می‌شود یک شخصیت حقوقی مستقل دارد ما در قانون شرکت‌ها بحثی داریم. که ده نفر با هم شریک می‌شوند و شرکتی را ایجاد می‌کنند این شرکت یک شخصیت حقوقی مستقل از آن ده نفر دارد. تا قبل از به وجود آمدن وابسته به اراده ده نفر بود ولی بعد از به وجود آمدن شخصیتی مستقل دارد. حال وقتی این شخصیت مستقل وارد عمل می‌شود معیار کار و فعالیت و ارزیابی او معیار فعالیت فردی نیست. بنابر این معیار موفقیت فرد و شرکت با هم متفاوت است. معیار موفقیت فرد و معیار اخلاقی فرد ایثار و گذشت و فداکاری است ولی معیار موفقیت هیات مدیره خوب رعایت فرامین و دستورات و مصوبات است دو عالم و دو نظام متفاوت است. اگر سیستم نظارتی و حسابرسی وجود نداشته باشد و شما همه چیز را به تقوای فرد واگذار کنید آیا چنین شرکتی می‌تواند کار کند؟ پرهیزگار بودن در حوزه خصوصی خود فرد معنی دارد اینجا چیزی که مهم است این است که مدیرعامل تابع نظرات هیات مدیره و مجمع باشد و حافظ سهام و حقوق موسسان و سهامداران باشد این اخلاق با آن اخلاق دو موضوع کاملاً متفاوت است. مشکل ما در ایران این است که هنوز نتوانسته‌ایم بین اخلاق عمومی و اخلاق خصوصی تمیز قائل شویم. در ایران به هر دو موضوع، اخلاق می‌گویند ولی در مبدا بحث به این دو موضوع دو جایگاه متفاوت می‌دهند. لذا تلویزیون صبح تا شب تمام مدیران عمومی را نصیحت می‌کند که آدمهای خوبی باشند، چون اصلاً با اخلاق عمومی آشنایی ندارند. ما در همین ابتدای کار دچار یک گرفتاری و سردرگمی هستیم. می‌بینیم که در رسانه ما اگر کسی از قانون تبعیت نکند چندان مهم نیست ولی در در حوزه اخلاق خصوصی و مسائل شخصی باید رعایت‌کننده اصول باشد. غربی‌ها از کجا شروع کرده‌اند؟ در بحث مدرن و بحث ایران شهری باید از حوزه مدرن شروع کنیم و بعد به بحث برگردیم. غربی‌ها گفته‌اند مهم‌ترین مبنای اخلاقی آزادی و برابری انسان‌ها است. آنها گفته‌اند سه مبنای آزادی

برابری و حق حیات. همه انسان‌ها وقتی به دنیا می‌آیند آزاد و برابر هستند و همه حق زندگی دارند مفهوم حق زندگی یعنی حق تصرف در طبیعت را دارند و حق دارند از خدمات هم استفاده کنند. بنابراین اینها معیارهای اصلی اخلاقی هستند. نباید هیچ اتفاقی در جامعه رخ بدهد که نتیجه این اتفاق منجر به سلب آزادی و سلب برابری و سلب حق حیات از هر کسی بشود و در غیر این صورت از نظر دنیای مدرن دچار شکست اخلاقی شده‌ایم. حق حیات حق اصلی انسان‌ها است و انسان‌ها برای زندگی حق دارند خود را دوست داشته باشند. در غیر این صورت تلاشی نمی‌کنند. بنابر این سلسله مراتب مبنای اخلاقی خواهد بود. این موارد بر اساس قانون طبیعت تعمیم داده می‌شود. قانون طبیعت به چیزی گفته می‌شود که عقل خارج از احساس می‌تواند آن را کشف کند. بنابر این ما یک سری حق طبیعی داریم و یک سری قانون طبیعی داریم. قانون طبیعت بر مبنای عقل است و بنا به گفته کانت هر چیزی که توسط عقل پذیرفته شود در خودش دارای معیار اخلاقی است. چون که با قانون و با حق طبیعی سازگار است. انسان حق دارد از مواهب طبیعت استفاده کند و براساس یک مبادله آزاد می‌تواند از دسترنج دیگران نیز بهره‌برداری کند و این تحت عنوان حق تصرف در طبیعت و حق استخدام از آن یاد می‌شود. در زندگی اجتماعی تمام قراردادهای اجتماعی در هر سطحی باید از طبیعت تبعیت کنند هر قرارداد اجتماعی که ضد قانون طبیعت باشد فاقد ارزش است. قانون طبیعت می‌گوید همه آزاد و برابر هستند و هیچ کس نمی‌تواند قانونی را وضع کند که آزادی و برابری افراد را زیر سؤال ببرد. در واقع این نگاهی به مفهوم غربی حوزه اخلاق بود. آیا می‌توانیم ادعا کنیم از امروز همه مدرن می‌شویم معلوم است که نمی‌توانیم پس آنطور که گفته می‌شد گذشته را فراموش نکنید این شدنی نیست. اینکه ببینیم امروز کجا ایستاده‌ایم کفایت نمی‌کند. مدرنیته کالای وارداتی نیست. نکته بعدی این است که نمی‌توان از اتفاقات رخ داده در غرب چشم پوشی کرد به همان دلیل که عباس میرزا بعد از شکست از روس‌ها فهمید. به قول یکی از مورخان نقطه صفر مدرنیته در ایران شکست ایران در جنگ با روس‌ها بود چون فاصله قدرت آنقدر زیاد بود که امکان حفظ تمامیت ارضی وجود نداشت. این همان هزینه فرصت است لذا مجبور شد دو معاهده گلستان و ترکمانچای را امضا کند سپس سراسیمه به دنبال نوسازی و مدرن کردن ایران رفت. بنابراین تمام داستان ما این است که ما نمی‌توانیم مدرنیته را وارد کنیم و از طرفی نمی‌توانیم درها را ببندیم و مقاومت کنیم بنابر این تنها بحث ما این است که مجبوریم نسبت نظام معرفتی خود را با نظام معرفتی مدرن بسنجیم و در این سنجش شاید بتوانیم به یک سنن جدید و به یک بازتولید جدیدی برسیم تا با آن خود را باز تعریف کنیم و قدرت ادامه حیات و قابلیت مقاومت در مقابل جهان را داشته باشیم و گر نه اگر این کار نتوانیم این کار را بکنیم در همین وضعیت فعلی قرار می‌گیریم اغتشاش و آشوب مطلق ذهنی.

◆ حوزه عمومی و خصوصی و ایران شهری

از اینجا به حوزه اندیشه ایران شهری برمی گردم در این حوزه به دنبال دو سه نکته هستم. جا پاهایی پیدا کنم که در آنها مفهوم اخلاق عمومی از مفهوم اخلاق خصوصی تفکیک شده باشد. من می خواهم ببینم آیا می توانم در اندیشه ایران شهری دستاویزهایی را پیدا کنم که در آنجا مفهوم قدرت ملت مستقل از قدرت دولت وجود داشته باشد. چون تمام داستان نهاد مدرن همین است. نهاد اجتماعی مستقل از قدرت وجود دارد که در عمل می تواند قدرت را مجاب به تبعیت از قانون بکند بنابر این من دو چیز می خواهم اینکه به دنبال چنین نهادهایی بگردم و چنین اخلاقی که بتوان با آن قدرت را نقد کرد یا نه؟ اگر بتوانم این ها را پیدا کنم شاید بشود در مواجهه با مفاهیم مدرن آنها را باز تولید کرد و بتوان تعریفی جدید براساس نظام معرفتی جدید از آنها ساخت. باید برگردم و ببینم چه چیزی به دست می آورم، در بحث حوزه اخلاق عمومی و نهاد مستقل از قدرت چه چیزی به دست می آورم. وقتی به حوزه اندیشه ایران شهری برمی گردید در این حوزه بنیاد معرفتی و اساس معرفت و شناخت از جهان در دو اصل بیان می شود. یزدان شناخت و کیهان شناخت. ما بیشتر در اصل دوم و کیهان شناسی توجه داریم. بر اساس این دو اصل دو ارزش اخلاقی و بنیادین تعریف می شوند. یکی داد و دیگری دهش است. بنابر این باید ببینیم داد و دهش که در واقع دو اصل اخلاقی بنیادین در اندیشه ایران شهری است و مبنای آن معرفت یزدان شناسی و درواقع کیهان شناسی است کدامند؟ ایرانی های قدیم به روشنایی باور داشتند و به پیروزی او در نبرد با تاریکی ایمان داشتند. و این برخاسته از نظام معرفتی آنها بوده است. در آن چهارچوب های ذهنی مفهومی به نام اشع وجود دارد. اشع یعنی داد و راستی و روشنایی و در برابر اشع چیزی وجود دارد به نام دروغ که بعدها ما آن را به دروغ تبدیل کردیم. دروغ به معنی قیام و اقدام بر علیه نظم کیهانی است. هر چیزی که خلاف نظم کیهانی است دروغ است و هر چه که با نظم کیهانی هم راستا است اشع نام دارد. کم کم تقارنی ذهنی در میان قانون طبیعت و مفهوم کیهان شناسی ایجاد کنید و به تدریج تناسبی بین این دو پیدا کنید. البته که فهم ایرانیان قدیم و این فهم از کیهان همراه با فهم یزدان شناسی بود لذا در فهم ایرانیان کیهان همه اشیا و بحثها از پدیده ها در عالم هستی علاوه بر شکل فیزیکی دارای یک روح بودند. یک حقیقت ذات که آن به نیروی اشع و روشنایی فهمیده می شد. بنابر این آنها دو لایه از ارتباط برقرار کرده بودند یک لایه روئینایی بین پدیده های فیزیکی در عالم کیهان و یک لایه در عالم معنا بین این پدیده برقرار شده بود لذا کسی که دارای جام جهان بین بود می توانست ماهیت پدیده ها را بفهمد و نه فقط شکل ظاهر پدیده ها را یعنی می توانست یک لایه به عقب برود و ارتباط بین حقیقت پدیده ها در سطح جهان را بفهمد. لذا نه فقط در ادبیات قدیم بلکه در ادبیات اسلامی نیز دیده می شود در شعر حافظ می خوانیم:

مشکل خویش بر پیز مغان بردم دوش / گو به تایید نظر حل معما می کرد // دیدمش خرم و خندان قدح باده به دست / و ندر آن آینه صد گونه تماشا می کرد // گفتم این جام جهان بین به تو کی داد خدا / گفت آن روز که این گنبد مینا می کرد. // یعنی جام جهان بین فهم از ارتباط بین پدیده ها است و وظیفه قدرت عمل مطابق فهم کیهان شناسی بوده است. اگر قدرت از قواعد کیهانی تخطی می کرد این مفهوم بی توجهی به نظام طبیعی کیهان شناخت است و مفهوم آن به معنی خروج از داد و عدل و پشت کردن به نیروی روشنایی و راستی است. از شعر فردوسی چند نمونه از این بحث برای شما می آورم. در داستان های شاهنامه داستان بسیار جالبی وجود دارد وقتی هوشنگ قدرت را به دست می گیرد فردوسی گفت: چنین بنشست بر جایگاه مهتری / چنین گفت بر تخت شاهنشاهی // به فرمان یزدان پیروز گر به داد و دهش تنگ داستان کمر بلا بر و این وظیفه قدرت داد و دهش است. داد به مفهوم عدل است و دهش به معنای حق تصرف و حق بهره برداری از طبیعت در چهارچوب قانون کیهان شناسی است. برای بخشیدن چیزی باید از منابع کیهانی و منابع طبیعت استفاده کنید. دهش در دل خود حق تصرف در چهارچوب قوانین کیهان شناسی از طبیعت و استخدام عوامل را دارد. مشروعیت قدرت نیز تا وقتی است که به این دو اصل داد و دهش پایبند است. باز نمونه دیگری که فردوسی به آن تاکید می کند وقتی است که درواقع مشروعیت قدرت از جمشید گرفته می شود جمشید قدرتی افسانه ای در شاهنامه است می گوید تا وقتی که جمشید سخن نادرست نگفته بود همه چیز در کنترل او بود.

◆ استقلال از قدرت

در مفهوم بعدی به دنبال این هستم که بدانم آیا ما در اندیشه های ایران شهری مفهومی برای استقلال از قدرت داریم. نهادهای ملی و ملتی مستقل از قدرت داریم یا نه؟ این هم یکی از آن مفاهیمی است که برای رویارویی و برای مقابله با پدیده مدرنیته به آن نیاز داریم. دو داستان قابل تامل از شاهنامه برای شما بازگو می کنم. یکی داستان رویارویی رستم با کیکاووس است. توجه به شاهنامه به عنوان منبعی از اندیشه ایرانی جالب است. داستان از این قرار است که کیکاووس عاشق زنی به نام سودابه است داستان شبیه یوسف و زلیخا است. سودابه چشم داشتی به سیاوش پسر کیکاووس دارد. و در این داستان سیاوش مجبور می شود جلای وطن بگوید و به سمت توران برود و در حوزه افراسیاب وارد شود و افراسیاب سیاوش را می کشد و خبر به ایران می رسد اولین کسی که خبر به او می رسد رستم است رستم در شاهنامه نمادی از ملت است. رستم بعد از شنیدن این خبر منتظر دستوری از طرف شاه نیست و سپاهی فراوان بر پیل و کمز کشمیر و کابل شدند. او یکی از نمونه هایی است که می بینید به عنوان نماینده ملت به طور مستقیم با قدرت درگیر می شود. کلووس که در تخت شاهی

نشسته است دم بر نمی آورد. بنابر این داستانی داریم که شخصیتی و نهادهای را نشان می دهد که مستقل از قدرت است. داستان دیگری که در شاهنامه داریم باز تا حدی مفهوم نهاد مستقل از قدرت را تبیین می کند این داستان رویارویی رستم و اسفندیار است. این داستان نیز بسیار جالب است. لهراسب فوت می کند و گشتاسب پسرش بر تخت می نشیند و اسفندیار به پدر خود می گوید تو بیش از ۱۲۰ سال پادشاهی کرده ای و باید کنار بروی و پادشاهی را به من بدهی و او هر روز یک بهانه می آورد و در انتهای کار می گوید تو باید رستم را در بند کنی و برای من بیاوری و اگر اینچنین کنی من قدرت را به تو تحویل می دهم اینجا باز رویارویی مستقیمی بین قدرت و رستم به عنوان نماینده ملی ایران در می گیرد. نکته ای درس آموز در این حکایت وجود دارد که قابل تامل است. وقتی گشتاسب به اسفندیار می گوید برو او می پرسد برای چه به مردی همی ز آسمان بگذرد همی خویشتن کهنتری نشمرد یعنی در واقع از من مستقل است که در پیش کلووس کی بنده بود ز کیخسرو اندر جهان زنده بود به شاهی ز گشتاسب نیارد سخن که او تاج نو دارد و ما کهن می گوید از من که گشتاسب هستم اسمی نمی برد و زیر بار ما نمی رود اسفندیار می داند این کار بسیار پرمخاطره است ولی نمی تواند فهم درستی از آنچه که در جامعه رخ می دهد داشته باشد به پدرش می گوید همی دور مانی ز رستم کهن براندازه باید که رانی سخن تو با شاه چین جنگجوی و نبرد از آن نامداران برانگیز گردد... او می گوید اگر تو از من تاج می خواهی این کار را بکن این حکایت نشان می دهد شاه به دنبال این است که هر قدرت مستقلی را کلا نابود کند. اسفندیار با بی میلی می رود و برای خداحافظی از مادرش حرکت می کند چند جمله مهم از فهم ما درباره قدرت مستقل وجود دارد. این جملات نشان می دهد که ما در حوزه ادبیات درباره نهادهای مستقل مطالبی داشتیم. اسفندیار بسا مادرش کتاویون خداحافظی می کند مادر به او نصیحت می کند که ایسن کار را نکند و می گوید نمی توانی از پس او بر بیایی این کار را انجام نده اسفندیار تمام عشق خود به تاج و تخت را جلوی دیده دارد و اینها را نمی بیند. با روانی متزلزل و وجدانی به مادر می گوید دل من را نشکن من می دانم این کار کار خطایی است

در برخی از بحثها گفته می شود اسفندیار روئین تن بود به این معنی که اسلحه بر او کارگر نبود. یک مفهوم دیگر این است که یعنی هم او آدم بسیار قدرتمندی بود و هم خود را آسیب ناپذیر می دید بنابر این روئین تنی به مفهوم آسیب ناپذیری مطرح است یعنی هم پشتیبانی مغان را دارد و هم قدرت دربار را دارد و هم خود فردی قدرتمند است پس بنابر این روئین تن است و وقتی گفته می شود تنها جایی که روئین تن نبود چشم او بود به این معنا است که با چشم خود نمی توانست تحولات اجتماع را ببیند و لذا همان ناحیه لطمه می خورد چون او قدرت بینایی و دیدن تحولات را نداشت.

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

نشانه‌های اقتصادی غیر اخلاقی

محسن جلال‌پور | تحلیلگر مسائل ایران



شاید بهتر باشد سؤال را این طور مطرح کنیم که نشانه‌های اقتصادی اخلاقی بودن جامعه چیست؟ چون نشانه‌های جامعه بی اخلاقی بی شمار است و نشانه‌های اخلاقی بودن جامعه کم شمار. هر کدام از ما می‌توانیم در ذهن خود چندین و چند مصداق از بی اخلاقی در همه حوزه‌ها بشماریم اما یادمان نیست آخرین بار چه زمانی اخلاقی رفتار کرده‌ایم یا با ما اخلاقی رفتار شده‌است.

وقتی از اخلاق صحبت می‌کنیم منظورمان رفتار مبتنی بر تعقل و استدلال است یا در نظر گرفتن این نکته که این رفتار و سلوک، منافع دیگران را ضایع نکند. طبیعی است افراد اجازه دارند برای خوشبختی و سعادت خود تلاش کرده و منافع خود را بیشینه کنند اما این یک واقعیت است که منافع شخصی با منافع جمعی گره خورده است. نظریه‌های اخلاقی آن‌جا که با رفتارهای اقتصادی پیوند می‌خورند تأکید دارند که هر کس باید بتواند منافع خود را بیشینه کند اما گاهی ممکن است بیشینه کردن منافع ما، هم به زبان خودمان و هم به زبان جامعه تمام شود. به طور مثال درست است که حداکثر کردن منافع برای ما ایرادی ندارد اما زمانی که کشور در مصیقه‌ارزی قرار دارد، درست نیست که ارز در خانه انبار کنیم. یک معامله گر یا یک تاجر یا حتی یک فروشنده اگر دارای چارچوبی اخلاقی باشد، تلاش خواهد کرد تا منافعی را بر اساس منافع دیگران بیشینه کند. خط قرمز فعال اقتصادی اخلاق‌گرا، زبان دیگران یا زبان جامعه است.

اما یکی از دلایل اصلی یا شاید اصلی‌ترین دلیل ترویج فساد و بی اخلاقی در جامعه امروز ما درجه بالای تمرکز و دخالت زیاد دولت در اقتصاد است. در نتیجه این دخالت‌ها و سیاستگذاری ناکارآمد، بنگاه‌های ما امروز به شدت آلوده شده‌اند و در نتیجه اخلاق از بازارهای ما رخت بر بسته است. ساختار فعلی مدام در حال تولید رانت است و تلاش برای شفافیت آن نتیجه بخش نیست چون اقتصاد دولتی اصلاح ناپذیر است. این فساد باعث شده بنگاه‌های سالم نیز به بیماری دچار شوند. در نتیجه فعالیت سالم غیر ممکن شده است. به نظر من نظام قیمت‌گذاری بزرگ‌ترین ترویج کننده دروغ سیستماتیک در کشور ماست که تولیدکنندگان و تاجران را وادار به عبور از مرزهای اخلاق می‌کند هر روز در ناوایی، سوپرمارکت، قصابی، رستوران و حتی در بیمارستان و داروخانه با انواع دروغ‌های ناشی از قیمت‌گذاری مواجه می‌شویم.

داستان از اینجا شروع می‌شود که دولت نمی‌تواند میان درآمدها و هزینه‌های اداره کشور تعادل برقرار کند در نتیجه بودجه دچار کسری می‌شود. کسری بودجه باعث می‌شود بدهی دولت به بانک مرکزی یا به طور غیرمستقیم، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی افزایش پیدا کند که برآیند این اتفاقات افزایش پایه پولی و حجم نقدینگی و در نهایت افزایش تورم است. دولت به جای اینکه فکری به حال کسری بودجه کند تا دخل و خرجش برابر شود، سرکوب بازار را در دستور کار قرار می‌دهد و سیاست کنترل قیمت‌ها را کلید می‌زند و به تولیدکنندگان هشدار می‌دهد که افزایش قیمت کالاها را نمی‌پذیرد و با متخلفان به شدت برخورد می‌کند. تولیدکنندگان که نمی‌توانند با دولت به توافق برسند، از مقدار کالا کم می‌کنند یا کیفیتش را پایین می‌آورند. مثلاً تولیدکنندگان دستمال کاغذی ناچار می‌شوند دستمال کمتری در جعبه قرار دهند و برخی تولیدکنندگان شیر نیز ناچار می‌شوند آب بیشتری به محصول خود اضافه کنند. همین اتفاق در خیلی از صنایع غذایی دیگر هم رخ داده. مثلاً هوای بیشتری وارد چپیس و پفک شده و بطری‌های نوشیدنی را هم سر خالی کرده‌اند. وقتی قیمت نان به ابزار تعزیر و برخوردای امنیتی سرکوب می‌شود، نانوایان کیفیت و اندازه نان می‌زند. وقتی قیمت شیر سرکوب می‌شود، تولیدکننده به آن می‌بندد. این دولت است که همه را به دروغ گویی و عبور از مرزهای اخلاقی وادار می‌کند. جامعه ما در مسیر خوبی حرکت نمی‌کند. اخلاقی و اخلاقیات پشت سیاست‌گذاری‌های نادرست و تغییر نظام تمایلات مردم و فشارهای سنگین زندگی گم شده است. دیگر گرفتن رشوه مضموم نیست. ندادن رشوه و پول چای بد و ناهنجار است. این ناهنجاری و بلبشو در نهادهای تولیدکننده خدمات دولتی و غیر دولتی، قبل از هر چیز نشانه‌ای بر سیاست‌گذاری‌های نادرست در قیمت‌گذاری و تعیین حقوق و دستمزد است. در ساختاری که بازار به درستی کار نکند و قیمت سرکوب شود، اول اخلاق کسب و کار می‌میرد.

اخلاق، قربانی اقتصاد متمرکز

محمد ماشین‌چیان | کارشناس اقتصادی



نخستین قربانی اقتصاد متمرکز اخلاق و کرامت فرد است. مکاتب جماعت‌گرا آنچه را که «منافع جمعی»، «خیر عمومی»، یا «منافع ملی» می‌خوانند بر حقوق تک‌تک افراد جامعه مقدم شمرده و آگاهانه آماده‌اند حقوق فردی هر شهروندی را که لازم ببینند نقض کنند. هدف همواره وسیله را توجیه می‌کند. این تفکر چند اشکال اساسی دارد:

- ۱- با طبیعت بشر در تضاد است.
- ۲- کسانی که قرار است برای جامعه و عموم و عوام تصمیم بگیرند خود انسان جایز‌الخطا هستند، لذا مانند سایر انسان‌ها اولویت‌هایی دارند و منافعی و خوبشوندانی ...
- ۳- منافع جامعه، آن‌طور که در نظر فرد ناآشنا می‌رسد، همگن و یکسان نیست. در ادامه توضیح بیشتر خواهیم داد.

تجربه جامعه بشری نشان می‌دهد به ویژه در تاریخ معاصر انسان‌ها در ۲ مسیر و ۲ نوع اقتصاد می‌توانند فعالیت کنند. یک راه کسب درآمد در چارچوب مکاتب فردگرا و دیگری در چارچوب مکاتب جماعت‌گراست. در مکاتب فردگرا فقط یک راه برای کسب آنچه در اسلام روزی حلال خوانده می‌شود، وجود دارد؛ باید به دیگر افراد جامعه خیری برسانیم؛ کالایی یا خدماتی ارائه کنیم که یا کیفیت بهتری نسبت به رقیب داشته باشد یا ارزان‌تر از محصولات و خدمات آنها باشد. در نقطه مقابل چنانکه در احوالات امروز کشور می‌بینیم، در چارچوب مکاتب جماعت‌گرا ثروت در گرو اقناع یک سیاستمدار دیوانسالار دولتی است. کافی است بتوانید شرایط لازم را برای دریافت بخشی از جدیدترین بسته حمایتی دولت از این و آن صنعت یا دریافت یکی از ده‌ها نوع یارانه دولتی فراهم کنید و بتوانید مسوولی را قانع کنید تا به نفع محصولات شما و به ضرر ده‌ها میلیون نفر ایرانی تعرفه جدیدی وضع کرده و قیمت محصولات مشابه خارجی را بالا ببرد یا واردات آن را به هر بهانه‌ای ممنوع کند. محصولاتی که هم کیفیت بهتری و هم قیمت ارزان‌تری دارند. نگاه کنید به خوردروهایی که امروز در ایران می‌رانیم یا به داروهای بی کیفیت ایرانی که میلیون‌ها بیمار مجبورند به عوض داروی باکیفیت و ارزان مصرف کنند. کافی است بتوانید مسوولی را قانع کنید تا تصمیم بگیرد مردم چه نیاز دارند یا ندارند. چه می‌خواهند یا نمی‌خواهند. چه حق دارند یا ندارند و... به بهانه خیر عمومی یا منافع ملی تا بدین وسیله برای خود ثروت و منفعتی کسب کنند. در نتیجه این حمایت‌ها مردم ایران مرفه‌تر نیستند، هیچ کدام از صنایع داخلی قوی‌تر و رقابت‌پذیرتر از چهل سال پیش نیستند. در نتیجه این حمایت و خیرخواهی انگشت شماری از مردمان کشور بیش از پیش و به بهانه فقر و ضعفاً ثروتمند شده‌اند.

اگر افراد آزاد باشند برای خوشبختی خود و خانواده و خودشان بکوشند، در نتیجه برای حذف به جامعه با یکدیگر رقابت خواهند کرد. در نقطه مقابل اگر تصمیم راجع به زندگی تمام اعضای جامعه در انحصار مشتی سیاستمدار درآید در نتیجه نازااستی‌ها در جامعه ایجاد خواهد شد و نفع شخصی در گرو اقناع سیاستمداران خواهد بود. برای اخلاقی کردن جامعه یک راه‌حل فردی است که در آن فرد برای منفعت خویش تلاش می‌کند و در عمل به جامعه خدمت خواهند کرد. دومی راه‌حل جماعت‌گرا است که در آن عده انگشت‌شماری، خستگی‌ناپذیر و حتی پس از بازنشستگی، اصرار دارند به جامعه خدمت کنند و در عمل برای عده محدودی از جیب تمام اعضای جامعه رانت و ثروت ایجاد می‌کنند. اولی داوطلبانه است و دومی اجباری در اجبار هیچ فضیلت اخلاقی وجود ندارد در حالی که تلاش برای خلق ارزش و ثروت و بهبود زندگی و معاش خانواده، هر چند در نظر عده‌ای خودخواهانه فرض می‌شود، همه فضیلت است.

نتیجه اینکه وقتی چارچوب اجباری جماعت‌گرا را جایگزین انتخاب داوطلبانه فردی کردیم، فارغ از آنکه نیت ما خیر است یا غیر، عملاً تیشه به ریشه بنیان‌های اخلاقی جامعه خواهد زد. آنچه امروز ملاحظه می‌کنیم نتیجه طبیعی و گریزناپذیر اقتصاد برنامه‌ریزی شده متمرکز است و سابقه تاریخی سایر کشورهایی که چنین نظام‌های اقتصادی‌ای را آزموده‌اند نیز گواهی بر این مدعا است.



نصرالله محمدحسین فلاح

گرچه تاکید بر رعایت قواعد اخلاقی در کسب و کار و رعایت حقوق ذینفعان تجاری چون صداقت، رازداری، رعایت پیمان، پرکردن پیمانه، داشتن انصاف، نیرنگ نکردن، اندازه نگاهداشتن و مانند آن در فرهنگ ما و در بسیاری از فرهنگ‌های ریشه‌دار جهانی ریشه‌ای کهن دارد اما نگاه علمی به جنبه‌های اخلاق حرفه‌ای، به‌ویژه در مهندسی به مفهوم امروزی آن، تنها به نیم قرن گذشته برمی‌گردد. توجه دادن مدیران و مهندسان به مسئولیت‌های ایشان در برابر جامعه نیز عمری کوتاه‌تر از این دارد. در واقع بعد از یک دوره کم‌توجهی مهندسان و کنشگران اقتصادی به انسان‌ها و پیامدهای مصرف نادرست منابع محدود کره زمین اکنون رویکردی متفاوت را شاهد هستیم، پدیده‌ای که رونق اخلاق (Ethics Boom) خوانده می‌شود.

در یک جامعه نسبتاً همگن و با ابعاد فرهنگی به سامان، تعاریف مفاهیم و وجوه اخلاق‌مداری تا حد زیادی روشن است. برای نمونه مرزهای حلال و حرام، حقوق مردم، انصاف و سود متعارف، اسراف و تبذیر و مانند آن در یک جامعه مسلمان از ابهام زیادی برخوردار نیست. اما در پی گسترده شدن دادوستدهای تجاری در سطح جهان، بخشی از این مفاهیم

با محدودیت شناخت و کاربرد روبرو می‌شود. خوب در همه جای سپهر گسترده گیتی یک تعریف ندارند. گاه تعاریفی از اخلاق حرفه‌ای که متکی به باورهای یک آیین‌های خاص در بخش دیگری از گیتی باورمندان خود را از دست می‌دهند یا حداقل از ارزش و اولویت پیشین برخوردار نیست.

خوشبختانه در عصر حاضر توجه به اخلاق حرفه‌ای تنها محدود به مهندسی نیست. در نیم قرن اخیر و در پیآمد رویدادهای تکن‌دهنده‌ای در جهان، ضرورت توجه ساختار یافته به اخلاق حرفه‌ای، در تمام شاخه‌های مرتبط با کسب‌وکار از جمله پزشکی، حسابداری، گردشگری، نظامی گری، بانک‌داری و مانند آن دیده می‌شود. در برخی از صنوف منشور اخلاقی تدوین شده، و ضوابط آن در شکل سوگندنامه یا آیین‌نامه‌های حرفه‌ای و یا تدوین استانداردهای خاص انجام شده است.

گسترده‌گی پیوندهای تجاری جهانی ایجاب می‌کند که ضوابطی روشن، تفسیرناپذیر و قابل اندازه‌گیری در حوزه‌های اخلاق حرفه‌ای بوجود آورد با آن درجه از پایداری و دقت که کاربردی جهانی داشته باشد. نارضایتی مردم و جامعه از پاره‌ای

رویدادهای بنگاهی، از زیربنایی‌ترین علل گرایش به اخلاق حرفه‌ای از جمله در حوزه‌های مهندسی است. چرایی این توجه از جنبه‌های گوناگون قابل بررسی است: ۱. کاربرد دستاوردهای فکری و اجرایی مهندسان بسیار وسیع و متنوع و دامنه دخل و تصرف آنان در طبیعت، و زندگی انسان‌ها بسیار گسترده است. بنابراین هر نوع پنهان‌کاری و نادرستی در ایفای نقش، می‌تواند جامعه و طبیعت را با چالش‌هایی گسترده و فاجعه‌بار روبرو کند.

۲. توسعه فن‌آوری‌های تولید انبوه کالا و اطلاعات آثار نقش مهندسان را به عنوان طراح، کاربر و یا بازرس و تنظیم‌کننده گردش امور، در همه مراتب اجتماعی تشدید کرده است.

۳. ضریب نفوذ اجتماعی مهندسان در جامعه، که حاصل اعتماد به عملکرد صحیح گذشتگان است، با مصوبه‌های قانونی شدت یافته است. این گستردگی نفوذ و اطمینان، جامعه را در برابر نومهندسان کم‌دفاع و آسیب‌پذیر کرده است.

۴. هشیاری و حساسیت سرمایه‌گذاران، مصرف‌کنندگان کالا و خدمات، طرف‌های تجاری و دیده‌بان اجتماعی نسبت به هزینه آسیب‌های احتمالی افزایش یافته است. دقت و کاربرد ابزار رسانه‌ای و کنترلی آنان به حدی پیشرفت کرده که دیگر تنها به

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

تحلیل عملکرد مهندسان بر اساس نتیجه بسنده نمی کنند.

۵. وجوه فعالیت های مهندسی و آثار آن به حدی پیچیده و گوناگون شده است که پایبندی مهندسان به قواعد کلی اخلاق عمومی، برای تصمیم گیری درست در گاه رویارویی با بحران کفایت ندارد.

ویژگی های مشترک فرآورده های مهندسی چون ابزار، محصولات، خدمات و طرح ها و جهان شمولی بسیاری از اصول اخلاقی معتبر در این حرفه، این فرصت را به دست می دهد که قواعد و اصول مشترکی را طراحی کرد. می توان انتظار داشت تا همه اعضای خانواده مهندسان در سرتاسر جهان به آن اصول مشترک پایبند باشند. این ضوابط برای سهل کردن امر داوری کارهای مهندسی در سراسر جهان نیز کاربرد خواهد داشت.

تجربه جهانی استانداردسازی کیفیت کالا و خدمات تجربه ای موفق بود. هزینه های تجاری با تدوین استانداردها کاهش یافت و موجب روانی دادوستد شد. تدوین و رعایت آیین نامه ها و ضوابط اخلاق حرفه ای نیز میسر است و به روانی بیشتر تبادلات تجاری در سطوح ملی و جهانی می انجامد. بنگاه های تجاری برای تضمین رشد پایدار خود به برتری های رقابتی نیاز دارند. پایبندی یک کنشگر اقتصادی و یا یک بنگاه به قواعد اخلاقی، ابزاری قدرتمند برای رقابت در اختیار وی می گذارد. مهندسان که یا مدیر و یا کارمند بنگاه های تولیدی و تجاری هستند همزمان با پایبندی به تعهدات اخلاقی در حرفه خود، باید به رعایت تعهدات و اهداف بنگاه متبوع خود نیز مقید باشند. در پاره ای موارد نمی توان مرز روشنی بین اخلاق حرفه ای یک کارمند و تعهدات بنگاه متبوع وی قائل شد. همچنین گاه ممکن است توان عملی کارمند برای رعایت اصول اخلاق حرفه ای با تعهدات بنگاهش برهم منطبق نباشد. برای پرهیز از تعارض احتمالی کاملاً ضروری است که همزمان با اعلام اهداف و مشی اخلاقی بنگاه، قواعد اخلاق حرفه ای برای کارکنان در همه سطوح از جمله مهندسان نیز به روشنی معلوم باشد. این هم راستایی باید به گونه ای مستمر پایش شود و ابزار لازم برای راهنمایی فردی که ممکن است دچار تعارض شود در اختیار وی قرار گیرد. از یک کارشناس مهندسی در یک بنگاه که فروشنده خدمات مشاوره و یا طراحی است، رازداری بالاتری نسبت به

یک مهندس تعمیرکار در واحدی عمومی انتظار می رود. بهترین شیوه برای جلوگیری از این گونه تعارضات افزایش مهارت های داوری در افراد است.

اشتتار به تعهد اخلاقی، تهدیدهای اجتماعی بر علیه سازمان و فرد و هزینه های بازاریابی را کم می کند. این ویژگی هزینه جدا شدن مشتری از بنگاه و روی آوری وی به رقیب را بالا می برد و به سود بنگاه خواهد بود. وجود تعهد اخلاقی در یک سازمان همبستگی درونی کارکنان و رابطه کاری آنان را تقویت و رهبری سازمانی را ساده تر می کند. این وضعیت با روان کردن جریان کار، در سازمان و بیرون آن، هزینه های تولید و هزینه های تبادلات تجاری را می کاهش.

با تاکید پیشنهاد می شود تا برای ترویج اخلاق در بین کارکنان بنگاهمان آنان را در معرض جریان های اطلاعاتی و آموزش هدفدار قرار دهیم. هر یک از ما نیاز داریم خود را وارد این گونه جریان ها و رویدادها کنیم. انجام هزینه در این راستا یک سرمایه گذاری سودمند است. افزایش اطلاعات با هدف آگاهی یافتن از عوارض دیرپای اقدامات نادرست و یا سود بردن از امتیاز انجام درست کار، به ترویج اخلاق مهندسی بسیار کمک می کند. مربیان و ترویجگران اخلاق عمومی بیشتر از ابزاری چون نگران کردن و ترساندن و تا حدودی بشارت نشاط روانی، بهره می گیرند. برای ایجاد انگیزه در مهندسان و ترویج اخلاق حرفه ای، نیاز به بیان اعداد و ارقام قابل اندازه گیری و تشریح پیامدهای ملموس تصمیمات آنان است. داشتن اطلاعات از افزایش یا کاهش تلفات مالی، حیوانی و آسیب های انسانی در صورت رعایت یا عدم رعایت یک نکته خاص فنی بیش از هر پند و توصیه، روان یک مهندس را هدف قرار می دهد. دانستن هزینه های ناشی از افشای اسرار حرفه ای و یا کتمان کردن محاسبه و اندازه گیری نادرست که بنگاه دیگری را گرفتار و مهندس دیگری را بیکار کرده برای تشویق و ترغیب دیگر هموندان او به رعایت اصول اخلاقی کمک بسیار می کند.

سازوکارهای زیر برای آموزش مهندسان و ترویج اخلاق حرفه ای بین ایشان کاربرد دارد:

۱. مطالعه پدیده و رویدادهای تکنولوژیک و مهندسی نوین، شامل ویژگی های تسهیل گرانه و مفید آنها بر کاهش

پیامدهای نامطلوب انسانی، اجتماعی و زیست محیطی و عوارض نامطلوب به کارگیری شیوه های مهندسی در گذشته و در محیط های دیگر. در این گونه مطالعات اطلاع از هزینه های ترمیم عوارض نامطلوب و مدت اثرگذاری آنها بسیار مفید است.

۲. مطالعه آثار نامطلوب رویکردهای مهندسی بر حوزه های دیگر اجتماعی مانند اقتصاد، بهداشت و فرهنگ

۳. اطلاع از استانداردها و معیارهای حفاظت کننده از محیط زیست و انسان ها و ایمنی فضاهای کار و تولید. آگاهی از چرایی تدوین استانداردهای مزبور

۴. مطالعه قوانین ملی و جهانی ناظر بر حقوق مصرف کنندگان و تمرکز بر تاریخچه تدوین آن

۵. حضور در تشکلهای حرفه ای داخلی و جهانی و مشارکت فعال در دادوستد دانسته های دیگر اهالی صنف و برخورداری از تجارب تلخ و شیرین آن ها

۶. حضور در همایش ها، گردهمایی ها و سخنرانی های مرتبط با اخلاق حرفه ای یک انسان متعادل از رساندن زبان به خود، جامعه و انسان های دیگر پرهیز دارد. اطمینان دادن به وی از سودمند بودن پایبندی به اخلاق حرفه ای، وسوسه سودجویی آنی او را می کاهش. همچنین نشاط ناشی از رعایت اخلاق در ساختن جامعه ای امن و کم خطر، سلامت روحی مهندسان را بالا می برد. با آنچه در اهمیت پایبندی به اخلاق در حرفه مهندسی بر شمرده شد، گنجاندن آموزش اخلاق حرفه ای در دروس دانشگاهی بسیار مفید خواهد بود. آگاهی یافتن مهندسان و دیگر دانشگران از مسئولیت های اجتماعی و قواعد اخلاقی ایشان در کار، بسیاری از مشکلات جامعه را خواهد کاست.

ذهن ما باغچه است

گل در آن باید کاشت

و نکاری، گل من

علف هرز در آن می روید

زحمت کاشتن یک گل سرخ

کمتر از زحمت برداشتن

هرزگی آن علف است

زنده یاد مجتبی کاشانی

۱. در تهیه این نوشته از کتاب اخلاق در مهندسی تألیف چارلز هریس، مایکل پریچرد و مایکل رابینز، ترجمه رضای از انتشارات شرکت انتشارات فنی ایران در مواردی بهره برده ام.



حسین حقگو

رابطه «فروپاشی اخلاقی» و «فروپاشی اقتصادی» به عنوان دو بحران حاد کنونی کشورمان و قضاوت راجع به اینکه وضعیت «اخلاقی» جامعه وخیم تر از وضعیت «اقتصادی» است، به گمانم نیازمند آن است تا اصولاً رابطه این دو حوزه را با یکدیگر مشخص نمایم تا از منظری دچار دو گانه سازی اشتباه انشا دوران مدرسه یعنی «علم بهتر است یا ثروت؟» نشویم و معالجه اشتباه برای بیمار تجویز نکنیم. چرا که اگر چه این دو حوزه رابطه این همانی با یکدیگر ندارند اما در ارتباط عمیق و وسیع با همند.

«فروپاشی اقتصادی» جوامع، اگر ناشی از یک وضعیت خاص تاریخی مثلاً حمله و هجوم نیروی خارجی نباشد، بدون شک در ارتباط عمیق با «نظام اخلاقی» و ارزشی آن جامعه است و بالعکس. به طوری که نمی توان نظام پیشرفته اقتصادی را تصور کرد که نظام اخلاقی منحل و ویرانی داشته باشد و یا نظام اخلاقی موفق و کارآمدی را نمی توان سراغ گرفت که بر بستر اقتصادی بحران زده و مملو از فقر و فلاکت و عقب ماندگی حیات داشته باشد. در اینجا باید این نکته را متذکر شد که منظور از اخلاق نه ارزش هایی ثابت و همه زمانی و مکانی بلکه اصول و ارزش ها و هنجارهایی است دینامیک و وابسته به زمان و مکان. از این منظر اخلاق و ارزش های اخلاقی در هند با ارزش ها و هنجارهای اخلاقی در کشور همسایه آن چین و یا یک کشور اروپایی متفاوت است چنانکه طبعاً تعامل و واکنش مردم این سرزمین نسبت به اوضاع اقتصادی و شاید تبعیض ها و یا فقر و ثروت منتشر در این جامعه

با کشورهای دیگر متفاوت است. (۱)

اندیشه اقتصادی مدرن بر محور انسان آزاد شکل گرفته است. چنانکه آدام اسمیت به عنوان بنیانگذار علم اقتصاد خود یک فیلسوف و مدتی نیز استاد فلسفه اخلاق در دانشگاه گلاسکو اسکاتلند بود. وی در کتاب «نظریه عواطف اخلاقی» می گوید که رفتار اخلاقی هر انسانی مبتنی بر حس همدردی یا همدلی است و اخلاقی بودن یعنی مطابق همدردی رفتار کردن. بر این اساس طبق نظریه اسمیت انسان ها زمانی قادر خواهند بود جامعه اخلاقی بنا کنند که خود در جامعه ای آزاد زندگی کنند. همچنین فعالیت آزادانه انسان ها در جامعه آزاد تنها ضمانت اخلاقی بودن جامعه خواهد بود و دیگر آنکه در جامعه غیر آزاد، اخلاقیات و اخلاق گرای رشد نمی کند و به جای آن شاهد بی عدالتی خواهیم بود. آمارتیا سن نیز «توسعه» را به مثابه آزادی می داند و معتقد است: «فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی با آزادی و افزایش آن رابطه مستقیم دارد». در نظر وی همچنین آزادی به مفهوم قدرت انتخاب و شامل آزادی از قید جهل و فقر و بردگی و... است. در واقع رشد توانمندی های انسانی سبب افزایش امکان انتخاب های او و این نیز سبب توسعه فراگیرتر و عدالت و ارتقا نظام اخلاقی جامعه می شود. (۲) نقطه مقابل آن نیز کاملاً قابل مشاهده است یعنی آنجایی که آزادی انسان به بند کشیده می شود و انتخاب های انسان محدودتر می گردد و محدودیت ها و انحصارات و فسادها و... شکل می گیرد شاهد رواج بی اخلاقی ها و ناپهنجاری ها و بردگی و بندگی انسان ها می باشیم.

جان لاک نیز بر آزادی انسان تاکید می کند و آن را سر چشمه بهبودی زندگی اقتصادی می داند. چنانکه نظریه سیاسی او نیز بر مبنای قرارداد اجتماعی و جامعه مدنی است. به عقیده لاک، انسان ها زمانی در یک جامعه مدنی یا سیاسی می یزند که در آن جامعه، قدرت محافظت از دارایی های آنها وجود داشته باشد و هیچ تعدی بر مالکیت افراد انجام نگیرد. این مهم اتفاق نخواهد افتاد مگر اینکه افرادی که در وضع طبیعی زندگی می کنند با صرف نظر کردن از حقوق طبیعی خود آن را در اختیار اجتماع بگذارند و از وضع طبیعی گذر کنند. پیش شرط لازم برای تشکیل این جامعه یا به عبارتی جامعه مدنی در اندیشه لاک، وجود اصل «رضایت» است. هنگامی که انسان ها از وضع طبیعی وارد جامعه مدنی میشوند و قدرتشان را در اختیار اجتماع می گذارند باید با «رضایت» از حقوق طبیعی خود گذر کنند تا قوانین جامعه مذکور مشروعیت اجرا داشته و در صورت لزوم افراد خطاکار را جزا دهد. لاک معتقد است که بشر با حق آزادی، برابری و استقلال زاده می شود پس بنابراین به طور فطری محکوم و متبوع قدرت انسان و یا گروهی دیگر نیست و حاکمیت سیاسی تنها بر پایه ی افرادی که رضایت دارند ایجاد می شود، و تابع و پیرو آنها به شمار می روند. و کسانی که بر این حاکمیت رضایت نداده اند بنده و فرمان بردار آن نیستند و هیچ گونه تعهد اخلاقی مبنی بر اینکه نیروی خود را با قدرت و نیروی اجرایی مشترک پیوند دهند ندارند حتی اگر در چارچوب آن حکومت و در میان کسانی که بر آن شرایط رضایت داده اند زندگی کنند. (۳)

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

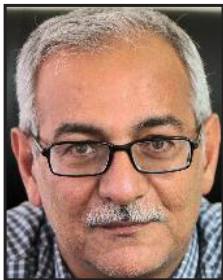
هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

اخلاق و اقتصاد از منظر سوسیالیسم و لیبرالیسم

محمود صدری | تحلیلگر مسائل ایران



آنگاه که از نسبت اخلاق و اقتصاد سخن گفته می‌شود، منظور این است که توضیح داده شود، کنشگران اقتصادی بر پایه چه توجیه و منطقی برخی کارها را صواب و روا می‌دانند و برخی دیگر را ناصواب و ناروا. به همین علت معنا و مفهوم اخلاق و اخلاقی بودن در مکاتب فکری مختلف فرق دارد. در این نوشتار کوتاه تلاش شده است، بدون ورود به اختلافات نظری مکاتب مختلف و داوری درباره آنها، رابطه اخلاق و کامیابی‌ها و ناکامی‌های اقتصادی از

منظر دو شاخه اصلی تفکر اقتصادی، یعنی سوسیالیسم و لیبرالیسم توضیح داده شود و آنگاه به این پرسش پاسخ داده شود که موضوع اصلی در اقتصاد، پدیده‌های تکنیکی مانند رشد اقتصادی و اشتغال و تورم و امثال اینهاست یا موضوع مهم‌تری در میان است که تکنیک‌ها حاصل و برآیند آن هستند.

اخلاق اقتصادی سوسیالیستی: اخلاق سوسیالیستی بر این شالوده استوار است که همه اشکال نظم اقتصادی غیر سوسیالیستی بر شالوده ستم و نابرابری استوارند و طبعاً غیر عادلانه و غیر اخلاقی‌اند. سوسیالیست‌های پیش از کارل مارکس، با رجوع به مفاهیم رحم و شفقت معتقد بودند برای نجات انسان‌ها از رنج عظیم فقر و گرسنگی «باید نظم عادلانه‌تری برپا شود که محرومان را از رنج برهاند». کارل مارکس قدمی پیش‌تر نهاد و گفت تهیدستان و محرومان لازم نیست چشم به رحم و شفقت اغنیا بدوزند و مسیر محنم تاریخ، آنان را از این رنج خلاص خواهد کرد. این سخن مارکس در نظریه ماتریالیسم تاریخی او ریشه دارد که مطابق آن، جهان از مراحل کمون اولیه و برده‌داری و فئودالیسم عبور کرده و از قرن هجدهم وارد مرحله سرمایه‌داری شده و قهراً از این مرحله هم عبور خواهد کرد و سرمایه‌داری خواه ناخواه جای خود را به سوسیالیسم و سرانجام کمونیسم خواهد داد. طبق این نظریه مارکس، هر کس که به تسریع این حرکت کمک کند کاری اخلاقی کرده است و هر کس مقابل این حرکت بایستد کارش غیر اخلاقی است. اخلاق اقتصادی لیبرال: دستگاه اخلاقی لیبرالیسم، فارغ از دسته‌بندی‌های آن که بعضاً با هم تفاوت بنیادی دارند، بر مفاهیم بنیادی آزادی و مالکیت استوار است. طبق این نظر لیبرال‌ها، انسان‌ها دارای سه حق بنیادی هستند که خداوند یا طبیعت به آنان ارزانی داشته است. این سه حق عبارتند از حق حیات، حق مالکیت و حق آزادی برای برخورداری از دو حق قبلی. پس هر کس که برای بقا و تحکیم این حقوق سه‌گانه بکوشد، کاری اخلاقی کرده است و هر کس مانع بهره‌مندی دیگران از این حقوق شود، کارش غیر اخلاقی است. طبق این دو معیار، که از منظرهای متفاوت و معارض وضع شده‌اند، جانمایه اقتصاد اخلاق است و سایر شئون اقتصادی فقط در پرتو اخلاق معنا و مفهوم دارند. طبق آموزه‌های سوسیالیستی، به‌ویژه نوع مارکسی آن، شکوفایی اقتصادی هدف نیست، بلکه هدف، رهایی انسان‌ها از چنبره مناسبات ظالمانه و غیر اخلاقی است که نتیجه قهری آن هم شکوفایی اقتصادی است. طبق آموزه‌های لیبرالی هم شکوفایی اقتصادی هدف نیست و مثلاً رشد اقتصادی در سایه فاشیسم، وضع مطلوبی نیست. هدف آزادی انسان است که شکوفایی اقتصادی نتیجه قهری آن است. بدین ترتیب، می‌توان گفت جوامع با هر یک از نظام‌های سوسیالیستی یا لیبرال اداره شوند، آنچه آنان را به سوی زوال و نیستی می‌کشاند، تکنیک‌های اقتصادی نیست بلکه دوری گزیدن آنها از معیارهای اخلاقی است. اتحاد شوروی بدان جهت فرو ریخت که رهبران آن به اخلاق لیبرالی اساساً باور نداشتند و از اخلاق سوسیالیستی برداشت‌هایی داشتند که هم با سرشت انسان ناسازگار بود و هم ربط وثیقی به آموزه‌های بزرگان سوسیالیسم نداشت. بزرگان سوسیالیسم یا متفکران قبل از مارکس بودند که ایجاد برابری را از مناظر خیرخواهانه و مبارزات سندیکایی دنبال می‌کردند یا متفکران پس از مارکس بودند که تحقق برابری را تابعی از جبر تاریخی و حرکت قهری تاریخ می‌دانستند نه زور و اجبار سیاستمداران. جوامع به اصطلاح کاپیتالیستی هم بدان جهت دچار بحران‌های ادواری می‌شوند که رهبران سیاسی آنها به بنیان‌های اخلاقی اقتصاد آزاد و در راس آنها پرهیز از مداخله‌گرایی دولت در سازوکارهای بازار پایبند نیستند و با سلب آزادی از کنشگران بازار، مرتکب عمل غیر اخلاقی می‌شوند و اختلال‌های ادواری در نظم بازار، حاصل همین عدول از اخلاق بازار آزاد است.

بر این اساس می‌توان چنین داوری نمود که «اخلاق» و «اقتصاد» در روزگار ما که با گسترش و تعمیق بازارهای آزاد و رقابتی مواجه‌ایم، ضرورتی است انکارناپذیر و اختلاف و جدایی این دو از یکدیگر سرآغاز بسیاری از ناپایداری‌ها و عقب‌ماندگی‌ها. در واقع سازوکار و مناسبات اقتصادی تنها در چارچوب قواعد و ملاحظات اخلاقی، ثمر بخش بوده و سعادت و رفاه بشری را تضمین می‌کند و بدون اخلاق نمی‌توان جامعه‌ای را شکل داد و نظام اقتصادی موفق را پایه‌ریزی نمود.

در این میان به گمانم بد نیست با توجه به جایگاه انتشار این مطلب یعنی «تساخ ایران» از یکی از راه و روش این هم‌آمیزی و هم‌افزایی تحول‌ساز اخلاق و اقتصاد، یعنی «مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها» و «اخلاق کسب و کار» یاد کرد. شیوه‌هایی که فعالان اقتصادی را در مسیری انسانی و اخلاقی به تکاپو در آورده و همساز و هماهنگ‌شان می‌سازد تا ضمن کسب منفعت فردی و بنگاهی، توسعه‌ای خردمندانه را برای جهان به ارمغان آورند.

دو گزارش منتشر شده در کشورمان در چند ماه اخیر به‌نظر ارتباط اخلاق و اقتصاد و تأثیر این دو بر یکدیگر را بخوبی نشان می‌دهد. در گزارش «آینده‌پژوهی ایران ۹۷» از ۱۰ مسئله اول ایران، فرسایش سرمایه اجتماعی و فساد در کنار ناهنجاری ساختاری اقتصاد ایران و بحران ناکارآمدی عملکردها در رتبه‌های بالا و در کنار هم قرار می‌گیرند (۴). همچنین است گزارش اخیر وزارت اقتصاد از نزول شدید سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر، در پیوند با افزایش ناکارآمدی‌های اقتصادی و امتیازدهی حدود ۱۱ از ۲۱ برای ۳۱ استان کشور. در این گزارش آن تعریفی از سرمایه اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است که به «تهداها، روابط و هنجارهایی مربوط می‌شود که کنش‌های متقابل اجتماعی را از حیث کمی و کیفی شکل می‌دهند و بدون وجود آن طی کردن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و مشکل است» (۵).

در مجموع شاید بتوان گفت اخلاق و اقتصاد در اقتصاد مدرن اینگونه با هم می‌آمیزند که نظام بازار براساس منطق هم‌سویی منافع (یا اهداف) فردی و جمعی عمل می‌کند یعنی انسان‌ها را در مسیر خدمت به همدیگر سوق می‌دهد. طبق این منطق به طور معمول پاداش بیشتر از آن کسی است که بیشترین تقاضای بازار (عموم مصرف‌کنندگان) را برآورده سازد. پاداش هر کس متناسب با رضایتی است که برای دیگران فراهم می‌آورد و... بدیهی است در این زنجیره، ضعف و یا نقصان و ناکارآمدی هر حلقه، کل زنجیره را با مشکل مواجه می‌کند و تصویر نامناسبی از حرکت اجتماعی به تصویر می‌کشد. بدین ترتیب هر تلاش برای بهبود وضعیت اقتصادی جامعه و فراهم آوردن امکان کار و کسب و معیشت سالم اجتماع تلاشی است اخلاقی. لذا اگر قرار است جامعه از فروپاشی اخلاقی رها شود و درجه تب آن پایین بیاید، باید به سراغ درمان بیماری‌های مهلک اقتصادی اش رویم و نه آنکه به موعظه و پند و نصایح اخلاقی بپردازیم، راه و روشی که سخت در آن خبره‌ایم! توضیحات:

۱- «به طور خلاصه می‌توان گفت اخلاق هرگاه به صورت جمع به کار می‌رود، به معنای جمیع یا مجموعه‌ای از خصلت‌ها و ویژگی‌های نفسانی یک فرد (یا گروه یا جامعه یا دین) است که منشأ و مصدر نوع خاصی از سلوک و زندگی می‌باشد؛ اما اگر به صورت مفرد به کار رود، به معنای خصلت یا صفت نفسانی است که منشأ و مصدر نوع خاصی از عمل و رفتار است. به عبارت دیگر، انجام فعل خاصی را تسهیل می‌کند» - علم اخلاق و فلسفه اخلاق؛ تأملی درباره حوزه‌های مختلف مطالعاتی - فصلنامه معرفت اخلاقی، سال اول، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹، ص ۷

۲- تاریخ عقاید اقتصادی - دکتر فریدون تفضلی - نشر نی

۳- جامعه مدنی از نگاه جان لاک - فرشید حسن‌زاده - سایت بورژا

۴- آینده‌بان - ۱۳۹۷

۵- دنیای اقتصاد - ۹۷/۱۲/۲

درباره اخلاق

لطفعلی بخشی | نایب رئیس انجمن اقتصاددانان ایران |



یک - چرا به جایی رسیدیم که رئیس اتاق بازرگانی با صراحت به معاون اول ریاست جمهوری می گوید بدتر از سقوط اقتصادی در حال حاضر سقوط اخلاقی است؟

نقش نهاد دولت در این کاهش رفتارهای اخلاقی چیست؟ به ویژه درباره اینکه به هر حال بخشی از مهم ترین تصمیم ها را دولت می گیرد.

سقوط اقتصادی یک فرد یا یک شرکت جزو اتفاقات روزمره جوامع مختلف است. در بسیاری جوامع برای بازگشت افراد و شرکت های ورشکسته به ورطه اقتصاد، راه ها و تمهیداتی اندیشیده شده است و بازگشت آنان به روال عادی زندگی اقتصادی، امری محتمل است و معمولاً بسیاری از افراد و شرکت های موفق در جهان، چنین نشیب و فرازی را در زندگی اقتصادی به دفعات تجربه کرده اند.

در مورد دولت ها نیز چنین نشیب و فرازی را شاهدیم و در دوران پنجاه ساله اخیر، ارتقای بسیاری کشورهای جهان از فقر و حسیض اقتصادی به اوج قله های موفقیت را شاهدیم.

دلیل اصلی بازگشت افراد، شرکت ها و حتی دولت های مشکل دار از نظر اقتصادی، لنگری از جنس امید و اخلاق است. امید آنها را به تلاش مجدد و بیشتر وامی دارد و اخلاق هدایتگر راه آنهاست.

در مورد افراد و شرکت ها شکست خورده، عدم وجود امید و تلاش، آنها را متضرر می سازد و قوانین و مقررات جامعه عدم رعایت اخلاق را برای آنان دشوار می سازد لیکن در مورد دولت ها وضعیت بسیار پیچیده تر و دشوار تر است. در سقوط اقتصادی دولت ها همیشه امکان بازگشت هست لیکن سقوط اقتصادی توأم با سقوط اخلاقی بازگشت را بسیار دشوار و بلکه غیرممکن می نماید.

عدم وجود امید و اخلاق در جامعه و رسوخ ناامیدی در مردم نسبت به آینده، افراد را به تلاش برای بیرون کشیدن گلیم خویش از آب به هر قیمت وامی دارد به خصوص آنکه بدانند برای خطاها و سوءاستفاده ها بازخواستی در کار نیست.

در جامعه ما تقریباً علامتی برای امیدواری به چشم نمی آید و برعکس همه نشانه ها تشدید کننده ناامیدی است و در این بین قدرتمندان نیز اخلاق را به کناری نهاده اند و تلاش می کنند در دریای طوفان زده برای خود طعمه بزرگی صید کرده و در گوشه دیگری از جهان برای خود و خانواده شان زندگی دیگری را بنیاد نهند. از سوی دیگر بیکاری و تورم بالا منجر به فروپاشیدن اخلاق در فرودستان جامعه خواهد شد و آنان را مستعد هر گونه بزهکاری خواهد کرد. در چنین هرج و مرجی هنجارها و بنیادهای اخلاقی جامعه رنگ باخته و فرو می ریزد و کار ساماندهی اقتصاد را دشوار تر می سازد.

چشم انداز تیره در روابط بین المللی، ناامناهی گسترده مدیران کشور و وعده های توخالی و بی پایه آنان درباره رفع مشکلات، مردم را ناامیدتر می سازد و

متأسفانه آنان را به این نتیجه می رساند که بر ناصیه این کشتی نور رستگاری نیست.

دو - نشانه های اقتصاد غیر اخلاقی شدن جامعه به ویژه در حوزه بازرگانی و فعالیت های اقتصادی چیست؟

وجود سلطان های پنهان و آشکار، اتهام فساد مسئولان رده بالای دولتی و منسوبین آنها، برخی نمایندگان مجلس، عدم رسیدگی قانع کننده نهاد قضاوت، فروریختن قبح فساد و اختلاس، تکرار هر روزه فسادهای جدید در شبکه های اجتماعی و رسانه ها و عدم تکذیب این موارد از سوی مسئولان، اخبار تقلب های ثبت سفارش ها و وام های بانکی، گزارشات اختصاص ۲۰ میلیارد دلار ارز ۴۲۰۰ تومانی و عدم پیگیری آن توسط مسئولین، مطرح شدن عدم برگشت ارزهای صادراتی به کشور، فساد گسترده در شهرداری، سازمان مالیاتی و تامین اجتماعی و اخبار زمین خواری ها و کوه خواری ها و ده ها مورد دیگر مردم کشور را به بدنه دولت و کارگزاران آن کاملاً بدبین ساخته است.

از سوی دیگر همین انتخابات اخیر اتاق های بازرگانی و تقلبات کشف شده در صدور کارت های بازرگانی برای انتخابات و موضوع قدیمی کارت های بازرگانی یکبار مصرف و تقلبات و بدهی مالیاتی برخی کارت های بازرگانی و همچنین افشاگری های برخی کاندیداهای اتاق علیه یکدیگر، ناامیدی مردم را تشدید می کند. متأسفانه حساسیت حکومت درباره مسایلی مانند حجاب و در مقابل چشم پوشی و اغماض از فساد و اختلاس هنگفت مامورین دولتی و تناقض های شبیه آن موجب ناامیدی بیشتر مردم را فراهم می سازد.

سه - اگر بخواهیم اقتصاد را با اخلاق سازگار کنیم نهاد خصوصی و نهاد دولت چه کارهایی می توانند انجام دهند؟

هیچ زمانی را در اقتصاد ایران به دشواری و پیچیدگی این زمان به یاد ندارم و متأسفانه راه حل های برون رفت از این وضعیت بسیار دور

از دسترس بنظر می رسند. برای برون رفت از این وضعیت نیازمند اقدام همه جانبه و مسئولانه همگانی هستیم که ایجاد چنین وفاقی خود غیرممکن می نماید. مهم ترین نیاز کشور به ایجاد اعتماد عمومی است تا بتوان با ایجاد پشتوانه مردمی گام های این مسیر دشوار را پیمود. برای ایجاد اعتماد عمومی اقدامات زیر می تواند راهگشا باشد:

- شفافیت هنوز در این میانه نقش کلیدی دارد و به آن امید بسیار هست که با شفافیت بتوان اعتماد ملی را بازسازی کرد. شفافیت در وام ها و تسهیلات بانکی و اعلام اسامی مثلاً همه وام گیرندگان بالای ۱۰۰ میلیون تومان می تواند گام اولیه و اساسی در این راه باشد.

- آزادی مطبوعات و رسانه ها در زمینه فساد و انتقاد صریح از همه مسئولان نقش بی بدیلی در ایجاد اعتماد عمومی در مردم خواهد داشت.

- ایجاد احزاب واقعی که هر یک می توانند با مانیفست خود راهگشایی برای مسایل مردم داشته باشند و طرفداران آن راه را زیر یک پرچم و مبارزه مدنی برای تحقق آن گرد آورند.

- قانون سازی تشویق فاش کنندگان فسادها با جایزه نقدی و تامین امنیت

- شفافیت در اقدامات دستگاه قضا در زمینه فساد و برگزاری محاکمات علنی با پخش مستقیم.

- تسهیل ایجاد سازمان های مردم نهاد در زمینه های مختلف و به کارگیری این نیروی عظیم در رفع معضلات اجتماعی و اقتصادی

- تصحیح و تلطیف رابطه با جهان از پیش نیازهای اساسی برون رفت از وضع دشوار فعلی است.

در این زمینه اتاق می تواند خود در شفاف سازی پیشگام باشد و با درج حقوق و مزایای همه مدیران و کارکنان و هزینه ها و ماموریت های اتاق و اعلام ابعاد فعالیت اقتصادی نمایندگان منتخب اتاق ها در سایت اتاق، الگوی شفافیتی برای کشور معرفی کند.

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

آنچه بودجه ندارد شفافیت است

شده است. بودجه ۱۳۹۸ در شرایط تحریم گسترده آمریکا تدوین شده و در آن تاریکی‌ها و ابهام‌های شگفت‌انگیز و بزرگی دیده می‌شود.

دکتر علی چشمی استاد اقتصاد دانشگاه فردوسی مشهد درباره تاریکی‌ها و ابهام‌های بودجه سال آینده ایران، دکتر محمد قاسمی درباره کاستی‌های نظام بودجه ریزی و کارشناس همکار با اتاق بازرگانی ایران درباره کارآمدتر شدن لایحه بودجه مسائل با اهمیتی را مطرح کرده اند که در این پرونده می‌خوانید.

رشد شگفت‌انگیزی داشته‌اند با بیشترین ناشفافیت تدوین و تصویب می‌شوند. اقتصاددانان ایرانی در این دهه‌های اخیر بارها تاکید کرده‌اند راه نجات اقتصاد ایران تا اندازه قابل اعتنایی به بریدن دست و پای دولت از کسب و کارها و خصوصی سازی واقعی است اما این توصیه اقتصاددانان هرگز لباس عمل نپوشیده است. در حالی که در دهه ۱۳۷۰ مدیران ارشد سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی در مسیر راهبرد کاهش نقش دولت در اقتصاد بودند اما در حال حاضر این راهبرد کنار گذاشته

بودجه‌های سالانه در ایران به دلایل گوناگون از جمله به دلیل اینکه یک دولت بزرگ بر اقتصاد کشور حاکمیت دارد و در سال‌های تازه سپری شده نیز شرکت‌های کوه‌پیکر در تملک نهادهای عمومی غیردولتی رشد شگفت‌انگیزی داشته‌اند با بیشترین ناشفافیت تدوین و تصویب می‌شوند. بودجه‌های سالانه در ایران به دلایل گوناگون از جمله به دلیل اینکه یک دولت بزرگ بر اقتصاد کشور حاکمیت دارد و در سال‌های تازه سپری شده نیز شرکت‌های کوه‌پیکر در تملک نهادهای عمومی غیردولتی



دکتر چشمی

با توجه به اهمیت موضوع شفافیت و ارتباط آن با بودجه سعی می‌کنم از زوایای دیگری به مسأله نگاه کنم. به عبارتی می‌توانیم در بحث شفافیت به عوامل موثر در این بحث بپردازیم و از این منظر تحلیل کنیم که چه ساختارهای نهادی باعث می‌شوند بودجه سالانه یک کشور شفاف باشد یا نباشد؟! یا بازیگران مختلف هر کدام چه نقشی در شفافیت کلی اقتصادی دارند و یا از زاویه دیگر آثار شفافیت بر بودجه چیست؟! بحث دیگر این است که چطور اقتصاد و بودجه را شفاف می‌کنیم؟! و اقتصاد برای شفافیت به چه فناوری نیاز دارد؟! سطح بحث در این جا عملکرد ایانه است و ما قبول داریم اندیشه‌های مختلفی وجود دارد ولی سعی می‌کنیم وارد سطح اندیشه نشویم حتی به محتوای مطالب وارد نشویم و بیشتر صحبت از شکل و شمایل موضوع و بحث شکل‌گیری شفافیت است. قبل از هر چیز باید بر این موضوع تاکید کنم که بودجه ریزی که فن و فنون خاص خود را دارد یک نوع هنر است و به عبارت دیگر چگونگی به نمایش در آمدن نتایج یک حکمرانی است. بحث بودجه ریزی ویتترین و آینه تمام عیار یک حکمرانی است. وقتی از شفافیت بودجه ریزی صحبت می‌کنیم از شفافیت کل

نظام حکمرانی و جنبه‌های سیاسی و اقتصادی و حجتی ابعاد فرهنگی موضوع صحبت می‌کنیم. در این نوشته روی فن و هنر بودجه ریزی از زاویه شفافیت متمرکز می‌شویم. شفافیت سه مرحله دارد.

۱. بحث تولید اطلاعات ۲. پردازش اطلاعات تولید شده ۳. دسترسی شهروندان به اطلاعات عمومی بودجه یکی از ابزار برنامه ریزی اقتصادی در کشور است که می‌تواند درباره این باشد که چه کارهایی در حوزه عمومی انجام می‌شود و نتایج و پیامدها چه خواهد بود. به نظر می‌رسد بودجه دستگاه‌ها و شرکت‌های وابسته به دولت و سازمانها و شرکت‌های شبه دولتی و عمومی از سطحی بالاتر رفت چون عموم مردم در آن سازمان یا شرکت ذی نفع هستند باید در جریان عملکرد و برنامه آن سازمان یا شرکت قرار بگیرند. گلوبال اوپن دیتا در رده بندی خود از ۹۴ کشور از نظر شفافیت ایران را در رتبه ۶۷ قرار داده است. این موسسه ۶ مولفه را در نظر می‌گیرد و صرفاً بر وجود و عدم وجود اسناد متمرکز است. که آیا برای عموم قابل استفاده هستند یا نه؟! به عنوان مثال در ایران از لحاظ آمارهای ملی که از سایر مولفه‌ها شفاف تر است ۸۵ درصد شفافیت وجود دارد. در آمارهای ملی ۵ مولفه در مورد ایران وجود داشته و یا در مورد کیفیت هوا و یا در

مورد قوانین ملی و یا در مورد بودجه دولت که از نظر این شاخص ۴۵ درصد شفافیت وجود داشته است. البته این شاخص چندان شاخص قوی در دنیا نیست. در مورد بحث‌های قانون گذاری و ثبت شرکت‌ها تا حدی شفاف بودیم ولی در بقیه مولفه‌ها هیچ شفافیتی برای ایران گزارش نشده است. به طور مثال در مورد نتایج انتخابات ایران شفافیت لازم را ندارد در مورد انتخابات آمریکا یک سری نقشه‌ها وجود دارد و شما می‌توانید لحظه به لحظه و حوزه به حوزه نتایج انتخابات را ببینید. و نتایج به صورت لحظه ای مشخص می‌شود. در مورد ایران شفافیت در انتخابات گزارش نشده است چون اینها به وقت جستجو اسنادی پیدا نکرده اند. در بحث بودجه ریزی در مورد مخارج دولت ما شفافیت نداریم. در مورد بودجه ریزی ۴۵ درصد شفافیت گزارش شده است ولی در مورد مخارج دولت این شفافیت وجود نداشته است. و یا در مورد بحث مالکیت زمین و دعوای مرتبط با زمین و زمین خواری و کاربری اراضی که موضوعاتی پیچیده است شفافیت کم است و ما می‌دانیم که بحث زمین یکی از چالش‌های عمده در کشور است. یک موسسه همکاری بین المللی که فعالیت پایش باز بودن بودجه‌ها را انجام می‌دهد و موسسه نسبتاً معتبر تری است. در سال ۲۰۱۷ تعداد ۱۱۵ کشور را بررسی کرد. در این بررسی پرسشنامه‌ای با ۱۴۵ سوال وجود دارد. سه مولفه برای آنها مهم است تا شفافیت

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

بودجه ای را اندازه بگیرد. آیا اسناد بودجه و یا به طور دقیق اطلاعات بودجه ای در دسترس عموم قرار دارد یا نه ویژگی شفافیت اصلی است. ۱۰۹ سوال به این موضوع بر می گردد و با جزئیات می پرسد، آیا عموم در تنظیم اسناد بودجه ای مشارکت دارند و مولفه سوم در مورد نهادهای نظارتی است که در یا بیرون نظارت کنند. در این تعداد سوالها برای آنها ۸ مرحله در بودجه ریزی اهمیت دارد. از مرحله تنظیم اولیه بودجه شروع می شود تا پیشنهاد بودجه به مجلس و تا تصویب بودجه و تا سند گزارش بودجه برای شهروندان ادامه دارد. چند سال است مرکز پژوهشها بودجه به زبان ساده را برای مردم تهیه و کنترل می کند. در ایران چند سال است که اسناد پیشنهاد بودجه و مصوبه بودجه برای شهروندان تهیه می شود و بقیه گزینه ها را نداریم.

♦ بودجه شفافیت نروژ

کشور نروژ به این دلیل که کشوری نفتی است گزارش آن برای ما اهمیت دارد که من در این سه مولفه آن را آوردم. در مولفه اولیه که در دسترس بودن اطلاعات بود بخصوص در ۸ مرحله بودجه ریزی ۸۵ درصد شفافیت اطلاعات دراد ولی در مورد مشارکت عمومی در بودجه ریزی چون باید نظرات ذی نفعان مختلف بیاید و در برنامه های مختلف دیده شود می بینیم که مشارکت در خود نروژ هم چندان زیاد نبوده است. بسیاری از کشورها در این مولفه همچنان ضعیف هستند. ولی در بحث نظارت های بودجه ای می بینیم اوضاع بسیار خوب بوده و ۹۱ درصد شفافیت وجود دارد. رتبه و وضعیت و نمره او هم در این سال ها همیشه فزاینده بود. ۸ مرحله بودجه ریزی را اگر با اسناد مرتبط در نظر بگیریم نروژ فقط در مرحله اول که اسناد بودجه ریزی را قبل از تنظیم بودجه منتشر می کند دیر عمل کرده و اسناد دیر منتشر شده و به همین دلیل مشارکت عمومی پایین است در بحث بودجه برای شهروندان در دو سال اول می بینیم نروژ چنین سندی را برای شهروندان تهیه نمی کرده ولی در بقیه سال ها جز مرحله اول باقی مراحل را پوشش داده و وضعیت خوبی پیدا کرده است. شاخص هایی هم در مورد مدیریت منابع طبیعی وجود دارند این شاخص هادر حال گسترش هستند معیارهای مختلفی در نظر گرفته شده است. در این مورد با نروژ و کشور امارات متحده عربی مقایسه شده و باز وضعیت نروژ بهتر است. باز می بینیم که ایران از لحاظ بحث ایجاد درآمد و ارزش و بحث مدیریت منابع گزارش شده از

امارات بهتر است. این گزارش های این شاخص است ولی در مورد محیطی که فعالیت های مرتبط با منابع طبیعی و نفت و گاز ما انجام می گیرد وضعیت خوبی نداشتیم. ۳۴ درصد ما ولی ۷۸ درصد امارات بود. ما در مولفه های حکمرانی خوب هم وضعیت مطلوبی نداشتیم. حتی امارات در زمینه بحث نفت و گاز اوپن دیتا دارد ولی دیتاهای ما محدود و محرمانه است. حتی نظام های بسته ای مثل امارات نیز در این زمینه شفافیت دارند ولی ما این شفافیت را نداریم.

♦ بودجه ایران و برخی ناشفافی ها

به سراغ بودجه ایران می رویم. و در برخی جاها مقایسه هایی با ایالات متحده داریم. در مورد ایران توسط مرکز پژوهش های مجلس و آقای دکتر سبحانیان گزارش خوبی تهیه شد و بحث های خوبی در مورد شفافیت بودجه مطرح شد. ما در ایران نمی دانیم بودجه ما کسری دارد یا ندارد کسری بودجه چقدر است وقتی دریافتی ها با پرداختی ها مساوی می شوند دولتی ها در این وضعیت می گویند ما کسری بودجه نداریم. در صورتی که دریافتی ها و پرداختی های هر شخص حقیقی و حقوقی با هم برابر است و گاهی دریافتی های شما از محل قرض گرفتن است و این قرض گرفتن همان کسری بودجه است. معضل خزانه ای چند گانه بودن درآمد نفت را داریم. نفت سهمی ۱۴ درصد به شرکت ملی نفت می رود و ۲۰ درصد به صندوق توسعه ملی می رود و بقیه به خزانه دولت می رود. باز شرکت ملی نفت یک مقدار مالیات و یک مقدار سود سهام می دهد و همه اینها سر جمع نمی شود تا ما بدانیم درآمدهای نفتی ما چقدر است و هر کدام چقدر بر می دارند، موضوعی وجود دارد که جزو موضوعاتی است که به آن توجه نمی شود هر چند که در جای خود اهمیت دارد و آن بحث مالیات ها و نهادهای بنیاد انقلاب اسلامی است. چرا می گویم نباید به آنها توجه کنیم، خود من جزو افرادی بودم که در این دو سه سال هر بار صحبت از شفافیت می شد به همین توجه می کردم در حالیکه ارزش این رقم در مقابل بقیه ارقامی که غیر شفاف هستند. خیلی زیاد نیست و شاید یک مصداق باشد که اگر روی آن دست بگذاریم بقیه مسائل شفاف شوند ولی اگر فقط روی همین موضوع دست بگذاریم این مساله جزو آدرس های اشتباهی خواهد بود که پیگیر شده ایم. این مورد هم در گزارش های مرکز پژوهش آمده و دیده شده است. مطرح کرده اند که جزئیات بودجه شرکت های دولتی

مشخص نیست. گزارش مرکز پژوهش ها از این زاویه به مساله نگاه می کند که هزینه ها مشخص نیست. اینکه چقدر حقوق پرسنل این شرکت ها است یا مولفه ای پر اهمیت که چقدر بهره می پردازند. این اجزای هزینه ای مهم هستند. و یا برخی سهامداران غیر دولتی دارند و اینها مشخص نشده است. و یا گروه بندی شرکت ها که رتبه بندی دقیقی نیست. و یا اطلاعات طرح ها و پروژه های استانی که بسیار مهم هستند ولی جزئیات آنها شفاف نیست. در بودجه ریزی اصل تهدیدی بودن مخارج وجود دارد یعنی مخارج حد دارد و شما وقتی کنار آن یک می گذارید یعنی از این یک بالاتر نمی توانید بروید. و این جزو ابهامات بودجه ما است. عدم واریز برخی از منابع عمومی به خزانه دولت که مواردی بسیار خاص مطرح شده است. مثل مساله بنادر. سر جمع منابع و مصارف که این واقعا نوبرانه بودجه امسال است البته یک سال دیگر هم این تکرار شده بود بودجه دو سر جمع دارد. و اگر این چنین باشد بودجه ریزی و اصل تهدیدی بودن مخارج چه لزومی دارد. یا نامشخص بودن تعداد کارکنان دولت و میزان حقوق و دستمزد آنها نیز مساله مهمی است. (اسلاید و نمودار در مقایسه بودجه ایران و آمریکا نشان می دهند) در مورد بودجه ایران چیزی که سال هاست ما را اذیت می کند یعنی واگذاری دارایی سرمایه ای و واگذاری دارایی مالکیتی تملک دارایی سرمایه ای و... عنوان ها خود غیر شفاف هستند. در این جای یک سطر عنوان برای بودجه ای ها اهمیت زیادی دارد و تفاوت آن ۷۱ هزار میلیارد تومان است. در بودجه ۴۷۰ هزار میلیارد تومانی اینکه بگوییم منابع عمومی دولت و یا منابع بودجه عمومی دولت. و یا بحث ارقام دو بار منظور شده و منابع بودجه کل کشور و امثالهم. بر اساس بودجه ۹۸ هیچ پیشبینی برای سال های آینده از خود بودجه نداریم. و هیچ پیش بینی از متغیرهای اقتصادی نداریم خیلی از من می پرسند سال بعد نرخ ارز چگونه است؟! تولید چه می شود؟! اشتغال چگونه خواهد بود؟! به چه سمتی می رویم؟! کدام فعالیت را انجام بدهیم؟! تولید کننده نمی داند باید مواد اولیه بخرد و یا مواد اولیه بفروشد؟! فروشنده نمی داند اجناس خود را شب عید بفروشد یا نگهدارد و سال بعد بفروشد؟! استخدام کند یا اخراج کند؟! در حقیقت چون دولت ما نمی داند سال بعد و سال های بعد چه کاره است و نمی تواند

برای آن پیش بینی کند و از اوضاع اقتصادی سال‌های بعد اطلاعی ندارد عموم مردم هم توانایی این پیش بینی‌ها را ندارند.

براساس ارقام بودجه دولت ۳۲۰ هزار میلیارد تومان هزینه دارد. ۲۰۰ هزار میلیارد تومان درآمد دارد که ۱۵۰ هزار میلیارد تومان از آن از محل مالیات‌ها و سود سهام و فروش کالاها و... است. پس وقتی سر راست کنیم ۱۱۰ هزار میلیارد تومان کسری جاری دارد. یعنی درآمدهای دولت از هزینه‌های آن کمتر است. ولی درآمدهای نفتی در واگذاری دارایی سرمایه‌ای نشسته است و رقم آن ۱۴۰ هزار میلیارد تومان است. اگر آن را به دولت بدهیم سی هزار میلیارد تومان مازاد دارد. و این رقم را می‌تواند طرح‌های تملک دارایی سرمایه‌ای و یا طرح‌های عمرانی اجرا کند ولی می‌بینیم رقم طرح‌های عمرانی ۶۰ هزار میلیارد تومان است. علت این است که به صورت خالص ۳۰ هزار میلیارد تومان قرض می‌گیرد یا به عبارت دیگر ۵۱ هزار میلیارد تومان واگذاری دارایی مالی قرض می‌گیرد ولی ۲۵ هزار میلیارد تومان از قرض‌های خود را پس می‌گیرد. من ارقام را رند کرده‌ام و ۳۰ هزار میلیارد تومان می‌شود کسری بودجه دولت ایران.

♦ مالیات و رشد اقتصادی

اگر موضوع را به همین ترتیب ادامه بدهیم اولین عدم شفافیت در کشور این است که ما مولفه‌های اصلی بودجه را برای مردم و ذی‌نفعان شفاف نمی‌کنیم. در مورد نفت بسیار صحبت می‌شود ولی یکی از مولفه‌های اصلی مالیات‌ها است. چرا ۱۵۰ هزار میلیارد تومان مالیات باید گرفته شود؟! در اقتصادی که به دلیل کاهش درآمدهای نفتی و بخاطر آیت‌های مختلف و تحریم‌ها به سمت رکود حرکت کرده است. ۱۵۰ هزار میلیارد تومان مالیات به چه دلیل است؟! آیا در اقتصاد آمریکا تولید ناخالص داخلی پیش‌بینی شده است؟! فعالان اقتصادی و شرکت‌ها و مشاغل مخصوصاً مالیات بر ارزش افزوده می‌گویند بر اساس آن مالیات خود را می‌آمارها نشان می‌دهند ما پیش‌بینی از اقتصاد خود نداشتیم و مولفه‌های مهم مثل مالیات‌ها را برای مردم شفاف نکرده‌ایم و به همین صورت تصمیم گرفته‌ایم. نسبت درآمدهای مالیاتی دولت به تولید ملی است. در کنار نرخ رشد مالیات اقتصادی سال ۸۰ و ۸۱ را در نظر می‌گیریم. در سال ۸۰ نرخ رشد اقتصادی ما پایین است. زیر ۲ درصد ولی نسبت مالیات‌های ما نسبت به ۸۱ بیشتر است. در سال ۸۲ هم به همین ترتیب بود. مالیات بر شرکت‌ها معمولاً دو سال

♦ تاریکی‌ها

- ۱ - منابع نفت و گاز و هدفمندی یارانه و خزانه چندگانه نفت
- ۲ - مالیات نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی و مالیات شرکت‌ها و مؤسسات وابسته به آستان قدس رضوی
- ۳ - جزئیات بودجه شرکت‌های دولتی به معنای عدم تفکیک هزینه‌های عملیاتی و غیرعملیاتی و اطلاعات سایر سهامداران
- ۴ - عدم شفافیت اطلاعات طرح‌ها و پروژه‌های استانی
- اعتبارات بودجه استانی به صورت سرجمع برای هر استان ارائه می‌شود که راساً توسط سازمان برنامه تهیه می‌شود و شاخص‌ها و معیارهای تعیین اعتبارات هر استان مشخص نیست
- ۵ - ردیف بازپرداخت اصل و سود اوراق سررسید شده در سال ۱۳۹۸
- ۶ - عدم واریز منابع عمومی به خزانه دولت
- ۷ - سرجمع منابع و مصارف بودجه
- ۸ - نامشخص بودن میزان حقوق و دستمزد کارکنان دولت و تعداد آنها

♦ ابهام در کسری بودجه

در بودجه تدوین شده بودجه سال ۱۳۹۸ و به ویژه درباره کسری بودجه ابهام‌های جدی وجود دارد. در این بودجه معلوم نیست کسری بودجه چقدر است؟ معلوم نیست چقدر به بدهی دولت اضافه خواهد شد؟ معلوم نیست مانده بدهی دولت چقدر خواهد شد؟ و بالاخره معلوم نیست دولت بابت این بدهی چقدر هزینه بهره باید بپردازد.

♦ توزیع استانی مبهم

در بودجه ۱۳۹۸ فقط حدود ۵ درصد از بودجه عمومی دولت ایران از نظر تقسیم بندی معلوم است و مابقی بر اساس بعضی روابط ناسالم نخست بین استان‌ها و سپس بین شهرستانها توزیع می‌شود. در این بخش چانه زنی‌های مخربی در تنظیم، تصویب و حتی اجرای بودجه بین مسئولان دولتی، مدیران ادارات و نمایندگان مجلس خودنمایی می‌کند. نمایندگان مجلس با اهرم تهدید به سئوال، تذکر و استیضاح وزیران تلاش می‌کنند تا سهم بیشتری از بودجه برای استان و شهرستان خود بگیرند.

تر این است که برخی با وجود اینکه بهره زیادی می‌دهند بهره زیادی می‌گیرند. این جزو عجایب این کشور است. این کار را انجام می‌دهند چون بهره بده برای آن قسمت از سیستم که بهره می‌دهد منافع دارد و بهره‌گیری برای آن قسمت از سیستم که بهره را می‌گیرد منافع دارد. یعنی در یک شرکت دولتی این بخش‌ها چندان با هم هماهنگ نیستند. قوه قضاییه بهره می‌گیرد.

بحث بسیار مهمی است که می‌شود تثبیت کننده خودکار یا به عبارتی وقتی اقتصاد وارد رکود می‌شود خود به خود دولت مالیات بیشتری می‌گیرد و کسری بودجه بیشتری را متحمل می‌شود و کسری بودجه از این طریق باعث می‌شود اقتصاد از حالت رکود خارج شود این مولفه وجود دارد. به عبارتی وقتی اوضاع اقتصادی خوب نیست مالیات کمتری می‌گیرند. چرا نسبت مالیات به جی دی پی عوض می‌شود؟! مگر اینکه ما قانون جدیدی داشته باشیم که نرخ‌ها و پایه‌های مالیاتی را افزایش بدهد به طور مثال مادر ایران از سال ۷۸ به بعد پایه‌های مالیاتی را طبق مالیات بر ارزش افزوده گسترش دادیم و این خود را در نسبت مالیاتی ما تا حدی نشان داده است ولی تا حدی با بقیه

تاخیر دارد. مثلاً مالیات بر عملکرد شرکت‌ها در سال ۹۵ امسال دریافت می‌شود گاهی وقتی به اختلاف بکشد ۱۰ تا ۱۵ سال نیز تاخیر دارد. این وقفه را نیز تا حدی باید در نظر گرفت. این نمودار نشان می‌دهد در سالی که رشد بیشتری داشتیم اتفاقاً بر اساس تولید ملی مالیات کمتری گرفته ایم. در سال‌هایی که منفی است نسبت مالیاتی ما تقریباً نسبت به سال‌های ماقبل خود بیشتر و بیشتر شده است. این چه سیستم اقتصادی است که وقتی فعالان اقتصادی کمتر کار می‌کنند مالیات بیشتری از آنها گرفته می‌شود؟! در بودجه آمریکا این را می‌بینیم که در این باره فرض‌های اقتصادی تنظیم بودجه‌ها به چه صورت است. از ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ یکی بحث تولید ملی است و چهار پنج سطر اول کلاً بحث تولید ملی است. اگر دولت ما دو مولفه را مشخص کند یکی خودش و شرکت‌ها و وابستگی‌شان چقدر نرخ هزینه بهره می‌پردازند و دوم این که چقدر بهره دریافت می‌کنند. دولت بهره بگیر جزو نوبران‌های سیستم حکمرانی دنیا است. دولت خود از حساب‌ها بهره نمی‌گیرد ولی شرکت‌های دولت و شهرداری‌ها بهره می‌گیرند. و چیزی پیچیده

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

◆ ناشفافیت اعتبارات اختصاصی و متفرقه

در بودجه ۱۳۹۸ منابع قابل اعتنایی تحت عناوین اعتبارات اختصاصی و متفرقه لحاظ شده که تاریک، ناشفاف و مبهم به حساب می‌آیند که برخی از آنها عبارتند از:

- یکم - رقمی حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان بودجه اختصاصی دستگاه‌های اجرایی
- دوم - ۵۰ هزار میلیارد تومان بودجه متفرقه در لایحه بودجه ۱۳۹۸ شامل
- اعتبار طرح‌های مربوط به سفرهای مقام معظم رهبری: ۱۰۰۰ میلیارد تومان
- زیربنای مناطق کمتر توسعه یافته، حاشیه ای و بحرانی: ۱۳۰ میلیارد تومان
- کمک به هزینه‌های اجتناب ناپذیر و ضروری: ۱۲۰ میلیارد تومان
- طرح و اجرای برنامه‌های کاهش آسیب‌های اجتماعی: ۴۵۰ میلیارد تومان
- ایجاد اشتغال گسترده و مولد: ۳۰۰۰ میلیارد تومان
- مشارکت سازمان گسترش صنایع در طرح‌های مناطق محروم: ۴۰۰ میلیارد تومان
- مابه‌التفاوت نرخ ارز: ۲۰۰۰ میلیارد تومان
- سود و کارمزد اوراق بهادار داخلی و خارجی: ۶۴۶۵ میلیارد تومان

مالیات‌ها جایگزین شده است. و نرخ بیکاری پیش بینی شده است بنابر این مهمترین عدم شفافیت در بودجه ما این است که دولت پیش بینی از اقتصاد ندارد بنابر این مبنایی برای ترسیم ارقام اصلی بودجه نداشته است. ولی این کار را انجام داده است در نتیجه ارتباط بین بودجه ریزی با سیاست گذاری اقتصادی قطع است. و این ارتباط با سیاست گذاری پولی وجود ندارد. و با سیاست گذاری مالی از طریق مالیات‌ها و مخارج به همین ترتیب است. با سیاست گذاری ارزی نیز این ارتباط برقرار نیست. وقتی بودجه شرکت‌های دولتی ۷۰ درصد افزایش پیدا کرده وقتی پرسیدند گفتند که بخاطر تغییر مبنای محاسباتی درآمدها و هزینه‌های شرکت‌های دولتی به دلیل تغییر نرخ ارز این ارقام به این صورت جدید شده است. و ما این افزایش‌های عجیب را می‌بینیم. یا نرخ ارز که روی طرح‌های عمرانی و برخی بودجه‌های جاری اثر می‌گذارد. این نرخ ارز چه اثری بر بودجه ۹۸ داشته است و تغییرات احتمالی آن چه تأثیرات دیگری خواهد داشت. این سوالات در سیاست گذاری ارزی ما و در بودجه ما کاملاً مبهم است. ما گزارش تحلیلی از دولت نمی‌بینیم.

◆ بحث کسری بودجه

بحث کسری بودجه که تا حدی به آن اشاره کردم این ابهام همیشه وجود دارد ما نمی‌دانیم بدهی دولت ما چقدر است. اوج گزارش دهی در نمایه گره‌های اقتصادی بانک مرکزی است که بر اساس همین واگذاری دارایی مالی و یا قرض گرفتن و تملک دارایی مالی و باز پرداخت قرض‌ها این را نشان می‌دهد. فقط خالص واگذاری دارایی مالی نشان می‌دهد که چقدر در آن سال دولت مجبور شده است قرض بگیرد. تعهدات داخلش نیست و یا پروژه انجام شده است و پولش را نداده اند. کسی بازنشست شده و پولش را نداده اند. دولت یک تعهد به تأمین اجتماعی داشته و پرداخت نکرده است. و موارد دیگر به این معنی که تعهدات داخل این نیست. فقط نشان می‌دهد که از طریق فروش اوراق چقدر بدهکار شده است واگذاری‌ها جای خود دارد. در سال ۱۳۹۶ چون محقق است ۲۷ هزار میلیارد تومان خالص استقراض دولت بوده است. با احتساب فروش ظرفها و شرکت‌های دولتی در ۹۷ مصوب ۳۲ هزار میلیارد تومان بود. نکته برجسته فروش اوراق مالی اسلامی است. می‌بینیم که این رقم در سال ۱۳۹۴ در حدود ده هزار میلیارد تومان و در سال ۹۵ رقم ۵۴ هزار میلیارد تومان بود. در سال ۹۶ رقم ۴۴ هزار میلیارد تومان بود و در ۹۷ کمتر شده است ولی ارقام معمولاً از مصوب خود بیشتر است این منبع است و منبع‌ها معمولاً تخمینی هستند. در دنیا برای استقراض قاعده مالی قرار می‌دهند و شما نمی‌توانید بیش از آن استقراض کنید در آمریکا سقف بدهی دارند و این موضوعی بسیار چالشی بین کنگره و رئیس جمهور است ما در نبود قاعده مالی باز هستیم. ما اصل تخمینی بودن را رعایت می‌کنیم و هرچقدر بیشتر توانستی اوراق می‌فروشیم ۱۰۰ هزار تومان به پیمانکار می‌دهیم و او در بازار با سررسید دوساله ۱۰۰ هزار تومان را در فرا بورس به ۶۰ هزار تومان می‌فروشد. بهره ساده اش در برخی از روزها بالای ۳۰ درصد بود و بهره مرکب مثل سود بانکی‌ها می‌شد در حدود ۲۵ درصد.

چرا پیمانکار با ۳۵ درصد تنظیم می‌کند؟! با اینکه این بهره در بودجه دولت شفاف نشده و دیده نمی‌شود اما در عمل محقق می‌شود. پیمانکار این سود را به حساب دولت می‌زند و ارزش پروژه را بالاتر می‌گیرد. بنابر این یکی از عدم شفافیت‌های مهم در بودجه است. این هزینه مالی است که دولت ایران متحمل می‌شود و در سیستم بودجه پنهان است.

◆ فقدان اطلاعات تاریخی

نکته بعدی این است که بودجه ایران اطلاعات تاریخی ندارد. در آمریکا آمار اکسل متغیرهای اصلی بودجه از ۱۷۸۹ وجود دارد. یعنی از زمان استقلال آمریکا وجود دارد. بقیه اجزای بودجه از ۱۹۲۰ فایل اکسل در بودجه دارند. در ایران ما نمی‌دانیم روندهای تاریخی بودجه به چه صورتی بوده است به عبارتی طبق اسناد موجود اصلاً قابل استخراج نیستند. آیا می‌توان گفت که ما به آموزش و پرورش بودجه بیشتری داده ایم یا کمتر؟! حتی نمی‌توانیم با صراحت به کمک دولت بگوییم که طرح اصلاح نظام سلامت چه ابعاد بودجه ای برای دولت داشت. وقتی شما عملکردها را ندارید این اطلاعات گمراه کننده است. این اطلاعات ما را به نتایج خوبی نمی‌رساند. به طور مثال کار دیوان محاسبات تفریق بودجه است. چه کاری برای ما انجام می‌دهد؟! تبصره‌های بودجه را تفریق می‌کند و گزارش می‌دهد یعنی تبصره‌ها به عنوان سرکاری ترین قسمت بودجه ایران است. هم هیات وزیران و هم نمایندگان مجلس سرکار این تبصره‌ها هستند. و بعد به دیوان محاسبات می‌رود و آن بنده خداها هم سرکار می‌روند. و گزارش تطبیق ارقام بودجه را نمی‌دهند یا منتشر نمی‌کنند من ندیده‌ام.

نکته بعدی که در بودجه ایران شفاف نیست این است که ما توزیع جغرافیایی بودجه ایران را نداریم. آنچه به بودجه استانی می‌رسد فقط ۵ درصد است ولی باز هم نمی‌دانیم این ۵ درصد صرف چه اموری می‌شود. ما نمی‌دانیم ۹۵ درصد بقیه چگونه صرف می‌شود و سهم هر استانی به طور مثال از آموزش و پرورش چیست؟! و آیا بودجه متناسب با تعداد دانش آموزان و معلمان است یا نه؟! شهرستان‌ها نیز به همین صورت است. این موضوع باعث شده است روابط پیچیده ای به وجود بیاید بخشی حقوق و دستمزد است به طور مثال نماینده مجلسی که بتواند چند معلم را در آموزش و پرورش استخدام کند سهم بیشتری را به استان خود اختصاص داده است. در مواردی حقوق و دستمزدی نیست و وزیر تهدید به سوال و استیضاح و تذکر می‌شود. شواهدی وجود دارد که نماینده مجلس بودجه آموزش و پرورش را گرفته است و تبدیل به هدیه ای برای دانش آموزان آن استان کرده است و روی آن برچسب زده شده است که هدیه نماینده مجلس. چون این مکانیزم‌ها طبق قواعد منسجمی انجام نشده است و شفاف هم نشده است. و مشخص نیست که سهم آموزش و پرورش هر شهرستان و استانی



چقدر است. یکی از مواردی که در بودجه ریزی دنیا وجود دارد این است که بودجه را به دو قسمت تقسیم می کنند یک بخش بودجه ای که دولت مجبور است آنها را بپردازد. قابلیت تصمیم گیری ندارد ولی یک قسمت قابلیت برنامه ریزی و تصمیم گیری دارد. در آمریکا به آن بخش صلاح دیدی می گویند به عبارتی می گویند ما برنامه های خود را در دفاع و آموزش و تامین اجتماعی چه معین کرده ایم. چقدر می خواهیم این ها را کم کنیم و یا اضافه کنیم. حال ما در ایران مقدار قابل تصمیم گیری را شفاف نمی کنیم. و چیز عجیبی به نام بودجه های متفرقه داریم. برخی کم کرده اند و برخی منتقل کرده اند این در جداول اصلی امسال ۵۰ هزار میلیارد تومان شده است. یا بودجه های اختصاصی که دنیای دیگری دارد. شفاف نمی شود و در اختیار خود دستگاه ها است. تصمیم گیری می تواند با خود آنها باشد ولی بحث شفافیت چیز دیگری است.

♦ متفرقه ها

تمام اشکالاتی که تا اینجا عرض کردم در متفرقه ها شدیدتر است. ۱۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار مربوط به سفرهای مقام معظم رهبری این اعتبارات چطور در مورد آنها تصمیم گیری می شود؟! چانه زنی های نماینده مجلس با مدیرهای استانی و شهرستانی و شرکت های دولتی با سازمان برنامه و بودجه در حقیقت انگار رقمی شفاف نشده است و چیزی تصویب نمی شود.

زیربناهای مناطق کمتر توسعه یافته و حاشیه ای و بحرانی باید دید اینها چطور تعریف می شود و در کدام استان هستند کدام استان بیشتر می گیرد. و اگر استانی بیشتر گرفت آیا این دریافت جایی ثبت می شود.

♦ کمک به هزینه های اجتناب ناپذیر و ضروری ۱۲۰ میلیارد تومان

طرح و اجرای برنامه های کاهش آسیب های اجتماعی ۴۵۰ میلیارد تومان در زمان دولت آقای احمدی نژاد ۱۵۰۰ میلیارد تومان کمک به بهبود شاخص های فرهنگی بود. بر سر این گوشت قربانی دعوایی بود. این هم ماجرای مشابه است. کاهش دادن آسیب های اجتماعی چیز خوبی است. ولی باید مشخص شود برنامه چیست و چه کسی می خواهد کاهش بدهد؟! هر نهاد و هر کدام و هر استان چقدر می گیرند؟! این ها شفاف نیست و بر اساس چانه زنی ها صورت می گیرد.

ایجاد اشتغال گسترده و مولد ۳۰۰۰ میلیارد تومان باز با مفهوم و کارکرد مشکلی نداریم

ولی با مکانیزم و شکل مساله داریم. به سراغ نفت و شرکت ملی نفت ایران برویم. از جمله اطلاعاتی که در سایت این شرکت وجود دارد گزارش های مالی است که از روی صورت های مالی تهیه شده است. گزارش ها از ۲۰۰۷ به این طرف به طور پی دی اف و پرزنتیشن و پرکست و ترنسکلایک وجود دارد. و اطلاعات خوبی می دهد. نکته دیگر این است که از ۱۹۷۲ به بعد یعنی از سال تاسیس شرکت اطلاعاتی وجود دارد. صورت های مالی استانداردهای خاص خود را از جنبه حسابداری و حسابرسی دارد. سررسید بدهی های خود را تا ۲۰۰۳ استخراج کرده اند که هر بدهی کی می رسد و باید برای آن برنامه باز پرداخت داشته باشند. وقتی به منوهای شرکت نفت ایران می رسید این منوها به شما نشان می دهند که نباید به دنبال اطلاعات گزارشی باشید. عکس و فیلم انتصابات کارکنان امور ورزش مقالات تخصصی و ستاد اقامه نماز و مشاور مدیر عامل در امور بانوان و... من طبق قانون آزادی دسترسی به اطلاعات در سامانه صورت مالی شرکت ملی نفت ایران را درخواست کردم. همان روز یا روز بعد به من پاسخ دادند که اطلاعات درخواستی شما محرمانه است. میلیاردها تومان صرف حسابرس می شود که صورت های مالی شرکت ملی نفت ایران را تهیه کند و این اطلاعات محرمانه است. تنها چیزی که وجود دارد یک

سطر در پیوست سه شرکت های دولتی است. که نصف همان سطر را نیز سانسور کرده اند در آن سطر می بینیم که ۶۱۲ هزار میلیارد تومان در آمد شرکت ملی نفت است که حتی از بودجه عمومی دولت بیشتر است. و در آن سطر می بینیم که تسهیلات بانکی اخذ شده چیزی در حدود ۶۴ هزار میلیارد تومان و به صورت وام داخلی و خارجی است. و سایر دریافت ها و ذخایر و اندوخته ها و چه و چه هزینه های سرمایه ۵۰ هزار میلیارد تومان بازپرداخت وام و تسهیلات ۶۷ هزار میلیارد تومان داخلی و ۱۳ هزار میلیارد تومان خارجی است. هزینه ها هم سانسور شده است. گفته اند مجموع بدهی های شرکت ملی نفت تا پایان سال ۹۶ در حدود ۴۸ میلیارد دلار بوده است و این هم حدس است و نظر کارشناسی نیست چون نگفته اند از کجا به این نتیجه رسیده اند. این شفافیت در بزرگترین شرکت ما است. سایر شرکت ها هم به همین صورت است. دریغ از یک برگ گزارش حسابرسی شده یعنی گزارش دهی باید بر چه معنایی تعیین شود اگر بر مبنای حجم مبادلات مالی نیست؟! این حجم های عجیب یعنی این شرکت ها در بهشتی از عدم شفافیت هستند. در حالیکه تا این دیتاها وجود نداشته باشد تحلیل ما از اوضاع اقتصادی عملا نمی تواند با واقعیت سازگار باشد. شرکت های آب سه جور هستند اب منطقه

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

کمپین‌های خاص می‌توانند برای شفافیت گام به گام برنامه داشته باشند اگر بودجه شفاف نیست خود ما هم می‌توانیم بودجه شفاف تهیه کنیم. کار پیچیده‌ای نیست بودجه به زبان ساده برای عموم توسط یک موسسه حل می‌شود یا قانون دسترسی آزاد به اطلاعات ظرفیت خوبی دارد. در ماده ۲۹ قانون و در برنامه ششم توسعه سامانه‌ای پیش‌بینی شده است و جامعه باید اینها را بخواهد. برخی از گروه‌ها در جامعه پیگیر این موضوع هستند. ماده ۶۴ قانون برنامه ششم توسعه می‌گوید باید یک سامانه برای شفاف‌سازی طرح‌های پژوهشی طراحی شود سامانه سمات راه‌اندازی شده است ولی در این سایت هیچ چیزی نیست ولی ارقام پژوهش در بودجه دولت مشاهده می‌شود. زیر هر امری فصلی به نام پژوهش وجود دارد. من همه اینها را جمع بستم و ۳۵۰۰ میلیارد تومان هزینه شد. فصل پژوهش‌های پایه در امور آموزش و پرورش ۲۰۰۰ میلیارد تومان و فصل پژوهش‌های توسعه‌ای ۲۸۵۰ میلیارد تومان بود جمعاً در بودجه ۹۸ ۸۳۵۰ میلیارد تومان صرف پژوهش خواهد شد. در هر صورت پژوهش از آن قسمتهایی است که روابط حامی پیرو کاملاً تعمیق می‌شود و ما نمی‌توانیم محققینی مستقل داشته باشیم. شفاف شدن همین ارقام می‌تواند در موضوع انفعال محققان کمک‌کننده باشد و رانت‌شویی‌های عجیبی که در بحث‌های پژوهش وجود دارد، حتی یک رسانه مستقل می‌تواند جامعه را متحول کند. تحقیق مک‌میلیان و زویو جالب است دسترسی داشته که ریز دفتر اطلاعات او بود و روی آدم‌ها قیمت می‌گذاشته است و به طور متوسط ماهانه به سیاستمدارها ۳۰۰ هزار دلار به قضاوت ۲۵۰ هزار دلار و به رسانه‌ها ۳ میلیون دلار می‌پرداخته است سیاستمدارها ارزانتر از رسانه بودند و سیاستمداران مخالف رئیس‌جمهور رشوه بیشتری می‌گرفتند. کانال تلویزیونی که بیشترین مخاطب را داشت ماهانه یک و نیم میلیون دلار رشوه دریافت می‌کرد این محققان بررسی کرده‌اند که پرداخت رشوه برای خرید رسانه به مراتب بالاتر از سایرین بود. آنها توانستند بگویند که چرا مونته‌سینوس رئیس اطلاعات نتوانست یک کانال تلویزیونی را که به انتقاد از رژیم سیاسی ادامه می‌داد بخرد. و همان کانال شواهدی را منتشر کرد که رژیم آلبرتو فوجی مونی در پرو سقوط کرد. شفافیت این پتانسیل را دارد که هنر و فنون حکمرانی را مردم به حکمرانان یاد بدهند.



برای آموزش و پرورش را با آن تحقیقی کنیم. این رقمی است که در آن فصل می‌نشیند و با بقیه رقم‌ها هم خوانی آن چنانی ندارد و یا می‌گویند شما نتوانسته‌اید کشف کنید و این یعنی بودجه شفافیت آنچنانی ندارد. این گفته شده است که یعنی دولت بودجه هدف‌مندی را شفاف کرده است.

در قسمت آخر وضع موجود ما است ما یک نظام پیشرفته دسترسی باز نوینی نیستیم ما نظامی هستیم که بیش از آنکه از پوپولیسم ضربه ببینیم از روابط حامی پیرو دچار آسیب هستیم دموکراسی شکننده و بروکراسی بزرگ ناکارآمد و سیاستگذاری منفعل و سردرگم رسانه‌های وابسته و... جناب مومنی با کلید واژه‌های دقیقتر این‌ها را بیان کردند «محققان وابسته» و نمایندگان مجلس وابسته و فعال در درون همین بروکراسی که به دنبال استخدام هستند تشکلهای بخش خصوصی بنگاههای اقتصادی و ما در این شرایط هستیم بازیگران شفافیت باید این روابط را به هم بریزند روزنامه نگاران به ویژه روزنامه نگاران پژوهشگر باید در این زمینه‌ها کار کنند. در آمریکا یک خبرنگار از طریق نقشه‌های ماهواره ای میزان برق رسانی به روستاها و مناطق آمریکا را استخراج کرده است. خبرنگاران مستقل و گروه‌های جامعه مدنی و تشکلهای خصوصی و افراد مرجع و

ای‌ها دولتی هستند آب و فاضلاب روستایی‌ها دولتی هستند و توزیع آب‌های شهری که شما قبض آب را به آنها پرداخت می‌کنید غیر دولتی هستند. دولتی‌ها زبان ده هستند و نیمچه رقمی در بودجه دارند ولی غیر دولتی‌ها هیچ اسنادی در فضای عمومی منتشر نمی‌کنند. دولت یک چیزی در حدود ۴۵ هزار میلیارد تومان خرج می‌کند اعتبار اختصاص داده است و اگر به ردیف وزارت آموزش و پرورش نگاه کنیم می‌بینیم آنجا درج شده است. ۴۴ هزار میلیارد تومان، ۴۶ هزار میلیارد تومان درج شده است و ۲۰۰۰ میلیارد تومان شرکت نوسازی توسعه مدارس خرج می‌کند. ۴۰۰ میلیارد تومان هم نهضت سوادآموزی ولی در ظاهر دولت فصل آموزش و پرورش را کم نوشته است. رقم‌ها باید بیشتر باشد در متفرقه‌ها رقم پاداش بازنشسته‌ها را داریم که با اولویت آموزش و پرورش ۳۵۰۰ میلیارد تومان است. دولت چهل هزار میلیارد تومان به صندوق بازنشستگی کشوری می‌پردازد. بازنشسته‌های آموزش و پرورش داخل اینها نیز هستند. داستان این صندوق‌ها جای خود دارد. چرا بودجه آموزش و پرورش نسبت به سال گذشته ۱۰ هزار میلیارد تومان افزایش پیدا کرده است. در سال ۹۷ فصل آموزش و پرورش سیزده میلیارد تومان بود. ولی آموزش و پرورش‌ها ناراضی هستند؟! چون این ارقام هیچ ارزشی ندارد. و ما نمی‌توانیم برنامه دولت

پیشنهادهای اصلاحی برای بودجه ۹۸



دارایی‌های مالی، پیش‌بینی کرده بخشی از منابع صندوق توسعه ملی در این زمینه مورد استفاده قرار گیرد که به علت عدم قابلیت پیش‌بینی منابع نفتی در سال آتی، صرفاً عدد ۱ مقابل آن درج شده است. این به آن معناست که منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی در عمل می‌تواند بیشتر از رقم مندرج در لایحه بودجه باشد.

- درآمدهای مالیاتی در لایحه، معادل ۱۵۳،۵۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده و نسبت به رقم مصوب سال قبل از رشد ۸ درصدی و نسبت به پیش‌بینی عملکرد سال جاری رشدی ۱۹ درصدی را ثبت کرده است. با توجه به آنکه پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول حاکی از آن است که اقتصاد کشور در سال ۲۰۱۸ رشد ۱،۵- درصد را تجربه خواهد کرد و مرکز پژوهش‌های مجلس نیز رشد اقتصادی در سال ۱۳۹۷ حداقل ۵،۵- درصد و حداکثر ۲،۶- درصد پیش‌بینی کرده است؛ لذا با در نظر داشتن شرایط رکودی حاکم بر بازار، می‌توان نتیجه گرفت که در ارقام استحصالی دولت از محل درآمدهای مالیاتی برای سال آتی بیش برآورد وجود دارد که می‌تواند بودجه ۹۸ را در عمل با کسری مواجه سازد.

- افزایش درآمدهای مالیاتی در لایحه بودجه پیشنهادی، از طریق افزایش ۲۹ درصدی مالیات بر درآمد، ۲۷ درصدی مالیات بر کالا و خدمات و ۱۸ درصدی مالیات بر ثروت دنبال شده است و با در نظر گرفتن شرایط رکودی و تحریمی پیش روی اقتصاد کشور مالیات بر اشخاص حقوقی و مالیات بر واردات به ترتیب به میزان ۸،۴۲ و ۵

اهتمامی از سوی دولت در لایحه بودجه ۹۸ دیده نمی‌شود.

- منابع بودجه عمومی دولت در لایحه بودجه ۹۸ برابر ۴۰۷،۷۱ هزار میلیارد تومان برآورد شده که نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۷ معادل ۵،۴۱ درصد رشد یافته است. لذا با در نظر گرفتن تورم ۳۴ درصدی برای سال آینده براساس پیش‌بینی صندوق بین‌المللی پول می‌توان نتیجه گرفت که لایحه پیشنهادی به صورت انقباضی تدوین شده است.

- منابع حاصل از فروش نفت در لایحه پیشنهادی حدود ۱۴۲ هزار میلیارد تومان برآورد شده است که موجب شده وابستگی بودجه به نفت به ۳۵ درصد افزایش یابد. درحالی که پیش‌بینی می‌شود تحریم‌ها محدودیت‌های زیادی را بر قیمت نفت ایران، مقدار فروش نفت کشور و دسترسی به پول‌های حاصل از صادرات این منبع ایجاد کند و بخشی از منابع برآورده شده از این محل در سال ۹۸ تحقق نیابد.

- منابع حاصل از واگذاری دارایی‌های مالی در لایحه بودجه ۹۸ نسبت به قانون بودجه سال ۹۷ به میزان ۱۹،۱۰ درصد کاهش یافته است. البته باید اشاره کرد که این میزان کاهش در واگذاری دارایی‌های مالی نشان‌دهنده کم شدن میزان انتشار اوراق تعهدزا نیست، بلکه به واسطه انتقال منابع حاصل از کاهش سهم صندوق توسعه ملی به ردیف درآمدهای حاصل از واگذاری دارایی سرمایه حاصل شده است. شایان توجه است که دولت در قسمت برآورد منابع حاصل از واگذاری

سند بودجه مهم‌ترین ابزار دولت برای تحقق اهداف و سیاستگذاری‌های اقتصادی محسوب می‌شود و به‌طور کلی چشم‌انداز عملکرد یک‌ساله دولت را برای کلیه بازیگران اقتصادی روشن می‌کند. با عنایت به آنکه در سال پیش رو اقتصاد کشور درگیر شرایط تحریمی است، اهمیت توجه به برنامه‌ریزی دولت در قالب سند بودجه ۹۸ به‌نحوی که بتواند نقش درخور توجهی در راستای خنثی‌سازی اثر تحریم‌ها و بهره‌گیری هر چه بیشتر از ظرفیت‌های بخش خصوصی ایفا کند، دوچندان می‌گردد. با توجه به آنکه، نظام بودجه‌ریزی در مرحله تدوین لایحه بودجه ۹۸ نیز، از نقطه نظرات کارشناسی بخش خصوصی (اتاق ایران، اتاق اصناف و اتاق تعاون) استفاده کرده است، از این‌رو، هدف از گزارش پیشرو، ارزیابی ارقام کلان لایحه بودجه پیشنهادی و مقایسه شیوه تنظیم آن با رویکرد پیشنهادی اتاق ایران است.

اهم نکات حاصل شده از بررسی لایحه بودجه پیشنهادی به شرح زیر است:

- بودجه کل کشور در لایحه بودجه ۹۸، رشد بیش از ۳۹ درصد را نشان می‌دهد. که ناشی از رشد ۵۲ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی و رشد ۷،۸۳ درصد بودجه عمومی دولت است. این در حالی است که انتظار بر این بود که دولت به علت محدودیت‌های درآمدی که ناشی از شرایط تحریمی است اقدام عاجلی برای تعیین تکلیف شرکت‌های دولتی به‌ویژه شرکت‌های دولتی زیان‌ده انجام دهد، اما با استناد به رشد صورت گرفته در بودجه شرکت‌های دولتی در این زمینه

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

درصد نسبت به سال قبل کاهش یافته است، اما در این زمینه باید خاطرنشان ساخت، که کاهش ۸،۴۲ درصدی فشار مالیاتی بر اشخاص حقوقی ناشی از کاهش ۴۵ درصدی مالیات علی الحساب اشخاص حقوقی دولتی و کاهش ۴ درصدی مالیات بر عملکرد شرکت‌های دولتی است، در حالی که مالیات نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی به میزان ۵۴ درصد و مالیات اشخاص حقوقی غیردولتی نزدیک به ۶ درصد بار شد مواجه شده است. با توجه به آنکه افزایش مالیات نهادها و بنیادهای انقلاب اسلامی اقدامی است در راستای گسترش پوشش مالیاتی و هدفمند کردن معافیت‌های مالیاتی از این زاویه اقدام صورت گرفته در این زمینه در لایحه بودجه، مورد تأیید بخش خصوصی است؛ هرچند رقم مطلق در نظر گرفته شده برای مالیات نهادهای مذکور تنها ۴،۴ درصد از کل مالیات بر درآمد را شامل می‌شود که قابل توجه نیست. اما شایان توجه است که رشد مالیات شرکت‌های غیردولتی در شرایطی که رکود و تورم بر اقتصاد کشور سایه افکنده است و مشکل کمبود نقدینگی مهم‌ترین چالش تولیدکنندگان بخش خصوصی است، به معنای تحمیل فشار مضاعفی بر تولیدکنندگان بخش خصوصی بوده با وظیفه دولت مبنی بر تسهیل محیط کسب‌وکار در شرایط دشوار کنونی و پیش‌رو چندان سازگار نیست.

- مجموع مجوزهای داده شده به دولت جهت انتشار اوراق مالی در لایحه بودجه ۹۸، معادل ۴۹ هزار میلیارد تومان است، در حالی که در بند «ن» تبصره «۵» سقف استفاده دولت از اوراق مالی برای مصارف بودجه عمومی حداکثر معادل سقف پیش‌بینی شده در جدول ۴ ماده (۷) قانون برنامه ششم توسعه تعیین شده است، لذا منابع حاصل از فروش و واگذاری اوراق مالی تنها تا سقف ۴۴ هزار میلیارد تومان در جداول کلان لایحه بودجه ۹۸ منعکس شده است. این نحوه عملکرد دولت در واقع توسعه بازار بدهی به منظور تأمین کسری خود از طریق انتشار اوراق بهادار است که موجب کاهش دسترسی نهادهای سرمایه‌گذاری خصوصی به منابع مالی می‌شود.

- لایحه بودجه ۹۸ به صورت دو سقفی تدوین شده و گویای نا اطمینانی دولت نسبت به تحقق شدن بخشی از محل‌های درآمدی برای سال آینده است. مطابق با بند «ب» ماده واحده لایحه، به دولت اجازه داده شده تا علاوه بر سقف ۴۰۷،۷۷ هزار میلیارد تومانی در نظر گرفته شده برای مصارف عمومی، از محل وصول مازاد منابع عمومی این قانون (به‌ویژه منابع حاصل از صادرات نفت خام، میعانات گازی و خالص صادرات گاز)، اصلاحات ساختاری و همچنین برداشت مجاز از صندوق توسعه ملی، مصارف عمومی لایحه را تا سقف ۴۰ هزار میلیارد تومان افزایش و جهت تقویت

توان دفاعی و تخصیص اعتبارات ردیف‌های مندرج در جدول شماره «۲۱» لایحه هزینه کند. با توجه به آنکه پیش‌بینی می‌شود برداشت مازاد از منابع عمومی برای تحقق سقف دوم بودجه امکان‌پذیر نباشد و اصلاحات ساختاری ماهیت درآمدزایی نداشته و در بهترین حالت کاهش هزینه‌ها را به دنبال داشته باشد، لذا تنها راهی که دولت می‌تواند از طریق آن اعتبارات سقف دوم را تأمین نماید، برداشت از صندوق توسعه ملی می‌باشد. از آنجاکه، دولت در سقف اول بودجه نیز برای بخشی از منابع صندوق توسعه ملی برنامه‌ریزی کرده است و با توجه به محدود بودن منابع این صندوق، لذا تداوم این گونه رویکرد از سوی دولت ماهیت وجودی صندوق توسعه ملی را زیر سوال خواهد برد.

- مصارف عمومی دولت در لایحه بودجه سال ۹۸ برابر ۴۰۷،۷ هزار میلیارد تومان برآورد شده که نسبت به قانون بودجه سال ۱۳۹۷ بیش از ۵ درصد افزایش یافته است. بررسی‌ها حاکی از آن است که هزینه‌های جاری دولت سهم ۷۹ درصدی از مصارف عمومی دولت را به خود اختصاص داده و با توجه به آنکه پرداخت‌های مربوط به رفاه اجتماعی و جبران خدمت کارکنان بخش عمده‌ای از هزینه‌های جاری دولت را در لایحه به خود اختصاص داده‌اند و این دو جزء نسبت به قانون بودجه سال قبل به ترتیب ۲۰ و ۲۹ درصد افزایش یافته‌اند، می‌توان گفت که تعهدات اجتناب‌ناپذیر در لایحه بودجه ۹۸ افزایش یافته است.

- تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در لایحه پیشنهادی معادل رقم سال قبل در نظر گرفته شده است، این در حالی است که اقتصاد کشور در سال آینده درگیر تورم بیش از ۳۴ درصد خواهد بود و این مسأله در عمل حکایت از کاهش اعتبارات حقیقی طرح‌های عمرانی و رکود در فعالیت‌های عمرانی به علت تحلیل رفتن بخشی از منابع پیش‌بینی شده درازای تورم و افزایش هزینه‌ها را دارد. بر این اساس پیش‌بینی می‌شود نارسایی در تخصیص اعتبارات عمرانی در سال آتی شدت یابد و دولت در اتمام طرح‌های عمرانی ناتمام بر اساس برنامه زمانی تدوین شده با ناکامی مواجه شود.

- تملک دارایی‌های مالی در لایحه پیشنهادی به میزان ۱۹ درصد کاهش یافته است. البته باید خاطر نشان ساخت که این کاهش ناشی از کم شدن میزان اعتبار مورد نیاز برای بازپرداخت اوراق نیست، بلکه ۷۷ هزار میلیارد ریال از اعتبار برای این کار در قالب جدول ۲۱ و به عنوان هزینه قابل انتقال به سقف دوم معرفی شده است.

♦ پیشنهادهای اتاق ایران

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران بر اساس مأموریت قانونی محوله و رسالت ملی و در راستای بهره‌مندی از فرصت پیش آمده، هم با

شرکت در سلسله جلسات بودجه و هم به واسطه اعلام نظرهای کارشناسی، به نظام بودجه‌ریزی کشور خاطرنشان کرد که برای غلبه بر شرایط ویژه اقتصاد کشور و بهبود فرایند بودجه‌ریزی، ضروریست لایحه بودجه ۹۸ بر اساس مجموعه‌ای از اصول به شرح زیر تدوین و تنظیم گردد:

* ضرورت تغییر نگاه به بودجه‌ریزی کشور و تبعیت از اصل تقدم منابع بر مصارف: متأسفانه بودجه‌ریزی در کشور به شیوه‌ای معکوس از لحاظ منطق بودجه‌ریزی صورت می‌گیرد. به نحوی که بدون توجه به اصل تقدم منابع بر مصارف، همواره دولت‌ها ابتدا مصارف خود را برآورد کرده و بر اساس آن به دنبال منابع درآمدی بوده‌اند. در حالی که در شرایط نابسامان اقتصاد کشور الزامیست سند بودجه ۱۳۹۸ بر اساس منابع درآمدی قابل حصول و پایدار تدوین و تنظیم شود، نه مصارف بودجه، تا از این گذر دولت با مدیریت منابع و مصارف خود تا حد امکان از قرض گرفتن از بانک مرکزی و انتشار اوراق بدهی برای پوشش هزینه‌های جاری خود در سال ۹۸ جلوگیری کند. چراکه توسل دولت به روش‌های مورد اشاره موجب انتشار امواج تورمی به اقتصاد می‌شود و پایداری محیط مالی کسب‌وکار و ثبات اقتصاد را با چالش مواجه می‌سازد. از این‌رو، در تدوین لایحه بودجه ۱۳۹۸، ضرورت تغییر نگاه به بودجه‌ریزی کشور و تبعیت از اصل تقدم منابع بر مصارف بیش از پیش احساس می‌شود.

* تدوین لایحه بودجه ۹۸ به صورت واقع‌بینانه: نظر به اعمال مجدد تحریم‌ها بر فضای کلان اقتصاد، کاهش درآمدهای استحصالی دولت در سال ۱۳۹۸ چه از زاویه درآمدهای حاصل از صادرات نفت (به علت کاهش صادرات نفت و افزایش هزینه برای دستیابی به منابع مالی حاصل از صادرات نفت) و چه از زاویه درآمدهای حاصل از مالیات‌ها (به علت خروج شرکت‌ها خارجی، جلوگیری از سرمایه‌گذاری خارجی در صنایع، کاهش واردات مواد اولیه و واسطه‌ای، از دست دادن بازارهای صادراتی، نوسانات گسترده در نرخ ارز و بالا رفتن هزینه‌های تولید و...) که ضربات جبران‌ناپذیری را به بدنه تولید کشور وارد ساخته است) محتمل است. از این‌رو، ضروریست دولت با در نظر گرفتن شرایط تحریمی نسبت به تدوین لایحه بودجه ۱۳۹۸ بر اساس سناریوهای بدبینانه اقدام کند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود برای دستیابی به سند بودجه‌ای واقع‌بینانه، منابع درآمدی به‌درستی و بر اساس واقعیات جامعه برآورد شوند و از بیش برآورد کردن درآمدها و غیرواقعی و کم جلوه دادن هزینه‌ها پرهیز گردد. چراکه عدم توجه به این مسأله در سنوات گذشته، همواره دولت‌ها را با کسری بودجه و به‌کارگیری روش‌های تورم‌زا به‌منظور پوشش کسری بودجه مواجه ساخته است.

• افزایش شفافیت در تخصیص‌های بودجه‌ای: شفاف‌سازی تخصیص‌های بودجه‌ای تمامی دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و خارج از قوه مجریه، کاهش حجم ردیف‌های متفرقه و ارائه ارقام مربوط به منابع و مصارف ارزی، می‌تواند در مدیریت هزینه‌کرد دولت در لایحه بودجه ۱۳۹۸ مؤثر واقع گردد. چراکه روند کنونی در ارتباط با موارد مورد اشاره گویای آن است که بخش قابلیت‌وجهی از دخل و خرج سازمان‌های دولتی بدون نظارت مجلس انجام می‌شود. همچنین، تعیین سقف برای افزایش تخصیص‌های بودجه‌ای، می‌تواند از انبساط بی‌رویه بودجه دولت در سال ۹۸ جلوگیری کند. از سوی دیگر، مشروط ساختن تخصیص‌های بودجه‌ای به دستگاه‌ها، بر اساس میزان درآمدزایی و اثرگذاری آنها در اقتصاد (بودجه‌ریزی بر مبنای عملکرد) می‌تواند ضمن صرفه‌جویی‌های بودجه‌ای برای دولت، موجبات تأثیرگذاری

کشور گویای آن است که درآمدهای قابل حصول دولت به علت اعمال مجدد تحریم‌ها در سال ۱۳۹۸ نسبت به سنوات گذشته کاهش خواهد یافت از اینرو، الزامی است دولت تا حد امکان از هزینه‌های غیرضروری اجتناب کند و هزینه‌کردهای خود را اولویت‌بندی و بر اساس اولویت‌های تعیین‌شده هزینه کند. همچنین، از آنجاکه ایجاد تعادل میان درآمدها و هزینه‌ها در بودجه‌ریزی، بدون چابک‌سازی دولت محقق نخواهد شد و در شرایط حاضر کمبود منابع مالی، مهم‌ترین محدودیت دولت در بودجه‌ریزی است. لذا، پیشنهاد می‌شود لایحه بودجه ۱۳۹۸، با جهت‌گیری به سمت کوچک‌سازی و چابک‌سازی دولت تدوین شود. • کاهش وابستگی لایحه بودجه ۹۸ به نفت: وابستگی بودجه به نفت و نوسانات جهانی قیمت نفت، همواره باعث شکنندگی اقتصاد کشور طی چند دهه اخیر گشته است. اغلب سال‌هایی که



بیشتر تخصیص‌های بودجه‌ای را به ارمغان آورد. • در نظر گرفتن منابع بودجه‌ای جهت پوشش نوسانات نرخ ارز: با توجه به نوسانات شدید و دفعتی در نرخ ارز طی نیمه اول سال جاری، اتاق ایران از دولت محترم خواستار طراحی و اجرای سازوکاری برای پوشش خطرات افزایش سالانه بیش از ده درصد نرخ ارز در بودجه سنواتی، برای بنگاه‌های اقتصادی دریافت‌کننده تسهیلات ارزی می‌باشد. لازم به ذکر است که تدوین آیین‌نامه پوشش نوسانات نرخ ارز بر اساس تبصره (۳) ماده ۲۰ قانون رفع موانع تولید و بند (ت) ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه تکلیف شده است، اما تاکنون اقدام اجرایی در این زمینه صورت نگرفته است.

• کاهش هزینه‌های غیرضروری و ایجاد تعادل بین درآمدها و هزینه‌ها: با عنایت به اینکه دولت در سال ۱۳۹۸ با انواع بحران‌های داخلی و خارجی مواجه است و شرایط فعلی

شاهد رشد درآمدها بوده‌ایم، مخارج دولت به صورت غیرمتمتعاری افزایش یافته و سال‌هایی که درآمدهای نفتی کمتر از میزان قابل انتظار بوده، با کسری‌های چشمگیر مواجه شده‌ایم. اهمیت توجه به کاهش وابستگی لایحه بودجه ۱۳۹۸ به نفت علاوه بر تمامی موارد مورد اشاره از آنجا بیشتر نمایان می‌شود که بدانیم، اعمال مجدد تحریم‌ها به اقتصاد کشور موجب می‌شود هم صادرات نفت کاهش یابد و هم دستیابی به درآمدهای حاصل از صادرات نفت با هزینه بالاتری امکان‌پذیر گردد، که برآیند تمامی موارد مورد اشاره، گویای کاهش منابع درآمدی دولت است، از اینرو، ضروری است لایحه بودجه ۹۸ با توجه به کاهش درآمدهای نفتی و در نظر گرفتن سایر درآمدهای پایدار، با ثبات و قابل تحقق، همچون گسترده نمودن پایه‌های مالیاتی جدید نظیر مالیات بر مجموعه درآمدها و مالیات بر عایدی سرمایه تدوین شود.

• بازنگری در ساختار شرکت‌های دولتی: با توجه به آنکه گستردگی حوزه فعالیت شرکت‌های دولتی، در اغلب موارد عرصه فعالیت بخش خصوصی را با تنگنا مواجه ساخته و گاه‌ها به از میدان به در شدن بخش خصوصی توانمند منجر گشته و ضمن آنکه بررسی عملکرد شرکت‌های دولتی گویای آن است که این شرکت‌ها در انجام برخی از امور از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نمی‌باشند و نظر به آنکه دولت در سال ۹۸ به‌منظور جذب منابع به‌طور جدی دچار محدودیت است و از نظر مصارف نیز به علت شرایط تورمی اقتصاد با افزایش هزینه روبرو است، لذا اتاق بازرگانی از نظام برنامه‌ریزی انتظار دارد در سال ۹۸ بازنگری اساسی در فرآیند بودجه‌ریزی شرکت‌های دولتی را در دستور کار قرار دهد. پیشنهاد مشخص اتاق ایران در این زمینه آن است که ساختار شرکت‌های دولتی باید اصلاح شود، مدیران شرکت‌های دولتی بر اساس شایسته‌سالاری انتخاب شوند. تجدید ارزیابی دارایی‌های شرکت‌های دولتی در دستور کار قرار گیرد، بررسی شود که آیا شرکت‌های دولتی بر اساس اهداف و مأموریت‌شان اداره می‌شوند یا نه و در نهایت پیشنهاد می‌شود شرکت‌های دولتی زیان‌ده تعیین تکلیف شوند، تا از این گذر وضعیت نابسامان این شرکت‌ها بسامان شده و تا حدی از بار مالی بر بودجه کاسته شود و درآمدهای آزاد شده از این طریق در راستای تحقق اهداف دولت در بخش بودجه عمومی و حاکمیتی صرف گردد.

• هدفمند کردن معافیت‌های مالیاتی: یکی از مشکلات عمده کشور در ارتباط با درآمدهای مالیاتی، معافیت‌های بسیاری از فعالیت‌ها و نهادهای پرداخت مالیات است. از آنجاکه بسیاری از معافیت‌های مالیاتی که در کشور وجود دارد، در خدمت تولید نمی‌باشد. به عبارت دیگر، این نوع معافیت‌های مالیاتی، افزایش تولید ملی را به همراه نداشته است و بسیاری از نهادهای عمومی و ارگان‌های دولتی به دلایل مختلفی نظیر عدم شفافیت و یا برخورداری از رانت، از پرداخت سهم مالیاتی خود سرباز می‌زنند، لذا همه فشار مالیاتی را به بخشهایی که به طور شفاف در اقتصاد عمل می‌کنند، نظیر تولیدکننده‌ها وارد می‌سازند. بنابراین، با توجه به شرایط خطیر اقتصاد کشور توصیه می‌شود در تدوین لایحه بودجه ۹۸ رفتارهای تبعیض‌آمیز بین فعالیت‌ها و نهادهای پرداخت مالیات، صورت نگیرد و با شفاف‌سازی درآمدهای همه فعالیت‌ها و ارگانها، پیشنهاد می‌شود معافیت‌های مالیاتی موجود تجدیدنظر شود و معافیت‌ها تنها به بخش‌هایی اختصاص داده

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

شوند که به افزایش تولید ملی منجر خواهند شد. چراکه می‌توان با اعطای معافیت‌های بیشتر به بخش‌هایی که در خدمت تولید ملی هستند و حذف معافیت‌های ناکارآمد، گامی مؤثر در جهت افزایش تولید ملی و در نتیجه، افزایش درآمدهای مالیاتی برداشت. راهکار پیشنهادی اتاق، در این زمینه لغو معافیت‌های مالیاتی نهادهای عمومی غیردولتی که دارای کارکردهای اقتصادی بوده و از منابع درآمدی بالایی برخوردار هستند و با اینکه از توانایی پرداخت مالیات برخوردار می‌باشند اما در زمره نهادهایی قرار گرفته‌اند که معاف از مالیات می‌باشند در شرایط حاضر ضروریست، این نهادها میزان مالیات پرداختی خود را بپردازند.

❖ کاهش فشار مالیاتی بر اشخاص حقوقی غیردولتی: برای نیل به این مهم اتاق ایران گسترش دامنه شمول مالیات، به جای تحمیل فشار مالیاتی بر بخشهای تولیدی را پیشنهاد می‌کند. درواقع، دولت با جلوگیری از فرار مالیاتی از طریق انجام اقداماتی همچون ساده‌سازی و شفاف‌سازی قوانین، مقررات و فرآیندهای مالیاتی و اتصال سیستم‌های اطلاعاتی اداره امور مالیاتی، بانک‌ها و بانک مرکزی، ثبت اسناد، وزارت رفاه، گمرک و وزارت صمت در جهت افزایش درآمدهای مالیاتی اقدام کند. همچنین از آنجاکه با توجه به شرایط رکودی اقتصاد کشور امکان دریافت مالیات بیشتر از پایه‌های فعلی مالیاتی میسر نیست، اتاق ایران پیشنهاد می‌کند نظام برنامه‌ریزی به جای فشار بر اشخاص حقوقی غیردولتی، پایه‌های مالیاتی جدیدی را تعریف کند. به عنوان مثال، اعمال مالیات بر عایدی سرمایه که می‌توان آن را بر بازار مسکن، طلا و ارز اعمال کرد، در لایحه بودجه ۹۸ ضروریست. همچنین، افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده برای کالاهای خارجی که مشابه داخلی دارند یا کالاهای منتخب خارجی که مشابه داخلی ندارند، اما لوکس محسوب می‌شوند، می‌تواند در دستور کار نظام برنامه‌ریزی کشور قرار گیرد.

❖ تعیین نرخ ارز بر اساس سیاست‌های پولی و نه سیاست‌های بودجه‌ای: بررسی عملکرد دولت در این زمینه طی سنوات گذشته گویای آن است که نرخ ارز و تعیین تکلیف آن در بودجه نیز همواره بر اساس نیازهای بودجه‌ای دولت‌ها مشخص شده است. این مسأله باعث عدم پیش‌بینی‌پذیری سیاست‌های ارزی برای فعالان اقتصادی گردیده است. درواقع دولت‌ها بر اساس اینکه چه میزان در سال آتی هزینه دارند و چه میزان نفت می‌توانند در طی یک سال به فروش برسانند، نرخ ارز را تعیین می‌کنند تا هزینه‌ها و درآمدها بهم تراز شوند. از این‌رو، به

دولت پیشنهاد می‌شود در لایحه بودجه ۱۳۹۸ برای جلوگیری از ابهام در فضای کسب و کار، از این روش تعیین نرخ ارز جلوگیری نماید. نرخ ارز باید بر اساس سیاست‌های پولی و نه بر اساس وضعیت مالی دولت تعیین گردد.

❖ جلوگیری از انتشار بی‌رویه اوراق تعهدزا: بررسی‌های کارشناسی مرکز پژوهش‌های مجلس گویای آن است که دولت برای پوشش هزینه‌های غیرمعارف خود و در راستای تراز کردن سند بودجه در سنوات اخیر، منابعی را از محل انتشار اوراق مشارکت و اسناد خزانه، بیش از توان خود، در نظر گرفته که این مسأله خطر عدم توازن وضع مالی دولت در سال‌های آتی را در پی دارد. همچنین، بررسی ترکیب کسری بودجه دولت نشان می‌دهد که با تغییر ترکیب کسری بودجه دولت در سال‌های اخیر، به سمت استفاده از اوراق تعهدزا در تأمین کسری بودجه، شاهد تغییر ماهیت کسری بودجه دولت به بدهی دولت هستیم که می‌تواند به بحران بدهی در سال‌های آینده تبدیل شود. این در حالی است که دولت تاکنون سازوکار مشخصی برای مدیریت دیون خود ارائه نکرده و در مقابل برای پوشش هزینه‌های جاری، به میزان چشمگیری به حجم بدهی‌های خود افزوده است. تداوم این رویه به معنای گسترش بخش عمومی در آینده و جایگزینی آن به جای بخش خصوصی خواهد بود که با روح حاکم بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مغایرت دارد. از این‌رو از سوی اتاق ایران پیشنهاد اکید می‌شود که نظام بودجه‌ریزی در تدوین لایحه بودجه سال ۹۸، از گسترش بدهی‌های آتی دولت و شرکت‌های دولتی جلوگیری کند. چراکه، کسری بودجه دولت و شرکت‌های وابسته که از طریق استقراض و فروش اوراق مشارکت و سایر اوراق مالی تأمین می‌شود، ضمن آنکه به انباشت و گسترده شدن بدهی دولت می‌انجامد و خطر بحران بدهی‌ها را برای سال‌های آتی ایجاد می‌کند، در عمل حجم منابع در دسترس کارآفرینان را کاهش میدهد و دولت را جایگزین بخش خصوصی می‌کند.

❖ لزوم برقراری توازن بین امکانات و تعداد پروژه‌های عمرانی: بررسی عملکرد برنامه‌های بودجه سنوالتی گویای آن است که تصویب طرح‌های عمرانی بر اساس ملاحظات سیاسی و بی‌توجهی به مطالعات امکان‌سنجی پروژه‌ها بوده که این مسأله با ایجاد تأخیر در مراحل مختلف اجرای طرح‌ها، حجم عظیمی از پروژه‌های عمرانی بعضاً متوقف را به اقتصاد کشور تحمیل کرده است. بر این اساس و با توجه به شرایط ویژه اقتصاد کشور پیشنهاد می‌شود که در لایحه بودجه ۹۸ از تعریف و تصویب طرح‌های جدید خودداری شود، تا موازنه‌ای بین توانایی‌ها

و اهداف موردنظر به وجود آید. همچنین، در فرآیند تصویب پروژه‌های جدید در لایحه بودجه ۹۸، پیشنهاد می‌شود ضمن حصول اطمینان از ضرورت کار و مطابقت آن با اهداف برنامه، ارتباط منطقی بین تعداد و میزان اعتبار پروژه‌های عمرانی جدید دستگاه‌های اجرایی و تعداد و میزان اعتبار پروژه‌هایی که به بهره‌برداری رسیده‌اند ایجاد شود.

❖ استفاده از ظرفیت‌های مشارکت عمومی و خصوصی: با توجه به عدم توفیق دولت در بهره‌مندی از ظرفیت‌های مشارکت عمومی و خصوصی در طی سنوات گذشته این نتیجه حاصل می‌شود که صرفاً در نظر گرفتن فهرستی از پروژه‌های قابل واگذاری به بخش خصوصی در لوایح بودجه سنوالتی نمی‌تواند در ترغیب بخش خصوصی و استفاده از ظرفیت‌های این بخش مؤثر واقع گردد. لذا، به منظور استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی در لایحه بودجه ۹۸ ضروریست ضمن تهیه فهرستی از طرح‌های دارای اولویت، دولت نسبت به ارائه تضمین‌های لازم برای ایجاد اعتماد به بخش خصوصی گام‌هایی استوار بردارد. در این راستا اتاق ایران به استمرار تبصره ۱۹ و رفع چالش‌هایی که در اجرایی شدن تبصره ۱۹ پیش روی فعالان بخش خصوصی وجود دارد، تأکید دارد. همچنین، دولت باید در لایحه بودجه ۹۸ تمهیداتی در زمینه راه‌اندازی بازار الکترونیکی طرح‌های قابل مشارکت، شفاف‌سازی در فرآیند مشارکت، پوشش ریسک و ارائه بسته‌های حمایتی متنوع در نظر گیرد. از زاویه‌ای دیگر، ضروریست دولت با تعاملی سازنده با بخش خصوصی نسبت به شناسایی چالش‌ها و جمع‌آوری خواسته‌های بخش خصوصی به منظور ورود به عرصه فعالیت‌های مشارکتی اقداماتی را در دستور کار قرار دهد، تا از این گذر دولت بتواند بر معضل طرح‌های عمرانی نیم‌هتام فائق آید.

در نهایت، اتاق ایران در سلسله جلسات بودجه با تأکید بر شرایط ویژه اقتصاد کشور، شرایطی که در آن اقتصاد کشور هم در سطح داخلی با انواع بحران‌ها و نااطمینانی‌ها مواجه است و هم در فضای بین‌المللی از روابطی گسترده و مسالمت‌آمیز برخوردار نیست، به دست‌اندرکاران نظام برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور تأکید کرد که سند بودجه ۹۸ باید بر اساس اهدافی نظیر حمایت از تولید داخل، ایجاد فرصت رقابت برای بخش خصوصی و توسعه صادرات بخش‌های مولد تدوین گردد. چراکه این اهداف می‌تواند در شرایط بحرانی کنونی، برنامه‌ریزی دولت را به گونه‌ای آرایش دهد که از اثرات تحریم‌ها بر فعالیت‌های تولیدی تا اندازه قابل توجهی کاسته شود.

اصلاح ساختار بودجه

بگو بودجه‌ات چگونه است تا بگویم چه کسانی بر شما حکومت می‌کنند



دکتر محمد قاسمی

گفت‌وگو درباره نظام بودجهریزی ایران در محافل و نهادهای گوناگون مثل دولت و مجلس و نهادهای مدنی در کانون توجه قرار گرفته است. یکی از محورهای گفت‌وگوهای کارشناسان این است که اگر قرار باشد ساختار بودجهریزی اصلاح شود، چه باید کرد و از کجا باید شروع کرد. برای اینکه بتوانیم به این پرسش اساسی جواب دهیم، نخست برخی از روندهای بودجه را بررسی می‌کنیم. موضوع بعدی در این گفت‌وگوها این است که چرا بودجهریزی در ایران به رغم اینکه دولت‌ها و مجلس‌های ایران گرایش‌های سیاسی گوناگون داشته‌اند به این شکل و ماهیت درآمده است.

روندها

یک بحث این است که هزینه‌های اداره کشور یا هم‌ماه هزینه‌های جاری رشد شگفت‌انگیز دارد و متأسفانه هزینه‌های عمرانی روندی کاهنده را تجربه می‌کنند و این یک روند شده است. نسبت هزینه‌های جاری به مصارف عمومی، رشد یافته و در میانگین ۸۰ درصد دور می‌زند و هزینه‌های عمرانی با روندی کاهنده در میانگین ۲۰ درصد پرت می‌زند. این اعداد به قیمت‌های اسمی بود. اگر بتوانیم آن را به قیمت واقعی (با سبد مصرفی دولت)

تبدیل کنیم، هزینه‌های جاری به قیمت‌های ثابت چندان افزایش نیافته است. اعداد نشان می‌دهند که قدرت خرید دولت در سال ۱۳۹۶ به قیمت ثابت به اندازه همان سال ۱۳۹۵ است. معنای این حرف این است که دولت برای هزینه‌های اداره کشور نیز چندان پیشرفت نکرده است. هنگامی که به موضوع بحث‌های عمرانی می‌رسیم این واقعیت بیشتر به چشم می‌آید. یعنی هزینه‌های عمرانی به قیمت‌های حقیقی بسیار کمتر شده است.

در سال ۱۳۹۶ دولت با قیمت‌های واقعی کمتر از سال ۱۳۸۳ طرح‌های عمرانی سرمایه‌گذاری کرده است. به این ترتیب اگر می‌گوییم دولت در سال ۱۳۹۸ قرار است رقمی را به هزینه‌های عمرانی اختصاص دهد و اگر به قیمت‌های حقیقی برگردانیم می‌بینیم کمتر هزینه کرده است. یعنی ۶۰ هزار میلیارد تومان هزینه اختصاص یافته به طرح‌های عمرانی در مقایسه با سال ۱۳۸۳ به دلیل افزایش قیمت کالاهایی مثل سیمان، آهن، میلگرد و... که ۵ برابر شده‌اند کمتر شده است. اگر کسری بودجه به معنای فنی در کانون توجه قرار دهیم، همه منابع را اگر لحاظ کنیم چنین عمل کردیم که همه درآمدهای نفت و مالیات را که در بودجه آمده است را وصول کرده و محقق کرده‌ایم ولی باز هم این

درآمدها نسبت به هزینه‌ها کسری دارد و ما همین را کسری بودجه می‌نامیم. و در همین صورت نیز کسری بودجه وجود داشته است. از سال ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۳ این کسری بودجه از حساب ذخیره ارزی تامین شده است. از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۴ کسری بودجه از راه فروش سهام شرکت‌های دولتی تامین شد. موقعی که دیگر سهام شرکت‌های دولتی برای فروش به انتها رسید، از اوراق مالی استفاده کرده و استقراض کرده‌ایم. وقتی اوراق منتشر می‌شود تعهد برای دولت فعلی و بعدی ایجاد می‌شود. نتیجه روشن است. اگر تفاضل درآمدها و اعتبارات هزینه‌ها را کسری عملیاتی بدانیم با شتاب در حال افزایش یافته است. این روند افزایشی در شرایطی رخ می‌دهد که در همه سال‌ها و در همه اسناد بر کاهش آن تاکید شده است. چه اتفاقی افتاده است که چنین روندی را می‌بینیم و از طرف دیگر ارقام انتشار اوراق بدهی و فروش سهام شرکت‌های دولتی را که معمولاً نباید بخشی از درآمد بدانیم جمع کنیم و فروش نفت که هدر دادن ثروت است نسبت اقلام یادشده به کل هزینه‌ها در حدود ۵۰ درصد از هزینه‌های صورت گرفته از محل‌های ناسالم بوده است. اگر شبیه‌سازی کوچک انجام دهیم، اگر قرار باشد همین روند ادامه یابد کسری‌ها بزرگ و بزرگ‌تر خواهد شد و وضعیت بدتر خواهد شد.

مشکلات کجاست؟

دقت در روندهای اقلام بودجه‌های سالانه در همین حد نشان می‌دهد که نشانه‌های تنگناها به طور کامل دیده می‌شود. حالا به این موضوع می‌پردازیم که سرچشمه این مشکلات چیست؟ اگر این آسیب‌شناسی انجام نشود معنایش این است که باز هم شعار اصلی بودجهریزی را بدهیم اما کاری انجام ندهیم. زمانی گفته شد که می‌خواهیم در سال ۱۳۸۰ بودجهریزی را اصلاح ساختار کنیم. خوب در آن زمان چه کردیم؟ به نظر می‌رسد باز هم در پوسته و سطح ماندیم و برخی اصلاحات شکلی و لفظی انجام شد. به طور مثال نام هزینه‌های جاری را به اعتبارات هزینه‌ای تغییر دادیم. هزینه‌های عمرانی را نام دیگری گذاشتیم. در سال‌های جلوتر گفته شد می‌خواهند بودجهریزی مبتنی بر عملکرد انجام دهیم و هر چه می‌گفتم این یک روش است و اصلاح ساختاری به

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

حساب نمی‌آید. حالا چرا به اینجا رسیدیم؟ چون درک دقیقی از نظام بودجه‌ریزی وجود ندارد. هر داده در بودجه یک مکعب است. یک رویه این مکعب، ترکیب مصارف‌ها را نشان می‌دهد. یک رویه می‌گوید نظام اداری چگونه برای اداره همین مصارف سازماندهی شده است. یک رویه دیگر این است که مبانی حقوقی ایجاد وظایف نظام اداری کدامند. یک رویه دیگر نشان می‌دهد موازین فنی چیست؟ هر داده در بودجه یک مکعب است. بودجه ابعاد شش‌گانه‌ای دارد. بودجه یک پدیده چند وجهی است. در همه این شش وجه مکعب مشکلات ساختاری وجود دارد. از رویه مصارف، وابستگی منابع به درآمدهای نفت است که در برخی از سال‌ها به دلیل نوسان قیمت نفت، تعادل بودجه را به هم می‌ریزد. نظام طبقه‌بندی بودجه نیز مشکلات متعدد دارد. در سنت‌های قبلی منابع درآمدی مثل منابع حاصل از مالیات، منابع درآمدی حاصل از فروش نفت و سایر منابع درآمدی به خزانه ریخته می‌شود و پس از آن هر کس زودتر رسید از این منابع برمی‌دارد. توجه نداریم که آیا پول نفت را می‌توان به افزایش حقوق بازنشستگان اختصاص داد. آیا نمایندگان مجلس حق دارند در یک نشست و برخاست سازمان تامین اجتماعی را موظف کنیم فلان فعالیت را مطابق قانون بودجه انجام دهد. یکی از جاهایی که باید روی آن تاکید شود این است که در اصلاح ساختاری باید این امکان وجود داشته باشد که منابع را تفکیک کنیم و مصارف بودجه بر اساس این تفکک‌ها انجام شود.

مثال بزنم تا موضوع روشن‌تر شود. فرض کنید یک شرکت دولتی در یک شهرستان وجود دارد که مجمع عمومی آن تصمیم گرفته‌اند یک تیم فوتبال تاسیس کنند. آیا یک شرکت دولتی حق دارد چنین مخارجی انجام دهد. جالب است که در همین شرکت دولتی که نمی‌خواهم اسمش را بیاورم ۳۰۰ میلیون تومان برای خرید یک بازیکن هزینه کرده بود، در حالی که همان سال زیان‌ده بود. یعنی در همان سال از جیب مردم برای این کار پول خرج کردند. چه کسی به این هیأت مدیره حق داده است از جیب شهروندان برای چنین کارهایی هزینه کنند. درآمدهای حاصل از نفت یک آبخار درست کرده است که از محل درآمدهای آن وزارتخانه‌ای تاسیس کنیم یا یک سازمان یا شرکت درست کرده‌ایم و در هر شهرستان و در هر استان این سازمان‌ها تاسیس شده‌اند تا هر گاه خواستیم به جایی برویم یک جایی باشد که دولتی‌ها را تحویل بگیرد. این یک واقعیت تلخ است که هیچ‌کدام

از ایرانیان اعم از رئیس‌جمهور تا یک فرد عادی در کشور برای کسب درآمد حاصل از صادرات نفت قطره‌ای عرق نریخته و رحمتی نکشیده است تا ارزش آن را بدانند. اتفاقی که افتاده این است که نظام اداری بسیار گسترده درست کرده‌ایم که کوهی از نیروهای اداری وجود دارند که معلوم نیست کل کاری که انجام می‌دهد برای همه مردم و برای همه کشور است. روزی هم که خواستیم دولت الکترونیک درست کنیم همان روش عرضه‌گرایی را ادامه داده و حالا به جای کاغذ و قلم به هر کارمند یک رایانه داده‌ایم. دولت الکترونیک یعنی اینکه باید تقاضایی برای خدمتی باشد تا عرضه آن صورت بگیرد نه اینکه ما عرضه کنیم و تقاضا را فراهم کنیم. روش‌های عرضه کالاها عمومی را تغییر می‌دهیم و این ادامه دارد. در قانون اساسی تاکید شده است تامین آموزش وظیفه دولت است، اما آیا عرضه آموزش رایگان همین یک روش را دارد. مهم این است که باید رضایت مصرف‌کنندگان را تامین کنیم. روش‌های آموزش در دنیا دگرگون شده است اما در ایران دگرگونی نداریم. از نقطه نظر حقوقی نیز بودجه‌ریزی ایران تنگناهای اساسی دارد. در نظام‌های مدرن وقتی مجلس قانونگذاری بودجه را تصویب کرد معنایش این است که چانه‌زنی تمام شده است. اما در ایران یک نماینده مجلس یا یک مدیر دولتی باید تا ۱۲/۲۹ هر سال دنبال این باشد که آن بودجه تصویب شده را حالا دریافت کند. استقلال قوه مقننه و قوه مجریه با این نظام بودجه‌ریزی زایل شده است. بستر استقلال قوای اداره‌کننده کشور از یکدیگر در نظام بودجه‌ریزی باید دیده شود. قانون بودجه‌ریزیم داریم؟ نداریم؟ به همین دلیل است که یک رئیس‌جمهور می‌گوید من می‌خواهم بودجه را خلاصه کنم و چند بر کاغذ می‌دهد و یک رئیس‌دولت چند کتاب را به عنوان بودجه ارائه می‌دهد. بودجه از نظر مسایل اقتصادی نیز اشکالات ساختاری دارد. بودجه‌های سالانه ایران سیاست‌های مالی، سیاست‌های پولی و ارزی را بازتاب نمی‌دهد. در قانون بودجه انبوهی از مقررات و ماده‌ها و پنجره‌ها می‌گذاریم که درباره هر چیز در آن صحبت می‌شود و هر سال این بحث‌ها تکرار می‌شود و در انتها نیز به این می‌رسیم که سیاست‌های مالی بر سیاست‌های پولی غلبه می‌کند. اگر چه دولت‌ها انکار می‌کنند، اما واقعیت این است که با کاهش ارزش پول ملی در برابر ارزهای معتبر کسری بودجه تامین شده است. اگر دنبال این نیستید، چگونه می‌توانید هزینه‌های سرسام‌آور بودجه را تامین کنید. رشد درآمدهای دیگر مثل درآمد

مالیاتی معلوم است و رشد آن نیز معلوم است. درآمد حاصل از صادرات نفت و رشد آن نیز معلوم است. تنها مجلی که میتوان نام آن را واقعاً درآمد متغیر نامید همان جایی است که در آن ارزهای معتبر انحصاری دولت به فروش می‌رسد. این اتفاقی است که در آن روندها به ضرر قدرت خرید شهروندان عمل می‌کند. تاسیسات حقوقی پرشماری ساخته‌ایم که در عالم واقع وجود دارد اما جایشان در بودجه‌های سالانه خالی است. من می‌پرسم چرا جای شهرداری‌ها، سازمان تامین اجتماعی، بنیادها و نهادها در بودجه نیستند. اگر می‌خواهیم سیاست مالی کارآمد داشته باشیم باید کارکرد نهادهای یادشده از نظر مالی در یک جا و در یک دولت تعیین شود تا عدم تعادل پدیدار نشود. این روزها که موضوع چندگانه بودن محل‌های تصمیم‌گیری در سطح کلان مالی مورد توجه قرار گرفته است، خوب است به این مساله توجه عملی داشته باشیم. از مسیر بودجه است که می‌توان یک نهاد سیاستگذار برای مسایل مالی تدارک دید. نمی‌توانیم چند نهاد سیاستگذار مالی داشته باشیم و انتظار تعادل هم باشد.

آخرین موضوع، نظارت‌های مالی و عملیاتی است. در حال حاضر ۲۰ نهاد نظارتی بر بودجه داریم. اما روش‌ها و هدف‌های این ۲۰ نهاد متفاوت است. دیده‌ایم که دولت برای انجام کاری به یک مدیر خود جایزه داده است، اما دیوان محاسبات همان مدیر را جریمه کرده است. معیارها و استانداردهای نظارتی نداریم. نظارت عملیاتی نداریم و اگر داشتیم که محیط زیست در ایران چنین وضعی نداشت. عدم نفع‌ها در طرح‌های عمرانی ندیده‌ایم و لابی‌ها کار می‌کنند. می‌گویند پول نفت چه می‌شود. من می‌گویم پول نفت در ایران هزینه ناکارآمدی می‌شود. اگر قرار است بودجه‌ریزی اصلاح شود نمی‌توان به این سند که یک عکس از یک لحظه است و سند چگونگی حکمرانی را نشان می‌دهد اکتفا کرد. مشهور است که بودجه‌ها را نشان بده تا من بگویم چه کسانی بر شما حکومت می‌کنند. اگر می‌خواهیم کژی‌ها و کاستی‌های نظام حکمرانی را ببینیم بهترین محل برای دیدن همان بودجه سالانه است. این بودجه‌های سالانه است که کشوری مثل ایران که دارای ثروت‌های طبیعی قابل توجه و درآمد هنگفت است به یک اقتصاد ناکارآمد تبدیل کرده است. من نمی‌خواهم بگویم با پول نفت کاری نشده و تاکی دارم سطح بالای توسعه انسانی که اکنون داریم از همین پول‌ها به دست آمده است. اما تصریح می‌کنم با این میزان درآمد حاصل از نفت

می توانستیم سطح بالاتری از رشد و توسعه را به دست بیاوریم. نظام بودجه ریزی ایران اما منابع متعلق به میلیون ها ایرانی را به یک ستانده قابل دفاع تبدیل نکرد. بودجه باید به این سوال جواب دهد که کشور با چه هزینه ای اداره می شود و با کدام کیفیت اداره می شود. بودجه ریزی ایران اما گونه ای است که به این دو سوال جواب نمی دهد.

♦ چگونگی اصلاح ساختار

منظور از ساختار بودجه چیست؟ وقتی از ساختار بودجه ریزی صحبت می کنیم منظورمان عبارت است از صلاحیت ها، اختیارات و مسوولیت های دست اندرکاران تدوین و تصویب لایحه بودجه که شخص رئیس جمهور تا نمایندگان مجلس تا عوامل فنی را شامل می شود. بخش اول ساختار همان است. آن چیزی که به این دست اندرکاران

صورت چه تفاوتی می کند نماینده مجلس دکترای اقتصاد داشته باشد یا تحصیلات دیگر. الان جز چند شهر کشور بقیه اعضای مجلس کسانی هستند که دنبال منابع مالی و تامین ساخت و سازند. این افراد به طور طبیعی وقتی به مسایل نگاه می کنند چه می بینند. یکی از چیزهایی که آنها را آزار می دهد تفاوت اساسی میان مناطق برخوردار و مناطق محرومی است که آنها از آنجا به مجلس راه یافته اند. به این ترتیب است که آنها دنبال منابع بودجه ای می روند تا میزانی که می توانند را به شهرستان خود انتقال دهند. حالا برای چنین افرادی باید چگونه گفت که باید پول نفت را برای کارهای مهم تر هزینه کرد. وقتی به این افراد مسایل را می گوئیم آنها جوابشان این است که اگر من این پول نفت را از طریق بودجه به شهرستان نبرم نماینده شهر دیگر این کار را می کند و آن وقت به من می گویند نماینده ای هستم



جهت می دهد شرایط نهادی است. منظور از شرایط نهادی چیست؟ مراد از شرایط نهادی، شرایطی است که بر نحوه انتخاب دست اندرکاران موثر است. به عبارت دیگر مقصود نظام انتخاباتی حاکم بر انتخاب نمایندگان مجلس و رئیس دولت است. آیا الگویی برای این کار داریم؟ به پرسش نخست برمی گردیم: چرا به رغم اینکه گرایش حاکم بر دولت ها تفاوت داشته و چرا در حالی که گرایش های مجلس در هر دوره تفاوت هایی یا و دره های دیگر دارد نظام بودجه ریزی ایران همان است که هست. چون بستر نهادی در ایران تفاوت نکرده است. در عمل در شرایط نهادی و با آن چارچوب ها نتیجه خواهد بود. ساختار انتخابات مجلس گونه ای است که نماینده مجلس به یک کارپرداز عمرانی تبدیل می شود و دنبال این است که برای حوزه انتخاباتی خود پول جمع کند. در این

جمهوری اسلامی نفت بفروشیم و دولت را اداره کنیم، قرار نیست که پول نفت تزریق کنیم و مردم را راضی نگه داریم. در مقدمه بودجه ۱۳۵۸ آمده است که اگر قرار است چنین کارهایی کنیم، چرا انقلاب کردیم. هدف های مهمی داشتیم. اما به محض اینکه پول نفت به مشام رسید شعارها عوض شد. محورهای اصلاحی اول این است که صلاحیت های دست اندرکاران بودجه روشن شود و محدوده فعالیت های دولت روشن شود. باید به صراحت بپذیریم که بودجه برای دولت قید و بند درست کند و دولت حق نداشته باشد پول نفت را هر طور که شد خرج کند. در دهه ۱۳۸۰ دیدم که درآمدهای نفتی عظیم را دولت هر گونه خواست خرج کرد و کسی هم نپرسید که چرا پول نسل های بعدی را این گونه خرج کردی. پرسش هایی هست که نظام حکمرانی کشور هرگز آنها را نمی پرسد. باید همه منابع و همه مصارف بودجه در چارچوب باشد و باید معلوم شود که شکل حقوقی دستگاه های عمومی چه نسبتی با بودجه دارند.

توصیه می کنم عدم تمرکز صورت پذیرد. اگر قرار باشد که هر پولی به تهران بیاید و از اینجا توزیع شود به همان جایی می رویم که تا امروز رفته ایم. ما در ایران مدیریت عمودی را تفسیر و تعریف کرده ایم ولی مدیریت افقی را به حال خودشان رها شده اند. چه کسی گفته است مدرسه سازی و مدرسه داری تنها و تنها در اختیارات وزیر آموزش و پرورش و بیمارستان سازی و بیمارستان داری در حوزه وظایف وزیر بهداشت است؟ آیا شهرداری ها نمی توانند این کار را انجام دهند. اگر مردم ببینند مالیات هایشان در همان محل هزینه می شود به دادن مالیات تمایل بیشتری نشان می دهند. نظام نظارتی تاکنون چند گزارش به مردم ارائه کرده است. بودجه ریزی عملیاتی و بودجه ریزی بر اساس قیمت تمام شده یک رفتار ایرانیزه شده است. در این کشور است که اختراع می کنیم. نظام مدیریت مالی نیز باید اصلاح شود. باید قانون دیوان محاسبات، قانون شرکت ها، قانون های دیگر باید در کنار اصلاح نظام مالی باشد. اصلاح نظام بودجه ریزی این نیست که حالا قانون باید نوشته شود و باید در بحران ها این کار را انجام داد. ایران می تواند از تنگنای فعلی حکمرانی کشور در موضوع بودجه را در قانون توجه قرار دهد. یک برنامه ۲۰ ساله می خواهیم که در فرآیندها کار را دنبال کنیم. سیاستمداران دوست دارند بیانیه حل مشکل بدهند. مردم باید احساس کنند کشور با قیمت کمتر و به روش کارآمدتری اداره می شود.

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



گزارش یک نشست

در مدار مدارا و طرح برخی نکات

کاشی که دیدگاهی تند دارد و برخی از استادان دیگر علوم اجتماعی و علوم سیاسی به آسانی سخن می‌گویند و حرف‌های ناگفته نیز دارند. تحلیل‌های ارایه شده از طرف برخی سخنرانان در همایش بزرگ انجمن علوم سیاسی ایران با عنوان ایران آینده؛ دشواره‌ها و تصمیمات حیاتی که برخی از آنها را در این پرونده می‌خوانید نشان می‌دهد سطح مدارای مدیران اطلاعاتی و امنیتی نظام افزایش یافته است. تشریح برخی نکات و البته طرح ظریف برخی انتقادات در این سخنرانی از نکات قابل توجه است که می‌خوانید.

ویژه در یکی دو سال تازه سپری شده این بوده و هست که نسبت به ابراز عقاید و آرای دانشگاهی‌ها و روشنفکران و منتقدان سیاست‌های اقتصادی و برخی از نمودهای سیاست خارجی سختگیری‌ها کمتر شده است. این راهبرد که نموده‌ها و نمادهای آن به خوبی در سطح دانشگاهی دیده می‌شود برگزاری همایش‌ها و سمینارهای گوناگون و با عناوین خاص و دعوت از دارندگان دیدگاه‌های گوناگون است. به طور مثال فردی مثل محمدرضا تاجیک که به هر حال از روشنفکران برجسته هوادار اصلاحات بوده و هست یا غلامرضا

بهمن ۱۳۹۷ که از راه رسید و سپری شد، نظام جمهوری اسلامی ۴ دهه زاد و رشد را تجربه کرد. در شرایطی که دشمنان نظام سیاسی جمهوری اسلامی تاکید می‌کردند این نظام نمی‌تواند ۴۰ سالگی‌اش را ببیند اما این اتفاق افتاده است. چگونه شد که به اینجا رسیدیم؟ واقعیت این است که مدیران ارشد نظام جمهوری اسلامی در نهادهای گوناگون با تدبیر و دوراندیشی نسبت به بقای نظام در هر مقطع از چهار دهه سپری شده سیاست‌هایی راهگشا برای خود دست و پا کردند. یکی از راهبردهای جذاب در سال‌های اخیر و به

تصویرهای آمریکا در ذهن مدیران ایرانی



حیدر علی مسعودی
استادیار پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای

روایت یا تصویر بیان می‌کنم که اینها همه ارجاع به گفتارها و دیدگاه‌ها و گزاره‌های مقامات جمهوری اسلامی ایران است.

یک تصویر این است که آمریکا منفعت‌طلب است و آمریکا هم مانند سایر بازیگران بین‌المللی دنبال منافع خود است و در یک بازی عقلانی بین‌المللی برای بیشینه‌سازی منافع خود تبدیل می‌کند. بنابراین نتیجه این خواهد بود که آمریکا دشمنی ایدئولوژیک با ایدئولوژی انقلابی و ماهیت جمهوری اسلامی ایران ندارد.

تصویر دیگر، تصویر آمریکای ضد اسلام است، به این معنا که آمریکا با ماهیت جمهوری اسلامی ایران و با ذات انقلابی جمهوری اسلامی سروکار دارد و در تضاد با این ذات است و بنابراین به دنبال ضربه زدن و انحراف این در واقع کنشگر اسلامی است و می‌خواهد آن را از جاده و مسیر منحرف کند.

تصویر و روایت سوم، روایت آمریکای امپریالیسم است که عمدتاً مبتنی بر دیدگاه‌های چپ و مارکسیستی است. در این تصویر آمریکا و دولت آمریکا و هیأت حاکمه آن نظام سرمایه‌داری برشمرده می‌شود و سلطه‌گری و مداخله آمریکا را بر این اساس تبیین می‌کند.

تصویر چهارم آمریکای لیبرال است. به این معنا که آمریکا در واقع سازنده و مدافع یک نظم لیبرال بین‌المللی است و این نظام را ساخته و تلاش می‌کند ادامه بدهد و تداوم ببخشد و بنابراین رابطه‌اش با بقیه کنشگرها و حتی متحدین نزدیکی بر اساس رابطه فرادستی و فرودستی است. در این تصویر آمریکا یک رژیم باغی، گردنکش، مغرور و باج‌خواه تلقی می‌شود. به نظر من این روایت‌های کهن، الگوهای ادراک از آمریکا در دوره جمهوری اسلامی ایران بوده‌اند.

الان می‌خواهیم ببینیم در دوره ترامپ همچنان این ادراک ادامه یافته یا خیر؟ مجدداً با ارجاع به گزاره‌هایی که از مقام‌های ارشد گرفتم در چند تصویر بیان می‌کنم. یک تصویر این است که آمریکا مستکبر یا ضد اسلام است و در یک تضاد ذاتی با ایدئولوژی انقلابی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. بنابراین اصولاً آمریکا با نظام مشکل دارد و با ماهیت آموزه‌ها و گرایش‌های اسلامی مردم مشکل دارد. آمریکای منفعت‌طلب که حتی مقام رهبری هم در واقع وقتی به ضعف دستگاه محاسباتی آمریکا اشاره می‌کنند فرض‌شان بر این است که دستگاه هر چند فشل ناتوانی در آمریکا وجود دارد که منافع آمریکا را دنبال می‌کند

بحث من در این نوشته درباره ادراک ایرانی‌ها از آمریکای ترامپ و امکان پیوند ملی در حوزه سیاست خارجی است. موضوع آمریکا در طول ۳-۴ دهه گذشته، همواره یک مساله و مشکل ذهنی برای نخبگان ایرانی و نخبگان سیاسی و روشنفکری بوده هست. در این چند سال تازه سپری شده به‌خصوص با امضای برجام و پس از آن با خروج آمریکا از برجام به نظر می‌رسد این ادراک تغییر و تحولاتی جدی را تجربه کرده است. به این معنی که احساس می‌شود آمریکا دوباره در مسیر دشمنی و خصومت‌ورزی با ایران حرکت کرده است. مقام‌های جمهوری اسلامی ایران هم در گفتارها و بیان‌های خود به سمت دیدگاه‌های خصومت‌گرایانه بیشتر حرکت کرده‌اند. بنابراین سوال در این نوشته این است که ادراک ایرانی از آمریکای ترامپ چه تفاوتی با ادراک پیشین کرده است؟ یعنی آیا بعد از به قدرت رسیدن ترامپ در کاخ سفید و دیدگاه‌هایی که توسط نخبگان ایرانی دنبال می‌شد نسبت به آمریکای پیش از ترامپ تفاوتی دارد یا نه و آیا همان دیدگاه‌ها و چارچوب‌های ذهنی قبلی است که وجود دارد؟ من از چارچوب مفهومی آقای نیومن استفاده کردم که رابطه‌ای را برقرار می‌کنند بین گفتمان و عملکردی و در واقع عامل واسطه و پیونددهنده اینها است. من مصداق عملکردی را امضای برجام یا خروج آمریکا از برجام تلقی کرده‌ام. روش تحقیق در این مقاله روش اسنادی است. ما با مراجعه به گفتارها و گزاره‌هایی که توسط مقام‌های جمهوری اسلامی، شامل مقام رهبری یا رئیس‌جمهور یا مقام‌های ارشد دیگر مطرح شده است را بررسی و از دل آنها صفات، ویژگی‌ها و افعال نسبت داده شده به آمریکا را استخراج کرده‌ایم و این به صورت خاص بعد از دوران آمریکای ترامپ را شامل می‌شود. موضوع و مقاله آمریکا همچنان یک موضوع بحث‌برانگیز و چالش‌برانگیز برای مقام‌های جمهوری اسلامی و در عرصه گفتمان‌های مختلف که من نام آن گفتمان ذات‌انگازانه و گفتمان زمینه‌گرا باقی خواهند ماند، می‌گذارم. عناصر روایی و جابه‌جایی آنها بین این ابرگفتان به نظر می‌رسد زمینه یک گفتمان، پیوند ملی یا زمینه معنای مشترک را به این گفتمان‌ها پدید می‌آورند. ابتدا مختصر ادراک‌ها ایرانی از آمریکا را در پنج



یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

وسعی می‌کند منافع آمریکا را بیشینه‌سازی کند و بنابراین مشکل آمریکا با ایران این است که می‌خواهد دوباره بر ایران و منافع ایران و موقعیت راهبردی ایران تفوق و سلطه پیدا کند.

تصویر بعدی این است که آمریکا روان‌پریش است و مقام‌های آمریکایی به عنوان یک موجود بیمار، دارای یک نوع وسواس ذهنی نسبت به ایران شده‌اند و در تعبیر مقام رهبری نیز این هست که آمریکایی به عنوان احمق‌های درجه یک و هم در گفتمان وزارت خارجه آقای ظریف که آمریکا را دچار یک رفتار روان‌پریشانه نسبت به ایران می‌دانند و بیماری بدخیم و آلرژی نسبت به ایران می‌داند تعبیر که نسبت به ترامپ مطرح است.

تصویر بعدی تصویر آمریکای عهدشکن است. به این معنی که بعد از خروج آمریکا از برجام به‌خصوص این تصویر برجسته می‌شود. آمریکای منزوی، آمریکایی که در نزدیکی و در اجماع‌سازی و همراه‌سازی با متحدین نزدیک خود دچار مشکل است و نمی‌تواند این اجماع را در مورد ایران ایجاد کند، در این تصویر جای می‌گیرند. آمریکای یاغی تصویری است که وجود دارد در گفتمان آقای روحانی آمریکا در راس قلدرمابانه جهان یا یاغی بودن آمریکا که تقریباً به عنوان برندی برای آمریکا در گفتمان‌های ظریف تبدیل شده است. در این تصویر آمریکا گرفتار یک سری متغیرهای

داخلی است که این متغیرهای داخلی می‌توانند لابی‌ها باشند یا می‌توانند اصولاً آن منافع و لایه‌بندی‌های مختلف در نظام تصمیم‌گیری‌های آمریکا باشند که در بیانات مقام رهبری و روحانی هم دیده می‌شوند. این روایت‌ها و تصاویر مختلف از آمریکا را می‌توان در دو ابرگفتمان کلان به عنوان ذات‌انگاره و زمینه‌گرا جای داد. منظور از ذات‌گرایی این است که ادراک ایرانی‌ها نسبت به آمریکا بر اساس یک ویژگی‌هایی است که در واقع یک ویژگی ذاتی است در کوتاه‌مدت تغییر نمی‌کنند. اما روایت‌های زمینه‌گرا به این معنی است که بر اساس یک سری متغیرهای زمینه‌ای تصویر می‌کند مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرند. روایت زمینه‌گرا، آمریکا را منفعت‌طلب و منزوی در مقابل متحدین خود می‌بیند و چند پاره شدن نظام تصمیم‌گیری آمریکا را به شکل یک کلیت واحد در سطوح مختلف تفسیر می‌کند و معتقد است که رفتار آمریکا بر اساس منافع این کشور باید مورد ارزیابی قرار بگیرد. حالا ممکن است این به صورت کامل در تطابق کامل با منافع آمریکا نباشد ولی به هر حال آن مرکزیتی که به آن ارجاع داده می‌شود منافع آمریکا است وقتی که شما نظام تصمیم‌گیری آمریکا را چند پاره می‌دانید وقتی که سران آمریکا را گرفتار یک سری مسایل و مشکلات تلقی می‌کنید طبیعی

است که امکان تغییر شرایط داخلی آمریکا به نفع ایران یا به ضرر ایران وجود دارد. وجود یک سری دیدگاه‌های عقلانی نسبت به ایران در آمریکا فرض گرفته می‌شود که حداقل نفی نمی‌شود و معتقدند ممکن است بشود با آدم‌هایی در آنجا کار کرد.

در این دیدگاه گمانه‌زنی‌ها این است که قدرت هژمونیک آمریکا روبه افول است، چون آمریکا در رفتار با متحدین خود دچار مشکلاتی است و خصومت ایران با چند سیاستمدار خلاصه می‌شود. روایت زمینه‌گرا اصولاً معتقد است این یک تقابل ذاتی تاریخی است. بحثی که من در اینجا ارایه می‌کنم و تقریباً به سمت نتیجه‌گیری حرکت می‌کنم این است که بین این دو ابرگفتمان زمینه‌گرا و ذات‌گرا یک عناصری جابه‌جا شده و یک عناصری وام گرفته شده و استخدام شده که می‌تواند به نوعی آن زمینه معنای مشترک را برای یک فهم ملی از آمریکا ایجاد کند و در واقع به برخی از آنها اشاره می‌کنم. مثلاً توجه به پیچیدگی‌های درونی در آمریکا و ادراکی که نسبت به این پیچیدگی‌ها در بالاترین سطح یعنی رهبری وجود دارد به نظرم مساله مهمی است. تفکیک بین نه‌تنها نظام اجتماعی و مردم آمریکا با دولت حتی خود درون نظام سیاسی و حتی هیات اجرایی که در واقع مسایل و اختلاف‌نظرهای نسبت به ایران دارند نیز قابل اعتناست. این دو ابرگفتمان زمینه‌گرا و ذات‌گرا گفتمان لیبرال یعنی فهم هژمونیک از آمریکا و نگاه امپریالیسم یا نگاه چپ را به حاشیه رانده است و آنچه که الان زمینه‌ادراکی مشترک است در قالب دو گزاره بیان می‌شود و تقریباً به یک نوعی از اجماع در عرصه ملی رسیدیم که حداقل رژیم فعلی آمریکا و نظام سیاسی آمریکایی تفاوت دارند. در این شرایط شما چه در قالب چند معنای استعاری تصور کنید و یا چه در معنای مخالفت با نظم بین‌المللی، می‌بینید که اختلاف‌نظرهای مختلفی وجود دارد و رهبری آمریکا دچار ضعف است و اقدامات آمریکا منجر به کاهش قدرت این کشور شده است. پیش‌بینی و توصیه است دو دیدگاه لیبرال و مارکسیستی یا چپ نسبت به آمریکا به نظر من حاشیه‌ای شده و اگر فرض را بر این بگیریم که گفتمان اصلی سیاست خارجی آقای روحانی نوعی از نهادگرایی لیبرالی است، بنابراین نیازمند یک نوع بازسازی گفتمان سیاست خارجی هستند. سیاست عقلانی و متعادل آمریکا نسبت به ایران می‌تواند زمینه‌ساز یک تعاملی شود. آنچه به شکل تجویز تاکید می‌شود این است که اگر بخواهیم این اجماع نسبی نسبت به آمریکا تداوم پیدا کند و به یک انگاره در ایران تبدیل شود به نظر من مهم‌ترین نکته غیرامنیتی کردن حداقل روابط دانشگاهی و پارلمانی با آمریکا است.



زمانی که خود تدبیر به جزئی از مشکل بدل می شود



دکتر محمدرضا تاجیک
استاد علوم سیاسی
دانشگاه شهید بهشتی

هگل می گوید: همه چیز به فهمیدن و بیان کردن منوط است. امروز باید به تاسی از این سخن گفت، همه چیز ما نیز به دیدن، شنیدن، فهمیدن و گفتن مربوط می شود. لازم است در مورد امر واقعی و امر واقع جامعه صحبت کنیم. من مشخصاً از دو واقعیت و رخداد آینده می گویم. یکی رخدادی که در کار آمدن است؛ به تعبیری در راه است و نشانه های آن همین جا در اکنون ما حاضر بوده اما حضور تام و تمامش موکول به آینده است.

دومین رخداد، از همه جا و هیچ کجا نازل شده و علاوه بر اینکه خبر نمی دهد، سایه ای هم ندارد. شبه وار حادث می شود و بنیان ها را فرو می ریزد، بدون آنکه امکان پیش بینی داشته باشد. در این میان آنچه میان این دو رخداد مشترک می نمایند، تهدید است. هر دوی این رخدادهای آینده با تهدید و خطر همراه بوده و ترسناک و غول آسا جلوه می کنند. تمام بنیان ها، شیرازه ها، نظم فکری، گفتمانی، زمانی، ایدئولوژیک و سیاسی را با چالش مواجه می کنند. این دو رخداد وضعیت را به ناوضعیت تبدیل می کنند. به بیان آئن بدو وضعیت در شرایطی پدید می آید که امور کثیر با هم یکجا جمع شده و همزیستی مسالمت آمیز داشته باشند، اما ناوضعیت، تکرار آشوب پدید آورده و نظم و سامان را بهم می ریزد. این ناوضعیت گسل هایی را فعال می کند که شالوده شکن است. در همین راستا، من در مورد رخداد دوم فعلاً سخنی به میان نمی آورم، زیرا قبل از آنکه به زبان بیایید، می گریزد و مانند دی ماه ۹۶ دفعتاً نازل می شود.

اما رخداد نخست را می توان ردیابی کرد. وضعیت هایی که امروز در این ناوضعیت فعلی ما به عنوان نشانه پدیدار است. معتقدم که در شرایط فعلی وضعیت از لحاظ روانکاوی، تروماتیک است. یعنی امری از درون و برون روح، روان، احساس، اعتقاد و باورهای یک جامعه را مورد هجوم قرار داده و از تعادل خارج می کند. انسان هایی که در شرایط تروماتیک به سر می برند از داشتن روابط منطقی با پدیده ها قاصر بوده و در این شرایط هر سفیدی را سیاه و هر زیبایی را زشت می بینند.

ما اکنون در چنین شرایط تروماتیکی هستیم که موجب آزار روحی و روانی جامعه ماست. برخی از آنها از طریق عطف به ما سبق رخ می دهد؛

یعنی بازگشت به اتوپیا (آرمان شهر)، حوادث و نوستالژی های گذشته. این وضعیت تروماتیک به عبارتی با وضعیت آکروایی تلفیق می شود تا راه برون رفت قفل شود. یعنی هر امارت که می کنیم ویران می شود. بنابراین نوش دارو و دارو به بدن جامعه ای تزریق می کنیم که آن جامعه را بیمارتر می کند.

در اینجا خود تدبیر به جزئی از مشکل بدل و در ادامه نوعی احساس فقدان هم به این فضا اضافه می شود. جامعه ما امروز بیش از هر زمان دیگری احساس فقدان و بیگانگی می کند و روح و روان انسان ایرانی را منفی رقم می زند. آمارها نشان می دهد که ذهنیت جامعه ایرانی چندین برای منفی تر از شرایط عینی است. یعنی حتی اگر بورژوا است، احساس پرولتاریا می کند.

وضعیت دیگر جامعه ما نابرابری و سترونی است. جریان ها و گفتمان های مسلط دیگی هستند که نجوشیده و قفل شده اند. صاحبان گفتمان امروز ما دیری است به یک مقطع تاریخی خاص قفل شده اند و این وضعیت، شکاف میان تغییر و تدبیر را ایجاد کرده است. همین امر سبب شده، تغییرات مهندسی رقم خورده، در حالی که تدبیر ماحسابی پیش می رود. در نتیجه تاخیری به وجود آمده که هیچ ارزش افزوده ای به آن بار نمی شود.

وضعیت بعدی ما، «بی کفایتی کفایت نمادین» است. تعبیری از ژیک می گوید که دیگری بزرگ تولید کننده که ارزش و معنا تولید می کردند دیگر کفایت لازم را ندارند. این دیگری ها مذهب، ایدئولوژی، فرهنگ و زبان جامعه می توانند باشند. درست مانند جامعه ای که گروه های مرجع کفایت تولید و بازتولید معنا را از دست داده و به موازات آن افق معنایی شکل دهنده زیر سوال می رود. این امر خود باعث ایجاد جدایی در جامعه می شود.

از سوی دیگر، در کنار تمامی اینها ما دارای یک وضعیت تعلیق و انحلال هستیم. در این وضعیت خیلی چیزهایی که در دهه اول انقلاب مانند کوه آتش فشان معنا تولید می کردند، تعلیق می شوند. به تمامی اینها وضعیتی به نام فطرت نیز اضافه می شود. به تعبیر آنتونیو گرامشی قدیم در حال احتضار است، اما جدید امکان تولد ندارد. این دورانی است که بسیاری از جریانات کاذب به صورت روزافزون روئیده و روح و روان جامعه را به خود مشغول می کنند. در چنین حالتی یاد واقعیت ایجاد می شود که امکان تشخیص امر واقعی از غیر واقعی را از هم دچار مشکل می کند. سوژه انقلابی قدیم در حال احتضار است، اما سوژه جمعی سیاسی جدیدی امکان تولد ندارد.

همچنین دارای یک خمودگی در بالا و سیزوفرنی در پایین هستیم. یعنی درباره فضای ایجاد شده، بالا بیشتر نقش اپوزیسیون را بازی می کند تا پوزیسیون و به جای اینکه راهی را بگشاید از نشدن و نرفتن شعار و سرود می سازد. در پایین هم سوژه ای وجود دارد که در حصار نمی گنجد و سعی می کند امری نو ایجاد کند؛ در حالی که امید خود را از بالا از دست داده است.

از سوی دیگر یک فضای فرانکشتانی هم در حال شکل گیری است. یعنی موجودی خلق می کند که در نهایت این مخلوق بر خالق خود می شود. فرزندان این شرایط و گفتمان، امروزه به شکلی بر خود خالق در حال شوریدن هستند. در چنین وضعیتی امکان رمزگذاری از افراد و جریان ها به عنوان یکی از مولفه های اصلی سیاست گرفته شده است. زمانی که سیاست این امکان را از دست می دهد، آنچه در بیرون قاب قرار می گیرد، ایجاد مشکل می کند.

همچنین ما امروز در حال نوعی استیضاح ستیزگرایانه خود نیز هستیم. مانند رمان ژان پل سارتر که سه نفر تصمیم گیرنده در نهایت در اتاقی پیش از آنکه به جهنم وارد شوند، نشسته و ضمن بازجویی از هم، یکدیگر را نیز محکوم می کنند. با این تعبیر، تابلویی که ما امروز از آن گریزانیم، نقش تمامی ما در آن وجود دارد. از نقاشی خود نمی توان فرار کرد؛ بلکه باید تامل داشت و نقش را عوض کرد. وضعیت دیگر از لحاظ روانکاوی، هیستریک است. یعنی انسان ایرانی اکنون در حال اذیت کردن خود است. پنداری همه در جنگ همه هستند. همین وضعیت پر خاشکری و عدم تحمل که امروز در کف جامعه شاهد آن هستیم، خود نوعی خودآزاری محسوب می شود. احساس می کنیم همواره یکی در حال بر هم ریختن شیرازه زندگی ماست.

اینها همگی همان رد پاهایی هستند که اگر تمهید نشوند باید منتظر یک رخداد بزرگ متعاقب آن باشیم. در یک وضعیت شناسی، وضعیت های گوناگونی که ذکر شد با یکدیگر جمع شده و در نهایت یک رخداد بزرگ را رقم می زنند. به هر میزان که به این وضعیت اجازه تهییج داده شود، به همان میزان تدبیرش بسیار سخت خواهد بود.

حال بنا به آنچه ذکر شد، تخمین من از آینده این است که در شرایط کنونی، اگر روندها و فرایندها به همین صورت ادامه داشته و وضعیت ها باور شوند، ما باید شاهد جامعه ای میل کرده به اجتماع باشیم. یعنی روح جمعی ما نخنما خواهد شد. یعنی از جمع بودگی به سمت فردبودگی می رویم که سیکل رهبری در دورن خود را می بندد و نیازی به جمع را

لازم نیست بین مقاومت و تسلیم یکی را انتخاب کنیم

دکتر محمدجواد غلامرضا کاشی
استاد دانشگاه علامه طباطبائی



این میان همه چیز در یک دوگانه متفاوت و تصمیم خلاصه شده است. این دوگانه حاصل تجربه چهار دهه گذشته است. این دوگانه می گوید، یا امروز باید مقاومت کرده و تمامی هزینه های رامتحمّل شد یا اینکه تسلیم شویم. در همین راستا است که دچار بن بست شده و تصمیم گیری را نیز به موازات آن دچار بحران می کنیم.

لازم است تاکید کنم که هر دوی آنچه ذکر شده به خودی خود فاقد اصالت است. گاهی مقاومت برای گروهی به بحران و وادادگی برای گروهی دیگر تبدیل به دکان می شود، در حالی که مساله به هیچ عنوان در چنین چارچوبی قرار ندارد. در همین راستا، یکی از راه های لازم امروز برای کشور ما، گشودن محدودیت های ایدئولوژیک است. لازم نیست بین مقاومت و تسلیم یکی از انتخاب کنیم. می توانیم در باغ خیرات سیاسی تفرج کرده و همزمان خیراتی دیگر را نیز انتخاب کنیم تا بتوانیم کاستی های این چهار دهه را از فضای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور بزداییم. ما می توانیم میان دوگانه مقاومت و تسلیم، خیراتی مانند صلح را انتخاب کنیم. ما چهار دهه است با چیزی به نام صلح و همزیستی فکر نکرده ایم؛ از این رو بود که در صحنه داخلی خسارت داده و سبب شدیم تا انقلابی که صدای جامعه بود، قدرت نمایندگی کل خود را از دست بدهد. امروز صدای جنگ از حلقوم فاشیست ترین محافل جهانی بر می آید. ترامپ و نتانیاهو از شعله ور شدن آتش جنگ در منطقه بهره فراوان خواهند برد، در نتیجه افق شکن ترین و خیر سیاسی امروز هم در شرایط داخلی و بین المللی برای ما صلح و همزیستی ملی است. چه ایرادی دارد سردمداران دفاع و مقاومت به سرداران صلح و همزیستی بدل شوند؟

تصمیم گیران بزرگ سیاسی کسانی هستند که قدرت چرخش های جهانی بدون معنای تسلیم شدن را داشته باشند. چرا تصمیم حیاتی را حول و حوش یکی از میوه های شیرین سیاست که صلح و همزیستی است اتخاذ نکنیم؟ اگر چنین چرخشی صورت بگیرد، مطمئناً از بسیاری از چالش ها و شرورهایی که اکنون گرفتار آن هستیم، تا حد زیادی رهایی خواهیم یافت.

در شرایط کنونی، تصمیم گیری حیاتی امری الزامی است. با توجه به اینکه سیاست علم تصمیم گیری است، از سیاست گذاران نیز انتظار می رود که تصمیم بگیرند، اما گاهی است که تصمیم ها باید از تصمیم گیری متعارف بیرون رفته و به تصمیم گیری حیاتی برسند. هر چند این جنس تصمیم گیری ها علی الاصول دشوار می نماید، اما در حال حاضر کشور ما در شرایطی به سر می برد که لازم است تصمیم های حیاتی اتخاذ و اجرایی شوند.

نظام های ایدئولوژیک و برآمده است از انقلاب ها به نحو اولی دچار مشکل می شوند. انقلاب ها همیشه با مجموعه ای از آرمان ها و چشم اندازهای مطلوب به صحنه می آیند و قرار است آزادی، پیشرفت، رستگاری و همه جور خیرات امور انسانی و بشری را با خود حمل کنند. اما علوم سیاسی خوانده ها می دانند که خیرات بشری با مطلوب ها قابل جمع نیست. در این میان تامین هر خیری به معنای آسیب زدن به خیر دیگر است.

نظام های ایدئولوژیک با سبندی از مجموعه خیرات به صحنه می آیند، اما حوادث، محدودیت های تاریخی و شرایط محیطی سبب می شود که در عمل خیری در محور قرار گرفته و خیرات دیگر به حاشیه رانده شود. این امر خود باعث بروز دردسر برای هر نظام سیاسی خواهد بود. به اعتقاد من آنچه در چهار دهه اخیر در ایران در محرومیت قرار گرفت، استقلال کشور از نفوذ بیگانه بود. هر چند این اتفاق مبارکی است، اما پیشبرد یک خیر مختص با پیشبرد خیری دیگری سازگار نیست. به موازات اینکه کارگزاران در پیشبرد این خیر تلاش و عمل می کنند، همزمان خیراتی دیگر مانند عدالت را به حاشیه می رانند و کار به جایی می رسد که آهسته آهسته، تمام دستگاه ایدئولوژیک در همین چارچوب مرزبندی می شود.

با توجه به این امر، باید متذکر شد که شرایط امروز، شرایطی بحرانی است. در

احساس نمی کنند. بنابراین، گرایشی در جامعه شکل می گیرد که با عبور آهسته و پیوسته از سیاست مرسوم به سوی اقتصاد خواهد رفت. در آنجا است که ابر مولفه اصلی که به کنش ها و واکنش ها شکل می دهد، بیش از آنکه سیاسی باشد، اقتصادی است. به موازات آن هویت های ایدئولوژیک کم رنگ تر و به چهل تکه ای بدل می شوند که همزمان می توانند نه این باشند و نه آن و نیز می توانند هم این باشند و هم آن. پس در اینجا بحث هویتی دیگر معنای گذشته خود را نخواهد داشت.

ما به جای آنکه در آینده جامعه ایده آل خود را مشاهده کنیم، در حال جست و جوی آن در گذشته هستیم. دیگر لذت های جامعه ما از حالت نرمال خارج شده و نوعی فضای آبی در سطوح مختلف در حال گسترش یافتن است تا روابط انسان ها را از وضعیت عادی خارج سازد.

ما اکنون در حال عبور از ایدئولوژی گرایی هستیم، در عین حال که به سمت نوعی کلبی مشربی نیز می رویم. ایدئولوژی می گوید: من نمی دانم اما انجام می دهم، در حالی که کلبی می گوید، من می دانم اما انجام نمی دهم. در چنین وضعیتی با عبور از آرمان گرایی به واقع گرایی، سیاست نیز از حالت اتوپیا به خارج شده و سیاستمداری که از آینده روایی سخن می گوید، دیگر مورد پذیرش قرار نخواهد گرفت. در نتیجه از کارگزاران پذیرفته نخواهد شد که هر جا کاستی باشد، آن را به آینده خوب و مطلوب حواله دهند. جامعه ما همچنین اکنون نوعی ترکیب حرکت های انقلابی و اصلاحی را در خود دارد که حتی در آن رگه هایی از حرکت های خیزشی و جنبشی نیز مشاهده می شود. هر چند این خیزش ها عاری از سازمان دهی و رهبری است و ره به جایی نمی برد، اما روح و روان جامعه را خواهد آزد. با این شرایط ما به طور فزاینده ای به سمتی می روییم که نخست باید زندگی کردن را بیاموزیم و بعد به سمت فلسفه بافی برویم. ما در آینده با روشنفکران خاصی روبرو خواهیم بود که نمی خواهند تمام مشکلات بشریت را حل کنند، بلکه تمرکز آنها بر روی یک مساله خاص برای برون رفت از یک مشکل است. با توجه به تمامی آنچه ذکر شد، مایل هستم با یک جمله از دریدا مطلب را خاتمه دهم. ما یاد گرفته ایم که سیاست علم ممکنات است، در حالی که سیاست علم ناممکن هاست. یعنی آنجایی که امکان تصمیم گیری وجود ندارد، اگر تصمیم گرفتیم و راه برون رفت را یافتیم، آنگاه سیاست ورز خواهیم بود. آنجا که به تعبیری قفل می شود، آنجاست که سیاست معنا می یابد. ما امروز بیش از هر زمانی نیازمند سیاست ورزی هستیم تا بتواند شرایط را فهم و راه برون رفت آن را ارائه کند. آینده ما موضوع اراده خواهد بود نه موضوع پیش بینی ما.

تاملی درباره بحران دولت در جمهوری اسلامی ایران



دکتر احمد گل محمدی
استاد علوم سیاسی دانشگاه
علامه طباطبائی

من از بحران با معنای بسیار متفاوتی صحبت می‌کنم. ذیل عنوان این همایش که دشواری‌ها و تصمیمات حیاتی است، به نوعی دشواره را تحت عنوان بحران دولت مفهوم‌بندی می‌کنم و اینکه چرا چنین بحرانی پیش آمده است و چه کاری می‌توان برای تصمیمات حیاتی گرفت؟

به نوعی من آسیب‌شناسی دولت در جمهوری اسلامی را از منظر نهادگرایانه بحث خواهم کرد. سازماندهی بحث من سه تکه است. ابتدا درباره بحران دولت در جمهوری اسلامی ایران صحبت می‌کنم و بعد درباره تبیین بحران در دولت جمهوری اسلامی ایران سخن خواهم گفت که چرا این بحران به وجود آمده است. در نهایت هم در مقام ارائه راهکار برخواهم آمد.

بخش اول بحث من باز سه تکه است. دولت چیست و بحران دولت چیست و بحران دولت در جمهوری اسلامی ایران به چه معنا است؟ من برای دولت به عنوان نهاد و نهاد نهادها دو شأن قائل هستم. دولت به عنوان نهاد محصول شکل‌گیری زندگی اجتماعی است. به وقت تشکیل زندگی اجتماعی اعمال نابرابری گریزناپذیر است و در چنین شرایطی اعمال زور گریزناپذیر خواهد بود. به طور طبیعی در چنین شرایطی زور و توان عده‌ای بیشتر است و برای بقا و ارتقای زندگی اجتماعی باید این مساله سامان پیدا کند. ما نمی‌توانیم اعمال زور و نابرابری را از جامعه حذف کنیم، ولی باید به این وضعیت سامان داده شود. این سامان چیزی نیست جز نهادینه شدن و این نهادینه شدن یعنی زندگی سیاسی. به عبارتی تا زور را سامان ندهیم بقیه عرصه‌های زندگی اجتماعی مرخص هستند. بنابراین نهادینه شدن سیاسی مهمترین وجه نهادینه شدن زندگی اجتماعی است که در قالب دولت تجلی پیدا می‌کند. از این منظر تاسیس نهاد دولت برای تضمین بقا و ارتقای زندگی اجتماعی از طریق سامان‌دهی اعمال زور است. به عبارتی ما دولت را تاسیس می‌کنیم تا اعمال زور را

وجود دارد، ولی از منظر نهادگرایانه عامل اصلی این اختلال که چهل سال در حال رشد بوده، نوعی اختلال نهادی است. یعنی بحرانی فزاینده که از دل یک بحران نهادی بیرون آمده است. این اختلال نهادی محصول بازتعریفی ایدئولوژیکی است که در انقلاب اسلامی ایران رخ داده است. بازتعریف ایدئولوژیکی ماهیت و اهمیت دولت. یعنی شأن دولت به عنوان نهاد و شأن دولت به عنوان نهاد نهادها مختل می‌شود. هنوز هم برخی از روشنفکران ما این کار را انجام می‌دهند. چطور این اتفاق رخ داد؟! ما بر اساس آن ایدئولوژی ماهیت دولت را به گونه‌ای تعریف کردیم که کار ویژه دولت مختل شد. یعنی گویی کار اصلی دولت قانون‌سازی و قانون‌بانی نیست. من شما را به مقدمه قانون اساسی ارجاع می‌دهم. انگار کار دولت این نیست و ما اگره داریم که این معنی را به کار ببریم که دولت متولی نهاد اعمال زور است. من نمی‌دانم اگر پلیس و زندان و اعدام و جرمه را از دولت بگیریم و بقیه را به دست روشنفکران بدهیم با این معنی چه می‌کنند؟

دولت شأن نهادی خود را به این معنا از دست داد و ماهیت تاریخی آن مخدوش شد و ما فکر کردیم دولت نهادی تاریخی نیست درحالی‌که دولت محصول زندگی اجتماعی است و از دل جامعه بیرون می‌آید. بنابراین نسبتی وارونه پیش آمد و به جای اینکه خادم جامعه باشد عکس آن پیش آمد، به طوری‌که اکنون جامعه باید در خدمت دولت و نظام باشد و این معطوف به نگاه من است.

سامان بدهد، زیرا نمی‌توانیم آن را حذف کنیم. این امر از طریق انحصاری کردن و تعلیق است. حرف این نهاد چیزی جز قانون نیست. دولت نهادی قانون‌دار و قانون‌ساز و قانون‌بان است. یعنی باید قانون را بشناسد و آن را وضع کند و پای آن بایستد. ولی دولت به عنوان نهاد نهادها باید یک پله بالاتر برود؛ چون کار او این است که جامعه را پایش کرده و در بالا حاضر و ناظر باشد. به تعبیری وظیفه مانی‌تورینگ بر دوش این نهاد نهادها قرار دارد.

بحران دولت را به معنای ناتوانی فزاینده دولت در وا داشتن افراد به پیروی از قانون معنی می‌کنیم. البته این نسبی است نه صد است و نه صفر و هیچ دولتی پیدا نمی‌شود که در ابتدا و انتهای این طیف قرار بگیرد. دولت در وسط این طیف قرار می‌گیرد. ولی در مورد بحران دولت در جمهوری اسلامی باید به ضرر قاطع اعلام کنم که از ۵۷ تا ۹۷ این ناتوانی دولت افزایش پیدا کرده و روزبه‌روز نیز بیشتر شده است. به جرات می‌توان گفت هیچ ایرانی پیدا نمی‌شود که به طور روزانه شاهد قانون شکنی، قانون‌گریزی یا قانون‌ستیزی نباشد. این مورد آن قدر عادی شده است که ما متوجه آن نمی‌شویم. وجه عقلانی داستان وارونه می‌شود و هزینه‌های پایبندی به قانون افزایش پیدا می‌شود و هزینه‌های عدم پایبندی به قانون کاهش یافته است و این عدم پایبندی از این لحاظ به نظر همه عقلانی‌تر است. این بخش اول بحث من بود. حال باید به این بپردازیم که چرا چنین شده است. نمی‌توان گفت عامل خاصی

معنا، معیار و چند مصداق یک دشواره حیاتی

دکتر قدیر نصری
استاد علوم سیاسی
دانشگاه خوارزمی



در مورد ارکان و نتایج سفر حاکی از بروز نوعی
اخلال و بحران در آورده‌های این سفر است، یعنی
لابد بین برنامه و کارنامه سفر فاصله‌ای وجود
دارد که ناظر منصف را وادار به بازاندیشی در
باب آن کرده است.

آنچه در نوشته حاضر به بحث و فحص
نهاده می‌شود این موضوع معین است که: اولاً
دشواره یا دشواره حیاتی عبارت از روندی قهری
(مانند خشکسالی) یا تصمیمی عمدی (از سوی
صاحب‌منصبان اساسی) است که امیدسرنشینان
به خلاصی از ملال و مسکنیت پیشین را به یأس
بدل می‌کند. موضوع این دشواره حیاتی عبارتند از
بروز جراحت علیه تمامیت ارضی (جسم مسافران)،
بی‌احترامی به کرامت شهروندان یا سرنشینان
اتومبیل جامعه و بالاخره دستکاری سازمان یافته
و نشان دادن حامی‌پروری به جای توزیع منصفانه
فرصت‌ها و منابع.

ثانیاً معیار اساسی برای حیاتی نامیدن یک
دشواره عبارت است از عنصر محدودیت زمانی
(بدین معنا که انسان‌ها فقط یک بار و برای
مدت موقتی در این دنیا/سفر بسر می‌برند و
تصمیم‌سیاسی (توزیع فرصت‌ها و منابع از بالا
بیش از هر تصمیم دیگری می‌تواند این مدت
محدود را سیاه یا زیبا کند.

ثالثاً بر اساس دواصل فوق دیگر نمی‌توان ده‌ها
دشواره و صدها سناریو را ردیف کرد. مانع اساسی
یا دشواره بنیادین، پیش از هر امری محصول
یک باور است. باوری که فقر را فضیلت و رفاه را
زمینه معصیت می‌شمارد اساساً نمی‌تواند به
کارآمدی اندیشه کند. لذا در نخستین گام، این
نظام باورهایست که اهمیت حیاتی دارد. برخی
باورها، دشواره‌پرور هستند یعنی با قبول تعهدات
فزاینده و تعریف مأموریت‌های تازه به جای رفع
معضلات به دفع فرصت‌های موجود می‌پردازند
رباعاً تفکر یا جریان ترس خورده، عمیقاً نگران
اکنون، آینده و گذشته به صورت همزمان
است؛ فلذا استعداد بالایی برای حذف رقیب یا
Politicide دارد. خطر جریان ترس خورده
هنگامی افزون می‌شود که به عقبه‌ای عقیدتی و
ذخایر مالی هم تکیه زده باشد. راه برای حل این
دشواره، نه خراش انداختن بلکه قانع‌سازی مکرر
و خستگی‌ناپذیر برای اصلاح رویه‌هایی است که
مولد بی‌کفایتی، تبعیض و یأس است.

منبع: مجموعه مقالات ارایه شده در دوازدهمین
همایش سالانه انجمن علوم سیاسی ایران (ایران
آینده، دشواره‌ها و تصمیمات حیاتی)

فرض کنیم خانواده‌ای پنج نفره برای خلاصی
از تنگدستی یا نارضایتی ناشی از روزمرگی، قصد
می‌کند مسافرت یا مهاجرت کند بدین امید که
نظم و نشاطی نو به خانواده بازگردد. این سفر قبل
از هر امری مستلزم یک باور ذهنی است به این
مضمون که مسافران یا مهاجران باید یقین داشته
باشند که اصل سفر و تغییر فضا، حتماً حال خانواده
را خوب می‌کند و ماندن و دم زدن، آن خانواده و
اعضایش را به سیاهی و تباهی می‌کشاند.

همچنین این باور اهمیتی اساسی دارد که
سرنشینان اتومبیل این سفر اساساً تربیت‌پذیر
و قابل اصلاح هستند. وقتی که خانواده از
حیث نظری به اجماعی روشن رسید آنگاه سفر
مشروعیت و ضرورت می‌یابد. اما چنین سفر مهمی
مستلزم یک وسیله مناسب، راننده‌ای راه‌بلد و
مناسباتی منصفانه و متناسب با قواعد سفری
است که قرار است فرح‌بخش و بهجت‌افزا باشد.
یعنی اگر وسیله مناسبی در اختیار نباشد یا راننده
سفر نابلد بوده یا مناسبات جاری در سفر اخلاقی و
منصفانه نباشد، آن سفر نتیجه‌ای جز اتلاف انرژی
و تباهی امید، ثمری نخواهد داشت و مسافران
حسرت روزهای پیش از سفر را خواهند داشت.
حال بیاییم آن سفر را انقلاب، خانواده را جامعه،
قواعد سفر را قانون اساسی، راننده را رییس و
مقصد را شرایط پس‌انقلاب و فضای آزاد، عادلانه و
امن‌نمگذاری کنیم. در چنین شرایطی، موضوع
حیاتی و پرسش‌های پیشرفته‌تر (نه پرسش‌های
توصیفی و معطوف به چگونگی) بدین قرارند

یک: چه چیزی به این سفر / انقلاب حیات
می‌بخشد به نحوی که در غیاب آن، دشواره‌ای
حیاتی رخ می‌نماید یعنی نفس مسافرین / جامعه
به شماره می‌افتد یا بند می‌آید؟

دو: معیار رییس برای مشروع دیدن مطالبات
سرنشینان این اتومبیل (بخوانیم افراد جامعه)
کدام است؟ سرنشینان سر چه چیزی، تا چه حدی
و با چه ساز و کاری حق اعتراض دارند؟

سه: مصادیق عینی دشواره‌های حیاتی سفر /
جامعه انقلاب کرده کدامند؟ به سخن دیگر بروز
اختلال در چه بخش یا کارویژه‌ای از سفر، آن را
به ضد خود بدل می‌کند؟ طبیعی است اندیشیدن

مهم‌تر از آن، اینکه دولت به عنوان نهاد
مقدس همه‌دان و همه‌توان تعریف شد.
دولت تقدس دارد و بسیار دانا و توانا است و
دانایی خود را از منبعی غیرمتعارف می‌گیرد.
برای این معنی واژه‌های زیادی در مقدمه
قانون اساسی وجود دارد. روی دیگر سکه
اصلت‌زدایی و اعتبارزدایی از جامعه بود. به
عبارتی جامعه به گونه‌ای باز تعریف شده
است که انگار صغیر، فسادپذیر و بد است و
باید یکی بالای سر جامعه باشد. وقتی این
اتفاقات رخ داد و ما از طرفی آن نهاد دولت
را تعریف کردیم و از این طرف جامعه را به
عنوان موجودی صغیر باز تعریف کردیم، این
نوع باز تعریف ایدئولوژیک مشروعیت بخش
و بستر ساز تعریف کار ویژه‌ای متعارف شد.
دولت برای چه آمده است؟ امروزه انگار
کار اصلی دولت انجام کار جامعه صغیر
و فسادپذیر است. دولت به جای کار برای
اقتصاد، کار اقتصادی کرد و به جای کار
برای فرهنگ کار فرهنگی کرد و به جای
اینکه برای علم کار کند کار علمی کرد.
در اینجا چه اتفاقی افتاد؟ کار ویژه اصلی،
فرعی‌تر و فرعی‌تر شد و دولت به کار بنگاه
داری رسید. یک ابر بنگاه شد و فراموش کرد
که دولت نهاد امنیت است و باید از طریق
قانون‌سازی و اجرا و نظارت آن کار کند.
دولت روز به روز سنگین‌تر و پر خرج‌تر شد
و هر چه سنگین‌تر شد، شأن آن از شأن
نهاد نهادها پله‌ای پایین‌تر آمد.

کار دولت یک پله بالاتر بود و سنگین شد
و قادر نبود که به جایگاه اصلی خود بازگردد.
دولت روز به روز چابکی و چالاکی خود را از
دست داد و دیگر نتوانست در بالای برج
دیدهبانی کند. این باعث شد دولت روز به روز
توانایی واداشتن افراد به پیروی از اراده خود
را از دست داده و قانون‌گریزی روز به روز زیاد
شد. من به این معنا از بحران شتابان دولت
حرف می‌زنم.

اما راهکار که کاملاً مشخص است. ما باید
برگردیم و دوباره در دو سطح باز تعریفی
داشته باشیم. یکی باز تعریف نهادی است.
باید دولت را به شأن اصلی خود برگردانیم
و اگر این اتفاق افتاد باید باز تعریف سازمانی
صورت بگیرد. اما من برخلاف بسیاری از
دوستان چندان خوشبین نیستم. این کار
بسیار پر هزینه و دشوار است. وقتی دولت
پایین آمد، شبکه‌ای از منافع شکل گرفت.
این شبکه منافع به لحاظ سخت‌افزاری و
نرم‌افزاری آنچنان قدرتمند است که هزینه
و هر گونه اقدام برای باز تعریف را بسیار
بالا می‌برد.

دشوارهای مصالحه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران



دکتر مجتبی مقصودی
استاد علوم سیاسی

سوال این است چرا ایران از میان تمام مسیرهای موجود، همچنان مسیر مصالحه‌ناپذیری و آشتی‌ناپذیری را ادامه می‌دهد؟

به نظر می‌رسد در ایران به نوعی از رویکرد و روش لئون تروتسکی که شعار انقلاب متداوم و پیوسته در گستره جهانی را مطرح می‌کرد، قرض گرفته است. تروتسکی معتقد بود اگر انقلاب و بعدها انقلاب بلشویکی به سمت مصالحه برود، محکوم به شکست است و توصیه و تجویز می‌کرد نیروهای مختلف اعم از کمونیست‌ها و نیروهای کارگری و هم نیروهای مستقل ضد سرمایه‌داری دست به دست هم بدهند و حرکت مداوم ضد امپریالیستی را پیگیری کنند. به این ترتیب به نظر می‌رسد این رویکرد در بخشی از نیروهای سیاسی درون جمهوری اسلامی کمابیش وجود داشته و نهفته است. البته جای سوال است آیا در پس و پشت این رویکرد ملاحظات ایدئولوژیک وجود دارد یا این مبارزات رنگ و لعابی برای تامین منافع برخی از نیروها و یا جناح‌های سیاسی است.

به نظر می‌رسد این مبارزه را نوعی سیاست ورزی دو یا چند جانبه دانست. در این سیاست‌ورزی دو یا چندجانبه محوریت با محاسبه خردگرا عقلانی و تامین منافع طرف‌های ذی‌نفع برای حل و فصل مشکلات با در نظر گرفتن قوانین و روندهای جاری است و معمولاً در مصالحه سیاسی تلاش می‌شود رضایت نسبی طرف‌های ذی‌نفع کسب شده و اخذ شود. به هر ترتیب گمان می‌شود این رویکرد و اینکه تمامی نیروها سهمی از منابع ببرند و منافع نیروهای درگیر تامین شود با مقاومت جدی روبرو است. وقتی از صلح و مصالحه صحبت می‌شود با ادبیات صلح که گالتونگ نروژی در این حوزه آثار و منابع فکری عظیمی را ارائه داده است بحثی تحت عنوان صلح مثبت در کنار صلح منفی مطرح می‌شود.

او یک صاحب‌نظر نروژی است که چندین دهه در این حوزه قلم‌فرسایی کرده و در اینجا برخی از بحث‌های ما با استناد به نظریه وی مطرح می‌شود. ما با دو نوع صلح و مصالحه مواجه هستیم، یکی صلح منفی که صلح سنتی و رایج است و بیشتر بر اساس آن مفهوم صلح را فهم

می‌کنیم و دیگری صلح جدید است. در مفهوم سنتی، صلح به معنی نبود جنگ است. اگر از این‌منظر نگاه کنیم نهاد دولت در چهار دهه اخیر کارنامه قابل قبولی دارد چون همواره به صورت خواسته یا ناخواسته در حال تولید ادبیات بیگانه‌هراسی و تعارض و تقابل است. جنگ با دشمنان واقعی و خیالی و موهوم مثل قهرمان کتاب دون کیشوت یا دایی جان ناپلئون، واژه‌هایی نظیر صلح و مصالحه و معامله و مفاهیمی از این قبیل واژه‌هایی مورد اقبال در جمهوری اسلامی ایران نیستند. در مقابل بیگانه‌هراسی جزو ادبیات رایج است. گزاره‌های این مفهوم غایب است. ما می‌خواهیم گزاره‌های سنتی فراموش شده در جمهوری اسلامی ایران را دانه دانه برشماریم. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مهم‌ترین قانون یا ام‌القوانین، قانون اساسی است که قوانین صلح و مصالحه در آن جایگاهی جدی ندارد. قانون اساسی در موضوع پیگیری صلح و مصالحه در مفهوم کلاسیک و سنتی آن مسکوت مانده، ولی عدالت، آزادی، امر به معروف و نهی از منکر، ظلم ستیزی، نفی سبیل، نفی سلطه‌گری، مبارزه با استعمار و... مفاد زیادی از قانون اساسی را به خود اختصاص داده است.

دومین گزاره من این است که جمهوری اسلامی ایران فاقد استراتژی صلح است. مصالحه سیاسی در دکتترین جمهوری اسلامی ایران جایگاهی ندارد. اگر در مواردی صلحی مطرح شده است به جای یک استراتژی شاید بیشتر یک تاکتیک مدنظر باشد.

سومین گزاره من وجود ناسازگاری ساختاری و اجتماعی است که در ابعاد مختلف اعم از فیزیکی، ایدئولوژیک، فرهنگی و... در همه فضاها اعم از آموزشی و سیاسی و قضایی و... قابل رویت است. پرخاشگری‌های فردی و خشونت‌های جمعی، تعداد پرونده‌های موجود در قوه قضاییه و روابط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای همسایه همگی دال بر وجود ظرفیت‌های ناسازگاری است. روابط ایران با ۱۵ کشور همسایه کمابیش ناظر بر وجود اختلافاتی جدی است. رویکرد جمهوری اسلامی ایران با بازیگران جدی منطقه‌ای و بین‌المللی و نیز نهادهای مدنی کمابیش نشان می‌دهد این نگاه منفی در همه حوزه‌ها وجود دارد.

لذا من ادعای خود را مجدداً تکرار می‌کنم: صلح کلاسیک در نگاه جمهوری اسلامی ایران در عمل و نظر جایگاهی ندارد و هرجایی که به آن تن در داده‌ایم از روی اجبار و به ناچار و بنا بر مصلحت بوده است. آزادسازی گروگان‌های آمریکایی و قبول خاتمه جنگ و پذیرش قطعنامه

۵۹۸ و حتی امضای توافق‌نامه برجام به نوعی تاکتیک بود. این حرکت از نظر سیاست‌گذاران یک استراتژی نبود و از سر ناچاری به این حرکت تن دادند. حتی برخی مدعی هستند در آستانه پیروزی انقلاب همکاری رهبران انقلاب با نیروهای چپ و ملی مذهبی و... یک تاکتیک بوده و نه یک استراتژی. لذا هرگاه جمهوری اسلامی ایران در موضع ضعف و استیصال قرار گرفته است به صورت تاکتیکی و موقتی تن به مصالحه سیاسی داده است.

اما صلح در قرائت مثبت آن کمی عمیق‌تر و گسترش یافته‌تر است. صلح در قرائت جدید آن با موضوعاتی نظیر عدالت، حکمرانی خوب، رعایت حقوق بشر، دموکراسی، محیط کسب و کار امن و شفاف و... عجین و هم بسته است. در صلح مثبت نهادهای سرزنده و امیدوار و جامعه، هدف محسوب می‌شود. صلح مثبت، آینده‌نگر، استراتژیک و توسعه‌گرا است. در مورد صلح مثبت ما رویکردی‌هایی داریم و می‌توانیم نمره ای مثبت‌تر از صلح سنتی کسب کنیم. ما امروز بر اساس شاخص‌ها ۱۳۷ از ۱۶۳ هستیم و کم مانده به قعر جدول نزدیک شویم.

در اینجا سوالاتی که مطرح می‌شود این است که آیا مصالحه‌ناپذیری در ذات انقلاب و نظام است یا قرائتی خاص است؟! آیا ما کارشناسان حوزه علوم سیاسی با تجربه چند دهه این روند را تایید می‌کنیم؟ باید نظری کسب شود حال این نظر می‌تواند نظر توده‌های مردم باشد و یا نظر نخبگان و کارشناسان حکومتی، ولی باید نظری کارشناسی وجود داشته باشد. نمی‌توان چهار دهه سیاستی را استقرار بخشید بدون اینکه هیچ تنوعی در سیاست‌ها اتخاذ کنیم. باید این پرسش را مطرح کرد که تاب‌آوری جامعه تا کجا خواهد بود؟ جامعه ۴ دهه با سیاست‌های مصالحه‌ناپذیر هم راستا بود. آیا این امر می‌تواند استمرار پیدا کند؟ آیا این توانایی را دارد که همچنان چنین روندی، توسعه کند را کندتر ببیند؟

فقدان توسعه و کارآمدی دولت در برآورده کردن نیازهای اولیه موجب آسیب‌پذیر کردن فرایند توسعه خواهد بود. به هر ترتیب من می‌توانم سوالات زیادی را در ادامه مطرح کنم. ما همچنان با انقلاب مداوم روبرو هستیم. آیا نمی‌خواهیم یک وضعیت مستقر را در آینده رقم بزنیم؟

آیا همه کشورهایی که در سطح جهان به دنبال استقلال و تغییر منافع ملی بودند ضمن تعارض با منافع بین‌المللی، منافع خود را تامین کردند؟ این سوالات جدی است و باید پاسخی برای آنها بیابیم.

یادداشت

نگوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



جابه جایی جمعیت و آرامش و تهدید

و درصد قابل توجهی از آنها نمی خواهند در سن کمتر از ۳۰ سال ازدواج کنند و آنهایی که ازدواج کرده اند نیز میل به فرزندآوری ندارند و یا در بهترین موقعیت تکفرزندی را می پذیرند. جامعه ایرانی به ویژه جوانان آن از ناکارآمدی های دولت خسته شده و می خواهند در پهنه سرزمین جابه جا شده و از روستا به شهر و یا بالعکس و از شهرهای کوچک به شهرهای بزرگ بروند و می خواهند از ایران بروند. جامعه جوان ایرانی کار و نان و آرامش می خواهد و یکی از معضلات و ابرچالش های ایران آتی است. پرونده حاضر نگاهی به این مقوله ها دارد.

گوش هایی بسیار تیز لازم دارند، اما آن ناپیداها هستند و بزرگ می شوند. اگر مدیریت ارشد جامعه ایرانی در دولت و در نهادهای اداره کننده کشور آن دگرگونی گم و ناپیدا و آن صداها را نبینند و نشوند ممکن است روزی با تهدیدهای ناشناس روبه رو شویم که آمادگی رویارویی با آنها را نداریم. یکی از این دگرگونی ها، جابه جایی و زاد و رشد ترکیب و کیفیت جمعیت ایرانی است. جامعه ایرانی اکنون به ۸۲ میلیون نفر رسیده است و ۳۰ درصد آن را متولدان دهه ۱۳۶۰ تشکیل می دهند که بسیاری از آنها کار ندارند، شمار قابل اعتنایی از آنها ازدواج نکرده

شیرهای جاف افتاده در پهنای صورت کهنسالان و دست های چروکیده شان شاید برای خودشان چندان قابل دیدن نباشد و یا اگر هم ببینند خود را به آن راه می زنند که هنوز پیر نشده اند. کسانی که از بیرون اما به چهره و دست و اندام کهنسالان نگاه می کنند ابعاد پیری و کهولت را می بینند. جامعه انسانی نیز با کمی مدارا چنین است و گذر زمان را خودش نمی بیند، اما از نگاه دیگران دور نمی ماند. جامعه ایرانی در درون خود ناپیداهایی دارد که دیدن آنها نیاز به چشم هایی تیز و عقاب وار دارد. در ناپیدای جامعه ایرانی صداهایی هست که شنیدن آنها

پنجره‌ای رو به جوانان



دکتر محمد جلال
عباسی شوازی



یک بحث دیگر که پنجره جمعیتی می‌تواند در سرمایه‌گذاری انسانی کمک کند این است که هر چه بچه‌های کمتری وجود داشته باشند زنان می‌توانند روی سلامت خود کار کنند و نیازهای کمتری در تامین برخی موارد از جمله غذا که نیاز بچه‌ها است دارند بنابر این پولی که برای غذا و خوراک و پوشاک بچه‌ها لازم است صرف تحصیلات آنها می‌شود.

باز نگاه دیگری که در روش یا دیدگاه معمول پنجره جمعیتی ابتدا ساخت جمعیتی داریم این ساختار جمعیتی تغییر می‌کند که حاصل کاهش باروری است و روی عوامل مختلفی اثرگذار است از جمله جنبه‌های بهداشت و سلامت و حکمرانی و بحث اقتصادی و... در نهایت به سود جمعیتی منجر می‌شود. ساختار جمعیتی تغییر می‌کند و یک سری متغیرهای واسطه و بینابین داریم که تحصیلات و بهداشت و حکمرانی و اقتصاد و... می‌تواند در نهایت به سود جمعیتی منجر شود. در مقابل این دیدگاه یا دیدگاه مکمل این تیمی در اتریش از جمله پروفوسور مورگان لوتس که رئیس بخش جمعیت‌شناسی دانشگاه وین است عقیده دارند سودی که افراد فکر می‌کردند ناشی از پنجره جمعیتی و تغییر ساختار سنی است ناشی از تحصیلات افراد است. این دیدگاه به تحصیلات نگاه می‌کند و می‌گوید سرمایه‌گذاری که برای تحصیلات صورت می‌گیرد میزان تحصیلات افراد توانسته است سود جمعیتی و سود اقتصادی را ایجاد کند و این اتفاق در آسیای شرقی و جاهای دیگر ایجاد شده است. این دیدگاه می‌گوید باید ساختار آموزشی و تحصیلی تغییر کند وقتی

و این دو دلیل دارد. اول اینکه ایران ساختار سنی جمعیت جوانی دارد و ۳۳ درصد جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند. دومین نکته این است که بسیاری از وقایع مهم عمر افراد تحصیل و ادامه تحصیل و ورود به بازار کار و اشتغال و ازدواج و فرزندآوری و مهاجرت و طلاق و... در این سنین اتفاق می‌افتد. دو نکته دیگر این مساله را بر اهمیت کرده است. تحولات سریع در حوزه تکنولوژی و ارتباطات و تحصیلات باعث شده ما تغییرات اجتماعی پرسرعتی داشته باشیم و حال ترکیب جمعیتی فشرده و دوره جوانی مهم و این تحولات اجتماعی باعث شده است این جوانان اصطلاحاً به عنوان موتور محرک تغییر اجتماعی و تحولات اجتماعی قرار بگیرند بنابر این سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی روی این دوره برای ما بسیار مهم است. کسانی که روی پنجره جمعیتی بحث کرده‌اند دو دیدگاه دارند یک دیدگاه اصلی وجود دارد و بحث آن این است که وقتی باروری کاهش پیدا می‌کند باعث می‌شود جمعیت زیر ۱۵ سال کم می‌شوند و جمعیتی که وارد بازار کار می‌شود و سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای جمعیت زیر ۱۵ سال زمینه‌هایی فراهم می‌کند که می‌تواند به رشد و توسعه اقتصادی منجر شود.

کاهش باروری باعث می‌شود بچه‌های کمتری وجود داشته باشند و نیروی کار بیشتری باشد بعد پس‌انداز باعث می‌شود جمعیت بالغ با آمایش بیشتری به درآمد بیشتر و همچنین امکان پس‌انداز و ذخیره بیشتر بینجامد و این پتانسیل می‌تواند برای سرمایه‌گذاری بیشتر مورد استفاده قرار بگیرد.

کاری که من ارایه می‌دهم بیشتر در باره پنجره جمعیتی است. کار من بر مبنای گزارشی بود که قبلاً قرار بود با این موسسه انجام شود پنجره جمعیتی بازار کار که به دلیل محدودیت‌هایی که وجود داشت در قسمت دوم کمی محدودتر شد بخصوص فارغ‌التحصیلان آموزش عالی وزارت کار این گزارش را دو سه هفته پیش چاپ کرده است و در دسترس قرار دارد خانم دکتر صادقی و دکتر حسینی با من همکاری کرده‌اند و حداقل باید گفت مقدمه‌ای برای این بحث و بحث‌های پنجره جمعیتی است. من قسمت اول را به بحث پنجره جمعیتی اختصاص می‌دهم و برای قسمت دوم اخیراً کاری وزارت آموزش عالی انجام داده است تحت عنوان رصد اشتغال که کار من نیست ولی در جلسه‌ای توسط روسای دانشگاه آقای برومند ارایه کردند و دیروز هیات دولت خواسته بودند که وزیر علوم چیزی ارایه بدهند که من خواهش کردم قبل از انتشار اسلایدهایی گرفته شود که به نظر من بد نیست وضعیت دانشگاه‌ها را نسبت به بحث موفقیت آنها در اشتغال به فارغ‌التحصیلان خود که در بحث به آن می‌رسیم.

در شرایط امروز ایران تمرکز بر مسایل جوانان به عنوان اولویتی اساسی و استراتژیک مطرح است

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

تحصیلات نباید از طرفی باعث کاهش باروری می‌شود و بعد می‌تواند تغییر ساختار سنی را موجب شود و این تغییر ساختار سنی می‌تواند روی تولید تاثیر بگذارد. این تحصیلات است که باید به عنوان عامل مهمی به آن نگاه کنیم. در دیدگاه معمول پنجره جمعیتی فقط به کاهش باروری و تغییر ساختار سنی توجه می‌شود ولی این اعتقاد وجود دارد که سود جمعیتی خودکار نیست و بستگی به شرایط مختلفی از جمله تحصیلات و حکمرانی دارد. اگر با نگاهی دیگر و نگاهی آلترناتیو نگاه کنیم اولاً بار را روی دوش تحصیلات می‌گذارد و یا اهمیت را به تحصیلات می‌دهد. همینطور سطح تحصیلات زنان می‌تواند روی فرزندآوری اثر بگذارد. و همینطور می‌تواند به نیروی انسانی مولد تبدیل شود و در مجموع سرمایه انسانی را افزایش دهد.

♦ تحصیلات و پنجره جمعیتی

اگر تحصیلات به عنوان عامل مهم دیده شود و ما به عنوان پنجره جمعیتی به موضوع نگاه کنیم. و قرار نیست این تولید با تغییر سن افراد تغییر کند. می‌تواند ادامه داشته باشد همان تعبیری که در اتریش مثال می‌زدند و گفته می‌شد افراد در اروپا ساختار سنی بالایی دارند ولی تولیدی فعالی دارند و ساختار سیستم باید به نحوی باشد که از آن استفاده کند. مثال‌هایی که آنها می‌زنند این است که دستیابی به تحصیلات به خصوص تحصیلات عالی و فراگیر باعث شده است اندازه زیادی از بهره‌وری که گمان می‌کردند ناشی از عوامل دیگر است در حقیقت به دلیل سرمایه‌گذاری روی تحصیلات بوده است. در کره جنوبی و سایر کشورها که بهره‌وری داشتند و رشد اقتصادی بالا بود این موارد تبیین شده است و این تغییر صرفاً به دلیل رشد سنی نیست. اگر این دیدگاه و این نتایج را قبول داشته باشیم این دیدگاه و این نتایج آن ایده‌ای که تغییر جمعیتی و یا پنجره جمعیتی صرفاً باعث باز و بسته شدن است را مورد سوال قرار می‌دهد. اینکه خیلی‌ها می‌گویند پنجره باز شد و حالا دارد بسته می‌شود.

آقای وولف گالنوس و آنها یک گزارش بیش از هزار صفحه‌ای دارند. کتابی است که آکسفورد اخیراً منتشر کرده است و جنبه‌های مختلفی که تحصیلات می‌تواند روی افکار و رفتار افراد و شرایط آنها اثر بگذارد را بحث کرده‌اند تیم بزرگی که برای این کتاب کار می‌کردند و در بخش‌هایی نیز ما حضور داشتیم در فصل اول شناخت ما را عوض می‌کند و نحوه نگاه ما به آینده و می‌گوید با تحصیلات، سالخوردگی آینده با چالش کمتری روبرو خواهد بود و افراد ناتوان و معلول کمتری خواهیم داشت و بحث باروری پایین‌تر نیز بخشی از آن است. همینطور تحصیلات افراد را توانا می‌کند تا جامعه‌ای سالمندتر و ثروتمندتر و دموکراتیک

تر و مقاومتر در برابر شرایط آینده باشند. ما مقاله‌ای با ایشان داریم که خواندنی است و از جنبه‌های مختلف بحث شده است و شاخص‌های مختلف دموکراسی و... استفاده شده است در مقابل دیدگاهی که گفته است ساختار سنی تغییر می‌کند گفته است بحث‌های تحصیلی باید نگاه شود و در نتیجه در مورد دموکراسی در ایران پیش بینی‌هایی شده است. می‌خواهم بگویم این موضوعی است که از جنبه‌های مختلف به پنجره جمعیتی و پنجره تحصیلی نگاه کرده است. اگر به این دو دیدگاه نگاه کنیم دو جنبه می‌بینیم یعنی سیاست‌هایی که می‌خواهیم فرض کنیم شاید کمی متفاوت باشد اگر با دیدگاه اولیه نگاه کنیم آن دیدگاه اولیه می‌گوید تنظیم خانواده بیاورید و باروری کاهش پیدا کند و زمانی که باروری کاهش پیدا کرد ساختار سنی تغییر پیدا می‌کند و پنجره جمعیتی باز می‌شود این در مورد افغانستان هم گفته می‌شود. ولی در دیدگاه دوم کاهش باروری مطرح نیست. و سرمایه‌گذاری روی تحصیلات است که روی ساختار سنی تاثیر می‌گذارد و رشد اقتصادی به صورت هم‌زمان صورت می‌گیرد و این دیدگاه سیاستی این دو است.

♦ تحولات ایران

نکته دیگری که در دید پنجره جمعیتی مهم است موضوعات مختلفی است که در مورد سن بازنشستگی و... مطرح است. این نگرانی که شخص یک روز بعد از شصت سالگی ناتوان است و دیگر رشدی نخواهد داشت وجود دارد و باید فکر کرد چطور از این افراد برای رشد اقتصادی بالاتر استفاده کنیم. و نکته دوم این است که به شرطی از این پنجره جمعیتی و تحصیلی استفاده کنیم که باعث شود سود جمعیتی دوم نیز داشته باشیم یعنی این افراد وقتی در سنین سالخوردگی و بالای ۶۵ سال هستند ضمن اینکه دانش و تجربه و سرمایه انسانی را به طور خاص با خود حمل می‌کنند به‌خاطر پس‌اندازی که داشتند و سرمایه‌گذاری‌هایی که کرده‌اند سود جمعیتی دومی به دست می‌آورند. این شرایط این معنا را ندارد که باید یکی را کنار گذاشت هر دو مکمل هم هستند. به هر حال شرایط استفاده از این پنجره جمعیتی شرایطی است که با هم آن را مرور می‌کنیم. و درباره آن صحبت می‌کنیم.

در مورد تحولات جمعیتی ایران صحبت می‌کنیم. این اتفاقی است که در کشور ما رخ داده است و روند باروری از سال ۱۳۵۱ تا سال ۱۳۹۵ دیده می‌شود. با توجه به داده‌های مختلفی گرفته شده است. اوج باروری در زمان انقلاب و کاهش آن در دهه شصت و هفتاد و از اواخر دهه هفتاد دیگر روند باروری ثابت و یا در نوسان بوده است. در ۵ سال اخیر افزایشی در باروری ایجاد شده است و

باروری از ۱.۸ به ۲.۱ در سطح کل کشور و در نقاط روستایی به ۲.۵ و یا ۲.۶ رسیده است و در نقاط شهری به ۱.۹ رسیده است و به خاطر وزن بیشتر جمعیت در نقاط شهری عنایت دارید که روی سطح باروری نقاط کل کشور تاثیر گذاشته است. در الگوی باروری چه اتفاقی افتاده است؟! اوج فرزندآوری در زمان انقلاب و بین ۲۰ تا ۲۴ ساله‌ها بود و بعد کاهش شدیدی داشته است و در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ کاهش جبران شده و بالاتر از دهه‌های قبل قرار گرفته است و سطح باروری در سنین مختلف افزایش پیدا کرده است. به‌خصوص گرایش‌هایی که به سمت سنین سی تا سی و چهار سال پیدا کرده است. یعنی تأخیری در فرزندآوری رخ داده است و این مهم است چون باروری ما را به سطح جانشینی رسانده است ولی سوال ایجاد می‌کند که آیا این افزایش مقطعی است یا می‌تواند تداوم داشته باشد؟ این سوال سیاستی بسیار مهمی است آیا می‌توانیم این سطح را نگه داریم یا مثل زمان انقلاب افزایش پیدا کند ولی پایدار نبود و زمان مندی فرزندآوری را تغییر می‌دهند. و این سوال بسیار مهم است.

♦ سطح تحصیلات و فرزندآوری

دو نکته وجود دارد اولاً طبق انتظار سطح تحصیلات با باروری رابطه معکوس دارد اصطلاحاً ابتدایی بالاترین سطح باروری و در حدود ۲.۷ و بعدی راهنمایی است که در حدود ۲.۵ است و بعد دیپلم و پیش دانشگاهی است که در حدود ۲.۱ است و بعد لیسانس حدود ۱.۵ است و بعد فوق لیسانس که در حدود یک فرزند است. نکته جالب این است که ضمن افزایش پیدا کردن سطح تحصیلات ولی سطح باروری در کشور ما مثل روند دیپلم است. یعنی ترکیب سواد بعلاوه دیگر مسائل فرهنگی و خانوادگی و سنتی که در ترکیب جمعیت وجود دارد. ولی باید گفت سطح باروری کل کشور هم وزن سطح دیپلم است.

این تغییرات باعث شده است در ۴۵ سال گذشته دو تغییر اول در ساخت جمعیتی ما و دوم در تحصیل رخ بدهد. سرمایه‌گذاری که در کشور به‌خصوص بعد از انقلاب برای تحصیل صورت گرفته باعث شده است نه تنها سطح تحصیلات مردان بلکه سطح تحصیلات دختران نیز افزایش پیدا کند و ما یک ساختار جدید داشته باشیم. نکته دیگر مقایسه ساختار ایران و پاکستان است. ساختار سنی و جمعیتی پاکستان در دهه ۱۹۷۰ شبیه به هم بوده است. هر دو سطح بالایی از جمعیت جوان را داشتند و باروری بالا بوده است. در ایران دو تحول صورت گرفت ساختار سنی در ایران تغییر پیدا کرد و تحول در تحصیل رخ داد. سوال این است که آیا سرمایه‌ای که ما داریم به نحو مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرد یا نه؟ متأسفانه وقتی به سطح اشتغال

و بیکاری در جامعه نگاه می‌کنیم وضعیت مساعدی را نمی‌بینیم. به‌خصوص در مورد جوانان ۱۵ تا ۲۹ ساله بیکار است. و به‌خصوص بیکاری زنان که به مراتب بالاتر است. بخشی از جمعیت که زنان هستند از بازار کار حذف هستند. و این خلل در بازار کار چقدر از رشد و توسعه اقتصادی ما می‌کاهد و سوالی است که دوستان اقتصاد دان باید به آن پاسخ بدهند، با توجه به اینکه ۲۵ درصد جمعیت ما این رده سنی هستند. ما بحث اشتغال و بیکاری زنان را بر اساس سیستم تحصیلی بررسی کرده‌ایم. در سنین مختلف درصد بسیار کمی هستند که در بازار کار هستند. در بازار کار کسانی که اشتغال دارند بیشتر به دیپلمه‌ها بر می‌گردد و کسانی که تحصیلات دانشگاهی دارند. بنابراین سیاست‌ها و مقرراتی که وضع می‌شود اگر بخواهد سیاست‌های جمعیتی را اعمال کند به این گروه بر می‌گردد و باید متمرکز در این گروه باشد.

اگر بخواهیم بحث پنجره جمعیتی به سود اقتصادی منجر شود. به موشکافی بیشتر و تحلیل بیشتر نیاز داریم. هم در عرصه جمعیتی و هم در عرصه‌های اشتغال و اقتصاد و دوم باید سیاست داشت ما علت مشکلاتی که امروز در جامعه داریم از دو چیز ناشی است. سیاست‌های غلط و بی‌سیاستی‌های ناآگاهانه برنامه‌ریزی برای سیاست‌ها بودجه و حمایت مالی تعهدی که دولت‌ها بایستی برای اجرای این برنامه‌ها داشته باشند و اجرای آن برنامه‌ها و مهمتر از آن نظارت و ارزیابی برای بهبود کار در ساختار برنامه ریزی مهم است که ما آن را به معنای درستش نداریم. متأسفانه نظارت و ارزیابی ما نیز فقط برای تخریب رقیب است. در نهایت آیا بخش‌های مختلف ما با هم هماهنگ هستند و با هم کار می‌کنند که باز باید گفت در آن حوزه هم جواب منفی است.

آیا به اندازه کافی تحقیقات داریم؟ این سوالی است که باید من و شما جواب بدهیم. آیا کارخانه‌های ما فعال هستند؟ آیا قوانین و مقررات

به اندازه کافی داریم؟ آیا هماهنگی بین بخش‌های مختلف داریم؟ و در نهایت کدام نهاد باید وظیفه این هماهنگی را بر عهده داشته باشد این‌ها سوالاتی است که هم ما محققین و هم سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان و هم مسئولین باید به آنها توجه کنند و جوابگو باشند تا ما به نتیجه‌ای رضایت بخش و قابل قبول برسیم.

یکی از سوالاتی که همیشه مطرح می‌شود این است که آیا کسانی که آموزش می‌بینند توانا و کارآمد هستند. و می‌توانند وارد بازار کار بشوند یا نه؟ آموزش عالی این را سوال کرده و پاسخ می‌دهد. طرح رصد در شهریور ۱۳۹۷ بحث شد مساله این بود که آیا آموزش عالی و فارغ‌التحصیلان آموزش عالی پاسخگوی نیازهای کشور در بازار کار و اشتغال و صنعت هستند یا نه؟ برای سطوح این سوال باید داده‌هایی را ارزیابی کنیم و جمع‌آوری کنیم و بسنجیم که الزامات آن در وضعیت و شرایط کشور است. نکته دیگر اینکه برای ساماندهی وضعیت اشتغال در کشور باید بخش‌های مختلفی کار کنند بحث بهبود کیفی نیروی مطرح است و بحث بهبود فضای کسب و کار مطرح است و کاهش تصدی‌گری دولت و نهادها و استفاده بهینه از بازارها و نیروی کار کشور و مدیریت صحیح بین‌المللی که آموزش عالی اینجا تربیت نیروی انسانی را بر عهده دارد آموزش عالی به ویژه معاونت پژوهشی دکتر برومند سعی کردند اشتغال را در آموزش عالی و در اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی رصد کنند. دو روش را به کار بردند یک سامانه تشکیل دادند و گفتند کسانی که در سال ۹۲ و ۹۳ فارغ‌التحصیل شده‌اند دنبال شوند تا دانسته شود کجا اشتغال دارند. روش دوم برای ارزیابی این بود که از طریق اطلاعاتی که در سامانه وزارت کار و رفاه اجتماعی وجود دارد دو سری داده در کنار هم قرار گرفته است و هدف فرهنگ‌سازی برای داده‌های اشتغال و رصد آنها بود. نامه‌هایی که آقای دکتر برومند در اسفند ۹۶ و بعد از آن به دانشگاه‌ها فرستادند تشکیل سامانه‌ای

را در موسسه پژوهشی و برنامه ریزی آموزش عالی منجر شد. به طور مثال فارغ‌التحصیلانی که دانشگاه‌ها اعلام کردند و جذب بازار کار شدند با کسانی که در سازمان تامین اجتماعی بودند با کد ملی چک شدند کسانی که بیمه پرداخت می‌کردند و... ارزیابی شد و این داده‌ها با هم پیوند یافت. من از جزئیات می‌گذرم. نکته مهم علاوه بر کسانی که در بازار کار هستند برآوردی است که نقل می‌کند در حدود ۵۶ درصد از کسانی که مدارک بالاتر از دیپلم دارند در بخش غیر رسمی مشغول هستند که ممکن است در این پیمایش‌ها حضور نداشته باشند. قسمت اول آمارهایی را که از دانشگاه‌های مختلف اخذ شده است مقایسه می‌کند. اول آمار دانشگاه‌ها و دوم آمار ثبتی که منظور آمارهایی است که از ازمان تامین اجتماعی گرفته شده است. به طور کلی آمارهای ثبتی ۶۱ درصد و ۵۶ درصد اشتغال فارغ‌التحصیلان را با توجه به این دو داده‌های به دست آمده در سطح کارشناسی ۵۸ درصد طبق آمار ثبتی که ۳۴۵ و کارشناسی ارشد ۶۳ درصد و ۴۹ درصد و دکتری ۷۰ درصد و دانشگاه‌ها ۸۴ درصد اعلام کرده‌اند. دانشگاه‌های مختلف را مقایسه کرده است و میانگین شاغلین ده دانشگاه کشور را آورده است. به طور کلی گفته شده است که ۶۱ یا ۶۲ درصد کسانی که فارغ‌التحصیل شده‌اند شاغل بودند و یعنی ۴۰٪ غیر فعال و یا بیکار هستند. سربازی را در نظر نگرفته‌اند. ادامه تحصیل و کسانی که خارج از کشور هستند نیز اینجا نیامده‌اند. ارقام نشان می‌دهد ۵۳ درصد از کل فارغ‌التحصیلان شاغل هستند. این برای سال‌های ۹۲ و ۹۳ است. جالب این است که در تمام رشته‌ها و دانشگاه‌ها و سطوح مختلف زنان بیشتر فعال و شاغل بودند. دانشگاه‌های دولتی در مقابل غیر دولتی ۵۴ و غیر دولتی ۵۱ و شهریه دار ۵۲ و در مقابل غیرشهریه‌پرداز ۵۵ سطوح مختلف تحصیلی دکتری تخصصی ۶۷ درصد کارشناسی ارشد و کارشناسی و کاردانی و دکتری حرفه‌ای بعد قرار دارند. رشته‌های علوم پزشکی بالاترین و بعد علوم انسانی و بعد علوم پایه و بعد فنی و مهندسی و کشاورزی و دام پزشکی که پایین‌تر بود. دانشگاه فرهنگیان که به طور طبیعی معلم هستند بعد سایر دستگاه‌های اجرایی و بعد دانشگاه جامع علمی کاربردی که ۵۶ درصد و بعد وزارت بهداشت و آموزش و درمان پزشکی ۷۱ درصد و دانشگاه‌های مختلف قرار دارد. رشته الکترونیک به تفکیک نوع تحصیل پردیس و پودمانی و... و شبانه پایین‌ترین بود. رشته‌ها را بر مبنای گروه یونسکو مجدداً به‌دانش ۶۸ درصد و به طور متوسط کشاورزی و جنگلداری و ماهیگیری و دامپزشکی و... و رشته‌هایی که اینجا ملاحظه می‌فرمایید. این آماری بود که در موسسه آموزش افرادی در تهیه آن مشارکت داشتند.



یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

جابه‌جایی‌های جمعیت

داده‌های آماری نشان می‌دهد نسبت مهاجرت خالص به جمعیت استان بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ در اغلب استان‌های غربی و جنوب شرقی کشور قابل توجه بوده است. نسبت مهاجرت خالص که کسر مهاجرت خروجی از مهاجرت ورودی را مشخص می‌کند در استان‌های آذربایجان شرقی، خوزستان، چهارمحال بختیاری، لرستان، کرمانشاه، همدان و سیستان و بلوچستان رقم بالایی را نشان می‌دهد. در مقابل استان تهران با ۲۰ درصد بالاترین سهم را از پذیرش کل جمعیت مهاجر کشور داشته است.

علاوه بر این در دو - سال سال اخیر شواهد متعددی نیز از آمار بالای مهاجرت فرسستی در استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی به خصوص از نواحی مرزی به سمت نواحی مرکزی وجود دارد. این آمارها نشان‌دهنده روند کاهش قابل توجه جمعیت نواحی مرزی آسیب‌پذیر ایران است و در نتیجه آن علاوه بر رنجی که بر مردمان مهاجر وارد می‌شود در سال‌های آینده می‌تواند با پیامدهای متعددی برای کشور همراه شود.

مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر و از استان‌های به اصطلاح «محرور» به استان‌های پرخوردار، همواره با انگیزه‌های متفاوتی صورت می‌گیرد اما نقطه اشتراک تمام این مهاجرت‌ها تلاش برای بهبود شرایط زندگی در حیطه‌های مختلف نظیر کسب و کار، افزایش سطح درآمد، ادامه تحصیل، بهبود کیفیت زندگی و غیره است. انگیزه‌ها و اهدافی که در صورت محقق نشدن می‌تواند چالش‌هایی جدی برای فرد، خانواده و جامعه، نظیر افزایش حاشیه‌نشینی در شهرهای بزرگ، افزایش بزه، سرخوردگی، کاهش امید به آینده، پیر شدن جوامع روستایی و شهری در نواحی مرزی و کاهش سرمایه اجتماعی در آن مناطق به وجود آورد. در سال‌های اخیر حجم بالای مهاجرت از غرب، جنوب غربی و جنوب شرقی به نقاط مرکزی کشور به چالشی برای کشور تبدیل شده که هنوز ابعاد آن کاملاً آشکار نیست. علاوه بر انگیزه‌هایی نظیر کسب شغل و درآمد بهتر،

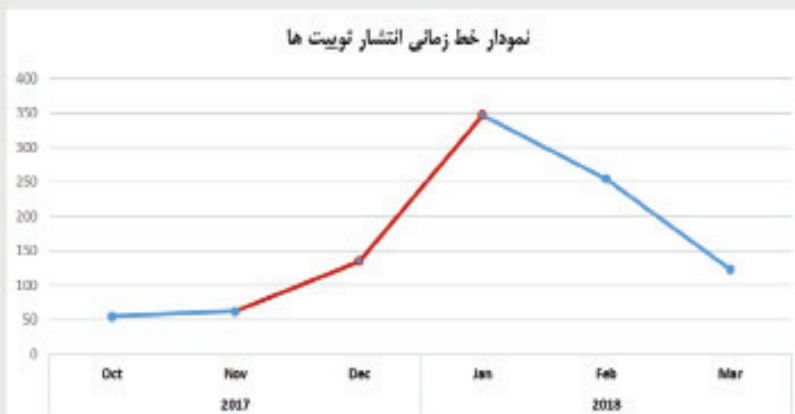
♦ بحران‌های زیست‌محیطی و مهاجرت از خوزستان

از میان استان‌های مهاجرفرست بیشترین استانی که از بحران خشکسالی و آب رنج برده و با مخاطراتی مواجه شده است استان خوزستان است به نحوری که تمام قسمت‌های این استان درگیر کم‌آبی شدید است. شاید بتوان گفت دلیل اصلی مهاجرت از این استان مسائل زیست‌محیطی از جمله گرد و غبار و بحران آب است. دو تالاب مهم این استان یعنی تالاب‌های شادگان و هورالعظیم تقریباً خشک شده‌اند از طرف دیگر علاوه بر پدیده گردوغبار و هوای نامناسب خوزستان که به نوعی ناشی از خشک شدن تالاب‌های مهم این استان است، مردم این منطقه عمدتاً در یک سال گذشته با بحران آب آشامیدنی نیز مواجه بوده‌اند. به نظر می‌رسد در سال ۱۳۹۷ نیز مردم این منطقه با بحران نامناسب بودن آبی که به عنوان آب آشامیدنی در اختیارشان قرار دارد بیش از پیش دست و پنجه نرم کنند. بحران خشکسالی و خشک شدن تالاب‌های شادگان و هورالعظیم در این استان به صنعت کشاورزی صدمات زیادی وارد کرده و زمین‌های بسیاری در این استان به بیابان تبدیل شده است. در خوزستان به خصوص شهرهای جنوبی این بحران، نخلستان‌های بسیاری را از میان برده و تولید خرما را تحت تأثیر قرار داده است.

داده‌کاوی: جابه‌جایی‌های جمعیت در فضای مجازی سال ۱۳۹۶

با بررسی بیش از ۱/۵ میلیون کاربر فارسی زبان تویتر در سامانه فضای مجازی دیتاک در سال ۱۳۹۶، حدود ۱۰۰۰ توییت مرتبط با موضوع جابه‌جایی‌های جمعیت در این شبکه اجتماعی شناسایی شده است.

توییت	لایک	کاربر	رتوییت
۱۰۰۰	۷۰۷۰	۸۰۰	۴۷٪ (۴۷۰ عدد)



توییت‌های این موضوع توسط ۸۰۰ کاربر در این شبکه اجتماعی منتشر شده و بیش از ۷۰۷۰ لایک از سایر کاربران دریافت کرده‌اند.

نمودار انتشار توییت‌های حول موضوع جابه‌جایی‌های جمعیت بصورت شکل مقابل است.

توییت‌های این موضوع در نوامبر ۲۰۱۷ (آبان ۱۳۹۶) شروع به افزایش کرده و در ژانویه ۲۰۱۸ (دی‌ماه) به بیشترین مقدار خود رسیده است.

به عنوان مثال اقتصاد شادگان به واسطه بی آبی و خشک شدن تالاب شادگان با بحران‌های جدی مواجه شد. کمبود آب روستایی در روستاهای توابع شهرستان شادگان، خشک شدن رودخانه جراحی که برای مصارف روستایی و آبیاری استفاده می‌شد، از بین رفتن نخلستان‌ها به دلیل خشک شدن رودخانه جراحی و غیره فقط چند نمونه از مخاطراتی است که شادگان را تهدید می‌کند. اقتصاد این شهرستان نیز متکی بر کشاورزی است که اکنون رو به نابودی است. به گفته منابع محلی از ۲ میلیون و ۵۰۰ نخل در شهرستان شادگان نزدیک به یک میلیون و ۲۰۰ نخل خشک شده‌اند (خبرگزاری ایلنا، ۱۳۹۶). تا آن‌ماه ۱۳۹۶، آمار، بکار، در شهرستان شادگان، به بیش از ۴۲

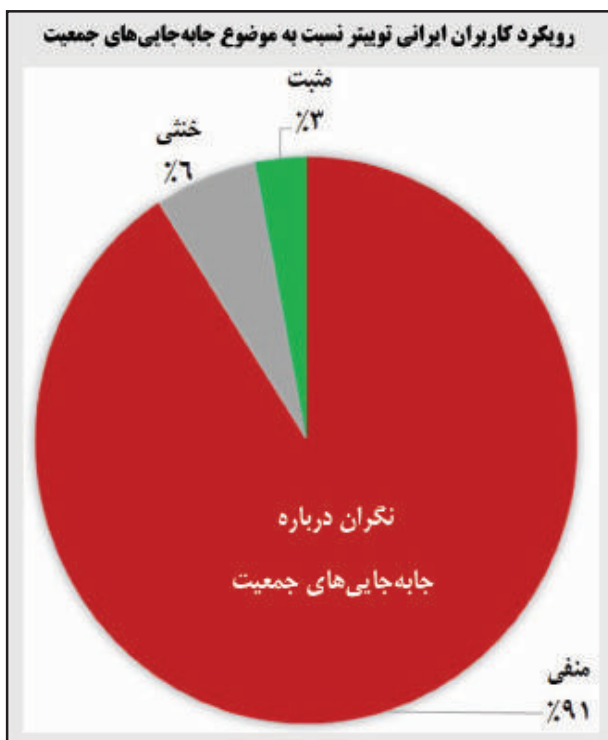
ابر کلمات تویت‌ها

با رسم ابر کلمات متن تویت کاربران ایرانی درباره جایه‌جایی‌های جمعیت در سال ۱۳۹۶ به شکل مقابل می‌رسم که نشانگر تکرار زیاد کلمات غوزستان، آب، مردم، ایران، سیستان، هوا، خشکسالی، اهواز، هامون، کرمانشاه و کارون است.

موضوعات اصلی مطرح شده در توئیتر درباره جاذبه‌های جمعیت

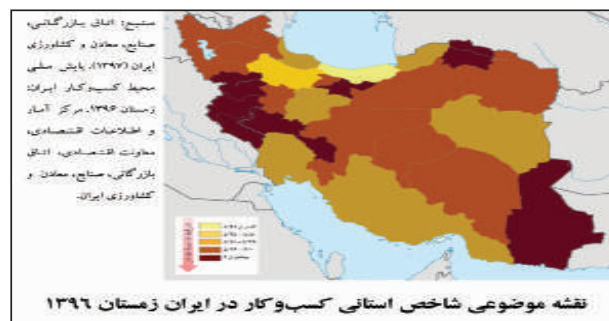
موضوع	درصد
مهاجرت از خوزستان	۳۹٪
بحران آب، عامل مهاجرت	۱۹٪
سایر عوامل مهاجرت	۱۳٪
کشور	۱۲٪
مهاجرت به خارج	۸٪
مهاجرت از زاهدان	۸٪
مهاجرت از اهواز	۵٪
مهاجرت در زمان جنگ	۳٪
مهاجرت از هامون	۱٪

برای مشخص کردن استان‌هایی که نامساعد بودن وضعیت کسب و کار در آنها نه یک موضوع فصلی، بلکه وضعیت پایدار است شاخص‌های مربوط به سه فصل متوالی تابستان تا زمستان ۱۳۹۶ مدنظر قرار گرفت. نتایج نشان داد لرستان، کرمانشاه، خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان استان‌هایی هستند که در تمامی این فصل وضعیت بسیار نامطلوبی داشته‌اند. این استان‌های دارای وضعیت نامساعد از نظر کسب و کار، از نظر وضعیت مهاجرت‌فرستی نیز دارای مهاجرت خالص بالایی هستند. اگر مقایسه را یک فصل دیگر نیز گسترش داده و داده‌های بهار ۱۳۹۶ را نیز لحاظ کنیم، به تنها دو استان سیستان و بلوچستان و کرمانشاه می‌رسیم که در تمامی فصول ۱۳۹۶ در نامساعدترین وضعیت کسب و کار قرار داشته‌اند.



بر اساس داده‌های پایش محیط کسب و کار ایران می‌توان نقش محیط نامناسب کسب و کار در مهاجرت افراد از استان‌ها را هم‌تراز بحران‌های زیست محیطی یا حتی مهم‌تر از آن دانست، به عنوان مثال در استانی مانند کرمانشاه که دارای وضعیت آب عادی و حتی ترسالی در مقایسه با سال گذشته بوده وضعیت نامناسب کسب و کار به جای بحران آب می‌تواند عامل جدی‌تر مهاجرت از این استان باشد. وضعیت نامناسب کسب و کار در کرمانشاه باعث شده این استان همواره در آمار بیکاری صدرنشین باشد و با اختصاص رتبه اول یا دوم آمار بیکاری وضعیت نامطلوب‌تری از سایر استان‌های کشور داشته باشد.

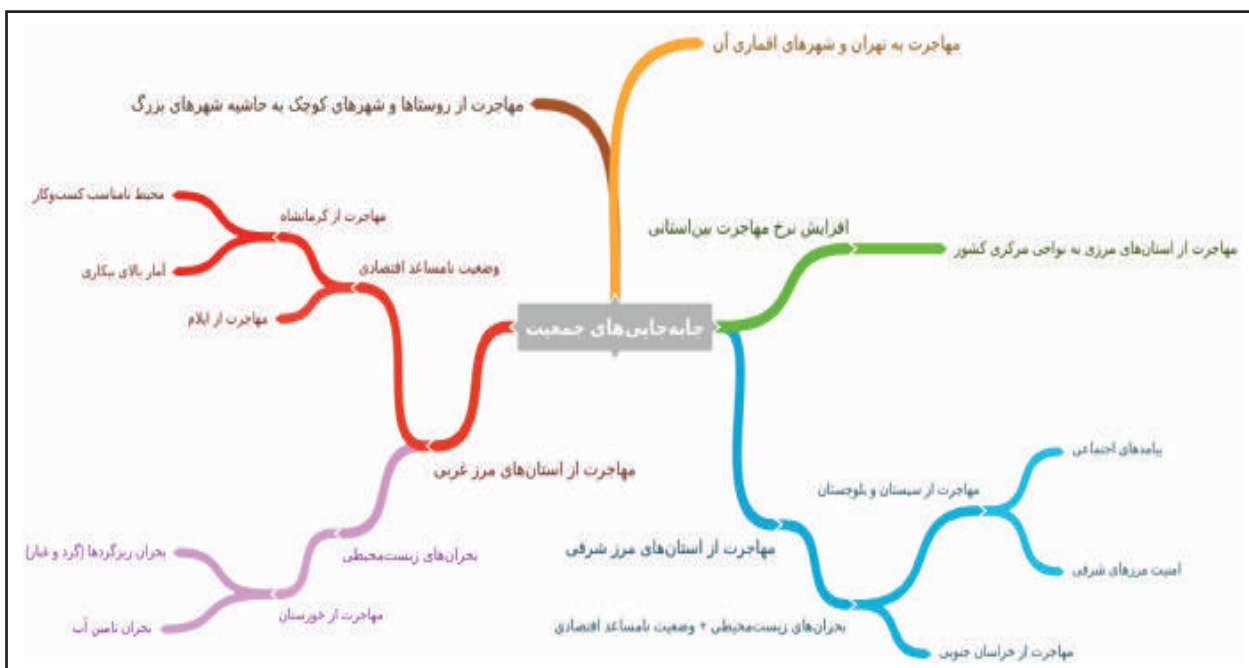
به این عوامل باید زلزله سال ۱۳۹۶ استان کرمانشاه در مناطق مرزی را نیز افزود که روند طولانی بازسازی منازل تخریب شده و شرایط دشوار زندگی در سکونتگاه‌های موقت احتمالاً باعث مهاجرت بیشتر در این استان در سال ۱۳۹۷ خواهد بود.



روستاهای خالی از سکنه هر روز در حال افزایش است (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۵). در استان سیستان و بلوچستان اوضاع حتی بحرانی‌تر است. همان طور که دیدیم این استان در تمامی فصول سال ۱۳۹۶ همواره دارای شاخص کسب و کار بسیار مساعد بود. در کنار این به گفته استاندار خشکسالی باعث مهاجرت مردم سیستان و بلوچستان شده است. به گفته او سیستان و بلوچستان هزار و ۴۰۰ کیلومتر مرز دارد و سرریز مشکلات ناامنی از تکفیری‌ها هستیم (خبرگزاری برنا، ۱۳۹۶). نماینده مردم زابل در مجلس شورای اسلامی سال ۱۳۹۵ خبر داده بود در ظرف سه سال حدود ۲۵ درصد مردم سیستان مهاجرت کرده و به حاشیه‌نشینی در دیگر شهرها روی آورده‌اند. به گفته او مهاجرت مردم سیستان به شهرهای دیگر که به دلایل مرتبط با کم آبی و مشکلات اقتصادی است، هم برای مناطق مهاجرپذیر مشکل آفرین است و هم برای خود مردم سیستان که بسیار شریف و باعزت هستند، دردسرساز است (خبرگزاری میزان، ۱۳۹۵).

◆ تخلیه جمعیتی مرزهای شرقی

سیستان و بلوچستان و خراسان جنوبی به عنوان دو استان پهناور کشور بالغ بر دو هزار کیلومتر مرز با کشورهای همسایه شرقی دارند. مشکلات معیشتی در کنار مشکلات زیست محیطی در سال‌های اخیر وضعیت جمعیتی این استان‌ها را به خصوص در مناطق مرزی دستخوش تغییراتی کرده است. مهاجرت در این استان‌ها که به موضوع امنیت مرزی نیز گره می‌خورد دارای ابعاد پیچیده‌تری است. در استان خراسان جنوبی که بیش از ۴۶۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور افغانستان دارد خالی شدن روستاها به خصوص در مناطق مرزی تهدیدی برای امنیت شرق کشور محسوب می‌شود. به گفته نماینده مردم زیرکوه و قاین در مجلس شورای اسلامی مردم استان حدود ۱۸ سال است که با خشکسالی و مصائب آن دست و پنجه نرم می‌کنند: این روند در مناطق روستایی که اقتصاد آنها بر پایه کشاورزی و دامپروری است، سبب ایجاد مشکلات فراوانی شده و تعداد

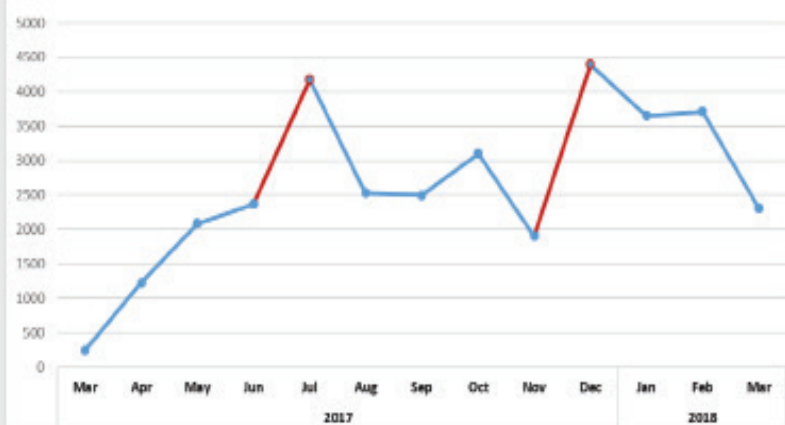


جابه‌جایی‌های جمعیت در بستر تلگرام

تعداد کانال	پست	بازدید
۱۷,۵۰۰	۳۴,۲۳۰	۹۱,۰۰۰,۰۰۰

با بررسی بیش از ۸۰۰ هزار کانال تلگرام در سامانه فضای مجازی دیتاک، به بیش از ۳۴ هزار پست تلگرامی مرتبط با موضوع جابه‌جایی‌های جمعیت می‌رسیم.

نمودار خط زمانی انتشار پست در تلگرام



همان‌طور که در شکل

مشخص است، میزان انتشار پست‌های مرتبط با موضوع جابه‌جایی‌های جمعیت در دو بازه جولای ۲۰۱۷ (تیر ۱۳۹۶) و دسامبر ۲۰۱۷ (آذر ۱۳۹۶) به بیشترین تعداد خود رسیده است.

کشور، مهاجرت از روستا به شهر اهمیت کمتری یافته و مهاجرت بین استانی اهمیت بیشتری پیدا کرده است. در میان استان‌ها نیز دیدیم که وضعیت مهاجرت‌فرستی در استان‌های دارای شرایط نامساعد کسب و کار، آمار بالای بیکاری و درگیر با بحران‌های زیست محیطی همچون خوزستان، سیستان و بلوچستان و کرمانشاه دارای آمار بالاتری است. همچنین آمارها نشان می‌دهد در دوره ۵ ساله ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ پس از تهران، استان‌های البرز، یزد، اصفهان، سمنان و قم بالاترین خالص مهاجرت استانی را دارند که نشان‌دهنده مهاجرت‌پذیری آنهاست.

در نتیجه چالش حجم بالای مهاجرت از نواحی غربی، جنوب غربی، و جنوب شرقی کشور به نواحی مرکزی یکی از مسائل مهم کشور است که هنوز ابعاد مختلف آن کاملاً روشن نیست و در سال‌های آینده با مجموعه مسائل بیشتری در ارتباط قرار خواهد گرفت.

♦ مهاجرت بین استانی: از غرب، جنوب غرب و جنوب شرق به نواحی مرکزی

براساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۵، بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ حدود ۴ میلیون ۳۰۰ هزار نفر محل اقامت خود را تغییر داده‌اند. در این بازه ۵ ساله مهاجران سهم ۵/۳۸ درصدی از کل جمعیت ایران داشته‌اند. سهم مهاجران در بازه ۵ ساله قبلی یعنی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ برابر با ۷/۳۶ درصد بوده است. هرچند در دوره ۵ ساله اخیر سهم مهاجران از کل جمعیت کاهش داشته، اما سهم مهاجران بین استانی از کل مهاجران دارای افزایش چشمگیری بوده و از حدود ۳۶ درصد به ۴۸ درصد رسیده است. به عبارت دیگر حدود ۲ میلیون نفر در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ از استان محل سکونت خود مهاجرت کرده‌اند.

به نظر می‌رسد در شرایط جدید از میان مسائل جمعیتی و مهاجرتی

جابه‌جایی‌های جمعیت در بستر وبسایت‌های خبری

تعداد خبر	خبرگزاری‌های پوشش دهنده
۳۵,۴۰۰ خبر	۹۸۰ سایت خبری

نمودار خط زمانی انتشار اخبار



در نهایت

جابه‌جایی‌های جمعیت در وبسایت‌های خبری ایرانی نیز مطالعه شد. با بررسی بیش از ۱۷۰۰ منبع خبری فارسی زبان در سامانه خبری دیتاک، تعداد موضوع یافت شد.

یادداشت

نکوداشت

انتخابات‌نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

انسان در محاصره هوش مصنوعی



حسن صادقی
عضو هیأت تحریریه

توسعه هوش مصنوعی هستند و حتی برخی از کشورهای اروپایی نیز در محافل بین‌المللی، از رشد خیره‌کننده هوش مصنوعی در چین، ابراز نگرانی می‌کنند. همه این موارد، دلالت بر شتاب کشورها در استفاده از هوش مصنوعی است اما گویا جنس انقلاب دوم تکنولوژی با عصر بخار به کلی متفاوت است. در زمان انقلاب تکنولوژی اول، پدیده‌هایی چون استعمار، اعتصاب کارگران، تشدید شهرنشینی، دگرگون شدن سبک زندگی و حتی مصرف گرایی به تائی از آن به وجود آمد، اما در انقلاب دوم، بحث بر سر ماندن استیلا یافتن ربات‌ها بر انسان و حتی نابودی تمدن بشری است. همانطور که استیون هاو کینگ، آن را از بمب اتم خطرناک‌تر دانست.

این فناوری نیست بلکه تنها بخش کوچکی از قابلیت‌های این تکنولوژی است. نفوذ و گسترش این فناوری که سال به سال بطور نمایی بیشتر می‌شود و مدام در حال بلعیدن داده‌ها و برون دادن نتایج و تحلیل‌هاست، کم‌کم در قامت انقلاب تکنولوژیک عرض اندام می‌کند.

پیش‌بینی از هوش مصنوعی به عنوان انقلاب تکنولوژی البته سخن گزافی نیست. بسیاری از کشورها این موضوع را به خوبی دریافته‌اند و با سرمایه‌گذاری‌های هنگفتی، انتظار دارند در آینده نزدیک، میوه صبری و هزینه خود را بچینند. امارات در این راستا به تاسیس وزارت خانه هوش مصنوعی همت می‌کند، کشورهای دیگر در حال تدوین سند ملی

تصویری که از هوش مصنوعی در ذهن عامه مردم پدید آمده است، بیشتر منبعث از فیلم‌های هالیوودی و اخبار ربات‌های سخنگویی است که بارها از رسانه‌ها منتشر شده است. این نگاه هرچند دید نسبتاً درستی از هوش مصنوعی در آینده می‌دهد اما مغالطه در مورد اصل موضوع نیز کم نیست. ربات‌ها که امروزه به نماد هوش مصنوعی در اذهان عمومی بدل شده‌اند، همه

هوش مصنوعی چیست؟

INDEPENDENT

سرعت تغییرات در جهان کنونی، فرصت هر گونه اشتباه و تامل را دریغ می کند. در برهه های که خط سیر توسعه تکنولوژی به گونه ای دیگر بازتعریف شده است، انتظار و حتی وفادار بودن به استراتژی های گذشته غیر عقلانی و ناپسندانه است. فناوری های جدید به گونه ای جایگزین متدهای سنتی می شوند که استفاده از روش های گذشته نه تنها سودآوری خود را به شدت از دست می دهد بلکه در پاره ای اوقات زیان های سنگینی را بر پیکره اقتصاد و بخش عمومی تحمیل می کند.

در دهه ۱۹۵۰، پیشتازان این رشته، مینسکی و مک کارتی، هوش مصنوعی را به عنوان هر کاری که توسط یک برنامه یا ماشین انجام می شود، تعریف کردند. اگر انسان همان فعالیت را انجام دهد، می توان گفت که انسان باید برای اجرای آن مسئولیت باید از هوش استفاده کند. البته روشن است که این تعریف نسبتا وسیع است، به همین دلیل، برخی اوقات بحث بر سر این است که آیا فلان برنامه واقعا AI است یا نه.

سیستم های AI معمولا برخی از رفتارهای مرتبط با هوش انسانی را شامل می شوند: برنامه ریزی، یادگیری، استدلال، حل مساله، نمایش دانش، ادراک، حرکت و دستکاری و به حداقل رساندن هوش اجتماعی و خلاقیت.

در همین راستا مقاله ای در آخرین شماره نشریه «کسب و کارهاوار» هوش مصنوعی را به عنوان مهم ترین فناوری عمومی عصر حاضر معرفی کرد. شاید تا حدودی قدرت AI در زندگی روزمره، آشنایی وجود داشته باشد. به ویژه زمانی که ربات ها ماشین ها را پارک دوبل می کنند، مشهورترین شطرنج بازها را مغلوب می کنند و حتی در پیش بینی وضعیت آب و هوایی، شتابان به کمک انسان می آیند اما این موارد تنها بخش کوچکی از خدمات هوش مصنوعی در زندگی بشر است که البته بیشتر نیز جنبه مصرفی دارد. در نگاه سازمانی تر، یک پرسش بزرگ وجود دارد که چگونه هوش مصنوعی صنعت را مختل می کند و سرویس های مالی چگونه هوش مصنوعی را به کنترل خود در می آورند.

هوش مصنوعی از گروه زیادی از ظرفیت ها و فناوری ها تشکیل شده است. بر این اساس هوش مصنوعی تنها یک تکنولوژی یکپارچه نیست بلکه متشکل از مقولات زیادی است که گرد هم آمده اند و مفهومی به نام هوش را به وجود آورده اند. مهم ترین بخش های AI عبارتند از:

یادگیری ماشین (MACHINE

LEARNING): روشی از تحلیل داده است که در آن ساخت مدل تحلیلی به صورت خودکار انجام می شود. استفاده از الگوریتم هایی که مکررا از دیتا یاد می گیرد و رایانه ها را قادر می سازد زوایای پنهان را بدون نیاز به برنامه ریزی جدید، بررسی کند. یادگیری عمیق (DEEP LEARNING): زیر مجموعه ای از یادگیری ماشین است که در تشخیص چهره در تصاویر، برچسب گذاری ویدئو و شناسایی فعالیت ها، کاربرد دارد و هم اکنون در حال پیشرفت در ادراکی از جمله صدا و گفتار است. به عنوان مثال، کارکرد این قابلیت در فیسبوک برای شناسایی چهره افراد در تصاویر مورد استفاده قرار گرفت. این تکنولوژی می تواند در موضوعاتی مانند بیولوژی نیز خدمات زیادی را به ارمغان آورد.

پردازش زبان طبیعی: این برنامه رایانه ای قابلیت فهم صحبت های انسانی را در زمان واقعی دارد. تحقیق و توسعه در این رشته به سوی سیستم هایی در حرکت است که بتوانند با مردم از طریق زبان ارتباط برقرار کنند نه اینکه تنها خواسته های سطحی آنها را پاسخ دهند.

INTERNET of THINGS: این ویژگی در تلاش است تا مجموعه وسیعی از دستگاه ها، وسایل نقلیه و ساختمان ها را به یکدیگر متصل کند. به طور مثال، اگر زنگ هشدار ساعت ۷:۰۰ صبح به صدا درآید، به طور اتوماتیک قهوه ساز نیز برای دم کردن قهوه روشن می شود.

بسیاری از یافته های علمی بر این باورند که تاثیر هوش مصنوعی در دهه پیشرو نمایان خواهد شد. اثرات AI در دهه آتی به دلیل تولید، خرده فروشی، حمل و نقل، امور مالی، مراقبت های بهداشتی، قانون، تبلیغات، بیمه، سرگرمی، آموزش و پرورش و تقریبا هر صنعت دیگر، از هسته های پرزاند و مدل های کسب و کاری «یادگیری ماشین» بهره خواهند برد.

◆ انواع هوش مصنوعی

AI را می توان به دسته های ضعیف یا قوی طبقه بندی کرد. AI ضعیف، همچنین به عنوان AI محدود شناخته می شود. این نوع هوش مصنوعی، یک سیستم AI بوده که برای یک انجام خاص طراحی و آموزش داده می شود. دستیار شخصی مانند Apple's Siri، یک نوع ضعیف هوش مصنوعی است. هوش مصنوعی قوی، همچنین به عنوان هوش مصنوعی عمومی شناخته می شود، که یک سیستم هوش مصنوعی با توانایی های شناختی عمومی است. هنگامی که برای یک وظیفه برنامه ریزی نشده تخصیص می یابد، قادر به یافتن

راه حل بدون دخالت انسان است. از آنجا که سخت افزار، نرم افزار و هزینه های نیروی انسانی برای AI می تواند گران باشد، بسیاری از فروشندگان در بخش های پیشنهادات استاندارد و همچنین دسترسی به سیستم عامل هوش مصنوعی به عنوان یک سرویس فعال هستند. AI به عنوان یک سرویس به افراد و شرکت ها اجازه می دهد تا قبل از انجام تعهدات شرکت هوش مصنوعی برای اهداف تجاری مختلف و نمونه برداری از سیستم های مختلف، نمونه خود را با دقت آزمایش کنند. ارائه دهنده خدمات گسترده و محبوب AI شامل خدمات AI آمازون، IBM Watson Assistant، خدمات شناختی مایکروسافت و خدمات گوگل AI است.

در حالی ابزارهای AI طیف وسیعی از قابلیت های جدید را در حوزه کسب و کار ارائه می دهد که استفاده از هوش مصنوعی سوالات بنیادینی را مطرح کرده است. به این دلیل که الگوریتم های یادگیری عمیق، که اساس بسیاری از ابزارهای پیشرفته هوش مصنوعی است، آنچنان باهوش هستند که در تحلیل داده ها، فراتر از برنامه های تعریف شده اقدام کنند. به طوری که اگر قرار باشد یک انسان، همین اطلاعات را بررسی کند، هم به طور ذاتی دارای احتمال خطا و اشتباه است و هم اینکه باید تحت نظارت های نزدیک باشد.

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



استفاده کند. Deep Blue این حرکت‌ها را تحلیل می‌کند - خود و حریف خود را - و استراتژیک‌ترین حرکت را انتخاب می‌کند. Deep Blue و AlphaGO گوگل برای چنین اهداف طراحی شده و به راحتی قابل استفاده نیستند.

نوع دوم عبارت است از حافظه محدود سیستم‌های هوش مصنوعی که می‌توانند از تجارب گذشته برای پیش بینی تصمیمات آینده استفاده کنند. برخی از توابع تصمیم‌گیری در خودروهای رانندگی به این شیوه طراحی شده‌اند. مشاهدات اطلاعات، رفتاری را اطلاع می‌دهد که در آینده نه چندان دور روی می‌دهد، مانند تغییر خطوط حرکت ماشین. این مشاهدات بطور دایمی ذخیره نمی‌شوند.

نوع سوم نیز تئوری ذهن نام دارد. این اصطلاح روانشناسی به معنای درک اعتقادات دیگران، خواسته‌ها و نیت‌های آنهاست و محورهایی که بر اساس آنها تصمیم می‌گیرند یا تأثیر می‌گذارد. این نوع AI هنوز وجود ندارد. نوع چهارم، مربوط به خودآگاهی است. در این دسته‌بندی، سیستم‌های هوش مصنوعی دارای احساس و آگاهی هستند. ماشین آلات با خودآگاهی، وضعیت فعلی خود را درک کرده و می‌توانند از اطلاعات استفاده کنند تا نتیجه بگیرند که چه احساسی دارند. این نوع AI هنوز وجود ندارد.

♦ استفاده‌های هوش مصنوعی

استفاده‌های وسیع از هوش مصنوعی را می‌توان در ۶ حوزه اصلی طبقه‌بندی کرد.

AI در مراقبت‌های بهداشتی نخستین کاربرد این سیستم بوده که بزرگ‌ترین شرط بهبود بیماران و کاهش هزینه‌های آنهاست. شرکت‌ها از یادگیری ماشین برای تشخیص بهتر و سریع‌تر از انسان استفاده می‌کنند. یکی از بهترین فناوری‌های شناخته شده در زمینه مراقبت‌های بهداشتی، ای بی‌ام واتسون است. زبان طبیعی را درک می‌کند و قادر به پاسخگویی به سؤالاتی است که از آن درخواست شده است. سیستم مین پایگاه داده‌های بیمار و سایر منابع داده موجود را برای ایجاد یک فرضیه فراهم می‌کند. سایر برنامه‌های کاربردی AI عبارتند از: chatbots، برنامه کامپیوتری آنلاین برای پاسخ به سؤالات و کمک به مشتریان، برای کمک به برنامه‌ریزی مراکز پیگیری یا کمک به بیماران از طریق روند صدور صورت حساب و کمک‌های بهداشتی مجازی که بازخورد اولیه پزشکی را فراهم می‌کنند.

AI در کسب و کار: اتوماسیون فرآیند رباتیک به کارهای بسیار تکراری انجام می‌شود که بطور معمول توسط انسان انجام می‌شود. الگوریتم‌های یادگیری ماشین‌ها در تجزیه و تحلیل و سیستم عامل CRM ادغام می‌شوند تا اطلاعات را در مورد چگونگی بهتر خدمت به مشتریان کشف کنند. Chatbots در وب سایت‌ها برای ارائه خدمات فوری به مشتریان گنجانده شده است. خودکارسازی

موقعیت‌های شغلی نیز در میان سخنرانان و تحلیل گران فناوری اطلاعات، تبدیل شده است.

AI در آموزش و پرورش: AI می‌تواند درجه‌بندی خودکار را انجام دهد، به مربیان فرصت بیشتری می‌دهد. AI می‌تواند دانش آموزان را ارزیابی کند و با نیازهای آنها سازگار شود و به آنها کمک کند تا سرعت خود را بسنجند. آموزگاران AI می‌توانند کمک‌های بیشتری را به دانش آموزان ارائه دهند، تا اطمینان حاصل شود که آنها در مسیر حرکت قرار گیرند. AI می‌تواند جایی و چگونگی یادگیری دانش آموزان را تغییر دهد، شاید حتی برخی از معلمان را جایگزین کند.

AI در امور مالی: AI در برنامه‌های مالی شخصی، مانند مالیات نان یا توربو، کارکرد موسسات مالی را مختل می‌کند. برنامه‌های کاربردی مانند جمع‌آوری اطلاعات شخصی و ارائه مشاوره مالی استفاده می‌شوند. برنامه‌های دیگر مانند ای بی‌ای واتسون به روند خرید خانه اختصاص یافته‌اند. امروزه نرم افزار بسیاری از معاملات را در وال استریت انجام می‌دهد. AI در تولید. این یک منطقه است که در پیشبرد ترکیب ربات‌ها در تولید کارخانه‌ها فعال بوده است. ربات‌های صنعتی مورد استفاده برای انجام وظایف واحد و جدا از کارگران انسانی، اما هم‌اکنون به عنوان یک تکنولوژی پیشرفته، وظایف خود را گسترش داده است.

♦ نقش AI در اقتصاد جهانی

پیش بینی شده است که پذیرش گسترده AI در میان صنایع، درآمد جهانی هوش مصنوعی را از ۱۲٫۵ میلیارد دلار در سال ۲۰۱۷ به ۴۷ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ با نرخ رشد سالانه ۵۵٫۱ درصد از سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۰ پیش برد. به‌طور خاص، صنایع بانکی و خرده‌فروشی بیشترین سرمایه‌گذاری را در این تکنولوژی کرده‌اند که پس از آنها مراقبت‌های بهداشتی و تولیدی در رده‌های بعدی قرار می‌گیرند. در کل، این چهار صنعت بیش از نیمی از درآمد جهانی AI را در سال ۲۰۱۶ تشکیل داده‌اند، در حالی که بخش بانکی و خرده‌فروشی تقریباً ۱٫۵ میلیارد دلار درآمد داشته‌اند.

در میان صنایع، بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری‌های AI در سال ۲۰۱۷ در زمینه‌هایی مانند عوامل خدمات خودکار مشتریان، هوش تحلیل رفتاری و تشخیص جرایم مالی فعال بودند. سرمایه‌گذاری در دوره‌های کوتاه‌مدت برای سیستم‌های شناختی در صنایع مانند بانکداری، اوراق بهادار و سرمایه‌گذاری و تولید انجام پذیرفته است. در این بخش‌ها، داده‌های بدون ساختار با تمایل به استفاده از بینش اطلاعات و دسترسی به فناوری‌های نوآورانه می‌تواند موجب ایجاد ثروت شود. به عبارت دیگر هوش مصنوعی می‌تواند داده‌های به هم ریخته ارزشمند را به‌طور مفید و کارایی سازمان‌دهی کند که این موضوع در خدمات مالی کاربرد بسیاری دارد.

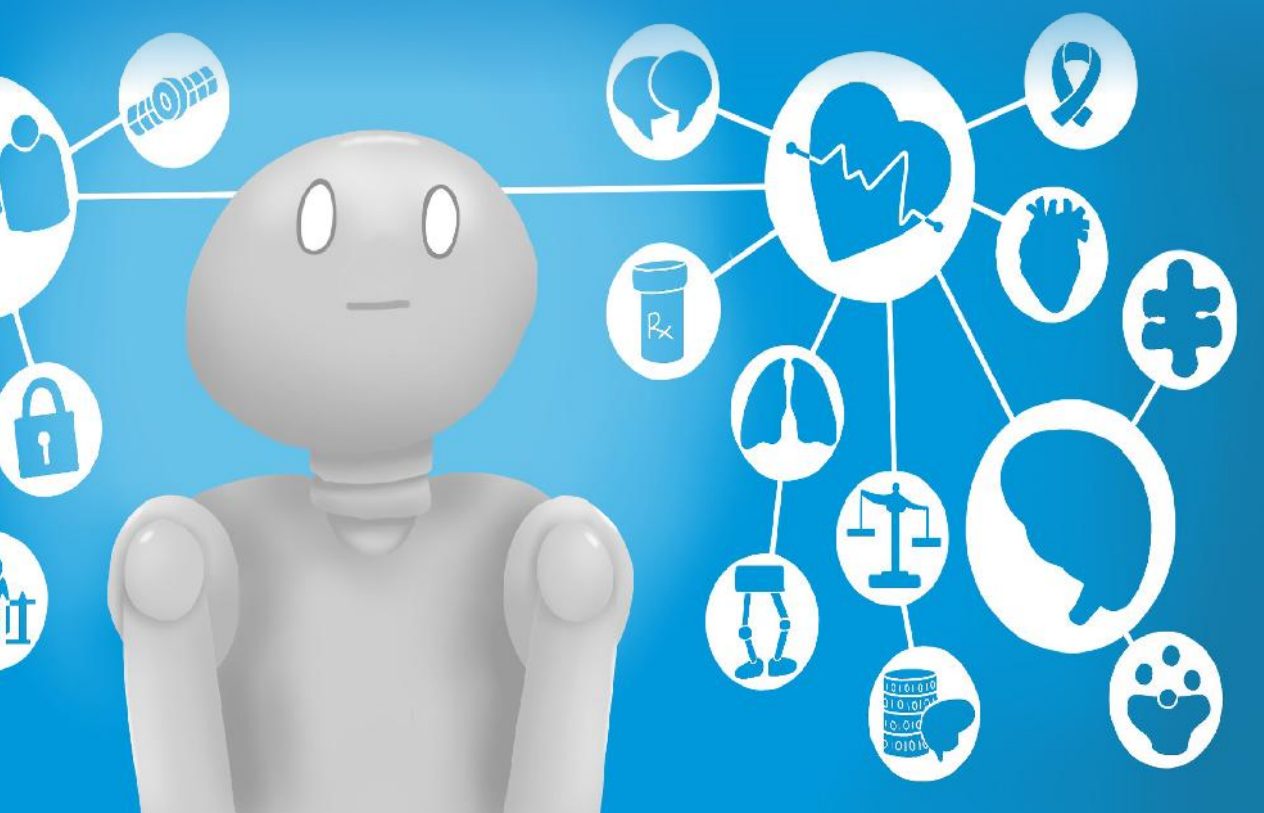
بعضی از کارشناسان این صنعت معتقدند که اصطلاح هوش مصنوعی با فرهنگ عمومی بسیار مرتبط است و موجب می‌شود مردم ترس‌های غیرمنطقی درباره هوش مصنوعی و انتظارات غیرعقلانی در مورد چگونگی تغییر محل کار و زندگی بطور کلی داشته باشند. محققان و بازیابان امیدوارند که برچسب اضافه شده هوش، که حاوی معنای بی‌اثری است، به مردم کمک می‌کند تا بدانند که AI به سادگی محصولات و خدمات را بهبود می‌بخشد، نه رقیب جدی افرادی که از آنها استفاده می‌کنند.

♦ انواع هوش مصنوعی

آرنت هینتز، استاد استاد زیست‌شناسی مجتمع و علوم کامپیوتر و مهندسی در دانشگاه ایالتی میشیگان، AI را به چهار نوع از سیستم‌های هوش مصنوعی که امروزه به سیستم‌های حساس موجود می‌انجامد، طبقه‌بندی می‌کند. این چهار دسته عبارتند از:

نوع اول: ماشین‌های واکنش‌پذیر مانند Deep Blue، برنامه شطرنجی‌ای بی‌ام است که گری کاسپاروف را در دهه ۱۹۹۰ شکست داد. این نوع سیستم می‌تواند قطعات را در صفحه شطرنج شناسایی کند و پیش بینی کند، اما حافظه‌ای نداشته و نمی‌تواند از تجربیات گذشته برای آینده

مروری بر آینده پژوهی هوش مصنوعی تحقق ربات‌های هالیوودی؛ ممکن یا غیر ممکن؟



♦ توسعه ماشین‌ها در تصمیم‌گیری

گروهی از دانشمندان دانشگاه MIT طی مقاله‌ای که در کنفرانس انجمن پردازش اطلاعات عصبی آمریکا ارائه کردند، سیستم نوینی را به دنیا معرفی کردند که درحقیقت پلی میان این دو شیوه استنتاجی است. بدین ترتیب انسان‌ها و رایانه‌ها قابلیت آن را خواهند داشت تا با همکاری با یکدیگر تصمیم‌های بهتری اتخاذ کنند. کارکرد این سیستم در نوع خود حیرت‌انگیز است. به گفته دانشمندان دانشگاه MIT این فناوری نوین یاد می‌گیرد که به وسیله متمرکز کردن اطلاعات، آن را چکیده کرده و به مثال‌های ساده‌ای تبدیل کند.

آزمایشات صورت گرفته نشان می‌دهد استفاده از این سیستم نوین در استنباط و تجزیه و تحلیل اطلاعات در مقایسه با بهره‌گیری از الگوریتم‌های رایج رایانه‌ای ۲۰ درصد بازده بیشتری به همراه دارد. دانشمندانی که بر روی این پروژه کار می‌کنند هدف اصلی خود را دستیابی به ماشینی عنوان می‌کنند که قابلیت پشتیبانی از انسان را در اتخاذ تصمیم‌هایی

این سخن موید این نکته است که هر چقدر هم ربات‌ها پیشرفته‌تر و باهوش‌تر از گذشته شوند، باز هم نمی‌توانند موجودی نظیر انسان را تحت استیلای خود درآورد. چامسکی در مصاحبه‌ای، این نکته را یادآور می‌شود که هوش مهندسی، بیش از آنکه پایه‌های روانشناختی و ماهیتی داشته باشد، بیشتر رویکردی مهندسی دارد. در اینکه ربات‌های جدید، بسیار باهوش‌تر از ربات‌های گذشته هستند، شکی نیست اما دانشمندان کنونی در این حوزه بیش از اینکه بر پیشبرد ماهوی این ماشین‌ها همت گمارند، بر رویکردهای مهندسی آن توجه کرده‌اند. همه این موارد دلالت بر این دارد که هنوز ربات قادر به تشخیص و ایجاد هویت برای خود نیستند و موجودی که درکی از هویت خود نداشته باشد، دوست یا دشمن، فرمانبری یا فرماندهی و حتی تصمیم‌گیری به معنای بشری را قادر نخواهد بود.

پیش‌بینی در خصوص آینده هوش مصنوعی، همانقدر پیچیده است که آینده بشر را بتوان پیش‌بینی کرد. بیم و امیدهای بسیاری برای آینده در نظر گرفته شده که البته برخی نیز عامداً در حال سیاه‌نمایی دستاوردهای هوش مصنوعی هستند و برخی دیگر از منظر بسیار خوشبینانه به آن می‌نگرند. با این حال بسیاری از کمپانی‌های بزرگ جهانی نظیر گوگل فعالیت‌های خود را به سوی توسعه AI متمرکز کرده‌اند. رویای اینکه روزی کامپیوترها از انسان‌ها پیشی بگیرند به قدری جدی است که مطابق با نظرسنجی‌های انجام شده، مردم از رشد این تکنولوژی هراس دارند. شاید مهم‌ترین تمایز انقلاب این تکنولوژی با انقلاب ماشین بخار در این باشد که دیگر انسان‌ها توانایی برای کنترل آن نداشته باشند. با این حال برخی از دانش‌پژوهان نامدار نظیر چامسکی بر این باورند، انسان مطلقاً نمی‌تواند موجودی پیچیده‌تر از خود بسازد.

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



با بهترین کیفیت ممکن داشته باشد. این نوع تصمیم‌گیری دقیقاً همان سطح از اتخاذ تصمیم‌های تاکتیکی، حیاتی و تأثیرگذار در میادین جنگ به شمار می‌آید.

♦ جاه‌طلبی ربات‌ها در صنعت

ری کورزویل از مدیران بخش مهندسی گوگل افزود: تا سال ۲۰۲۹ هوش ربات‌ها به انسان‌ها خواهد رسید. یک سوم کارهایی که در حال حاضر توسط بشر انجام می‌شود تا سال ۲۰۲۵ به نرم افزارها، ربات‌ها و ماشین‌های هوشمند محول خواهد شد. براساس پیش‌بینی شرکت گارتنر که در زمینه تحقیقات و مشاوره فناوری اطلاعات فعال است، تا سال ۲۰۲۵ یک سوم کارهایی که توسط انسان انجام می‌شود به ربات‌ها، نرم‌افزارها و ماشین‌های هوشمند محول می‌شود. رایان کالو -استاد دانشگاه واشنگتن - که در زمینه رباتیک تخصص دارد، گفت: «این پیش‌بینی بیانگر یک انقلاب در توانایی ربات‌ها است. به لحاظ تاریخی ما فکر می‌کنیم که ربات‌ها کارهای خطرناک، کثیف و کسل‌کننده را انجام

می‌دهند. در طول زمان محدوده کارهایی که ربات‌ها می‌توانند انجام دهند گسترش یافته است.»

در شرایطی که برخی کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند این ربات‌ها موجب بیکاری انسان‌ها خواهند شد، برخی دیگر معتقدند رونمایی از ربات‌های بیشتر در محیط‌های کار مشاغل قدیمی را حذف و مشاغل جدیدی را ایجاد خواهد کرد. کارشناسان با تشبیه این تحول به اختراع ماشین بخار در ۲۰۰ سال قبل و شروع عصر ماشین، توسعه علم رباتیک را «عصر دوم ماشین‌ها» می‌نامند.

بیزینس اینسایدر می‌نویسد، همان‌طور که انقلاب صنعتی در نهایت به ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر منجر شد، اقتصاددانان می‌گویند پس از عصر دوم ماشین‌ها نیز همین نتیجه حاصل خواهد شد. اگرچه پیش‌بینی تأثیر کامل انقلاب ربات‌ها بر مشاغل دشوار است، اما برخی شغل‌ها نظیر آنهایی که به قضاوت، تفکر خلاقانه و تعامل بشری احتیاج دارند، مطمئناً توسط ربات‌ها پر نخواهند شد.

هوش مصنوعی از فناوری‌های جدید و منحصر به فرد دوره مدرنیته به شمار می‌رود که در دهه‌های اخیر با رشد و پیشرفت چشمگیری مواجه شده است این در حالی است که بسیاری از کارشناسان و محققان، آینده این فناوری را برای بشریت خطرناک پیش‌بینی می‌کنند.

♦ هوش مصنوعی خطرناک‌تر از بمب هسته‌ای است

هوش مصنوعی را می‌توان از جنبه‌های مثبت و منفی مورد بررسی قرار داد. الون ماسک، کارآفرین مشهور و یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های دنیای تکنولوژی و بنیانگذار شرکت‌هایی مانند تسلا موتورز و اسپیس ایکس در جدیدترین مصاحبه خود از خطرات هوش مصنوعی سخن گفته و هوش مصنوعی را از بمب‌های هسته‌ای خطرناک‌تر دانسته و معتقد است: «فیلم‌هایی که درباره هوش مصنوعی ساخته می‌شوند روزی به وقوع می‌پیوندند و انسان‌ها بایستی به سیاره دیگری سفر کنند. تکنولوژی‌های جدید و ماشین‌های هوشمند تنها بخشی از خطراتی هستند که بشریت را تهدید می‌کنند. الون ماسک در جمله‌ای در صفحه اجتماعی خود نوشت: «ما باید به‌شدت نگران آینده‌ای باشیم که ماشین‌های هوشمند زندگی ما را به

عهده می‌گیرند، آن روز از بمب هسته‌ای خطرناک‌تر است و بشریت تهدید به مرگ خواهد بود.» خان الون ماسک در حالی مطرح می‌شود که ری کورزویل، آینده‌گرا و مدیر بخش مهندسی گوگل نگاه مثبتی به آینده فناوری داشته و می‌گوید: «در سال‌های آتی و با برنامه‌های نرم افزاری مختلفی که نوشته می‌شوند، کاربران قادر به ارایه پرسش و پاسخ با گوگل خواهند بود. کارشناسان گوگل پیش‌بینی کرده‌اند که تا سال ۲۰۳۰ میلادی، هوش مصنوعی جایگزین هوش انسان شده و قادر به حل مسائل پیچیده خواهد بود اما این موضوع در صورتی است که اینترنت به صورت خودآگاه عمل کند و تا رسیدن به این مرحله، مسیر طولانی را باید پیمود. اما برخی معتقدند سخنان کارشناسان گوگل محقق نخواهد شد زیرا ذهن انسان دارای پیچیدگی‌های بسیاری است که به سادگی قادر به درک آنها نیستیم».

♦ عصر جدید بشریت

هوش مصنوعی منعکس‌کننده عصر مدرنیته و ارتباطات خواهد بود. کارشناسان این حوزه فواید بسیاری را برای هوش مصنوعی بر شمرده‌اند که از آن میان می‌توان به مواردی مانند عدم خستگی یا پیری، اشتغال ماشین‌های هوشمند در حرفه‌های خطرناکی مانند معدن، آتش‌نشان و... اشاره کرد.

دور از ذهن نخواهد بود که انسان‌ها منفعل شده و کسب و کار به ماشین‌ها سپرده شده و بسیاری از مشاغل امروزی با روبات‌ها جایگزین می‌شوند. روبات‌ها می‌توانند در تمام کارهایی که انسان قادر به انجام آن است، جایگزین شوند. اما ورود روبات‌ها در بسیاری از مشاغل مانند پزشکی، تدریس و آموزش و غیره موفقیت‌آمیز نخواهد بود زیرا در این مشاغل انگیزه، شور و شوق نیز علاوه بر آگاهی لازم است تا مخاطب را با خود همراه کند اما روبات‌ها فاقد احساس هستند.

هوش مصنوعی در حال حاضر به ماشین‌های بدون سرنشین نیز وارد شده تا به مرور زمان به حذف کامل انسان‌ها از فعالیت بپردازد. اما از سوی دیگر، انسانی را تصور کنید که تمام کارهایش را روبات‌ها یا ماشین‌ها انجام می‌دهند، اگر روزی فرا رسد که ماشین‌ها برای لحظه‌ای بایستند، آیا انسان قادر به فعالیت و ایفای دوباره نقش خود خواهد بود؟ در این میان و در

بحران بیکاری در کمین جامعه بشری

ربات‌های

مالیات‌دهنده



[GUARDIAN]

یکی از اساسی‌ترین نگرانی‌هایی که در درباره پیشرفت‌های هوش مصنوعی و توسعه آن در صنایع متعدد وجود دارد، بحران بیکاری برای کارگران است. گای استندینگ و همکاران خود در دانشگاه لندن کوشیدند تا با تأسیس سازمانی به نام UMB این بحران را تا پیش از به وقوع پیوستن مدیریت و برای آن راهکارهای متعددی تنظیم کنند. از این رو آنها، افزایش مالیات برای شرکت‌های فناوری و دریافت مالیات از ربات‌ها را برای کنترل وضعیت اشتغال در سال‌های آینده پیشنهاد داده‌اند. ایده‌ای که هرچند هنوز خام به نظر می‌رسد اما نزدیک‌ترین راه‌حلی است که می‌تواند سیاستمداران و اقتصاددانان را برای بهبود معیشت کارگران همراهی کند. در این گزارش، بطور مختصر مروری بر این ایده می‌شود.

فرض کنید در سال ۲۰۶۷ هستیم و ربات‌ها میلیون‌ها شغل را از بین برده‌اند، هوش مصنوعی گسترش یافته و بیکاری در حال افزایش است. شرکت‌های فناوری دشمن اصلی جامعه شده‌اند. این تصویری از آینده یکی از مدیران تکنولوژی است که از نوحه سرایی برای آینده تیره و تاریک بشر امتناع می‌کند و از طرفی ایده یک درآمد اساسی جهانی (UMB) را حمایت می‌کند.

سایتان گسال، استاد اقتصاد دانشگاه گلاسگو که درباره UBI تحقیق کرده است، به تلفن CNBC گفته است: «زمانی که هوش مصنوعی وارد مشاغل شود، شاهد عکس‌العمل‌های شدید سیاسی خواهیم بود.» شرکت‌های تکنولوژی ایالات متحده به شدت در تحقیق و توسعه AI سرمایه‌گذاری کرده است. تسلا با ماشین‌های

می‌گوید این ماشین‌ها تا سال ۲۰۲۹ از سازندگان خود هوشمندتر خواهند شد. وی اظهار داشت پیش‌بینی من در نهایت این است که جست‌وجوی اینترنتی بر اساس شناخت معنی زبان خواهد بود.

وی افزود: «وقتی مقاله‌ای می‌نویسید یک مجموعه جالب از کلمات تولید نمی‌کنید، بلکه چیزی برای گفتن دارید و گوگل نیز قصد دارد به‌طور هوشمندانه‌ای اطلاعات جهان را ساماندهی و پردازش کند. می‌خواهیم رایانه‌ها همه‌چیز را بر روی وب و همه صفحات را از همه کتاب‌ها بخوانند، سپس قادر خواهند بود مکالمه هوشمندی را با کاربر خود داشته باشند و بتوانند به سوالات کاربر پاسخ دهند.» شرکت بوستون داینمیک، روبات راه رونده LS۳ را ساخته که شبیه اسب است و می‌تواند در هر قلمرویی از جمله دامنه‌های شیب‌دار، زمین‌های سنگی و مناطق دارای پوشش گیاهی متراکم مسیر خود را طی کند. گوگل شرکت «نست لب» که سازنده ترموستات هوشمند است را به قیمت ۱۰۹ میلیارد پوند خریداری کرده است. هشدار نست لب می‌تواند با مالک خود گفت‌وگو کند و به آنها بگوید در کجای خانه دود وجود دارد و چه چیزی موجب دود در خانه شده است. کورزویل به خاطر نظریه یکتایی و انفرادی خود مشهور شده است نظریه‌ای که می‌گوید رایانه و انسان بطور موثری به یک چیز واحد تبدیل می‌شوند.

در سال ۱۹۹۰ وی شکست انسان از رایانه را در یک رقابت جهانی شطرنج در سال ۱۹۹۸ پیش‌بینی کرد؛ رویدادی که در واقعیت دو سال زودتر روی داد و رایانه Deep Blue شرکت IBM توانست‌گری کاسپارف قهرمان شطرنج جهان را در سال ۱۹۹۶ شکست دهد. وی همچنین در روزهایی که اینترنت تنها برنامه مبهمی بود که توسط دانشگاهیان برای ذخیره‌سازی داده‌های تحقیقاتی استفاده می‌شد، روزگاری را پیش‌بینی کرد که در آن مردم بطور وسیع از اینترنت استفاده می‌کنند.

کورزویل اکنون پیش‌بینی جالب دیگری صورت داده و از سال ۲۰۲۹ حرف می‌زند که در آن رایانه‌ها از انسان - خالق خود- هوشمندتر خواهند شد. کورزویل سال‌ها پیش از آنکه به‌طور تمام وقت به استخدام گوگل درآید در زمینه پروژه‌های خاصی با این شرکت همکاری داشته است.

دنیای روبات‌ها و ماشین‌آلات هوشمند انسان چه جایگاهی می‌تواند داشته باشد؟ آیا به همین دلیل است که انسان‌ها به دنبال کشف و کنکاش در سایر سیاره‌ها هستند تا در روز مبادا به سیاره دیگری مهاجرت کنند؟

بنا بر نظرسنجی که در ژاپن انجام شده، ۵۲ درصد از محققان و کارشناسان معتقدند با ورود هوش مصنوعی به زندگی انسان‌ها نه تنها به زندگی انسان‌ها چیزی اضافه نمی‌شود بلکه این ورود به معنای پایان و ویرانی زندگی انسان‌هاست اما از سوی دیگر ۴۸ درصد از کارشناسان معتقدند ورود هوش مصنوعی به زندگی انسان‌ها گریزناپذیر است پس باید با آغوش باز به استقبال آن رفت. پیش‌بینی می‌شود این بحران در کشورهای توسعه یافته‌ای مانند ایالات متحده و کشورهای اروپایی بیشتر باشد.

«دورا لوپتن»، استاد دانشگاه کانبرا استرالیا در رابطه با این موضوع می‌گوید: «من معتقدم هر اندازه که شاهد رشد و شکوفایی روبات‌ها در عرصه فناوری یا ورود هوش مصنوعی باشیم، باز هم تمامی ماشین‌ها ارزش و قدرت انسان‌ها را نداشته و نمی‌توانند با مهارت‌های انسانی مقایسه شوند.» رییس بخش مهندسی شرکت گوگل پیش‌بینی کرده است روبات‌ها طی ۱۵ سال آینده از باهوش‌ترین انسان‌ها، هوشمندتر خواهند شد.

♦ نفوذ گوگل در هوش مصنوعی

گوگل ۵۷ میلیارد پوند از دارایی خود را بی‌سر و صدا برای خرید شرکت‌های مهم روباتیک سراسر جهان هزینه کرده است از جمله آنها می‌توان به شرکت انگلیسی «دپ ماینده» که متخصص در یادگیری ماشینی است و شرکت بوستون داینمیک که روبات‌های پیشرفته نظامی می‌سازد، اشاره کرد. رقبای گوگل مدت‌ها است این شرکت را به اتهام سوءاستفاده از اطلاعات شخصی کاربران و فروش آنها به شرکت‌های تبلیغاتی مورد انتقاد قرار داده‌اند. کورزویل ۶۶ ساله در سال ۲۰۱۲ به استخدام گوگل در آمد تا بخش هوش مصنوعی گوگل را با هدف درک موتور جست‌وجو از آنچه که در اینترنت به دنبال آن هستیم، متحول کند. این کارآفرین که پیش از این افزایش ضریب نفوذ اینترنت و شکست انسان از رایانه در مسابقات جهانی شطرنج را به درستی پیش‌بینی کرده بود

یادداشت

نکوداشت

انتخابات‌نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

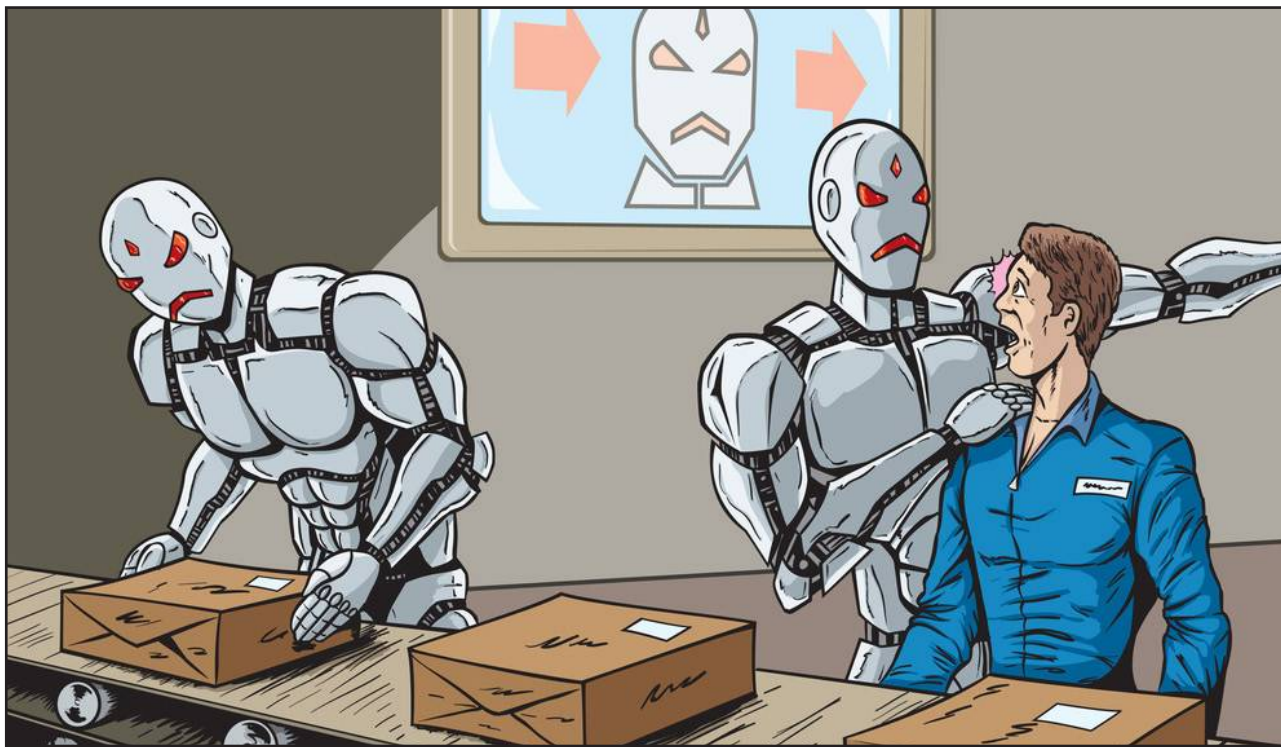
شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



طراحی و ایجاد کنید، پس از آن هزینه‌های جاری مردم از وضعیت کنونی بسیار بسیار بیشتر خواهد شد.» یک راه برای اینکه دولت به UBI پرداخت کند، ایجاد یک صندوق مستقل ثروت است، جایی که آنها سهم سهم کوچک را در همه شرکت‌های ثبت شده در کشور ثبت می‌کنند و به این ترتیب درآمد کسب می‌کنند. ایده دیگری که مدیران اجرایی به آرامی به سمت آن می‌روند، مالیات بر «سود فوق‌العاده» است. در این باره استندینگ به CNBC گفت که یکی از مدیران عمده شرکت فناوری در این باره گفته است که وی متقاعد شده است که این صنعت باید «امتیازات» را در قالب مالیات بر سود بیشتر شروع کند.

بیل گیتس، بنیانگذار مایکروسافت اخیراً ایده مالیات ربات را به عنوان راهی برای اینکه دولت‌ها در آینده پول بیشتری کسب کنند، مطرح کرده است. گیتس در مصاحبه اخیر با کوارتر گفت: «اگر یک کارگر انسانی ۵۰ هزار دلار در کارخانه در آمد داشته باشد، این درآمد مالیاتی دارد اما اگر یک ربات همین کار را انجام دهد، باید ربات را در یک سطح مشابه مالیاتی قرار دهیم.»

دانشگاهیان مانند Standing و Ghosal می‌گویند که مانند انقلاب‌های تکنولوژیکی قبلی، کارگران احتمالاً آواره می‌شوند، سپس بازآموزی می‌شوند و دوباره به کار بر می‌گردند. UBI هنوز هم به مردم اجازه می‌دهد که کار کنند، اما به آنها مهارت‌های جدیدی می‌دهد. Ghosal می‌گوید: «درآمد اساسی جهانی، بالشتکی را فراهم می‌کند و به مردم اجازه می‌دهد دوباره کار کنند و به آنها توان حرکت و استفاده از فرصت‌های جدید در جای دیگر می‌دهند.»

کارگری را در از شغل خود حذف کند. «این یک حقیقت است. نگرانی که ناگهان دشمن شماره یک جامعه روبات‌ها شوند و آنها (شرکت‌های تکنولوژیک) در خط مقدم قرار خواهند گرفت.» Guy Standing، پژوهشگر علوم انسانی در دانشکده مطالعات شرقی و آفریقا، در پاسخ به تماس CNBC گفت.

«اما من فکر می‌کنم بخشی از افرادی که من در صنعت تکنولوژی با آنها دیدار کردم، بیشتر نسبت به نابرابری فزاینده و واکنش‌های سیاسی علیه آن، نگران هستند.»

استندینگ همچنین یکی از بنیانگذاران شبکه پایه درآمدی است که به صورت یک سازمان غیر دولتی، سیاست دستمزد پایه‌ای را ترویج می‌کند، او در حال حاضر به Y Combinator، یک شرکت استارت آپ بزرگ در امریکا که قرار ایده دستمزد پایه او را آزمایش کند. این شرکت به دنبال تجربه اولیه درآمد در اوکلند است.

اینکه یک پروژه درآمد اولیه در آینده چگونه ممکن است کار کند، هنوز مشخص نیست و البته شرکت‌های تولیدکننده تکنولوژی مطمئن نیستند. یک ایده این است که دولت‌ها به هر کس مبلغ ماهانه‌ای را پرداخت کنند. کارشناسان می‌گویند که این کار کارگران را از بین نمی‌برد چرا که حداقل حداقل هزینه زندگی را تامین می‌کند. در عوض، کارگران هنوز هم می‌خواهند استانداردهای بالاتر از زندگی را با کار به دست آورند. اما برای اجرای این سیاست تامین مالی سخت خواهد بود. استندینگ در این باره معتقد است: «اگر ایده یک درآمد پایه به عنوان تامین‌کننده استانداردهای زندگی بیشتر مردم

بدون راننده، آمازون با مغازه‌های بدون کارگر و کمیانی‌هایی مانند گوگل، که نرم‌افزارهای هوشمندتر از انسان را توسعه می‌دهند. حتی سرگتی برین، یکی از بنیانگذاران گوگل، اخیراً اظهار کرده که او از سرعت پیشرفت‌های AI شگفت زده شده است.

در چند ماه گذشته، مدیران ارشد فناوری در حمایت از UBI از این شرکت‌ها خارج شده‌اند. هرچند در مصاحبه‌ای با CNBC در ماه نوامبر، الیان ماسک، مدیر اجرایی تسلا، این ایده را تکذیب کرد. مسک گفت: «شانس بسیار خوبی است که ما درآمد پایه‌ای جهانی یا چیزی شبیه به آن را به علت اتوماسیون به پایان برسانیم.» وی هفته گذشته در نشست سران کشورهای جهان در دبئی، ایده‌های خود را بازگو کرد و گفت که یک «UBI» ضروری خواهد بود.

مارک بنیوف، مدیرعامل Salesforce، از ایجاد «پناهندگان دیجیتال» برای مقابله با هوش مصنوعی هشدار داد. بنیوف در مجمع اقتصادی جهانی در داووس، در ماه ژانویه گفت: «هیچ راهی مشخص برای جلوگیری از جابه‌جایی شغلی وجود ندارد.» سایر مدیران فناوری، درباره مسوولیت صنعت بحث و تبادل اطلاعات کردند. ساتیا نادلا، مدیرعامل شرکت مایکروسافت در داووس گفت: «ما باید بهترین برنامه‌ها را برای آموزش افراد برای مشاغل آینده انجام دهیم.» شرکت‌های فناوری می‌توانند در خط مقدم این موضوع باشند. کارشناسان می‌گویند که صنعت فناوری در حال رشد، بیشتر نسبت به نقش آن در رانندگی اتوماسیون و جابه‌جایی در آینده رواج دارد و شرکت‌ها نمی‌خواهند هیچ

خدمات هوش مصنوعی در صنعت نفت ربات‌ها؛ مدیران جدید انرژی در راهند

محمد حیدری | دانشجوی دکتری انرژی

برآورد کل سرمایه گذاری انرژی در سال ۲۰۱۶ به ارزش حدود ۱,۷ تریلیون دلار بوده که نشان می‌دهد این بخش حدود ۲,۲ درصد از تولید ناخالص داخلی جهانی را به خود اختصاص داده است. با این وجود، به دلیل نگرانی در مورد تأثیرات زیست محیطی تولید و مصرف انرژی، شرکت‌های نفت و گاز به طور جدی به دنبال دستیابی به اهداف تجاری خود در عین توجه به کاهش اثرات زیست محیطی با کمک روش‌های ابتکاری هستند. امروزه AI به صنعت نفت و گاز کمک می‌کند تا دوره آینده خود را به نمایش بگذارد. از آنجایی که هیچ منابع پیشنهادی در مورد تأثیر AI در بین شرکت‌های نفت و گاز پیشرو وجود نداشته است، برای کمک به پاسخ به سوالاتی که رهبران نفت و گاز می‌پرسند، پاسخ می‌دهیم:

چه نوع برنامه‌های کاربردی AI در حال حاضر توسط شرکت‌های نفت و گاز مانند ExxonMobil و Shell استفاده می‌شود؟ نتایج (در صورت وجود) در برنامه‌های کاربردی AI توسط شرکت‌های پیشرو در صنعت نفت و گاز، چطور گزارش شده است؟ آیا روندی مشترک در میان تلاش‌های نوآوری آنها وجود دارد - و چگونه این روند بر آینده نفت و گاز تأثیر می‌گذارد؟

این مقاله با هدف بررسی جامع در مورد برنامه‌های کاربردی AI توسط پنج شرکت نفت و گاز پیشرو ارائه می‌شود. رتبه‌بندی از شرکت‌ها بر اساس رتبه‌بندی شرکت Global ۲۰۱۷ Forbes ۲۰۰۰ از بزرگترین شرکت‌های دولتی در جهان است. از طریق حقایق و ارقام قصد داریم بینش‌های مربوطه را برای رهبران کسب و کار حرفه‌ای که علاقه‌مند به چگونگی تأثیر AI بر صنعت نفت هستند، ارائه دهیم. قبل از بررسی برنامه‌ها، الگوهای مشترک را که از تحقیقات انجام شده در این صنعت به دست آمده، بیان کنیم.

♦ هوش مصنوعی در نفت و گاز - Insights Up Front

برنامه‌های محبوب AI از پنج صنعت برتر، به نظر می‌رسد در حوزه‌های ربات‌های هوشمند (روبات‌هایی که با قابلیت AI، برای اکتشاف و تولید هیدروکربن طراحی شده اند، برای بهبود بهره‌وری، بهینه کردن هزینه و کاهش خطر کارکنان طراحی شده اند)، دستیارهای مجازی (پلتفرم چت آنلاین که به مشتریان کمک می‌کند تا پایگاه داده‌های محصول را هدایت کنند و پرونده‌های کلی را با استفاده از

P & کارآمدتر و بهینه سازی عملیات در این زمینه کمکی است که AI ممکن است به شرکت‌های نفت و گاز ارائه دهد.

شرکت ExxonMobil در میان تلاش‌های همکاری خود با حدود ۸۰ دانشگاه در ایالات متحده و خارج از آمریکا، در دسامبر ۲۰۱۶، اعلام کرد که با MIT برای طراحی روبات‌های AI برای اکتشاف اقیانوس کار می‌کند. براون ویلیامز، استاد MIT و طراح نرم افزار AI که به تولید مریخ‌پیمای رورور ناسا کمک کرد، یکی از اعضای کلیدی تیم پروژه است.

در حالی که مزیت کسب و کار استفاده از AI در اکتشاف دریای عمیق، ممکن است بلافاصله آشکار شود، هدف شرکت برای استفاده از AI برای افزایش توانایی تشخیص طبیعی آن است. اسید طبیعی هنگامی رخ می‌دهد که نفت از سنگ موجود در کف اقیانوس فوران کند. حدود ۶۰ درصد نفت خام زیر سطح زمین، در آمریکای شمالی به علت رسوب طبیعی است. روبات‌هایی که توانایی حرکت به این مناطق اقیانوسی و تشخیص اسید نفتی را دارند، می‌توانند به حفاظت از اکوسیستم کمک کنند و به عنوان شاخص‌هایی برای منابع انرژی

زبان طبیعی پردازش کنند). خلاصه می‌شود. در مقاله کامل زیر، برنامه‌های کاربردی AI هر شرکت را به صورت جداگانه بررسی خواهیم کرد. ما با شرکت ExxonMobil، نخستین شرکت رتبه‌بندی شده در این صنعت، بر اساس رتبه‌بندی شرکت Global ۲۰۱۷ Forbes ۲۰۰۰ (از بزرگترین شرکت‌های دولتی در جهان) آغاز خواهیم کرد.

صنایع نفت و گاز معمولاً به سه بخش عمده عملیاتی تقسیم می‌شوند: بالادستی، سطح متوسط و پایین دستی. بخش‌های بالادستی شامل اکتشاف و تولید نفت و گاز طبیعی می‌شود. Midstream معمولاً به مراحل حمل و نقل و ذخیره سازی اشاره دارد. Downstream فرآیندهای مختلفی را در زمینه پالایش و فروش نفت مورد استفاده قرار می‌دهد. افزایش تقاضا برای نفت و گاز موجب می‌شود کشف میدان‌های جدید نفت یکی از نیازهای اساسی شرکت‌ها در فضای رقابتی باشد. این عملیات به طور کلی به نام Exploration and Production (E & P) یا سطح بالایی از صنعت نفت و گاز نامیده می‌شود. پیدا کردن راه‌هایی برای کارایی E

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

موجود و اطلاعات عمومی مربوط به خواص فنی محصولات خاص نیز بررسی می‌شود. برای تامین کردن پیش نیاز مربوط به این فناوری، شرکت ادعا می‌کند که دستیار مجازی شل بیش از ۱۰۰ هزار ورق داده برای ۳ هزار محصول را مدیریت می‌کند و اطلاعات مربوط به ۱۸ هزار اندازه مختلف بسته را فراهم و ۱۶،۵۰۰ ویژگی فیزیکی روان کننده را درک می‌کند.

دستیار مجازی شل در حال حاضر، نه تنها در ایالات متحده و انگلستان در دسترس است، بلکه همچنین چهار سرویس دیگر شل از جمله Shell LubeMatch را تکمیل می‌کند که گزارشات «سالانه بیش از دو میلیون توصیه برای مشتریان شل» ارائه می‌دهد و در ۱۳۸ کشور در ۲۱ زبان قابل دسترسی است.

ما توانستیم به دستیار مجازی در وب سایت شرکت دسترسی داشته باشیم. در یک یادداشت به کاربران ارسال شده در بالا از پلت فرم، شل می‌گوید که دستیار مجازی هنوز در حالت آزمایشی است و تلاش برای افزایش دانش دستیاران مجازی و نظارت بر اثربخشی آنها در حال انجام است.

در شرکت Emerj، به طور فزاینده‌ای از «دستیار مجازی» استفاده می‌شود که تلاش می‌کند روندهای نوآورانه را بدون یک برنامه خاص پیاده سازی کند. در این زمان ارزیابی، ارزش واقعی کسب و کار شل بسیار دشوار است. هر شرکتی باید یک جریان هیجان انگیز و نوآورانه در مطبوعات را ارائه کند - و به نظر می‌رسد که عملکرد شرکت شل در این موضوع برای برنامه‌های کاربردی AI، به اندازه کافی هیجان انگیز است. این به هیچ وجه هشدار نیست که به طور خاص برای Shell یا هر شرکت دیگری که در حال توسعه هوش مصنوعی است، اختصاص یابد بلکه حمایت از ابتکارات تکنولوژی در مطبوعات، برای شکل گیری فهم و تحلیل دقیق شرکت‌ها (برای هر صنعت) است. همانند Shell LubeMatch، این شرکت همچنین به دنبال گسترش خدمات به سایر کشورها و زبانها است.

هزینه‌های تحقیق و توسعه شل در سال ۲۰۱۶ به مبلغ ۱،۰۱۴ میلیارد دلار رسید. در حالی که جزئیات مربوط به AI گزارش نشده است، طبق دستورالعمل Investor's خود، اولویت‌های تحقیق و توسعه بر «بهبود بهره‌وری محصولات، فرایندها و عملیات» تمرکز دارد و هدف اصلی بر توسعه فن‌آوری‌هایی است که از انرژی کم‌کربن حمایت می‌کنند، استوار است. در آینده، این شرکت قصد دارد یکپارچه سازی AI و اتوماسیون را در حد امکانات خود



آوری‌های کاهش انتشار گاز سرمایه گذاری کرده است. این شرکت تخصیص منابع برای این فن‌آوری‌ها را مشخص نکرده و جزئیات مربوط به AI نیز منتشر نشده است.

Dutch Shell ♦

در اوت ۲۰۱۵، شل اعلام کرد که این اولین شرکت در بخش روغنکاری خواهد بود که یک دستیار هوش مصنوعی برای مشتریان راه اندازی می‌کند. به طور معمول، مشتریانی که به دنبال روان کننده‌ها و محصولات مرتبط هستند، باید یک پایگاه داده بزرگ برای یافتن محصول ایده‌آل (ها) خود داشته باشند. شل قصد دارد از Avatars های خود یعنی Ethan و Emma برای کمک به مشتریان محصولات کشف شده با استفاده از زبان طبیعی استفاده کند.

دستیار مجازی شل از طریق یک پلت فرم چت آنلاین از طریق وب سایت شرکت، عمل می‌کند. مثال‌هایی از اطلاعاتی که سیستم می‌تواند ارائه دهد شامل مواردی است که روغن‌های در دسترس برای خرید هستند، طیف وسیعی از اندازه بسته‌های

موثر باشند. به طور خاص مشخص نیست که ارتباط‌های جوینده اقیانوسی ExxonMobil کی مستقر خواهند شد. کمپانی ExxonMobil، به عنوان یکی از اعضای بنیانگذار ابتکار انرژی MIT، بیش از ۵ سال، ۲۵ میلیون دلار برای تحقیقات انرژی توسط استادان و کارکنان MIT اختصاص داده است. در حالی که این شرکت مبلغ کل سرمایه گذاری خود را در میان ۸۰ انجمن دانشگاهی منتشر نکرده است، می‌توانیم از مقالات منتشر شده زیر دریافت کنیم: که دانشگاه پرینستون ۵ میلیون دلار در طول ۵ سال و دانشگاه تگزاس در شهر آستین ۱۵ میلیون دلار برای تحقیقات خود دریافت کرده اند.

کمپانی ExxonMobil با مشارکت خود با عنوان MIT Energy Initiative و تلاش‌های مرتبط با آن، بهره‌وری انرژی و اکتشاف منابع انرژی جدید را هدف اصلی اولویت‌های تجاری خود عنوان کرده است. براساس گزارش سالانه ۲۰۱۶، این شرکت تا کنون حدود ۷ میلیارد دلار از سال ۲۰۰۰ در زمینه تحقیق و توسعه و گسترش فن

انجام دهد. شل تصریح می کند که روبات های خودکار قادر خواهند بود تا وظایف نظارتی معمول و جمع آوری اطلاعات در حال حاضر را توسط کارکنان انسانی انجام دهند. شرکت گزارش داده است یک دستیار مجازی به نام Amelia را به مدل کسب و کار خود اضافه کرده است تا به طور موثرتر در پاسخگویی به سوالات مربوط به تامین کنندگان در مورد صورتحساب پاسخ دهد. شل معتقد است که آینده فناوری اطلاعات در صنایع آن، افزایش قابل ملاحظه ای در خدمات خودکار خواهد داشت.

♦ چین نفت و شرکت شیمیایی Sinopec

Sinopec به نقش AI در نوآوری در حال پیشرفت در صنعت نفت و گاز اشاره کرده است. این شرکت دارای یک برنامه درازمدت برای راه اندازی ۱۰ کارخانه هوشمند با هدف کاهش ۲۰ درصدی هزینه های عملیاتی است. در زمینه تولید، شرکت مخابراتی Huawei، چینی، در آوریل ۲۰۱۷ اعلام کرد تلاش مشترک با Sinopec برای طراحی آنچه که به عنوان «پلت فرم تولید هوشمند» توصیف شده است، انجام خواهد شد. این شرکت شرح پلت فرم AI را یکی از ۸ قابلیت اصلی پلت فرم می داند که هدف آن ارائه روش متمرکز مدیریت داده ها و پشتیبانی از ادغام داده ها در چند برنامه کاربردی مورد استفاده برای مدیریت عملیات کارخانه است. AI در خدمت ایجاد قوانین و مدل هایی است که می تواند اطلاعاتی در مورد نحوه تفسیر داده ها و ارائه فرصت ها برای شناسایی بینشی ارزشمند، برای بهبود عملیات کارخانه فراهم کند. Huawei یک جدول زمانی برای زمانی که انتظار می رود Sinopec به طور کامل پلت فرم مورد نظر را پیاده سازی کند، مشخص نکرده است.

♦ شرکت Total

اکتشاف هیدروکربن، توانایی نقشه برداری و شناسایی ذخایر نفت و گاز در عمیق ترین حوزه های سطح زمین، به مهم ترین و اصلی ترین اهداف شرکت های تولیدکننده نفت و گاز بدل شده است. با این حال، روش های نوآورانه و سازگار با محیط زیست برای دستیابی به اثربخشی و کارایی بهتر در این زمینه مورد نیاز است. شرایط محیطی به طور فزاینده ای برای کارگران به مسئله تبدیل شده است که اکتشاف هیدروکربن را انجام می دهند بنابراین تکنولوژی قادر به انجام این کار است در حالی که حفظ عملکرد مطلوب بسیار مهم است.

در تلاش برای ایجاد رباتی که به عنوان اولین روبات سطح مستقل، قادر به کار در سایت های نفت و گاز توصیف شده است، Total این اقدام را در یک رقابت بین المللی در دسامبر ۲۰۱۳ آغاز کرده است. چالش ARGOS مجموع (ربات اتوماتیک برای سایت های گاز و نفت) با پنج تیم از اروپا، آسیا و آمریکای جنوبی که حداکثر سه سال برای تکمیل نمونه های اولیه خود، آزمایش های متعددی را انجام داده اند، حل خواهد شد. برای هر یک از ۵ تیم، Total مبلغ حداکثر ۶۰۰ هزار یورو (تقریباً ۷۰۷،۳۷۶ دلار) برای حمایت از تحقیق و طراحی و یک جایزه تنها ۵۰۰ هزار یورو (تقریباً ۵۸۹،۵۲۲ دلار) برای ربات برنده در نظر گرفته است.

AI که یک مولفه کلیدی از نحوه عملکرد ربات است. شرکت توتال انتظار داشت رقبا اطمینان دهند که روبات هایشان قادر به ارائه گزارش هایی باشند که شامل جمع آوری داده های زمان واقعی مربوط به نقاط بازرسی (مکان هایی که در آن اکتشاف در حال انجام است) و تجزیه و تحلیل در اطراف اثربخشی مکان ها، مورد توجه باشد.

توتال اهداف کلیدی برای ربات ARGOS را

به شرح اینکه توانایی انجام بازرسی ها، در طول روز یا شب، که در حال حاضر توسط انسان انجام می شود و توانایی تشخیص فعالیت های غیرعادی تجهیزات و مداخله در موارد اضطراری را دارند. این قبیل مثال ها ممکن است شامل استفاده از تجهیزات ساده یا شرایطی با خطر بالا مانند نشت گاز را نیز پوشش دهد.

رهبران صنعت نفت و گاز در حال توسعه AI در مناطق مختلف هستند. کاهش رد پای کربن، اکتشاف دریای عمیق هیدروکربن ها و اجرای استراتژی های نوآورانه و پایدار انرژی باعث سرعت تکامل در این زمینه می شود. معتقدیم شرکت هایی که برای این مقاله تحقیق کرده ایم نیز بسیاری از برنامه های هوش مصنوعی AI را اجرا می کنند اما این تکنولوژی ها در مطبوعات کمتر مورد توجه قرار می گیرند (روبات های هیجان انگیز و تلاش های زیست محیطی ناسالم برای روان شناسی نفت بهتر از تجزیه و تحلیل پیش بینی شده برای بازدهی سوخت هستند) با این وجود، احساس می کنیم که برنامه های کاربردی گفته شده، باید رهبران تجاری را به طور منظم، طرح های فعلی AI را در میان بزرگترین بازیکنان صنعت نفت معرفی کنند. سرمایه گذاری انرژی جهانی توسط این بخش در سال ۲۰۱۶ به نوبه خود جالب بود. برای اولین بار، بخش برق جلوتر از بخش نفت و گاز بود. با این حال، بخش نفت و گاز در دوبرابر سرمایه گذاری انرژی جهانی باقی می ماند. ربات های AI یک موضوع امیدوارکننده ای خواهد بود که در راستای کاهش ریسک های خطرناکی که بسیاری از کارکنان را تهدید می کنند هستند.

در حالی که ایالات متحده در سال های اخیر، روند صعودی آسیب های مربوط به زایمان و یا تلفات در این زمینه را تجربه کرده است، تلاش برای بهبود شرایط کارکنان، یک سرمایه گذاری هوشمندانه است. ما پیش بینی می کنیم که پیشرفت هایی در مهارت های رباتیک در هر زمینه (خرده فروشی، کشاورزی، تولید و غیره) به طور مستقیم به روبات هایی که با مشاغل خطرناک مانند کسانی که در نفت و گاز و آتش نجات کار می کنند، پرثمرتر باشد.

در میان شرکت های نفت و گاز می توانیم انتظار داشته باشیم که رهبران این صنعت به عنوان پیشگامان اولیه تبدیل شوند. بودجه های بزرگ و استعدادهای تکنولوژیکی موجود برای اجرای طرح های قوی AI به ویژه برای برنامه های رباتیک پیچیده، ضروری است. معتقدیم که شرکت های نفت و گاز نسبتاً کمتری، از بیشترین خدمات AI در حوزه نفت استفاده می کنند.



یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



بورس‌ها منطقی‌تر می‌شوند بازارهای مالی در دستان ربات‌ها

امیرعباس سپهری |

عضو اندیشکده مطالعات و سیاستگذاری
دانشگاه شریف

هوش مصنوعی در امور مالی می‌تواند راندمان عملیاتی را در بخش‌هایی مانند مدیریت ریسک و تجارت افزایش دهد. در حالی که برخی از برنامه‌های کاربردی مالی، بیشتر مربوط به بخش‌های خاصی در حوزه خدمات مالی هستند، استفاده از هوش مصنوعی در کاربردهای مالی می‌تواند فراتر از خدمات مالی ایفای نقش کند.

♦ هوش مصنوعی در بازارهای مالی

ارزش واقعی هوش مصنوعی در چنین بخش‌هایی، زمانی به خوبی نمایان می‌شود که در شناسایی کلاهبرداری و موارد امنیتی به کمک می‌آید. در گذشته روش‌های سنتی تشخیص جرائم به گونه‌ای بود که تحلیل داده‌ها بر اساس قوانین مدونی، ساختار بندی می‌شد که در این برهه خلافکاران با استفاده از تکنیک‌های متعدد، اقدام به دور زدن قانون می‌کردند و هر بار که قوانین جدیدی برای جلوگیری از تخلفات آنها وضع می‌شد، دوباره شیوه‌ها و روش‌های جدیدی توسط متخلفان طراحی و اجرا می‌شد. این موضوع روش‌های مقابله با جرائم کلاهبرداری را پیچیده و پرهزینه کرده بود.

اما با الگوریتم‌های یادگیری پیشرفته، مانند کسانی که از یادگیری عمیق، ویژگی‌های جدید فرا می‌گیرند، هر لحظه به سیستم تنظیمات جدیدتر و پویاتری اضافه می‌شود. به گفته سمیر هانس (Samir Hans)، مشاور مشورتی در Deloitte Transactions و Business Analytics LLP، «با تجزیه و تحلیل شناختی، مدل‌های تشخیص تقلب می‌توانند

قوی‌تر و دقیق‌تر شوند. سیستم شناختی مواردی را به عنوان تقلب بالقوه تعیین می‌کند و انسانی را که از طریق X ، Y و Z روش تقلب می‌کند، شناسایی کرده و از بینش‌های انسانی یاد می‌گیرد و در مقطع بعد راه ورود آنها را سد می‌کند، چرا که هر لحظه دقیق‌تر و سریع‌تر شده است.»

سال‌هاست که شرکت‌های مدیریت سرمایه‌گذاری بر روی رایانه‌ها متمرکز شده‌اند تا معاملات خود را با کمک آنها انجام دهند. حدود ۱۳۶۰ صندوق سرمایه‌گذاری که ۹ درصد از کل بودجه بازارهای سهام را در دست دارند، از مدل‌های آماری بزرگ که توسط دانشمندان تحلیل داده، با تکیه بر مدل‌های ریاضی به تحلیل داده‌ها می‌پردازند، سرمایه‌گذاری می‌کنند. با این حال، این مدل‌ها تنها از داده‌های گذشته استفاده می‌کنند و اغلب ایستا هستند و نیاز به مداخله انسانی دارند و حتی در زمانی که بازار تغییر می‌کند، عملکرد خوبی نیز ندارند. در نتیجه، وجهه به طور فزاینده‌ای به مدل واقعی هوش مصنوعی مهاجرت می‌شود که می‌تواند نه تنها حجم زیادی از داده‌ها را تجزیه و تحلیل کند، بلکه همچنان به بهبود خود ادامه می‌دهد. این فن‌آوری‌های جدید از تکنیک‌های پیچیده از جمله یادگیری عمیق، شکل یادگیری ماشین به نام شبکه‌های بیزی و محاسبات تکاملی استفاده می‌کند که از ژنتیک الهام گرفته شده است. نرم افزار تجاری AI می‌تواند حجم زیادی از اطلاعات را برای یادگیری در مورد جهان و پیش‌بینی‌های مربوط به بازار مالی استفاده کند. برای درک روند جهانی، آنها می‌توانند همه چیز را از کتاب‌ها، توییت‌ها، گزارش‌های خبری، اطلاعات مالی، تعداد درآمد، و سیاست‌های پولی بین المللی استخراج و از آنها استفاده کنند.

برای درک بهتر، در تجارت‌هایی با فرکانس زیاد، هوش مصنوعی این فرصت را فراهم می‌کند که معامله‌گران میلیون‌ها سفارش را اجرا کنند و در عرض چند ثانیه از طریق اسکن کردن بازارها، سیگنال‌های خرید را به سرمایه‌گذاران منتقل کند، به طوری که انسان‌ها به راحتی نمی‌توانند از فرصت‌ها استفاده کنند. سیستم عامل‌های مبتنی بر AI که در بالا مورد بحث قرار می‌گیرند، به دنبال بهترین معاملات در درازمدت هستند و ماشین‌هانه انسان‌ها، استراتژی را تعیین می‌کنند.

برخی از این سیستم‌های معاملاتی AI توسط تازه واردان بازار سهام، توسعه یافته‌اند. به عنوان مثال، Aidiya مستقر در هنگ کنگ یک صندوق حمایتی کاملاً مستقل است که تمام معاملات سهام خود را با استفاده از هوش مصنوعی انجام می‌دهد. بن گرتزل (Ben Goertzel)، یکی از بنیانگذاران می‌گوید: «اگر همه ما بپذیریم، هوش مصنوعی تجارت را ادامه خواهد داد.» موسسات سنتی نیز به تکنولوژی تجارت AI علاقه‌مند هستند. در سال ۲۰۱۴، گلدمن ساکس سرپرستی دوره سری A را آغاز کرد و شروع به راه اندازی یک پلت فرم معاملاتی AI به نام Kensho کرد. برای دوره Kensho سری B، علاوه بر S&P Global، شش بانک بزرگ وال استریت (Goldman Sachs، JPMorgan Chase، Bank of America، Merrill Lynch، Morgan Stanley، Citigroup و Wells Fargo) نیز شرکت کردند.

در حال حاضر حدود یک سوم فارغ‌التحصیلان از رشته‌های کسب و کار به بازارهای مالی جذب می‌شوند. مارک ماینویچ، مشاور ارشد شورای

رقابت ایالات متحده، معتقد است که بعضی از این افراد به سوی نوآوری‌های تکنولوژیکی حرکت خواهند کرد و یا در راستای توسعه سیستم‌های هوش مصنوعی، ماشین‌های مستقل و تکنولوژی انرژی کمک خواهند کرد. در آینده نه چندان دور بازار سهام نیویورک ممکن است به رقیب جدی دره فناوری سیلیکون تبدیل شود.

کاربردهای ویژه AI در بازار سهام عبارتند از:

۱- ارزیابی ریسک

از آنجا که پایه AI از داده‌های گذشته یاد می‌گیرد؛ طبیعی است که هوش مصنوعی باید در حوزه خدمات مالی، که در آن حسابداری و رکوردها به کسب و کار گسترش یابد. به طور مثال کارت‌های اعتباری، امروزه به عنوان اعتبار فرد شناخته می‌شود و وسیله‌ای است که فرد با آن سنجش و در زمان تخصیص وام ارزیابی می‌شود. با این حال، گروه بندی افراد به کسانی که کارت اعتباری دارند و کسانی که ندارند، همیشه برای کسب و کار کارآمد نیست. در عوض، اطلاعات مربوط به عادات بازپرداخت وام هر فرد و تعداد وام‌هایی که در حال حاضر بدهکار است، می‌تواند مورد ارزشیابی فرد قرار گیرد. این یعنی موسسه مالی ارائه دهنده کارت، در مدت زمان کوتاهی همه سوابق مالی فرد را بررسی و اعلام می‌کند که شخص مورد نظر تا چه اندازه می‌تواند از عهده وامی که قرار است دریافت کند، بر می‌آید. اسکن کردن از طریق این پرونده‌ها نیز AI را قادر می‌سازد که توصیه‌های وام و اعتباراتی ارائه دهد که به لحاظ تاریخی معنی دارند.

AI بسیار سریع به جای یک تحلیلگر انسانی جای می‌گیرند، زیرا اشتباهاتی که در انتخاب انسان دخیل هستند ممکن است میلیون‌ها هزینه داشته باشند. AI بر مبنای یادگیری ماشین است که در طول زمان یاد می‌گیرد، امکان اشتباه کمتر و تجزیه و تحلیل داده‌های

وسیع را دارد؛ ChatBots در واقع خود را به عنوان یک ابزار قدرتمند برای رضایت مشتری و یک منبع بی نظیر برای شرکت‌ها، جا باز کرده است تا آنها را به صرفه جویی در زمان و کاهش هزینه‌ها کمک کند. اکنون، فیس بوک در طراحی و توسعه ربات‌ها برای ایجاد مذاکرات به نحوی که انسان انجام می‌دهد، فعال شده است. این تکنولوژی جدید نه تنها نحوه کار ما را تغییر می‌دهد بلکه فعالیت‌های غیر تجاری نیز می‌تواند شامل تنظیم زمان جلسه باشد. ربات‌ها می‌توانند محدودیت‌های جلسات را با توجه به در دسترس بودن هر کس که در جلسه حضور دارند، برطرف کند.

۲- تشخیص و جلوگیری از کلاهبرداری

هر کسب و کار باهدف کاهش شرایط ریسکی که آن را احاطه کرده است، از هوش مصنوعی بهره می‌گیرد. این حتی برای موسسه مالی نیز صادق است. وام یک بانک به شما اساسا پول دیگران را می‌دهد، به همین دلیل، شما به دنبال پرداخت سپرده و سود سهام در سرمایه‌گذاری هستید. این نیز به همین دلیل است که بانکها و موسسات مالی تقلب بسیار جدی می‌کنند. هنگامی که در مورد امنیت و شناسایی کلاه برداری، AI وارد می‌شود، امکانات سازمان‌های بارزسی و ناظر به شدت افزایش می‌یابد. این می‌تواند رفتارهای پرهزینه گذشته را بر ابزارهای مختلف معاملات مورد استفاده قرار دهد تا رفتار عادی را مشخص کند، مانند استفاده از یک کارت از کشور دیگری که تنها چند ساعت پس از آن که در جای دیگر استفاده شده است، یا تلاش برای برداشت مجموع پولی که برای حساب غیر معمول است. یکی دیگر از ویژگی‌های عالی تشخیص تقلب با استفاده از AI این است که سیستم در مورد یادگیری شک ندارد. اگر یک نشانه قرمز برای

یک معامله منظم ایجاد می‌کند و یک انسان آن را تصحیح می‌کند، سیستم می‌تواند از تجربه یاد بگیرد و تصمیمات پیچیده‌تر را درمورد آنچه که تقلب در نظر گرفته می‌شود و چه چیزی نمی‌تواند، بگیرد.

۳- خدمات مشاوره مالی

با توجه به گزارش PWC، ما می‌توانیم چشم‌انداز مشاوران مالی را در آینده تیره و تار ببینیم. همان طور که فشار بر موسسات مالی افزایش می‌یابد تا نرخ‌های کمیسیون خود را برای سرمایه‌گذاری‌های فردی کاهش دهند، ماشین‌ها ممکن است کاری را انجام دهند که دیگر هزینه‌های مشاوره به اندازه گذشته بالا نباشد. یکی دیگر از زمینه‌های در حال تحول، مشاوره بیونیک است که با ادغام محاسبات ماشین و بینش انسان برای ارائه گزینه‌های بسیار کارآمدتر شکل می‌گیرد و از آنچه که قبلا به صورت فردی ارائه می‌شد، دقیق‌تر است. این موضوع بیانگر این نکته است که کاربردی که از هوش مصنوعی می‌شود، کمتر از ظرفیت‌های این سیستم بوده و توانایی‌های آن در موضوعات دیگر بسیار بیشتر از حد تصور است.

۴- تجارت

شرکت‌های سرمایه‌گذاری برای تعیین الگوهای آینده در بازار، متکی به دانشمندان کامپیوتر و ریاضی هستند. تجارت و سرمایه‌گذاری‌ها به توانایی و دقت پیش بینی‌های آینده بستگی دارد. ماشین‌ها در این زمینه بسیار کارا هستند، زیرا در کوتاه‌مدت می‌توانند مقدار زیادی اطلاعات را با دقت چشمگیری بررسی و به عرصه ظهور برسانند. ماشین‌آلات نیز می‌توانند آموزش داده شوند تا الگوها را در داده‌های گذشته مشاهده کنند و پیش‌بینی کنند که چگونه این الگوهای ممکن است در آینده تکرار شوند. در حالی که ناهنجاری‌هایی مانند بحران مالی سال ۲۰۰۸ در داده‌ها وجود دارد، دستگاه را می‌توان به مطالعه داده‌ها برای پیدا کردن عوامل این ناهنجاری‌ها، و برنامه ریزی برای آنها در پیش‌بینی آینده، استفاده کرد. به طور مثال زمان، شدت و عمق بحران‌ها را نیز می‌توان با هوش مصنوعی بررسی کرد. بنابر میزان ریسک پذیری فرد، AI می‌تواند راه حل‌های نمونه را برای پاسخگویی به تقاضای هر فرد پیشنهاد کند. بنابراین فردی که در معرض خطر زیادی است، می‌تواند برای تصمیم گیری در مورد خرید، نگهداری و فروش سهام به AI مراجعه و حتی به تحلیل‌های آن نیز اعتماد کند. یکی با ریسک پذیری کمتر می‌تواند هشدار را برای زمانی که بازار انتظار می‌رود سقوط کند، دریافت کند و تصمیم بگیرد که آیا سرمایه‌گذاری در بازار و یا حرکت به سمت آن را تداوم دهد یا سریعاً از بازار خارج شود.



یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

- یادداشت
- نکوداشت
- انتخابات نهم
- روزهای ایران
- اخلاق
- بودجه ۹۸
- شرح صدر
- چالش جمعیت
- هوش مصنوعی
- بازارها
- انقلاب چهارم



زیگراگ بورس

تا شاخص اصلی بورس طی فصل گذشته حدود ۲۱ درصد از قله تاریخی خود عقب بنشیند. شاخص کل طی سه ماه اخیر در حبس بازه‌ای گرفتار شد و بازار طی این مدت به دلیل تجربه ریزش‌های سنگین و تنگنای تحریم‌ها در فضایی نااطمینان قرار گرفت و همین شرایط سبب تغییر ذائقه بازار و انتقال بخشی از سرمایه‌های خرد به گروه‌های مستعد برای کسب سودهای کوتاه‌مدت و سفته‌بازی‌های هفتگی و روزانه شد. پیامد بلافصل این جریان، حرکت زیگراگی شاخص کل در محدوده تقریبی ۱۵۵ تا ۱۶۵ هزار بود.

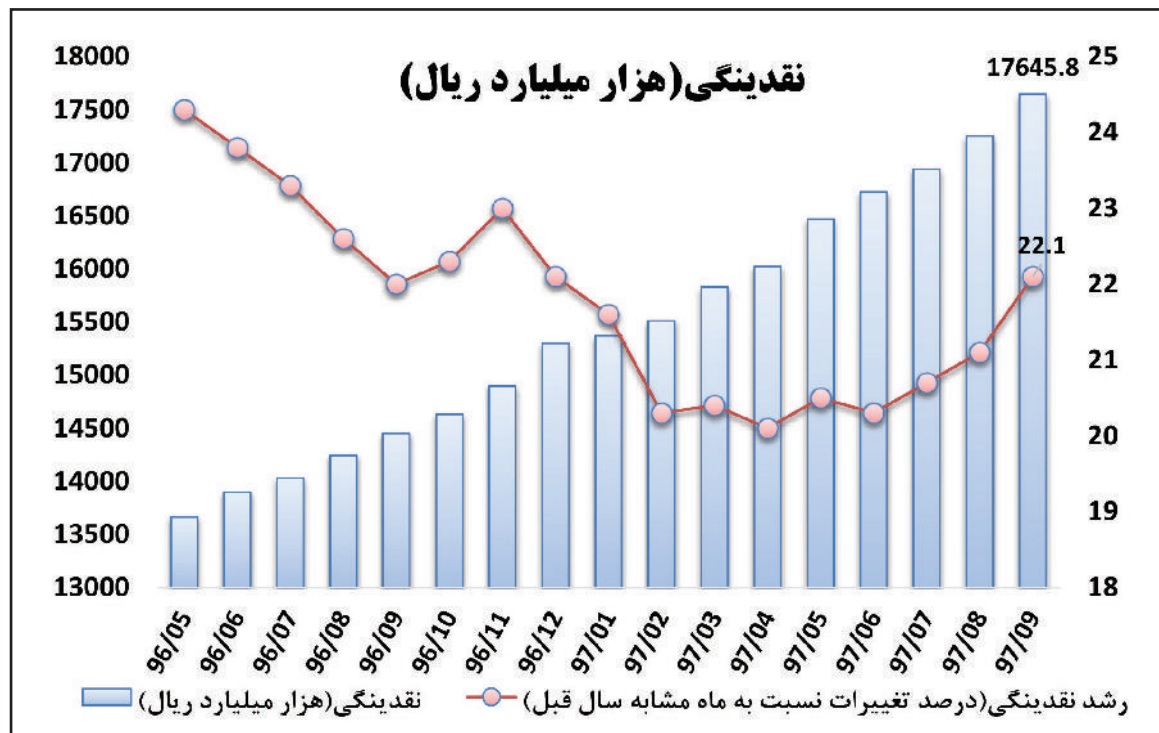
ادامه در صفحه ۸۳

توجه به اینکه عمده جریان ورود و خروج سرمایه به بازار سهام با انگیزه سفته‌بازی صورت می‌گیرد، نوسانات در بازارهای موازی از جمله بازار مسکن و خودرو جذابیت‌های این بازار را کاهش داده است. همچنین رشد نیمه اول سال بازار سرمایه توقعات را از این بازار بالا برد و رشدهای فعلی پاسخگوی انتظار ذهنی سرمایه‌گذاران نیست. در کنار نوسانات قیمتی، به طول کشیدن برخی تصمیمات مهم مانند لوایح چهارگانه FATF و سرانجام شکل‌گیری SPV که به خصوص در شرایط فعلی و روبرویی با تحریم‌ها، کلیدی تلقی می‌شود در کاهش رشد بازار بی‌تاثیر نبود. برآیند این عوامل سبب شد

بورس از ابتدای سال در کنار بازارهای موازی همچون ارز و سکه دچار نوسانات بی‌سابقه شد. از سوی دیگر در بازار جهانی نیز با نزدیک شدن به زمان اجرای تحریم‌های نفتی ایران و بیم کاهش عرضه، پیش‌بینی‌ها حاکی از گذر نفت از مرز ۱۰۰ دلار بود که تاثیر مثبتی بر سهم‌های پالایشی و پتروشیمی گذاشته بود. در نیمه دوم سال با قطعی شدن موضوعات تحریم و اجرایی شدن آن انتظار کاهش فروش نفت و محصولات پتروشیمی و سایر محصولات صادراتی، بازار شروع به شناسایی وضعیت جدید خود کرد و به سرعت نسبت به این موضوعات واکنش نشان داد. همچنین با

رشد نقدینگی ثانیه‌ای ۱۵ میلیون تومان

طبق آخرین گزارش بانک مرکزی نقدینگی در آذرماه به رقم ۱۷۶۴۵ هزار میلیارد تومان رسید. این رقم برای گزارش آبان ماه ۱۷۲۵ هزار میلیارد تومان ثبت شد؛ در واقع در آذرماه تقریباً ۳۹ هزار میلیارد تومان به نقدینگی اضافه شد. با محاسبه در ابعاد خیلی ریزتر در واقع در آذرماه هر ثانیه ۱۵ میلیون تومان به حجم نقدینگی اضافه شد. طبق گزارش بانک مرکزی رشد نقدینگی در انتهای پاییز شدت گرفت و با ثبت نرخ رشد ۲۲٫۱ درصدی به بالاترین مقدار خود در سال ۹۷ رسید.



متغیر	اسفند ۹۶	آذر ۹۷	افزایش ۹ ماهه	رشد یک‌ساله-درصد	رشد ۸ ماهه-درصد
نقدینگی	۱۵۲۹٫۹	۱۷۶۴٫۵	۲۳۴٫۶	۲۲٫۱	۱۵٫۳
پول	۱۹۴٫۶	۲۴۴٫۶	۴۹٫۵	۴۱	۱۳٫۸
پایه پولی	۲۱۳٫۹	۲۴۴٫۸	۴۵٫۳	۲۲٫۷	۱۴٫۴
شبه پول	۱۳۳۵٫۳	۱۵۱۹٫۹	۱۸۴٫۶	۱۹٫۵	۲۵٫۷
سپرده بلندمدت	۸۴۰٫۳	۸۶۹٫۱	۲۸٫۷	۲۰٫۶	۳٫۴
سپرده کوتاه‌مدت	۳۹۳٫۵	۵۳۵٫۱	۱۴۱٫۵	۱۶٫۳	۳۶
اسکناس و مسکوک در دست اشخاص	۴۴٫۲	۴۵٫۵	۱٫۲۳	۳۰٫۵	۲٫۸
ارقام به هزار میلیارد تومان					

نگهداری می‌کردند، در آذر ماه تصمیم گرفتند که حدود ۲۵ هزار میلیارد تومان از نقدینگی جدید را به سپرده بلندمدت تبدیل کنند زیرا وضعیت بازار سکه و ارز نزولی شده بود و تمایل کمتری نسبت به نگهداری پول به صورت کوتاه‌مدت و حساب جاری وجود داشت. آمارها نشان می‌دهد، که سپرده کوتاه‌مدت و در حال گردش در دست مردم از طریق کارت‌های بانکی با رشد ۳۶ درصدی در ۹ ماه همراه بوده و از ۳۹۳ هزار میلیارد تومان در اسفند ۹۶ به ۵۳۵ هزار میلیارد تومان در آذر ۹۷ رسیده و ۱۴۱ هزار میلیارد تومان بیشتر شده است. این در حالی است که سپرده بلندمدت تنها ۲۸ هزار میلیارد

تبدیل به دارایی‌های مالی افزایش یافت و به دنبال اجرای سیاست‌های بانک مرکزی از مرداد ۹۷ که با کاهش سقف تراکنش بانکی، جمع‌آوری چک‌های رمزدار در گردش در بازار، ساماندهی صرافی‌ها و... نرخ دلار در آبان و آذر به ترتیب ۶٫۹- و ۱۹٫۵- درصد، نرخ سکه ۲٫۷- و ۱۵٫۳- درصد، نرخ یورو ۷٫۶- و ۱۸٫۷- درصد، کاهش یافت، موجب شد که عده‌ای از صاحبان نقدینگی، پول خود را به سپرده بلندمدت تبدیل کنند و در نتیجه روند هشت ماه اول که با بی‌ میلی مردم نسبت به رشد سپرده بلندمدت مواجه شده بود و مردم پول و رشد نقدینگی جدید را در حساب کوتاه‌مدت، دیداری و به صورت اسکناس

ثبتات بازارهای ارز و طلا در ماه‌های پایانی پاییز متغیرهای پولی را نیز تحت تاثیر قرار داده است؛ به گونه‌ای که شواهد و قرائن حاکی از آن است که تقاضای پول نقد در اقتصاد در پاییز کاهش یافته است. در ادبیات اقتصادی تقاضای پول به معنای تقاضای برای نگهداری پول نقد می‌باشد که با نرخ بهره رابطه عکس دارد. در تعریف بیشتر نرخ بهره نیز باید گفت نرخ بهره میانگین وزنی است از دارایی‌های جایگزین پول. همان‌طور که در ماه‌های گذشته در گزارش‌های بانک مرکزی مشاهده شد با افزایش نوسانات و التهابات در بازار ارز و طلا سهم سپرده‌های کوتاه مدت به منظور

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

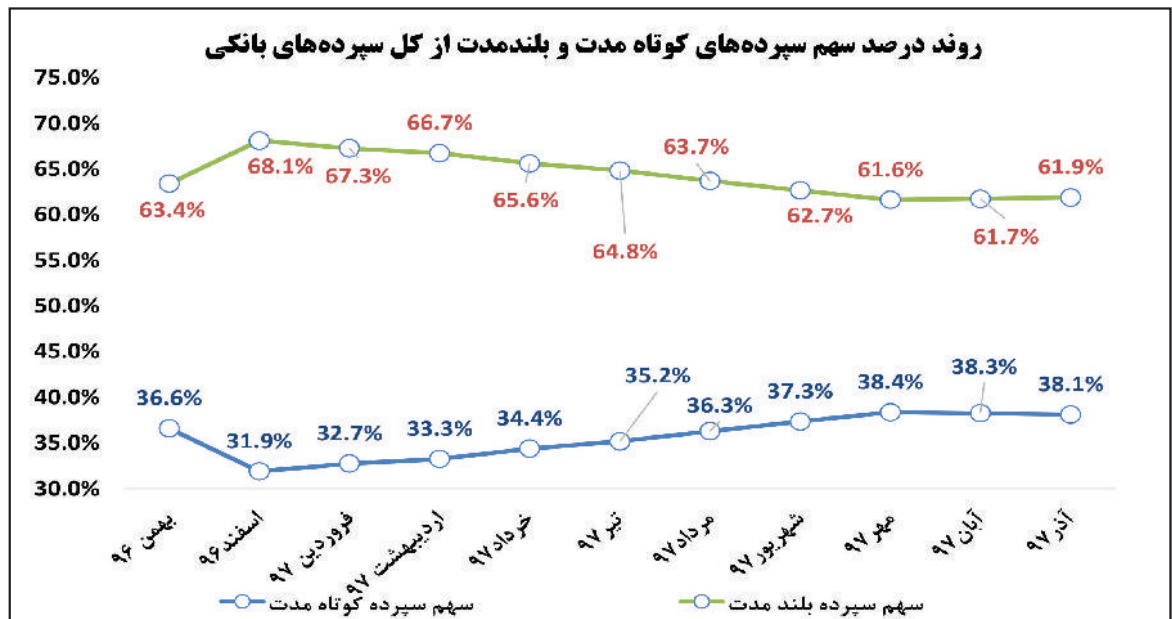
بازارها

انقلاب چهارم

کاهش نرخ دلار و سکه در آبان و آذر متاثر از سیاست‌های بانک مرکزی در کنترل بازار ارز و طلا و سکه، سپرده بلندمدت معادل ۲۵ هزارمیلیارد تومان بیشتر شده است.

آذر ماه رشد قابل توجهی نسبت به ماه‌های دیگر سال داشته است. زیرا سپرده بلندمدت از اسفند ۹۶ تا آبان ماه تنها ۳ هزار میلیارد تومان رشد کرده بود اما در آذر ۹۷ به خاطر

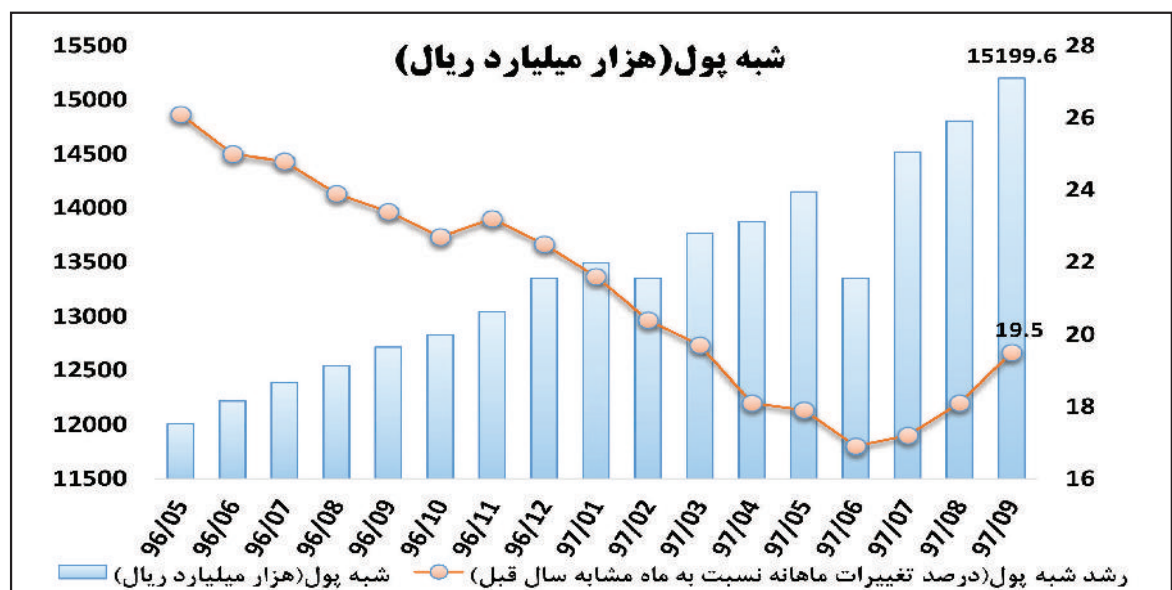
تومان در این ۹ ماه بیشتر شده و از ۸۴۰ هزار میلیارد تومان در اسفند ۹۶ به ۸۶۹ هزار میلیارد تومان در آذر ۹۷ رسیده و ۳,۴ درصد رشد داشته که البته نشان می‌دهد در



را افزایش دهد. از این رو در آمارهای بانک مرکزی مشاهده می‌کنیم که نرخ رشد نقدینگی با ثبات بازارهای ارز و طلا روند افزایشی به خود گرفته است. در نتیجه با توجه به ثبات بازارهای در ماه‌های پایانی سال انتظار می‌رود روند حرکت منابع به سمت حساب‌های بلندمدت ادامه دار و تقاضای برای پول نیز کاهش یابد. در واقع این به منزله این است که در ادامه سال منابع قابل اتکای شبکه بانکی افزایش می‌یابد و به تبع آن قدرت تسهیلات‌دهی نیز افزایش می‌یابد. تحت تاثیر دو عامل یادشده در ابتدای نوشتار است که رشد پول در اقتصاد کاهش و رشد شبه پول که بیشتر تابع عملکرد تسهیلات بانکی است افزایش یافته است. در عین حال با ادامه این روند انتظار می‌رود نقدینگی نرخ رشد بالای خود را حفظ کند.

دلیل در اسفندماه به طور استثنای ممکن است افزایش نیاز به اسکناس این متغیر را تحت تاثیر قرار دهد ولی در ادامه با ثبات بازارهای مالی انتظار می‌رود این متغیر روند کاهشی به خود بگیرد. حجم پول در آذرماه سال جاری به ۴۴۶,۲ هزار میلیارد تومان رسیده که نسبت به آذرماه سال قبل که ۱,۷۳۴ هزار میلیارد تومان بوده، ۴۱ درصد افزایش داشته است. حجم شبه پول نیز در این ماه حدود ۱,۵۲۰ هزار میلیارد تومان گزارش شده که نسبت به ماه مشابه سال گذشته، ۱۹۵ درصد افزایش داشته است، بطوری که حجم شبه پول در این ماه ۱,۲۷۱ هزار میلیارد تومان بوده است. با افزایش رشد شبه پول انتظار می‌رود ضریب فزاینده نقدینگی حاصل از این محل تاثیر قرار بگیرد و نرخ رشد نقدینگی

علاوه بر این آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد رشد نقطه به نقطه اسکناس و مسکوک بر خلاف نیمه نخست سال جاری، در دومه پایانی پایین روند بانباتی داشته است. در فروردین ماه سال جاری رشد نرخ رشد اسکناس و مسکوک در دست اشخاص ۱۷ درصد ثبت شد که در این روند تا مهرماه سال جاری به سطح ۳۲ درصد رسید. اما بررسی‌های آمارهای بانک مرکزی نشان می‌دهد در ماه آبان نرخ رشد اسکناس و مسکوک در اقتصاد در سطح ۳۲ درصد ثابت مانده و تغییری نکرده است. و در ماه بعد یعنی آذرماه با کاهش یک درصدی به سطح ۳۱ درصد رسیده است. به نوعی تقاضای برای اسکناس و مسکوک که در اقتصاد به نوعی تقاضا برای پول نقد می‌باشد کاهش یافته است. البته شایان ذکر است به



سیگنال‌های افزایش عرضه



افزایش به ترتیب رتبه‌های بعدی را در افزایش شاخص قیمت نهاده‌های ساختمان‌های مسکونی شهر تهران داشته‌اند. در میان سایر گروه‌ها، در این فصل، شاخص قیمت گروه «آهن‌آلات، میلگرد و پروفیل درب و پنجره و نرده» با ۱۱.۲- درصد نسبت به فصل قبل بیشترین تأثیر منفی را در شاخص کل داشته است. طبق گزارش مرکز آمار بیشترین تغییرات قیمتی مصالح در پاییز امسال مربوط به مصالحی است که در مرحله نازک‌کاری مورد استفاده قرار می‌گیرند. یکی از مهم‌ترین دلایل نوسان قیمتی بیشتر در این ۶ گروه مصالح ساختمانی افزایش تقاضای سازندگان برای خرید این نوع مصالح ساختمانی و استفاده از آنها برای تکمیل واحدهای مسکونی است که هم‌اکنون در مراحل پایانی ساخت قرار دارند. شاید بتوان گفت بخش عمده سازندگان مسکن بر تکمیل پروژه‌های ساختمانی تمرکز کرده‌اند و ثبت بیشترین نوسانات قیمتی در گروه مصالح ساختمانی مورد استفاده در مراحل پایانی فعالیت‌های ساختمانی می‌تواند یک علامت مهم در مورد وجود احتمال قوی برای افزایش عرضه مسکن نوساز در سال آینده محسوب شود. به‌نظر می‌رسد افزایش تقاضا برای این گروه از مصالح ساختمانی یکی از نشانه‌های آماده شدن سازنده‌ها برای عرضه بیشتر واحدهای نوساز در سال بعد باشد.

همزمان با فروکش کردن التهابات ارزی در پاییز امسال و پایان یافتن دولت مستعجل رونق در بازار معاملات مسکن؛ رشد میانگین قیمت فروش آپارتمان‌ها و میانگین قیمت مصالح و تجهیزات ساختمانی نیز در مقایسه با یک فصل قبل کاهش یافت و طبق گزارش مرکز آمار شاخص قیمت نهاده‌های ساختمان‌های از رقم ۲۶ درصد در تابستان به حدود ۵ درصد در پاییز رسید. طبق آخرین گزارش مرکز آمار شاخص قیمت نهاده‌های ساختمان‌های مسکونی شهر تهران در فصل پاییز ۱۳۹۷ به عدد ۳۳۱ رسید. این رقم نسبت به شاخص فصل قبل (۳۱۵،۴)، ۴.۹ درصد و نسبت به شاخص فصل مشابه سال قبل (۲۱۶،۷)، ۵۲.۸ درصد افزایش داشته است. درصد تغییرات میانگین شاخص چهار فصل منتهی به فصل پاییز سال ۱۳۹۷ نسبت به میانگین شاخص چهار فصل منتهی به پاییز سال ۱۳۹۶ معادل ۳۷،۳ درصد بوده که نسبت به همین اطلاع در فصل قبل (۲۶،۷ درصد) با افزایش روبه‌رو بوده است. در میان گروه‌ها شاخص گروه «سیمان، بتن، شن و ماسه» در فصل مورد بررسی برابر ۲۷۵،۲ بوده است که با ۹.۵ درصد تغییر نسبت به فصل قبل بیشترین تأثیر را در افزایش شاخص کل داشته است. همچنین در فصل پاییز سال ۱۳۹۷ گروه «سنگ» با ۱۴.۲ درصد افزایش و گروه «چوب» با ۸.۹ درصد

نکته‌ای که باید یادآور شد این است که بدون شک قسمت عمده نقدینگی نجومی حاصل سودهای موهومی است که شبکه بانکی پرداخت می‌کند. در واقع تا وقتی روند پرداخت سودها بدین صورت باشد نقدینگی بطور سیستماتیک تمایل به فزاینده شدن دارد و با توجه به وضعیت پایین بازده بازارهای مولد به افزایش تقاضای سفته بازی خواهد انجامید. به عبارت دیگر تقاضای برای نگهداری پول با انگیزه‌های سفته بازی بالا همواره از ویژگی‌های اقتصاد ایران بوده است که با افزایش ریسک‌های سیاسی در اقتصاد به سمت بازارهای نامولد کانالیزه می‌شود. در سمت عرضه پول در خصوص علت رشد بالای نقدینگی با نگاهی به علل نیاز بنگاه‌های اقتصادی به نقدینگی می‌توان به یکی از مهم‌ترین علل اقتصادی پی برد. برای توضیح بیشتر به زبان ساده تر باید گفت نیاز بنگاه‌ها و تولیدکنندگان در اقتصاد به نقدینگی از این سه حالت خارج نخواهد بود؛ یا به منظور ارتقا و اجرای طرح‌های توسعه‌ای و یا با هدف پوشش خلا جریان مالی به دلیل اختلاف و وقفه زمانی در دریافتی و پرداختی‌هایی است که در ماهیت یک سری از فعالیت‌های اقتصادی است و در نهایت یا برای سرپا نگه داشتن و جلوگیری از ورشستگی و ایفای نقش مسکن برای درد ممکن است باشد. با توجه به عدم تغییر درآمد سرانه و درآمد حقیقی در سال‌های بعد از انقلاب می‌توان نتیجه گرفت، نقدینگی در تغییر سمت عرضه اقتصاد ایران و توانایی تولید نقش چندانی نداشته است. پس نقدینگی به منظور اجرای طرح‌های توسعه در بنگاه‌های اقتصادی نبوده است و هیچگاه به این سمت نرفته است. از سوی دیگر طبیعتاً وقفه زمانی در دریافت و پرداخت در همه صنایع و بنگاه‌های وجود ندارد. بنابراین می‌توان گفت عمده نقدینگی صرف مرهم دردهای بنگاه‌هایی شد، که در صورت عدم دریافت منابع و اعتبارات؛ عمرشان کفاف نخواهد داد. به عبارت دیگر رشد بالای نقدینگی معلول علت بزرگتری تحت عنوان کمبود سرمایه و تکنولوژی است که برای طی کردن مسیر توسعه، اقتصاد ایران بیش از پیش به این دو نیازمند است.

زمان	شاخص کل قیمت نهاده‌های ساختمان مسکونی	درصد تغییرات
بهار ۹۶	۱۹۷،۱	۳٪
تابستان ۹۶	۲۱۱،۶	۷٪
پاییز ۹۶	۲۱۶،۷	۲٪
زمستان ۹۶	۲۲۳،۱	۳٪
بهار ۹۷	۲۵۰،۸	۱۲٪
تابستان ۹۷	۳۱۵،۴	۲۶٪
پاییز ۹۷	۳۳۱	۵٪

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

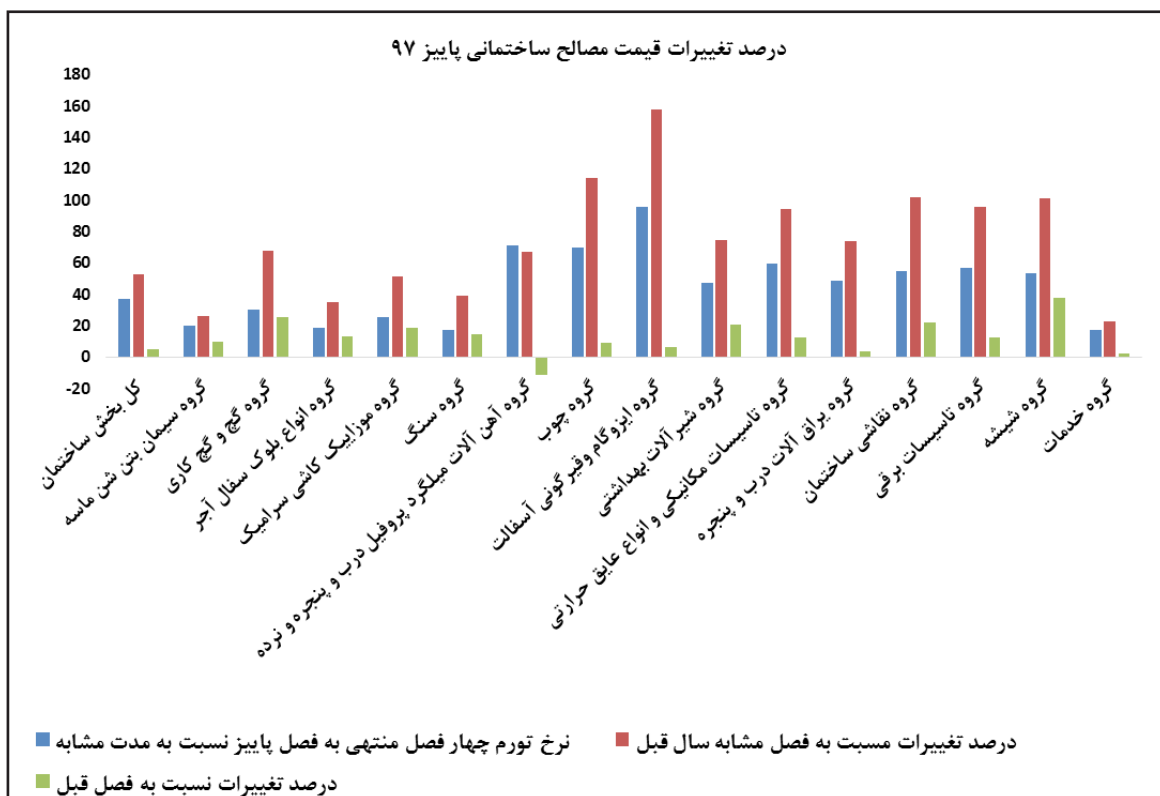
چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

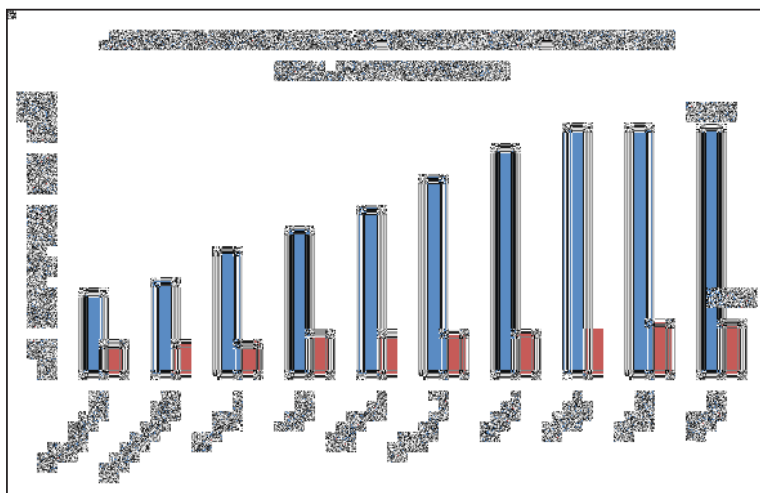
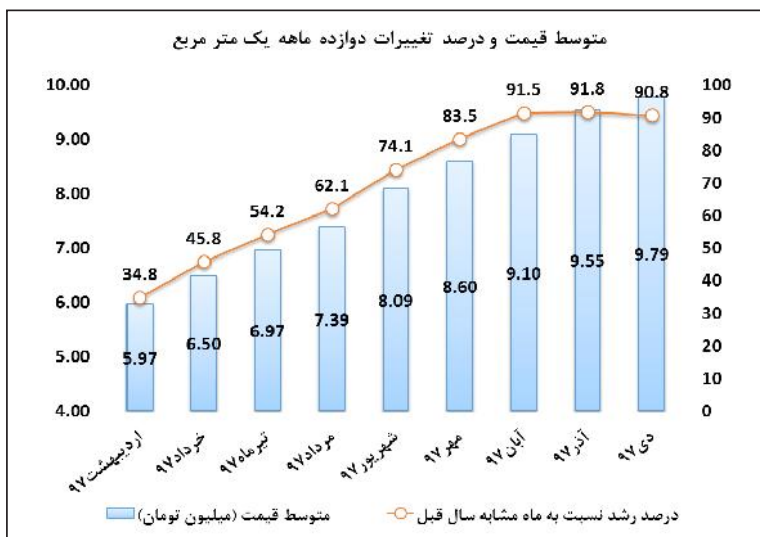
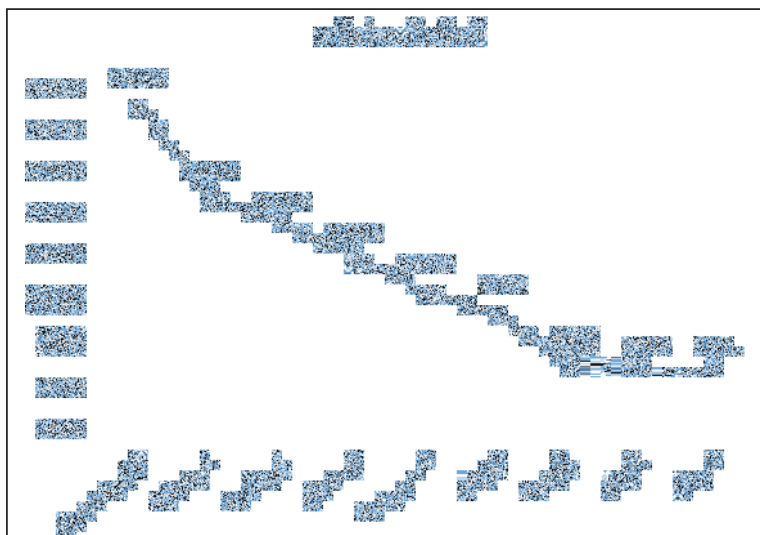
گروه‌ها	درصد تغییرات نسبت به فصل قبل	درصد تغییرات مسببت به فصل مشابه سال قبل	نرخ تورم چهار فصل منتهی به فصل پاییز نسبت به مدت مشابه
کل بخش ساختمان	۴,۹	۵۲,۸	۳۷,۳
گروه سیمان بتن شن ماسه	۹,۵	۲۶	۲۰,۲
گروه گچ و گچ کاری	۲۵,۲	۶۷,۸	۳۰,۲
گروه انواع بلوک سفال آجر	۱۳,۴	۳۵	۱۸,۵
گروه موزاییک کاشی سرامیک	۱۸,۳	۵۱,۶	۲۵,۷
گروه سنگ	۱۴,۲	۳۸,۹	۱۷,۳
گروه آهن آلات میلگرد پروفیل درب و پنجره و نرده	-۱۱,۲	۶۷,۱	۷۱,۴
گروه چوب	۸,۹	۱۱۳,۸	۶۹,۶
گروه ایزوگام و قیرگونی آسفالت	۶,۲	۱۵۷,۵	۹۵,۷
گروه شیر آلات بهداشتی	۲۰,۸	۷۴,۳	۴۷,۱
گروه تاسیسات مکانیکی و انواع عایق حرارتی	۱۲,۶	۹۴	۵۹,۶
گروه یراق آلات درب و پنجره	۳,۹	۷۳,۸	۴۸,۳
گروه نقاشی ساختمان	۲۲,۲	۱۰۱,۹	۵۴,۹
گروه تاسیسات برقی	۱۲,۴	۹۵,۹	۵۶,۹
گروه شیشه	۳۷,۶	۱۰۱,۴	۵۳,۶
گروه خدمات	۲,۳	۲۲,۶	۱۷,۵



وضعیت خریداران انعطاف بیشتری داشته و در نتیجه در این خانه‌های متراژ پایین شاهد معامله بیشتری بوده‌ایم. در خصوص تغییرات قیمت مسکن در بهمن ماه گزارش دفتر اقتصاد مسکن نشان می‌دهد میانگین قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در بهمن ماه با افزایش ۲,۹ درصدی به ۱۰ میلیون تومان رسیده است، از این جهت در مقایسه با تغییرات قیمتی در دی ماه شاهد رشد خفیف ۱,۵ درصدی هستیم. به عبارت دیگر کمترین تورم ماهانه مسکن از اردیبهشت ماه را شاهد هستیم.

طور سنتی در ماه‌های پایانی سال شاهد افزایش در حجم معاملات مسکن هستیم. با توجه به اینکه تعداد معاملات خرید و فروش اوراق تسهیلات در دی ماه نسبت به آذرماه ۱۶ درصد افزایش یافت، در کنار فضای مثبت اخبار سیاسی در بهمن ماه نشان می‌دهد؛ انتظار افزایش معاملات در ماه پایانی نیز دور از انتظار نخواهد بود. در قسمت فروش نیز گزارش‌های میدانی حاکی از این است که قیمت‌های تعیین شده از سوی فروشندگان مخصوصاً در خانه‌های متراژ پایین متناسب با

در قسمت معاملات طبق آمارها معاملات در بازار مسکن در حال فاصله گرفتن از کف خود است. طبق گزارش‌های بانک مرکزی از وضعیت بازار مسکن در دی ماه تعداد ۶,۷ واحد مسکونی معامله شده که در واقع کمترین سطح معامله محسوب می‌گردد. اما طبق اظهارات رئیس اتحادیه مشاوران املاک تهران معاملات مسکن در بهمن ماه به بیش از ۱۰ هزار واحد رسیده است که نسبت به ۵ ماه گذشته افزایش قابل توجه به حساب می‌آید اما در مقایسه با سال گذشته ۲۰ درصد کاهش داشته است. به



تومان است. نوع دوم وام خرید مربوط به تسهیلات ارایه شده با اوراق ممتاز است که ۶۰ میلیون تومان وام با سود ۱۷٫۵ درصد به متقاضی خرید مسکن ارایه می‌شود که برای متقاضیان خرید مسکن در بافت فرسوده، امتیازی قائل نیست اما شرایط خوبی که این وام دارد این است که انتظار اولیه را ندارد و روش بازپرداخت هم به صورت صعودی و پلکانی است یعنی به تدریج پرداخت اقساط افزایش می‌یابد.

به ۶ درصد کاهش می‌یابد، در این نوع وام، هر یک از زوجین می‌توانند مبلغ ۴۰ میلیون در حساب یک‌ساله سپرده کند و در مجموع ۸۰ میلیون پول ذخیره کنند تا ۱۶۰ میلیون تومان وام به آنان تعلق بگیرد که مبلغ ۴۰ میلیون تومان سپرده هر نفر هم بعد از یک سال تحویل سپرده گذاران می‌شود؛ البته این وام در تهران ۸۰ میلیون تومان و در مراکز استان‌ها ۶۰ میلیون تومان و شهرستان‌های با جمعیت بالای ۲۰۰ هزار نفر ۴۰ میلیون

همگام با جهش‌های ارزی و به تبع آن نوسانات قیمتی مسکن، در بخش اجاره نیز تاکنون شاهد نوسانات شدیدی بودیم، و با توجه به عدم تعدیل کامل و فاصله زیاد با بازده قیمتی مسکن، در کنار سیاست‌های کاهش نرخ سود بانکی انتظار می‌رود سال آینده سال سختی برای مستاجران باشد. با تأثیر پذیری بخش اجاره‌بها از بازار ارز و به تبع آن افزایش سهم مسکن در سبد هزینه‌های خانوار تقاضای برای مسکن‌های با متراژ پایین و متناسب با بضاعت پایین نیز افزایش می‌یابد و انتظار می‌رود با توجه به کاهش قدرت خرید و کاهش تقاضای مصرفی مسکن، اجاره بها در این بخش بیشتر از سایر بخش‌ها افزایش یابد. اگرچه بانک مرکزی حداکثر نرخ رشد اجاره را کمتر از ۲۰ درصد عنوان کرده است ولی مشاهدات میدانی چیزی بیشتر از این رقم را نشان می‌دهد. طبق گزارش‌های بانک مرکزی در ده ماه سال جاری میانگین قیمت یک مترمربع بنای واحد مسکونی معامله شده در شهر تهران ۷ میلیون و ۷۶۰ هزار تومان بوده است که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۶۶٫۹ درصد افزایش نشان می‌دهد و با توجه به اینکه ملاک اصلی و معیار تعیین‌کننده اجاره بها و پول پیش (رهن) مربوط به قیمت خرید و فروش مسکن است، اجاره بها و هزینه رهن افزایش قابل توجهی داشته‌اند. نکته مهم دیگر که در ماه‌های گذشته نیز به آن اشاره شد، ورود تقاضای سرمایه‌ای به بازار مسکن است که این مقوله را می‌توان از ماه آینده انتظار داشت. با توجه به پایان یافتن سپرده‌های یکساله با نرخ ۲۰ درصد در اواخر بهمن ماه، با توجه به اینکه بانکها حداکثر نرخ سود برای تمدید این اوراق را ۱۸ درصد اعلام کرده اند، همانطور که گفته شد مسکن نیز می‌تواند یکی از گزینه‌های جذاب باشد. برای سال آینده از یکسو با توجه به تداوم ریسک‌های سیاسی حداقل تا حضور ترامپ در عرضه جهانی، از سوی دیگر با توجه به واقعیات مختصات اقتصاد ایران از جمله نقدینگی و تقاضای سفته بازی بالا، تقاضای سرمایه‌ای مسکن، به بازدهی سایر بازارها نیز بستگی خواهد داشت. با کنترل منابع ورودی بازار ارز با وضع محدودیت‌هایی که بانک مرکزی در بخش تراکنش‌های بانکی گذاشته است، در اواخر سال گذشته شاهد نوسانات در بازار خودرو بودیم. از این جهت انتظار کوچ نقدینگی با هدف انگیزه‌های سفته بازی دور از انتظار نخواهد بود که تقاضای سرمایه‌ای مسکن تحت تأثیر قرار دهد. تقاضای مصرفی مسکن نیز به تقویت قدرت خرید خانوارها یا افزایش سقف تسهیلات خرید مسکن بستگی خواهد داشت. موضوعی که وزیر راه و شهرسازی مخالف اجرای آن است، در حال حاضر دو نوع تسهیلات خرید مسکن از سوی بانک مسکن در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرد، نوع اول صندوق مسکن یکم و دیگری وام اوراق است، در نوع اول که به زوج‌های خانه اولی اختصاص می‌یابد، ۱۶۰ میلیون تومان وام با سود ۸ درصد به زوجین اختصاص می‌یابد که اگر این زوج خانه‌ای در بافت فرسوده خریداری کنند رقم سود

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

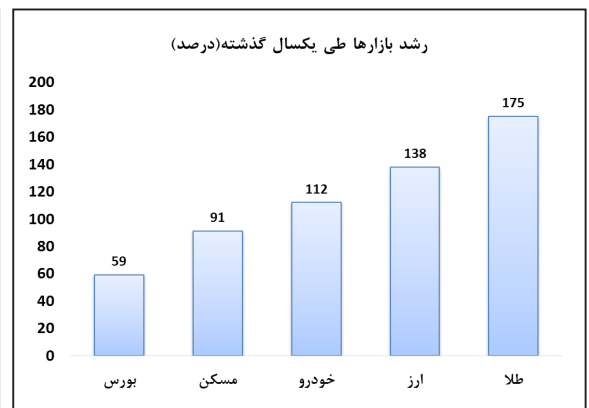
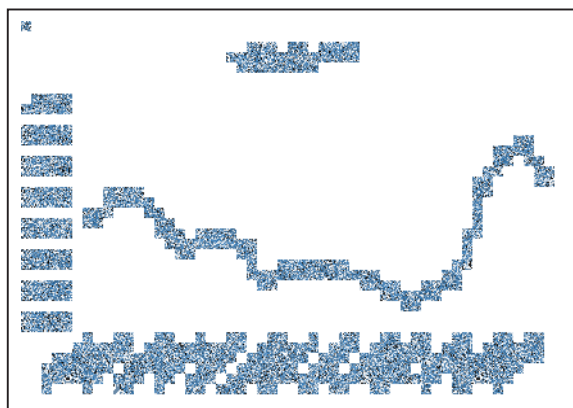
انقلاب چهارم



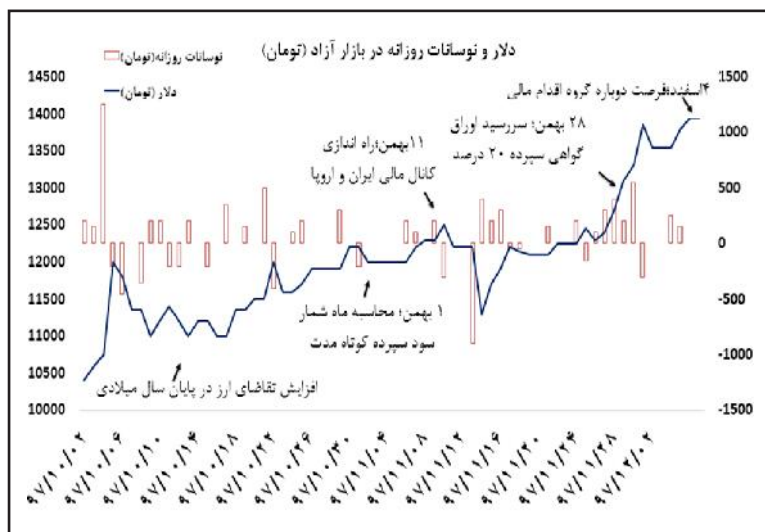
تجاری آمریکا و چین موجب افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی می‌شود. افزایش نرخ طلای سیاه اولین شاخص‌های است که بر تمام بازارهای بورسی تاثیر می‌گذارد از سوی دیگر آمریکا از چین درخواست دارد که ارزش یوان در مقابل دلار پایدار باشد. چنانچه این اتفاق رخ بدهد، همچنین چین با افزایش تجارت با آمریکا، کسری تجاری این کشور را حل کند. این موضوع در بلندمدت باعث می‌شود که نرخ بیکاری در آمریکا کم شود و در نتیجه آن نرخ‌های فدرال رزرو افزایش پیدا نمی‌کند. بنابراین شاخص دلار تثبیت شده و قیمت طلا نیز با افزایش نرخ بهره در آمریکا، با نوسان شدید مواجه نمی‌شود. شرکت‌های پالایشگاهی و سپس پتروشیمی‌های بورسی ایران با افزایش سودآوری مواجه می‌شوند و طبیعی است که قیمت سهام آنها افزایش پیدا کند. این موضوع در حالتی گسترده‌تر، درآمدهای نفتی کشور را افزایش می‌دهد و در نتیجه آن درآمد دولت زیاد می‌شود. در این صورت احتمال دارد که دولت بتواند بخش بیشتری از بودجه عمرانی پیش بینی شده در بودجه را محقق کند و در نتیجه شرکت‌های درگیر با پروژه‌های عمرانی همچون سیمانی‌ها، فولادسازان، پیمانکاران بورسی و... نیز منتفع خواهند شد.

نرخ‌ها، سیگنال جدیدی را مبنی بر افزایش انعطاف در مدیریت عرضه و تقاضای ارز در این سامانه صادر کرد. شایعاتی از فروش ارز برخی صادرکنندگان با نرخ‌های بالاتر در هفته جاری بر پایه معاملات توافقی در این بازار شنیده شده است. مجموع این تحولات، این فرضیه را به ذهن متبادر می‌کند که پس از یک دوره محدودسازی صادرکنندگان در زمینه مبادلات ارزی چه به لحاظ نرخ و چه به لحاظ شکل، سیاستگذار به سمتی حرکت می‌کند که محدودیت‌ها به تدریج کمتر شوند و در جهت یکپارچه شدن عرضه و تقاضای ارزی در کشور و استفاده از منابع صادرکنندگان برای متعادل‌سازی طرف عرضه گام برداشته شود؛ مسیری که به اعتقاد بسیاری در شرایط تحریمی کنونی به نفع تعادل بازار و در جهت تسهیل مسوولیت سنگین بانک مرکزی در کنترل بازار ارز خواهد بود. بنابراین، فارغ از آنکه نتیجه این اقدامات چه خواهد شد، بازیگران بازارهای کالایی و سرمایه به احتمال زیاد به مثابه دوره‌های قبلی به پیش‌خور کردن موج تورمی حاصل از این اقدامات می‌پردازند. عامل مهم دیگر در خارج شدن شاخص بازار از حبس تاثیرات صلح تجاری دو قطب اقتصادی جهان یعنی چین و آمریکا می‌تواند باشد. در وهله اول، مذکرات امیدوارکننده

برای پیش‌بینی روند در ماه پایانی سال باید در نظر داشت که معاملات آخرین ماه سال به‌صورت سنتی با محدودیت حجم دادوستدها و سوگیری محافظه‌کارانه معامله‌گران همراه است. نیاز شرکت‌ها به نقدینگی و عرضه‌های نسبتاً پر حجم سهام در روزهای پایانی سال از جمله عواملی است که روند صعودی سهام در این دوره را با تردید همراه می‌کند. با این حال بررسی معاملات اسفند ماه در سال‌های اخیر حاکی از آن است که در صورت برجستگی خاص شرایط و متغیرهای کلان، این رویه معمولاً در تعیین جریان کلی بازار چندان اثرگذار نیست و نوسان‌های غیرمحسوسی را در پی دارد. در سوی مقابل واکنش دادوستدهای بورسی به تغییرات بازار ارز در ماه‌های اخیر گواه آن است که نمی‌توان اثر متغیرها را بر سهام نادیده گرفت. به این معنا که تطابق برداشت معامله‌گران تازه‌کار و حجم نقدینگی تازه‌وارد با نوسان بازار ارز، انتظار واکنش سریع و شدید به نوسانات این بازار را در پی دارد. بازار ارز در هفته‌های گذشته به دلایل زیادی که مهم‌ترین آن تصویب نشدن FATF عنوان می‌شود، دوباره روند صعودی به خود گرفت. در چنین شرایطی که نوسان به بازار ارز می‌آید، انتظارات تورمی هم در بازار کالا و هم در بازارهای دارایی از جمله بورس بار دیگر فعال شده و برخی انتظار تداوم آن را دارند. البته بانک مرکزی در روزهای اخیر بخشنامه‌ای صادر کرده است که از آن به‌عنوان گام اول در راستای افزایش انعطاف در سیاست‌گذاری ارزی تعبیر شده است. بر این اساس، صادرکنندگان در گروه‌های مختلف که تاکنون به بازگشت ارز حاصل از صادرات خود تا ۶۰ درصد متعهد بوده‌اند از معافیت‌های قابل توجهی به منظور فروش آزاد ارز برخوردار می‌شوند. در بارزترین نمونه، صادرکنندگان بزرگ متعهد می‌توانند ۳۰ درصد ارز صادراتی را خارج از سامانه نیما مبادله کنند؛ رقمی که پیش‌تر تنها ۱۰ درصد بود. از سوی دیگر تاکیدات جدیدی از سوی بانک مرکزی مبنی بر امکان مبادله ارز در سامانه نیما با نرخ توافقی و عدم محدودسازی



مقاومت شکننده



فضای حاکم بر بازارهای اقتصادی از جمله بازار خودرو و ارز نشان می‌دهد با افزایش ریسک‌های سیاسی در دی ماه و بهمن ماه از جمله تقویت رد شدن لایحه پالرمو در کنار افزایش تنش‌های منطقه‌ای گویا تقاضای احتیاطی سفته‌بازی در بازارهای مختلف افزایش یافته است. یکی از مهم‌ترین علت و منشا افزایش تقاضا را در التهابات ارزی سال گذشته و بسته بانک مرکزی تحت عنوان گواهی اوراق سپرده ۲۰ درصد جست‌وجو کرد. در واقع سال گذشته در ۲۸ بهمن ماه بانک مرکزی به منظور کنترل بازار ارز سپرده‌های یک‌ساله با نرخ سود ۲۰ درصد را در دستور کار قرار داد که به گفته نویخت بانک مرکزی توانست ۲۰۰ هزار میلیارد تومان از نقدینگی را جذب کند. حال با سررسید شدن این سپرده‌ها، شاهد بالا رفتن انگیزه سفته‌بازی در بهمن ماه بودیم. در کنار این افزایش ریسک‌های سیاسی تحت تاثیر عدم تصویب لایحه پالرمو منجر به کانالیزه شدن قسمتی از نقدینگی به سمت بازار ارز شد. رد شدن این لایحه از این جهت با اهمیت تلقی می‌شود که کارایی سازکار مالی اروپا به تصویب این لایحه مرتبط است. از این جهت جدا از سیستماتیک بودن خلق نقدینگی جدید به طور لحظه‌ای در اقتصاد ایران، در ماه گذشته شاهد احیای نقدینگی با انگیزه‌های سفته‌بازی گذشته در اقتصاد بودیم. اگر چه قسمتی عمده نقدینگی سر از بازار خودرو درآورد ولی همان‌طور که گفته شد بازار ارز نیز کم نصیب نماند. باید توجه کرد شرایط اقتصاد ایران نشان می‌دهد در شرایط افزایش ریسک‌های سیاسی، باتوجه به حجم حجیم نقدینگی تقاضای سفته‌بازی نیز افزایش می‌یابد. اینکه دلار در شرایط فعلی قادر به طی کردن مسیر مجدد تا فتح قله ۲۰ هزار تومانی در اسفندماه باشد با توجه به عوامل بنیادی کاهشی بعید است. انتظار افزایش نرخ ارز

در ماه‌های پایانی سال با توجه به اظهارات رئیس کل بانک مرکزی مبنی بر وعده افزایش عرضه ارز در ماه‌های پایانی سال و همچنین افزایش عرضه سنتی در ماه‌های پایانی سال از سوی شرکت‌های تجاری و تحویل ۷۰۰ هزار سکه پیش‌فروش شده در اسفندماه از جمله مهم‌ترین عواملی است که چشم‌انداز ثبات کاهشی در بازار ارز را تقویت می‌کند. از سوی دیگر FATF تعلیق اقدامات تقابلی علیه ایران را تا ژوئن ۲۰۱۹ تمدید کرده و ضمن استقبال از پیشرفت به عمل آمده در زمینه اقدامات ایران، در جلسه خود تصمیم به ادامه تعلیق اقدامات تقابلی علیه ایران گرفت. به این ترتیب ایران تا تیرماه ۱۳۹۸ فرصت دارد لویج چهارگانه FATF را تصویب کند و کنوانسیون‌های پالرمو و مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، مبارزه با تامین مالی تروریسم، مقابله با پولشویی را اجرا کند. گروه ویژه اقدام مالی اعلام کرد که انتظار دارد که ایران برای اطمینان از تکمیل و اجرای اصلاحات لازم AML/CFT به سرعت در مسیر اصلاح پیش رود. براین اساس در صورتی که ضمن اجرای اقدامات چند ماه اخیر بانک مرکزی، شاهد پیگیری جدی در تصویب دو کنوانسیون باقی مانده پالرمو و CFT، باشیم می‌توان انتظار داشت که با عبور از رشد تقاضای بازار شب عید، به تدریج شاهد ثبات نرخ‌ها بعد از تعطیلات عید نوروز باشیم. از این نکته نیز نباید غافل شد که افزایش قابل توجه نوسانات روزانه در هفته‌های گذشته نیز مجدداً نشان می‌دهد به دلیل کم‌عمق بودن بازار ارز، در صورت تداوم ریسک‌های سیاسی، دلار مسافت طی شده تا دلار ۲۰ تومانی در اواخر تابستان را سری بعد با سرعت بیشتر و مدت زمان کمتری می‌تواند طی کند. برای سال ۹۸، یکی از مهم‌ترین موعدهای زمانی اردیبهشت‌ماه؛ زمان پایان یافتن معافیت‌های نفتی به خریداران نفت ایران می‌باشد. علاوه بر این مسئله انتخابات آمریکا و تقویت احتمال روی کار آمدن مجدد ترامپ می‌باشد. این اخبار از این جهت اهمیت پیدا می‌کند که می‌تواند انگیزه‌های خروج ایران از برجام را تقویت نماید.

ارز	۹۷/۱۱/۰۵-۹۷/۱۲/۰۵	تغییرات یک ماهه منتهی به ۵ اسفند (تومان)	درصد تغییرات یک ماهه منتهی به ۵ اسفند
دلار بازار آزاد	۱۲۰۰۰-۱۳۷۵۰	۱۷۵۰	٪۱۵
دلار مبادله ای	۴۲۰۰-۴۲۰۰	۰	٪۰
یورو بازار آزاد	۱۳۶۳-۱۵۶۲	۱۹۹۵	٪۱۵
یورو نیمایی	۹۵۱۷-۹۰۱۲	-۵۰۵	٪-۵
یورو مرکز مبادله ای	۴۷۷۸-۴۷۶۳	-۱۵	٪۰
درهم بازار آزاد	۳۲۶۵-۳۷۴۵	۴۸۰	٪۱۵
درهم مرکز مبادله ای	۱۱۴۳-۱۱۴۳	۰	٪۰
پوند بازار آزاد	۱۵۷۵۰-۱۷۹۸۰	۲۲۷۰	٪۱۴
پوند مرکز مبادله ای	۵۵۴۳-۵۴۸۸	-۲۹۵۲	٪-۵

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



داووس، پیشگام انقلاب چهارم

می‌گویید ما در حال ورود به دورهای از بی‌ثباتی‌های عمیقی هستیم که از ابعاد منفی فناوری‌های انقلاب صنعتی چهارم و نیز تغییر جهت نیروهای «ژئوپلیتیکی» و «ژئواکونومیک» نشأت می‌گیرند. در این شرایط لازم است رهبران کلیه گروه‌های ذینفع که در داووس حضور خواهند یافت، دیگران را به اندیشه و تعهد برای رفع مشکلات فرا بخوانند». کلاوس شواب در باره چهارمین انقلاب صنعتی در جهان می‌گوید: «ما در دورانی زندگی می‌کنیم که شاهد نوآوری‌هایی بنیادین در چندین تکنولوژی هستیم. تکنولوژی‌هایی مانند: «هوش مصنوعی»، «بلوک‌چین» هر روز بیش از گذشته در جهان رواج می‌یابد. نوآوری‌های تکنولوژی منشاء تغییرات بسیار ژرف و بنیادی در جهان هستند. این تغییرات، نه تنها در زمینه تجاری، بلکه در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی تغییرات گسترده و وسیعی را ایجاد می‌کنند. پرونده حاضر نگاهی به مقوله‌های یادشده دارد.

اصلی بحث در اجلاس داووس ۲۰۱۹، جهانی شدن در عصر انقلاب چهارم صنعتی بود و شرکت‌کنندگان این اجلاس در خصوص ایجاد یک چارچوب جهانی که پاسخگوی نیازهای عصر حاضر یا همان عصر انقلاب چهارم صنعتی باشد، با یکدیگر مشورت کردند. داووس ۲۰۱۹ فرصت مناسبی را برای گفت‌وگو در مورد به خطر افتادن روند جهانی شدن و گسترش پوپولیسم و ناسیونالیسم در جهان به بهانه بهبود استانداردهای زندگی شهروندان، فراهم کرد. در این اجلاس همچنین در مورد مسائل مهم روز از قبیل موج جدید فناوری‌های پیشرفته دیجیتال، خطرات جدی تغییرات آب و هوایی برای آینده بشر و راهکارهای بهبود عملکرد و سرعت پیشرفت اقتصاد جهانی، ایده‌هایی مطرح شد. پروفیسور کلاوس شواب، بنیانگذار و رئیس هیات‌مدیره مجمع جهانی اقتصاد، در مورد تحولات اخیر اقتصادی و صنعتی جهان می‌گوید: «موج چهارم جهانی شدن باید انسان‌محور، فراگیر و پایدار باشد. او

مونا مشهدی رجبی
عضو هیأت تحریریه



در اجلاس داووس ۲۰۱۹ که از ۲۲ تا ۲۵ ژانویه (۲ تا ۵ بهمن) برگزار شد، حدود ۳ هزار نفر از شخصیت‌های برجسته جهان در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصادی و سیاسی گرد هم آمدند تا در مورد راهکارهای بهبود فرآیند جهانی شدن به بحث و تبادل نظر بپردازند. در اجلاس امسال همچنین بیش از ۶۰ رئیس‌جمهوری و رئیس دولت شرکت کردند، اما دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری آمریکا، امانوئل ماکرون، رئیس‌جمهوری فرانسه و ترزا می، نخست‌وزیر بریتانیا از غایبان بزرگ اجلاس امسال داووس هستند. محور



ضرورت شکل دهی اقتصاد دنیا متناسب با نیازهای چهارمین انقلاب صنعتی

چنین سرعتی رو به افول حرکت نکرده است و هیچ وقت فاصله طبقاتی بین ثروتمندان و فقرا در این کشور اینقدر زیاد نبوده است. این تصویر تیره اقتصادی در بریتانیا در شرایطی ایجاد شده است که تعداد بسیار زیادی از کشورهای صنعتی دنیا از مزایای جهانی سازی و پیشرفت های تکنولوژیکی منافع زیادی کسب کرده اند که این منافع را می توان در رشد اقتصادی آنها و تقویت بازار کار مشاهده کرد.

در بسیاری از بازارهای در حال گذار، وضعیت متفاوت است. مردم دید مثبتی به تکنولوژی های دیجیتالی دارند به خصوص که این تکنولوژی ها به آنها امکان دسترسی سریع به دنیایی از اطلاعات را می دهد و این داده ها در مسیر رشد صنعتی در این کشورها به کار گرفته می شود. اما این تناقض بین دیدگاه مردم در کشورهای مختلف در جریان چهارمین انقلاب صنعتی در دنیا بسیار نگران کننده است. مردم نگران این مساله هستند که فرزندان شان نتوانند کار مناسبی داشته باشند و در دنیای آینده از زندگی خود بیشترین بهره را ببرند که این نگرانی بر اقتصاد کشور سوار شده است.

ساختار بازار کار را ارزیابی کنیم، باید وضعیت محیط زیست را تحلیل کنیم، باید سیاست های اقتصادی مورد نیاز را طراحی کنیم و باید متخصصانی پرورش دهیم که بتوانند برای مشکلات آتی راه حل پیدا کنند. این کار زیادی است که باید انجام شود ولی تنها در صورت انجام این کارها است که خواهیم توانست از موج مشکلات آتی بکاهیم و با سرعت بیشتری به سمت کسب منفعت از چهارمین انقلاب صنعتی در دنیا پیش برویم.

♦ چالش های اقتصادی دنیا کدام است

یکی از بزرگ ترین چالش های اقتصادی این روزهای دنیا بریگزیت و تبعات آن روی اقتصاد کشور بریتانیا و کل اروپا است. تصمیم مردم مبنی بر خارج شدن بریتانیا از اتحادیه اروپا در جریان رفراندوم سال ۲۰۱۶ میلادی اعلام شد ولی با گذشت بیش از دو سال از آن زمان هنوز بسیاری از اقتصاددانان در مورد اجرای این طرح هشدار می دهند و کشور را از تبعات منفی آن آگاه می کنند. مطالعات نشان می دهد هیچ گاه در طول تاریخ اقتصاد بریتانیا با

چهارمین انقلاب صنعتی در دنیا یکی از مهم ترین و اصلی ترین موضوعاتی بود که در اجلاس جهانی داووس مورد بحث قرار گرفت. تحولاتی که در جریان این انقلاب صنعتی و اقتصادی ایجاد می شود روی زندگی تمامی مردم دنیا اثر خواهد داشت ولی بدون شک اقتصادهای صنعتی و افرادی که در این کشورها زندگی می کنند بیشترین تغییر را حس می کنند. مطالعه انقلاب های صنعتی قبلی نشان می دهد که پیش از رویرویی با تحولات مثبت، مشکلات بر اقتصاد کشورها غالب می شود. ساختار بازار کار تغییر می کند و نرخ بیکاری و مشکلات اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن رشد می کند. در برخی موارد مشاهده شده است که جنگ هایی بین کشورها روی داده است و افراد زیادی در جریان این جنگ ها آواره شده اند. مجمع جهانی اقتصاد در گزارش اخیر خود در مورد انقلاب صنعتی و ضرورت تجدید شکل دهی اقتصاد دنیا نوشت: ما تجربیات زیادی داریم و باید تلاش کنیم که مشکلات گذشته برای ما تکرار نشود. در انقلاب پیش رو باید کمترین آسیب را متحمل شویم. باید

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



مردم متوجه تغییرات پیش رو در بازار کار هستند. آنها دریافتند حتی زندگی روزمره آنها بدون استفاده از تکنولوژی‌های پیشرفته به خوبی پیش نمی‌رود. بسیاری شغل خود را از دست داده‌اند و بسیاری به دلیل عدم اطلاع از تحولات تکنولوژیکی شاهد افت کارایی خود در محیط کار و اعتراض روسایشان هستند. آنها نگران خود هستند که می‌توانند زندگیشان را تامین کنند یا نه؟ از طرف دیگر نمی‌دانند که برای فرزندانشان چه پیش می‌آید. آنها اطلاعی از ساختار اتی اقتصاد دنیا ندارند و نمی‌توانند خود را با آن فرایند همسو کنند. این وظیفه دولت‌ها است که از امروز سیستم آموزشی و بازار کار را متناسب با نیازهای آتی طراحی کند و ضمن آموزش دادن به نیروهای کنونی، تربیت نسل آینده را نیز متناسب با نیازهای بازار انجام دهد. ایجاد انگیزه در کودکان و نوجوانان برای انجام کارهایی که منافع اقتصادی زیادی برای کشور دارد یکی از این راه‌حل‌ها است.

♦ پیدا کردن هدف مشترک

حال سوال این است که برای اینکه اقتصاد دنیا را در جریان این چهارمین انقلاب صنعتی و فرآیند جهانی‌سازی بتوانیم به درستی هدایت کنیم باید چه راهکارهایی در پیش بگیریم. باید از چه طریقی کشورهای در حال گذار و اقتصادهای صنعتی را به گونه‌ای هدایت کنیم که هر دو در این جریان منتفع شوند و در آخر چگونه باید قراردادهای اجتماعی تازه‌ای را طراحی کنیم که زمینه‌ساز ارتقای سطح امنیت اقتصادی و اجتماعی شود و فرصت رشد را در اختیار مردم قرار دهد. شکل‌دهی جدید اقتصاد دنیا به معنای اصلاح ساختارهای اقتصادی است به گونه‌ای که کشورها را به سمت روزهای بهتری هدایت کند.

به تعبیر دیگر ما به دنبال یافتن پاسخ این سوال هستیم که چگونه می‌توانیم از تکنولوژی‌های تازه به گونه‌ای استفاده کنیم که فرصت شکوفایی اقتصاد و صنعت را به ما بدهد و پاسخ این سوال اهمیت زیادی در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ما دارد.

مجمع جهانی اقتصاد بر این باور است در صورتی می‌توانیم در جریان چهارمین انقلاب صنعتی کمترین آسیب را متحمل شویم که یک هدف مشترک داشته باشیم

و این هدف مشترک شکل‌دهی جدید به ساختار اقتصاد دنیا است. ساختاری که هر روز پیچیده‌تر می‌شود و با ورود به دنیای تکنولوژی این پیچیدگی بیشتر هم خواهد شد ولی باید در مسیر رشد حرکت کرد.

شکل‌دهی جدید اقتصاد دنیا، ایجاد سازوکارهایی متناسب با نیازهای آتی و حرکت در مسیر رشد اقتصادی جهانی هدفی مشترک برای تمام دنیا است. هدفی که به آنها امکان می‌دهد از تمامی فرصت‌های موجود استفاده کنند. مجمع جهانی اقتصاد گزارشی با نام شکل‌دهی اقتصاد دنیا در جریان چهارمین انقلاب صنعتی تهیه و در این گزارش چهار سوال اساسی را مطرح کرد. مجمع جهانی اقتصاد نوشت یافتن پاسخ مناسب برای این سوالات است که می‌تواند جهان را به سمت اصلاحات هدایت کند.

اول: آیا باید در مورد آنچه ارزشهای زیربنایی اقتصادی را می‌سازد، اساسی فکر کنیم و چه راه‌هایی برای این تفکر هدفمند وجود دارد؟

با آغاز چهارمین انقلاب صنعتی و شکل‌گیری اقتصاد دیجیتالی در دنیا، ابعاد تازه‌ای از ارزش‌سازی که متناسب با مفاهیم سنتی نیستند ایجاد شد. باید در نظر داشت که انواع تازه‌ای از دارایی‌ها و فعالیت‌های اقتصادی ایجاد شده‌اند که امروزه درک درستی از آنها وجود ندارد و حتی مصادیقی از رفاه اقتصادی در این دنیا وجود دارد که شاید قبلاً این مصادیق وجود نداشته است.

بررسی‌ها نشان داده است در دنیای امروز تصویر کاملی از اینکه چگونه منافع اقتصادی توزیع می‌شوند و چگونه در این ساختار تازه اقتصاد ارزش‌های تازه شکل می‌گیرند وجود ندارد اما دیدگاه‌های تازه‌ای در این حوزه مطرح شده است.

الف: در راستای تسریع فرایند تفکر مجدد در زمینه ارزش‌های اقتصادی باید گستره‌ای از دارایی‌های فیزیکی شناسایی و معرفی شوند.

ب: باید نظام محاسبه ارزش تولید ناخالص داخلی کشورها متناسب با این تعریف‌های تازه از تولید ناخالص داخلی در کشورها تغییر کند زیرا ارزش‌های اقتصادی و دارایی‌های امروز تفاوت قابل ملاحظه‌ای با ارزش‌های قبلی دارد.

ج: مقیاس‌های رفاه مصرف‌کننده و ارزش‌های اجتماعی و اقتصادی باید تغییر

♦ مردم چه حسی دارند

مطالعات نشان می‌دهد یکی از ابعاد مهم اعتماد در یک جامعه این است که مردم احساس کنند زندگی در حال بهتر شدن است. شرایط آنها در گذر زمان بهبود پیدا می‌کند و کشور با سرعت بالایی رشد می‌کند. این در حالیکه در وضعیت فعلی شمار زیادی از مردم در دنیا احساس می‌کنند شرایط زندگی جوانانشان در حال وخیم‌تر شدن است. آنها نگران بحران‌های اقتصادی پیش‌رو هستند و معتقدند فرصت‌های اقتصادی پیش روی جوانان هر روز کم‌رنگ‌تر و کم‌جان‌تر می‌شود که موضوعی نگران‌کننده است.

مشکل عدم اعتماد مردم به آینده تنها در کشورهای در حال توسعه دیده نمی‌شود. در کشورهای صنعتی هم مردمی را می‌بینیم که به دلیل سیاست‌های نادرست اقتصادی دولت، نظام نامناسب بانخشستگی و وضعیت بازار کار با مشکلات زیادی روبرو هستند. آنها هر روز به دنبال تغییر هستند این مساله در جریان اعتراضات اخیر مردم در پاریس کاملاً مشهود بود و در کشورهای در حال توسعه و خاورمیانه موج نارضایتی‌ها بیشتر است.



کند و این معیارها و مقیاس‌ها معرفی شوند و چهارم اینکه روی مقیاس‌های تازه در حوزه توزیع داده‌ها و اطلاعات تمرکز شود زیرا با همه کانی شدن اطلاعات است که مردم می‌توانند از فرصت‌های موجود برای رشد آگاه شوند و رشد اقتصادی را برای کشورشان به ارمغان بیاورند و در آخر هم تعریف زیربنایی ارزش مورد بازبینی قرار بگیرد و تفاوت بین ایجاد ارزش اقتصادی یا تلاش برای دریافت اجاره از دارایی‌های اقتصادی ملموس تر شود. باید در مورد ساختار و عملکرد بازارها دوباره تفکر شود و فعالان بخش‌های خصوصی و دولتی اقتصاد رابطه تنگاتنگ‌تری را برای کار در نظر بگیرند و در نظر داشته باشند در صورتی می‌توانند شاهد شکوفایی اقتصاد باشند که بخش خصوصی و دولتی همسو و همراه باهم رشد کند.

دوم: آیا باید تمرکز بازارها که به دلیل پلت فرم‌های آنلاین ایجاد شده را تغییر داد و چگونه می‌توان منافع حاصل از این بازارهای دیجیتالی را به حداکثر رسانید؟

پلت فرم‌های دیجیتالی منافع زیادی را به مصرف‌کننده‌ها می‌دهند زیرا خدمات تازه‌ای را ارائه می‌دهند و فرصت‌های انتخاب بیشتری را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار می‌دهند. این پلت فرم‌های دیجیتالی سرعت ارزیابی و دسته‌بندی داده‌ها را بالا می‌برند و هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی را به حداقل می‌رسانند. آنها می‌توانند از طریق ایجاد دسترسی به کانال‌های بازاریابی فرآیند ورود کسب و کارهای تازه به به بازار را تسریع و تسهیل کنند و با کمک سیستم جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها فرآیند کاریابی را نیز بهبود بخشند. از طرف دیگر در این فضای تازه شرایط برای نوآوری و کسب اطلاعات با کیفیت و توزیع سریع و به موقع آن فراهم است.

در سال‌های اخیر بخش زیادی از مشاغل از طریق فضای مجازی انجام می‌شود. ارتباطات رسمی از طریق ایمیل و آشنایی حرفه‌ای و کاریابی از طریق LinkedIn همه از روش‌های نوین کار هستند. امروزه در اغلب شرکت‌های صنعتی و تولیدی، عدم دسترسی به اینترنت و ارتباطات مجازی به معنای تعطیلی شرکت و ناتوانی برای ادامه کار است. برای اینکه با این تغییرات همسو شویم و از منافع آن بهره ببریم باید این

در یک کشور که به تکنولوژی‌های روز دسترسی دارد و بازار کارش را به درستی مدیریت کرده است بیشتر می‌شود و دیگر کشورها با فاصله زیادی از نظر میزان تجمع ثروت و حتی مهارت نیروی کار قرار دارند. این فاصله با گذشت زمان بیشتر می‌شود و چالش‌های اقتصادی و اجتماعی زیادی را به همراه می‌آورد.

در این وضعیت اصلی‌ترین و مهم‌ترین سوال این است که چگونه باید بازار کار در این عصر در حال تغییر مدیریت شود؟ مجمع جهانی اقتصاد در پاسخ به این سوال چندین راهکار ارائه داده است که در اینجا می‌بینید:

الف: باید فرصت‌های شغلی در حوزه‌های مورد نیاز اقتصاد رشد کند و به نیروی کار فرصت کسب مهارت دانش‌آموزی در همان حوزه‌ها داده شود. از جمله بخش‌های مورد نیاز می‌توان به ای تی، انرژی‌های سبز، آموزش و ایجاد جوامع پایدار که تمامی طبقات اقتصادی از فعال در آن منفعت کسب کنند نام برد

ب: ارتقای سطح آموزش و مهارت‌ها یک روش کلیدی برای مدیریت بازار کار است. بدون شک در این فضای تازه نیازهای بازار

دنیا را بشناسیم و از پتانسیل‌های موجود در این دنیا آگاه شویم.

سوم: برای ایجاد کار در فضای جدید اقتصادی باید چه کرد؟ آیا می‌توان از تئوری‌ها و الگوهای کنونی استفاده کرد یا خیر؟

پیشرفت‌های سریع تکنولوژیکی باعث شده است تا سرعت توزیع کار بین ماشین‌آلات بیشتر شود و شمار انسان‌هایی که برای کارهای فیزیکی مورد استفاده قرار می‌گیرند کاهش پیدا کند. در نتیجه بازار کار جهانی با تحولات زیادی روبرو شده است ولی اگر این تحولات به درستی مدیریت شود، می‌تواند زمینه را برای ایجاد یک عصر تازه در بازار کار فراهم کند و به تدریج زمینه‌ساز ارتقای استانداردهای زندگی شود. اما اگر در جریان چهارمین انقلاب صنعتی بازار کار به درستی مدیریت شود و فرصت‌ها به درستی ایجاد نشود، خطرات بزرگی در اقتصاد ایجاد می‌شود که اولین و اصلی‌ترین آن افزایش نابرابری اقتصادی در اختلاف طبقاتی است. در ضمن قطبی شدن دنیا هم در پی این تحولات خواهد آمد. به این معنا که میزان ثروت و درآمد

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



تکنولوژیکی روز دنیا هم اهمیت بسیار زیادی دارد.

چهارم: آیا باید شبکه‌های امنیتی اجتماعی دوباره طراحی شوند و چگونه می‌توان شبکه‌هایی با بالاترین بازدهی را ایجاد کرد؟

در کشورهای صنعتی، کارایی سیاست‌های تامین اجتماعی به ساختار رسمی بازار کار و قراردادهای با ثبات بین کارفرما و نیروی کار گره خورده است. بنابراین در دنیای تازه با حجم زیاد مشاغل آنلاین و نیروهایی که به صورت غیرحضور در یک محیط کار می‌کنند، باید ساختار بیمه‌های تامین اجتماعی هم تغییر کند در غیر این صورت در چند سال آینده با شمار زیادی از نیروهای کاری روبرو هستیم که ضمن نداشتن امنیت شغلی و عدم وجود قراردادهای طولانی مدت، از خدمات تامین اجتماعی در سال‌های آتی هم برخوردار نخواهند بود. این مساله برای کشورهای صنعتی نگران‌کننده‌تر از کشورهای در حال توسعه است. زیرا در شمار زیادی از کشورهای در حال توسعه مردم در بخش غیررسمی اقتصاد کار می‌کنند و پیشرفت‌های تکنولوژیکی هم تغییر زیادی در ساختار کار آنها و مزایایی که از برخوردارند ایجاد نمی‌کند و حتی با افزایش بهروری نیروی کار می‌تواند بستر ساز افزایش منافع آنها از کار شود. این سوال بارها و بارها در گزارش‌های مختلف مطرح شده است که در دنیای آینده وضعیت سیستم‌های تامین اجتماعی چگونه خواهد بود؟ در شرایطی که این توافق در میان اغلب سیاستمداران وجود دارد که نیروهای کاری نیازمند دریافت حمایت از دولت هستند تا در صورت مواجهه با هر مشکلی و اختلال در مسیر کار بتوانند امرار معاش کنند، ولی هنوز بحث در مورد چگونگی این سیستم تامین اجتماعی بسیار زیاد است و تا کنون این بحث‌ها نتیجه‌ای دربر نداشته است. مجمع جهانی اقتصاد در این گزارش خود برای سیستم‌های تامین اجتماعی آتی پیشنهادهایی را ارائه داده است. این مجمع بر این باور است که بدون شک باید پوشش‌های تامین اجتماعی در دنیای آتی وجود داشته باشد در غیر این صورت امنیت روانی مردم و نیروهای کاری بسیار پایین خواهد بود. پیشنهادهای ارائه شده در گزارش مجمع جهانی اقتصاد به قرار زیر است:

الف: تقویت روش‌های موجود از جمله قوانین اشتغال و اتحادیه‌های کاری که به احقاق حقوق نیروهای کاری مشغول باشند. پیگیری این گروه‌ها می‌تواند دولتمردان را به سمت توجه به حقوق گروه‌های مختلف سوق دهد و آنها قوانینی را تصویب کنند که به نفع مردم باشد

ب: تمرکز روی مدل‌های جدید تامین مالی و تجمیع درآمد برای اجرای طرح‌های تامین اجتماعی در کشورها. به نظر می‌رسد در دنیای آتی دولت‌ها باید پوشش‌های تامین اجتماعی را برای تمامی مردم در نظر بگیرند زیرا حتی نیروهای شاغل هم ممکن است قراردادهای کاری نداشته باشند و از قوانین گذشته نتوان از نیروهای شاغل در سازمان‌ها و شرکت‌ها حمایت کرد.

ج: استفاده از راهکارهای بالقوه تجاری برای کاهش نوسان میزان درآمد نیروهای فعال در دنیای تکنولوژی. استفاده از راهکارهای مالی که توسط ابزارالات و نرم افزارهای مدرن ارائه شده است می‌تواند زمینه را برای کمتر کردن آسیب‌های وارد شده به نیروهای کاری فراهم کند.

د: افزایش انعطاف‌پذیری قوانین حمایت اجتماعی به دلیل تغییر ساختار بازار کار یک ضرورت است

هـ: جستجو در توانمندی‌های بالقوه شبکه‌های تامین اجتماعی به منظور مشمول کردن شمار بیشتری از مردم در این شبکه

خ: در آخر هم معرفی یک نظام پرداخت حقوق جهانی یا منطقه‌ای به این منظور که همه مردم از یک حداقل دستمزدی برخوردار و در مدتی که برای همسو شدن با نیازهای تازه بازار زمان صرف می‌کنند بتوانند نیازهای خود را تامین کنند.

◆ کلام آخر

باید در نظر داشت که هم اکنون فرصت بی‌نظیری در دنیا ایجاد شده است که به فعالان اقتصادی امکان می‌دهد ساختار تازه اقتصاد را شکل دهند و زندگی نسل‌های آینده را بهتر از زندگی نسل‌های کنونی کنند. امروز که شرایط اقتصادی پیش رو برای ما مشخص است برای مواجهه با آن باید آماده شویم و در نظر داشته باشیم که زمانی که روند تغییرات در جهت چهارمین انقلاب صنعتی تسریع شود دیگر فرصتی برای همراه شدن با این تغییرات نداریم. به همین دلیل باید از همین امروز برای تغییرات آماده شویم.

کار تغییر کرده است و مردم در صورتی می‌توانند در این بازار کسب معاش کنند که نیازهای این بازار را پاسخ گویند.

ج: تمرکز روی ایجاد یک اکوسیستم فراگیر و پویا برای ایجاد شغل یک ضرورت است. اصلاح نظام سیاست‌گذاری و قوانین کار در میان بخش خصوصی و دولتی به گونه‌ای که هم با ساختارهای تازه هماهنگ شوند و هم بتوانند پاسخگوی نیازهای بازار باشند می‌تواند به اصلاح وضعیت کمک بیشتری بکند.

چ: ایجاد معیارهای تازه برای درک بهتر بازار کار جدید هم می‌تواند کمک بزرگی به مدیریت اصولی تر در بازار بکند. بدون شک با تغییر ساختار بازار کار دیگر نمی‌توان از اصول و الگوهای قبلی برای ارزیابی آن استفاده کرد و در این وضعیت شناخت معیارهای تازه یک ضرورت است.

هـ: حصول اطمینان از این مساله که کارهای تازه‌ای که ایجاد شده اند مشاغل با کیفیت و مفیدی هستند. در ضمن یافتن یکروشی برای ایجاد مشاغل در فضای آنلاین به منظور همسو شدن با ساختارهای مالی و اقتصادی و

مردم موافق جهانی سازی هستند

نظر سنجی مجمع جهانی اقتصاد

در مورد اصول اولیه و مهم جهانی سازی

نمونه دونالد ترامپ رئیس جمهوری آمریکا است که بارها اعلام کرد ما آمریکا را در صدر اولویت قرار می دهیم و به دنبال افزایش تعرفه های تجاری تلاش کرد تا در مقابل سیاست های جهانی سازی ایستادگی کند. اما جالب اینجاست که در میان افراد مورد مطالعه، اکثریت مردم طرفدار همکاری کشورها با هم بودند. ۷۲ درصد از افراد مورد مطالعه اعلام کردند که باید کشورها از یکدیگر حمایت کنند تا بتوانند زمینه را برای رشد همه گیر اقتصادی فراهم کنند زیرا توجه به یک کشور خاص مانع از این مساله می شود که فرصت رشد همه جانبه در دنیا فراهم شود.

مردم کشورهای جنوب آسیا بیش از دیگر ساکنان کره زمین بر این باور بودند که کشورها در مقابل دیگر کشورهای دنیا مسوولیت دارند. سهم افرادی که این دیدگاه را داشتند در کشورهای جنوب آسیا برابر با ۹۴ درصد بود در حالی که تنها ۶۱ درصد از مردم آمریکای شمالی موافق حمایت کشورشان از دیگر کشورها بودند. ۶۹ درصد از ساکنان خاورمیانه و شمال آفریقا موافق حمایت کشورشان از دیگر کشورهای دنیا و کمک به آنها بودند.

افزایش پوپولیسم و ملی گرایی به معنای کمرنگ شدن اصول جهانی شدن است که می تواند مهم ترین دستاورد قرن جاری را با مشکل روبرو کند. مجمع جهانی اقتصاد در یک مطالعه جامع اقدام به بررسی این مساله کرده است که مردم دنیا در مورد جهانی سازی و تبعات اقتصادی و اجتماعی آنچه نظری دارند. این بررسی در آستانه چهارمین انقلاب صنعتی در دنیا انجام شده است و یکی از جامع ترین نظرسنجی هایی است که اخیرا انجام شده است.

برای تهیه این گزارش از بالغ بر ۱۰ هزار نفر از مردم دنیا که ساکن ۲۹ کشور دنیا بودند سوالاتی پرسیده شد. این سوالات شامل تاثیر تکنولوژی روی زندگی آنها و آینده بازار کار می شود و وضعیت آموزش و تحرکات اقتصادی را نیز دربر دارد. بخشی از این سوالات در حوزه های اجتماعی و محیط زیست است که ما در این گزارش به آنها نمی پردازیم و تنها مسایل مطرح شده در حوزه اقتصادی و صنعتی و جهانی سازی را مطرح می کنیم.

♦ اول: جهانی سازی یا ملی گرایی

در سال های اخیر شمار زیادی از سران کشورهای صنعتی با شعارهای پوپولیستی و ملی گرایانه روی کار آمده اند. بارزترین

از ابتدای قرن بیست و یکم میلادی، جهانی سازی در دنیا با سرعت زیادی رشد کرد و حتی بسیاری از تحلیل گران اقتصادی از ایجاد دیدگاه جهانی سازی و تجارت آزاد به عنوان اصلی ترین و مهم ترین دستاورد قرن بیست و یکم نام می بردند. دستاوردی که اخیرا توسط شماری از سران کشورهای صنعتی به چالش کشیده شده است.

رئیس جمهور آمریکا یکی از این سران است که با افزایش تعرفه های تجاری و مانع تراشی در مقابل تجارت آزاد، دستاوردهای جهانی سازی را کمرنگ کرد. او با دیدگاه های پوپولیستی روی کار آمد و بسیاری از توافقات تجاری و اقتصادی را از بین برد. البته این دیدگاه های پوپولیستی تنها در آمریکا رواج پیدا نکرده است بلکه در شمار زیادی از کشورهای دنیا مشاهده می شود. بسیاری بر این باور هستند رواج این قبیل دیدگاه ها نشانه ای از چهارمین انقلاب صنعتی و تلاش جهانیان برای مقابله با تحولات منفی این انقلاب است. بدون شک انقلاب صنعتی که زمینه ساز تغییرات زیادی در ساختارهای مالی و اقتصادی در جهان می شود، سیب های مالی زیادی را به کشورها وارد می کند و برخی از کشورهای صنعتی برای مقابله با این تاثیرات منفی و مخرب از همراه شدن با آن می پرهیزند.

به نظر شما کشورتان مسوولیت دارد به کشورهای دیگر کمک کند؟

WORLD ECONOMIC FORUM

GLOBALIZATION 4.0



Source: Qutritics

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

♦ دوم: مهاجرت

یکی از مسائلی که این روزها بیش از پیش مورد توجه رهبران سیاسی قرار دارد، مهاجرت و تبعات آن روی زندگی مردم است. برخی بر این باورند که مهاجران به ساختار جامعه آسیب وارد می کنند و قدرت ملی را از بین می برند ولی برخی دیگر با این دیدگاه مخالف هستند. در مجموع ۵۷ درصد

آمریکای شمالی حضور مهاجران را برای اقتصاد کشورشان مثبت ارزیابی کردند در حالی که ۴۰ درصد از مردم اروپای شرقی و آسیای مرکزی و ۴۶ درصد از مردم اروپای غربی به مهاجرت دید مثبت داشتند. ۶۰ درصد ساکنان خاورمیانه از مهاجرت به عنوان یک عامل مثبت در اقتصاد کشورشان نام برده.

از افراد مورد مطالعه اعلام کردند وجود مهاجران برای اقتصاد کشورشان مثبت است. در میان مناطق دنیا بیشترین حمایت از حضور مهاجران در کشورهای آمریکای شمالی و آسیای جنوبی انجام شد و کشورهای اروپایی کمترین حمایت را از حضور مهاجران داشتند. طبق این گزارش ۷۳ درصد از مردم آجنوبی و ۶۶ درصد از مردم

سوال: به نظر شما، آیا ورود مهاجران به کشور شما برای اقتصاد کشورتان خوب است؟

WORLD ECONOMIC FORUM

GLOBALIZATION 4.0



Source: Qualtrics

♦ سوم: آیا کشورها می توانند همپای هم رشد کنند

سومین مساله مطرح شده این است که آیا کشورها می توانند همپای هم رشد کنند یا رشد شماری از کشورها مانع از رشد دیگر کشورها می شود. در این سال ها بارها عنوان شد که برخی از کشورها منابع دیگر کشورها را استفاده می کنند تا رشد کنند و بقیه نمی توانند همپای آنها توسعه را تجربه کنند. کشورهایی که دارای تکنولوژی و دانش روز هستند در این دسته از کشورها جای

اقتصادی بودند زیرا بر این باورند ضعف اقتصادی در یک کشور بدون شک تبعات مخربی روی اقتصاد دیگر کشورها بر جای می گذارد. بر مبنای داده های ارایه شده ۸۰ درصد از مردم دنیا موافق همکاری و مشارکت و رشد فراگیر اقتصادی بودند و این حمایت در میان کشورهای آمریکای لاتین، آسیای شرقی و پاسیفیک، آمریکای شمالی و کشورهای جنوب آسیا بیش از دیگر مناطق بود. در میان کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ۷۶ درصد از مردم با این دیدگاه هم جهت بودند.

می گیرند ولی اگر کشورهای دارای تکنولوژی با دیگر کشورها همکاری کنند و آنها را از این تکنولوژی های بهره مند کنند، نه تنها خودشان رشد می کنند بلکه فرصت رشد را در اختیار دیگران هم قرار می دهند. به تعبیر دیگر آیا کشورها در اقتصاد دنیا با هم رقیب هستند یا اینکه می توانند با همکاری و مشارکت با هم در مسیر رشد اقتصادی گام بردارند و همه از این رشد بهره مند شوند. جالب اینجاست که اغلب مردم دنیا موافق مشارکت و رشد فراگیر

به نظر شما تمامی کشورها می توانند همزمان رشد کنند یا اینکه اگر شماری از کشورها رشد کردند بقیه کشورها با وخامت شرایط روبرو می شوند؟

WORLD ECONOMIC FORUM

GLOBALIZATION 4.0



Source: Qualtrics

◆ چهارم: آیا پیشرفت‌های تکنولوژی به نفع اقتصاد است

چهارمین انقلاب صنعتی را می‌توان در نتیجه پیشرفت‌های سریع تکنولوژی و تأثیر آن روی زندگی مردم دانست. در سال‌های اخیر سرعت پیشرفت‌های تکنولوژی در دنیا بسیار بالا بوده است و این مساله باعث شد تا ساختارهای اقتصادی و مالی با سرعت بسیار بالایی تغییر کند. امروزه ما تأثیر این تغییرات را در زندگی خود شاهد هستیم. تمامی وسایل تازه‌ای

سوال شده است که آیا تغییرات تکنولوژیکی تأثیر مثبتی روی زندگی آنها داشته است یا خیر؟ جالب اس نجاست که اغلب افراد مورد مطالعه بر این باور هستند که اثرات مثبت پیشرفت‌های تکنولوژیکی روی اقتصاد کشورها بیش از اثرات منفی آن بوده است ولی شمار زیادی از مردم هم اعلام کردند که تأثیرات مثبت آن معادل تأثیرات منفی آن بوده است و به همین دلیل نمی‌توان این تحول را مثبت و تأثیرگذار روی رشد اقتصادی کشور ارزیابی کرد.

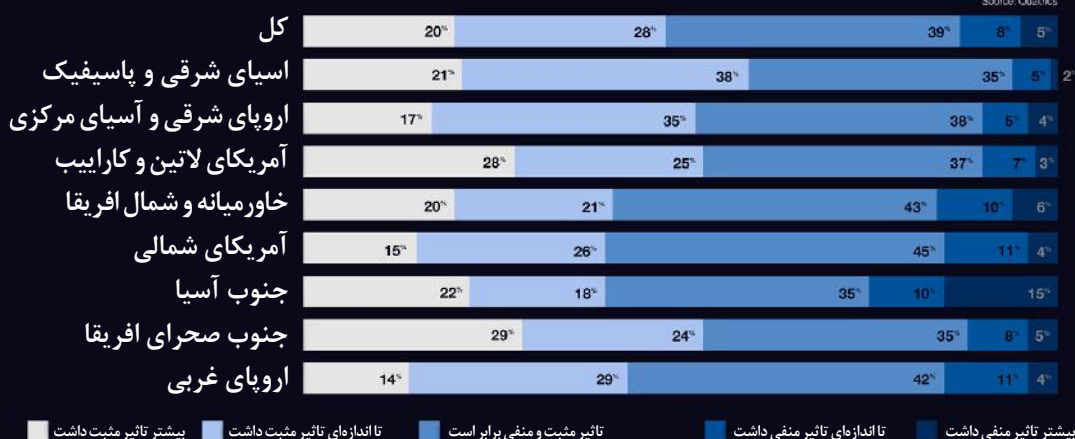
که در زندگی روزمره در دسترس داریم و تغییراتی که در بازار کار ایجاد شده است همه نشانه این تحولات است. یک بررسی اجمالی در زندگی روزمره امروز با زندگی گذشتگان نشان می‌دهد که این پیشرفت‌ها تأثیر مثبت زیادی در زندگی داشته است و امروزه ما کارها را سریع تر و ساده تر انجام می‌دهیم. اما برای اینکه نظر مردم ساکن در کشورهای مختلف پرسیده شود، مجمع جهانی اقتصاد این سوال را در نظرسنجی خود گنجانده است. در این مطالعه از مردم

GLOBALIZATION 4.0

WORLD ECONOMIC FORUM

به نظر شما پیشرفت‌های تکنولوژیکی تأثیر مثبتی روی جامعه و اقتصاد کشور داشته است یا تأثیر منفی؟

Source: Qualtrics



پیشرفت‌های تکنولوژیکی روی بازار کار ایجاد می‌کند و این مساله باعث نگرانی شمار زیادی از کارگران شده است. ولی بررسی‌ها نشان داد که کارگران کشورهای جنوب آسیا بیش از دیگران نگران این مساله هستند و کارگرانی که در کشورهای صنعتی کار می‌کنند اعتقاد ندارند که ربات‌ها می‌توانند جایگزین آنها شوند یا حداقل این اتفاق در آینده نزدیک نمی‌افتد.

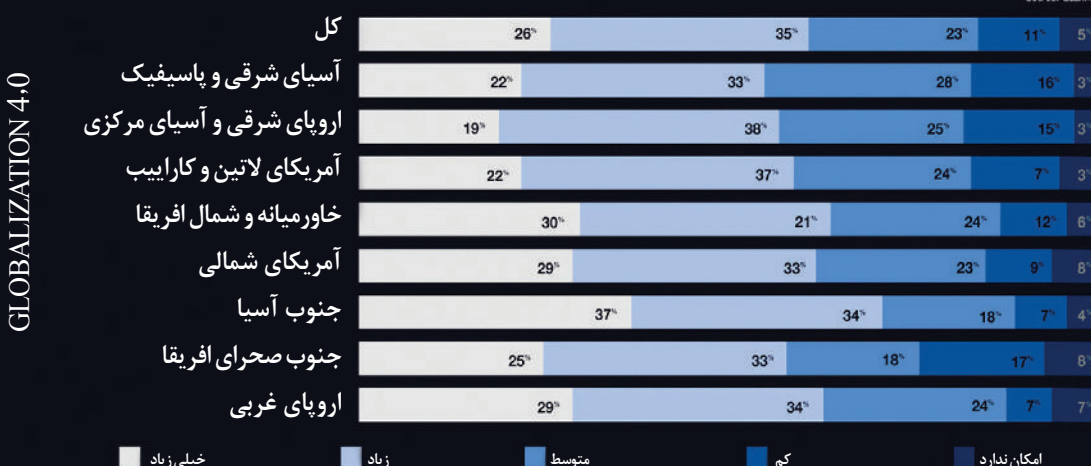
مطالعات زیادی در مورد بازارهای کاری آینده انجام شده است که این مطالعه‌ها نشان می‌دهد بخش زیادی از مشاغل که این روزها در بازار وجود دارد از بین خواهد رفت و مشاغل تازه‌ای ایجاد می‌شود که برای کار در این حوزه‌های تازه باید از همین امروز مهارت‌های لازم آموزش داده شود. در واقع یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین مباحث تغییراتی است که این

◆ پنجم: آیا ربات‌ها جای انسان را می‌گیرند
با افزایش استفاده از ربات‌ها در بخش‌های مختلف صنعتی، این نگرانی در میان شمار زیادی از کارگران ایجاد شده بود که در آینده‌ای نه چندان دور ربات‌ها جایگزین انسان‌ها می‌شوند. هم اکنون هم بخش زیادی از کارهای فیزیکی توسط ربات‌ها انجام می‌شود و در آینده هم سهم ربات‌ها در بازار کار بیشتر می‌شود.

به نظر شما تا ۵ سال آینده چقدر احتمال دارد که ربات‌ها کار شما را انجام دهند؟

WORLD ECONOMIC FORUM

Source: Qualtrics



یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



◆ ششم: دولت باید فرصت‌های برابر برای همه ایجاد کند

توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی یا امکان دسترسی مردم دنیا به فرصت‌های برابر مسائل‌های است که بارها مورد بحث قرار گرفته است. در بسیاری از مقالات اقتصادی بیان شد که دلیل نابرابری‌های اقتصادی در دنیا این نیست که مردم توانایی‌های مختلفی دارند بلکه دلیل اصلی این است که فرصت‌های برابری در اختیار آنها نیست و عدم وجود فرصت‌های برابر باعث شده است تا نتوانند رشد کنند. در جریان جهانی‌سازی، این دیدگاه مطرح شده است که افراد متناسب با توانایی‌های خود

از فرصت‌های اقتصادی بهره‌مند می‌شوند ولی شواهد نشان داده است که هنوز در این زمینه موفقیت‌های کافی وجود ندارد. مجمع جهانی اقتصاد در گزارش خود نوشت: مزایای جهانی‌سازی نصیب همه نمی‌شود مگر اینکه سیاست‌های دولتی به گونه‌ای به کار گرفته شود که همه بتوانند از فرصت‌های اقتصادی برخوردار شوند و متناسب با توانمندی‌های خود از این فرصت‌ها استفاده کنند. تنها در این صورت است که می‌توان انتظار داشت جهانی‌سازی نتیجه مطلوب را به همراه داشته باشد. در راستای تحقق این هدف هم دولت‌ها نقشی کلیدی دارند زیرا این دولت‌ها هستند که امکان توزیع عادلانه فرصت‌های اقتصادی و آموزشی را فراهم می‌کنند. در سال‌های اخیر شمار زیادی از مردم بر این باور بودند که در جریان جهانی‌سازی منفعتی کسب نکرده‌اند و مزایای آن تنها نصیب طبقات بالای اقتصادی شده است. آنها ضعف سیاست‌گذاری‌های دولتی را عامل اصلی این مساله می‌دانند زیرا معتقدند امکان دسترسی به فرصت‌های اقتصادی برای همه فراهم نیست. حال در این نظر سنجی از مردم سوال شد که آیا قوانین تازه‌ای مورد نیاز است تا فرصت‌های اقتصادی به طور برابر در اختیار همه قرار بگیرد یا اینکه قوانین کنونی کافی است؟

GLOBALIZATION 4.0

WORLD
ECONOMIC
FORUM

عملکرد دولت شما در توزیع فرصت‌های اقتصادی در جریان جهانی چگونه بوده است؟
آیا دولت بیش از حد کار کرده است یا تلاش‌های کافی انجام داده یا باید بیشتر تلاش کند؟

Source: Qualtrics





مهارت‌های لازم برای بازار کار آینده را کسب کنید

کلید موفقیت در همکاری دولت و بخش خصوصی است

بررسی قرار گرفت و بر این نکته تاکید شد که این همکاری می‌تواند هزینه ایجاد مهارت‌های تازه و مورد نیاز نیروی کار را کاهش دهد و سرعت آماده‌سازی آنها برای اشتغال در بازار کار آینده را بیشتر کند. مجمع جهانی اقتصاد در گزارشی که بعد از اتمام این پنل تهیه کرد نوشت: با ظهور تکنولوژی‌های جدید و به کارگیری آنها در فضاهای کاری ساختار بازار کار در دنیای آینده شکل تازه‌ای به خود می‌گیرد. هم اکنون در صنایع مختلف ما شاهد به کارگیری هوش مصنوعی و توسعه اتوماسیون هستیم و نگرانی اصلی بسیاری از مردم اینجاست که نوآوری‌های تازه ایجاد شده در دنیای تکنولوژی چه تاثیری روی ساختار بازار کار دارد و وضعیت مردمی که امروز به عنوان نیروی کار مشغول هستند در دنیای آتی چیست؟

این نگرانی تنها مخصوص مردم و نیروی کار نیست بلکه دولت‌ها هم در سال‌های اخیر درگیر این مساله شده‌اند. اهمیت آماده‌سازی نیروی کار برای بازار کار آینده به اندازه‌ای زیاد است که اخیراً کاخ سفید طرحی ارائه داد و به موجب آن کارمندان دولتی کنونی مهارت‌های تازه‌ای که برای ادامه کار در دولت نیاز دارند را کسب کنند. مهارت‌های متناسب با تغییرات سریع تکنولوژی و پیشرفت در دنیای آنلاین. اما در همین طرح بر ضرورت کسب مهارت‌های تازه توسط تمامی نیروهای کاری تاکید شد و به این نکته اشاره شد که هزینه آماده‌سازی هزاران و حتی میلیون‌ها نیروی کار برای کار در دنیای مدرن بسیار زیاد است و بدون همکاری بخش خصوصی نمی‌توان فضا را برای این تحول بزرگ آماده کرد.

مجمع جهانی اقتصاد تاکید کرد اگر بخش خصوصی و دولتی با هم برای آماده‌سازی نیروی انسانی سرمایه‌گذاری کنند، هزینه این کار برای هر بخش کمتر می‌شود و نیروها با سرعت بالاتری برای کار در دنیای مدرن آماده خواهند شد.

در اجلاس سال ۲۰۱۹ میلادی یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث چهارمین انقلاب صنعتی در دنیا و تاثیر آن روی مهارت‌ها و بازار کار و نوع مشاغل بود. در اغلب پنل‌های برگزار شده در این اجلاس صحبت در این مورد بود که در جریان چهارمین انقلاب صنعتی دنیا با کمبود نیروی با مهارت و توانمند روبرو می‌شود و این مساله روی رشد اقتصادی دنیا و آینده بازار کار تاثیر منفی دارد. زیرا مهارت‌هایی که مردم در این روزها دارند و از طریق آن امرار معاش می‌کنند در سال‌های آتی دیگر کاربردی نخواهد داشت و ماشین‌ها و تجهیزات مجهز به هوش مصنوعی بخش زیادی از کارهایی که انسان‌ها در این روزها انجام می‌دهند را برعهده خواهند گرفت.

یکی از مهم‌ترین پنل‌های برگزار شده در این زمینه؛ پیش به سوی انقلاب ایجاد مهارت‌های تازه: آینده بازار کار در دنیا؛ نام داشت که در جریان این پنل کارشناسان روش‌های نوآورانه‌ای را برای ایجاد مسیری هموار برای نیروی کار در مسیر همسو شدن با نیازهای جدید و کسب مهارت‌های تازه پیشنهاد دادند. این راه هموار از طریق همکاری بخش خصوصی و دولتی در جهت آماده‌سازی انسان‌ها برای وارد شدن به عرصه تازه صنعتی دنیا ایجاد شد و نشان داد که تنها در صورتی می‌توان نتیجه مطلوب از این مسیر حاصل شود که بخش خصوصی نقش فعال‌تری در اقتصاد برعهده بگیرد و سهم خود را از آموزش نیروهای انسانی بر عهده بگیرد. تعریف فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی نیروی کار توسط بخش خصوصی اهمیت زیادی دارد و می‌تواند تصویر درستی در مورد آینده صنعت در بازار کار در اختیار آنها قرار دهد.

همکاری و مشارکت بخش خصوصی و دولتی در سال‌های اخیر در اجلاس داووس مطرح شده است. در سال ۲۰۱۹ میلادی هم این همکاری و ضرورت توسعه آن در پنل‌ها و جلسات مختلف مورد

یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم

بسیاری این سوال را مطرح می‌کنند که اگر صاحبان مشاغل خصوصی برای این مهارت‌آموزی‌های تازه سرمایه‌گذاری کنند، چه منافعی نصیب آنها می‌شود. آیا نتیجه این هزینه صرف شده روی میزان درآمد آنها به زودی مشاهده می‌شود یا اینکه چنین اتفاقی نمی‌افتد؟

مجمع جهانی اقتصاد در گزارش خود نوشت: صاحبان مشاغل تنها در صورتی می‌توانند در این مسیر حرکت کنند که هزینه‌های کارهای متفرقه را کاهش دهند و در نظر داشته باشند که در طول دوره آموزش امکان افت بهره‌وری در فرایند تولید آنها وجود دارد. از طرف دیگر اگر بخواهند خود را با ساختارهای تازه تکنولوژی و تولید همسو کنند باید علاوه بر سرمایه‌گذاری روی مهارت‌های نیروی کار، برای تامین تجهیزات تازه هم سرمایه‌گذاری کنند که این مسائل‌های بسیار مهم است. مجمع جهانی اقتصاد مدلی برای این مهارت‌آموزی‌های جدید به خصوص در بخش دولتی طراحی کرده است. طبق این مدل اگر دولت آمریکا بخواهد فرایند مهارت‌آموزی برای نیروی کار بخش دولتی را آغاز کند، نیاز به سرمایه‌ای بالغ بر ۱۹.۹ میلیارد دلار دارد که ۷۷ درصد از نیروهای خود را آموزش دهد. طبق گزارش‌های رسمی دولت آمریکا ۷۷ درصد از نیروهای فعال در بخش‌های مختلف دولتی مهارت‌های لازم برای کار در دنیای امروزی را ندارند و تنها با صرف این سرمایه‌ها است که می‌توانند با نیازهای بازار کار آتی همسو شوند. ولی اگر بخش خصوصی هم در این زمینه با دولت همکاری کند هم سرعت کسب مهارت‌های تازه در جامعه بالا می‌رود و هم برآیند این تغییر روی ارزش تولید ناخالص داخلی اقتصاد بیشتر می‌شود.

طبق این گزارش بخش خصوصی در آمریکا تنها نیاز به سرمایه‌گذاری ۴.۷ میلیارد دلاری دارد تا با این سرمایه ۲۵ درصد از نیروی کار فعال در بخش خصوصی مهارت‌های تازه را کسب کنند. اگر بخش دولتی و بخش خصوصی با هم همکاری کنند می‌توانند کارایی این طرح را ارتقا دهند و بازدهی بیشتری را ایجاد کنند.

سادیا زاهدی مدیر کل مجمع جهانی اقتصاد و رئیس مرکز مطالعات اقتصاد و جامعه تازه در این مورد می‌گوید: بدون شک اگر طرح آموزش مهارت‌های تازه در کشورها به طور هماهنگ بین بخش خصوصی و دولتی اجرا شود بیشترین بازدهی را دارد. به نظر من اجرای ترکیبی از سه روش زیر در این زمینه ضروری است تا نتیجه مطلوب حاصل شود. اول اینکه شرکت‌ها باید همکاری نزدیکی را با یکدیگر آغاز کنند تا هزینه‌هایی این آموزش را تقلیل دهند. ایجاد دوره‌های مشترک می‌تواند هزینه‌های جانبی طرح را کاهش دهد و مزایای زیادی دارد. دوم اینکه دولت‌ها و مالیات‌دهندگان باید به موضوع سرمایه‌گذاری در بخش آموزش به صورت جدی نگاه کنند و آن را برای دنیای آینده ضروری قلمداد کنند. در این صورت است که وقتی دولت از بودجه خود برای آموزش مهارت‌های تازه نیروی کار استفاده می‌کند، با انتقاد مردم و مالیات‌دهندگان روبرو نمی‌شود. در آخر باید دولت در کشورهای مختلف با شرکت‌های خصوصی در این زمینه همکاری کند تا بهترین نتیجه حاصل شود.

♦ مهارت‌های مورد نیاز کدامند

در پنل مهارت‌های مورد نیاز قرن بیست و یکم مهم‌ترین مهارت‌هایی که باید در نیروی کار ایجاد شود، این‌طور تعریف شد: اولین و اصلی‌ترین مهارت معماری داده‌های بزرگ و تحلیل آنها است. این کاری است که توسط نیروی‌های کاری کنونی به سختی انجام می‌شود و تعداد کمی در دنیا از این مهارت برخوردار هستند ولی نیاز به این مهارت در سال‌های آتی بیشتر و بیشتر می‌شود. دومین مهارت مورد نیاز تکنسین‌های اتوماسیون است زیرا ماشین‌ها بخش زیادی



طبق گزارش وزارت کار آمریکا طی یک دهه آینده ۱.۳۷ میلیون نفر از نیروی کاری در آمریکا به دلیل ظهور تکنولوژی‌های تازه کار خود را از دست می‌دهند. هزینه ایجاد مهارت‌های تازه در این افراد بالغ بر ۳۴ میلیارد دلار است به تعبیر صحیح تربی برای آماده‌سازی هر فرد برای کار در دنیای مدرن باید ۲۴ هزار و ۸۰۰ دلار سرمایه‌گذاری شود که این مبلغ بسیار زیادی است. بعضا این سوال مطرح می‌شود که چرا به جای آموزش نیروهای کاری اقدام به اخراج آنها و استخدام نیروهای دارای مهارت مورد نیاز نمی‌شود. مجمع جهانی اقتصاد در پاسخ به این سوال اعلام کرد در درجه اول بالغ بر ۷۷ درصد نیروهای شاغل در بخش‌های دولتی این مهارت‌های تازه را ندارند و امکان اخراج ۷۷ درصد از نیروها وجود ندارد. ضمن اینکه سهم افرادی که خارج از دولت کار می‌کنند و از این مهارت‌های تازه برخوردار هستند هم بسیار کم است به این معنا که این افراد نمی‌توانند هم نیاز بخش خصوصی و هم نیاز دولت را تامین کنند. در این شرایط آموزش نیروها برای کسب مهارت‌های تازه و همکاری بخش دولتی و خصوصی در این زمینه تنها راه مواجهه با این بحران است. ضمن اینکه فرصت نزدیک‌تر شدن این دو بخش مهم اقتصاد را فراهم می‌کند.

بدون شک این پرداخت این هزینه توسط دولت آمریکا و دیگر دولت‌ها بسیار سخت است و موجب می‌شود تا فشار زیادی به بودجه جاری کشورها وارد شود. در این وضعیت راه حل اصلی مشارکت بخش خصوصی و بخش دولتی برای اصلاح این معضل است و استراتژی‌هایی هم برای این همکاری پیشنهاد شده است.

♦ هزینه‌ها را در نظر بگیرید

یکی از موانعی که در مسیر برنامه‌های مهارت‌آموزی تازه نیروی کار وجود دارد، سخت بودن فرایند ارزیابی فایده و هزینه این طرح است.

♦ استراتژی ایجاد مهارت تازه در نیروی کار

اولین و اصلی‌ترین استراتژی، ایجاد یک نقشه جامع و کامل برای مشاغل مورد نیاز است. با ایجاد این نقشه جامع است که کارآفرینان و سهامداران بزرگ در صنایع و مشاغل مختلف می‌توانند شکاف‌های موجود بین مهارت‌های موجود در نیروهای کاری و مهارت‌های مورد نیاز را دریابند. این آگاهی به آنها امکان می‌دهد که مدیران را آموزش بدهند و شرایط را برای آنها تشریح کنند. آنها هم با اطلاعات تازه‌ای که دریافت کرده‌اند خواهند توانست برنامه‌های هدفمندی برای آموزش مهارت‌های تازه و مورد نیاز در نیروهای خود ایجاد کنند. گزارش‌ها نشان می‌دهد هم اکنون شماری از شرکت‌های بزرگ خصوصی از قبیل وال مارت و گروه بانکی لویده برنامه‌های آموزش مهارت‌های تازه به نیروهای خود را آغاز کرده‌اند و نقشه‌هایی در مورد مشاغل مختلف مورد نیاز برای افراد فعال در صنعت هوا و فضا و صنعت توربین و صنایع ارایه دهنده خدمات مالی و صنعت نفت و گاز تهیه شده است ولی هنوز مهارت‌آموزی به نیروها در این صنایع شروع نشده است.

به عنوان مثال شرکت وال مارت یک اکادمی ایجاد کرده است و و ۷۲۰ هزار نفر نیروی کار خود را در لیست افراد نیازمند برای کسب آموزش‌های لازم قرار داده است. این افراد در حوزه‌های مختلف مدیریتی و خدماتی آموزش می‌بینند و اگر سمت و موقعیت شغلی آنها تغییر کند باید هر دو سال یک بار دوره‌های آموزشی تازه را طی کنند. شرکت لورال کشور فرانسه هم از هزار نفر از مدیران برجسته خود خواسته است تا نقشه راه برای توسعه دیجیتالی شرکت را طراحی کنند و فضای بازترو خلافت‌تری را بوجود آورند و بانک لویده هم متعهد شده است که در مجموع ۴.۴ میلیون ساعت آموزش مهارت‌های تازه را در برنامه خود قرار دهد تا از این طریق نیروهای کاری با کار در دنیایی که هوش مصنوعی بخش زیادی از مسوولیت‌ها را برعهده گرفته است آشنا شوند.

در شرایطی که شرکت‌های خصوصی چنین برنامه‌هایی را اجرا کرده‌اند، تدوین قوانین خاص به منظور توسعه چنین طرح‌هایی و اجرای آن در سطح یک بخش از اقتصاد یا صنعت می‌تواند نتایج مطلوبی به همراه داشته باشد و از آسیب‌پذیر شدن مردم در جریان چهارمین انقلاب صنعتی در دنیا بکاهد.

از کارها را انجام می‌دهند و انسان‌ها تنها با داشتن نقش تکنسین در این بازار مشغول خواهند شد.

مهندسان فعال در بخش انرژی‌های احیا شدنی و مهندسان اتوماسیون از دیگر مشاغل مورد نیاز در قرن بیست و یکم هستند و متخصصان توسعه سازمانی هم در این رده بندی جایگاه پنجم را دارند.

اما از جمله مشاغل و مهارت‌هایی که در سال‌های پیش رو دیگر نیازی به آنها نیست می‌توان به گردآورندگان تیم‌ها، منشی‌ها و نیروهای کاری دفتری و اداری به استثنای نیروهای فعال در دولتی و پزشکی و حقوقی، بازرسان، تهیه‌کنندگان تجهیزات برای ماشین‌آلات حفاری و اپراتورها و تهیه‌کنندگان اسناد مناقصات را می‌توان نام برد.

به تعبیر صحیح‌تر در سال‌های پیش رو مشاغلی بیشتر کارایی دارد که نیاز به قدرت تحلیل و مهارت‌های سطح بالا دارد زیرا ماشین‌آلات بخش زیادی از کارهایی که امروزه انسان‌ها انجام می‌دهند را برعهده می‌گیرد ولی مهارت‌های سطح بالای علمی و تخصصی به خصوص در زمینه انرژی‌های پاک و ای‌تی همچنان مورد نیاز خواهد بود.

مهارت‌هایی که مورد نیاز است و مهارت‌هایی که دیگر به آنها نیازی نیست	
مهارت‌های مورد نیاز	مهارت‌هایی که به آنها نیازی نیست
معماران داده‌های بزرگ	گردآورندگان تیم‌های کاری
تکنسین‌های اتوماسیون	منشی و نیروهای دفتری
مهندسان در زمینه انرژی‌های نو	بازرس
مهندسان اتوماسیون	اپراتورهای ماشین‌آلات حفاری و باکسینگ
متخصصان توسعه سازمان	مونتاژ کاروسایل الکترونیکی
متخصصان تکنولوژی‌های نو	اپراتورهای ماشین‌آلات برنامه ریزی
متخصصان ای تی	وارد کنندگان داده‌ها
متخصصان تغییرات و تحولات دیجیتال	کتاب دار و حسابدار
مدیر پروژه‌ای تی	دریافت کننده وجه در فروشگاه‌ها
تحلیل گر داده	اپراتور ماشین‌آلات تولید کالاهای کاغذی



یادداشت

نکوداشت

انتخابات نهم

روزهای ایران

اخلاق

بودجه ۹۸

شرح صدر

چالش جمعیت

هوش مصنوعی

بازارها

انقلاب چهارم



بسمه تعالی

ماهنامه تخصصی اتاق بازرگانی، متعلق به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با هدف اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به فعالان بخش خصوصی و پیشبرد اهداف کلان اقتصادی کشور به صورت منظم و ماهیانه منتشر می گردد.

این نشریه بر اساس سیاست های بالادستی اتاق بازرگانی ایران در جهت انعکاس اخبار، فعالیت و خدمت رسانی به اعضای محترم اتاق و صاحبان کارت بازرگانی و ارسال مستقیم برای مشترکین و صاحبان مشاغل، کلیه اتاق های سراسر کشور و با تیراژ بالا و مطلوب در کیوسک های مطبوعاتی نیز توزیع می گردد.

این نشریه ضمن ارتباط دوسویه و مستقیم میان اعضا و اتاق ایران، زمینه انعکاس نظرات دیدگاه های نخبگان اقتصادی و صاحب نظران را فراهم می آورد.

تعارف آگهی سازمان آگهی های ماهنامه اتاق بازرگانی

پشت جلد..... ۱۰ میلیون تومان	صفحه داخلی..... ۲ میلیون تومان
پشت روی جلد..... ۷ میلیون تومان	گزارش ویژه..... ۵ میلیون تومان
صفحه ۳..... ۷ میلیون تومان	تخفیفات:
صفحه ۴..... ۵ میلیون تومان	■ پرداخت نقدی: ۱۰ درصد
پشت پشت جلد..... ۴ میلیون تومان	■ سه شماره متوالی: ۱۵ درصد
دو صفحه ماقبل پشت جلد (هر صفحه)..... ۳ میلیون تومان	■ شش شماره متوالی: ۲۰ درصد
دو صفحه روبروی وسط..... ۵ میلیون تومان	■ دوازده شماره متوالی: ۳۰ درصد

فرم اشتراک ماهنامه «نامه اتاق بازرگانی»

نام و نام خانوادگی مشترک:.....

تاریخ تولد:..... میزان تحصیلات:.....

تعداد نشریه مورد تقاضا و مدت اشتراک:.....

نشانی:.....

تلفن ثابت:..... تلفن همراه:.....

کد پستی:..... صندوق پستی:.....

به پیوست فیش بانکی به شماره..... و به مبلغ..... ریال

بابت حق اشتراک ماهنامه نامه اتاق بازرگانی از شماره..... ارسال می شود.

تاریخ:.....

امضاء:

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گیلان



واگذاری دفاتر تجاری ایران در آستاراخان روسیه

آدرس: رشت بلوار ولیعصر اتاق
بازرگانی و صنایع و معادن و
کشاورزی گیلان

تلفن: ۰۱۳-۳۳۷۵۷۰۳۷ و
۰۱۳-۳۳۷۵۷۰۳۸





پایگاه خبری اتاق ایران

مرجع اخبار روز

پارلمان بخش خصوصی



otaghiranonline.ir



[@otaghiranonline](https://t.me/otaghiranonline)



[iccima.ir](https://www.instagram.com/iccima.ir)



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران



اپلیکیشن اتاق

سامانه‌ی همراه فعالان اقتصادی ایران

چهارموت زین بازرگانان ایران من



با اپلیکیشن **اتاق** می‌توانید:

- در میان اطلاعات دارندگان کارت‌های بازرگانی جستجو و بازرگانان و مشتریان بالقوه را شناسایی کنید؛
- با فعالان اقتصادی ارتباط داشته و گروه‌ها و جلسات تجاری B2B تشکیل دهید؛
- در لحظه به اطلاعات اقتصادی، اخبار و گزارش‌های اتاق ایران دسترسی داشته باشید؛
- اعتبار کارت بازرگانی و گواهی مبدأ را استعلام بگیرید؛
- از فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور مطلع شوید و ...

اتاق را



دانلود کنید...

www.otagh.me